

۸ هزار واحد مسکونی از جمله
برای مسکین ساخته شد



امام: روحانیت باید حفظ حیثیت خودشان را بکنند

به گزارش فارس، امام خمینی (ره) در دیدار با روحانیان و علمای دین در مشهد، با اشاره به بحران روحانیت، تأکید کرد که روحانیت باید حیثیت خود را حفظ کند و در برابر فشارها و تهدیدها سرنگون نشود.

امام: از این نو مقله هیچ باکی نیست

آخرین خبرها از شکل گیری وشکست توپخانه کودتا

به گزارش فارس، در ادامه اخبار مربوط به کودتای ۲۸ مرداد، اعلام شد که توپخانه ارتش در جریان کودتا، با همکاری برخی واحدهای نظامی، اقدام به شلیک به مراکز دولتی و نظامی کرد.

مستوری
استاد
میری
ترویج
محمین است



۲۰ عامل کودتا
در همدان، اهلان اصلی
دستگیر شدند

دستگیر شدند
اهواز و تهران

توپخانه کودتا، حملات
به مراکز دولتی و نظامی

ممنوعیت و تظاهرات: امیر قیابالی

توپخانه و تظاهرات: امیر قیابالی

امام در شب آخر
کودتا حاضر شد
خانه اش را ترک کند

ممنوعیت و تظاهرات: امیر قیابالی

ممنوعیت و تظاهرات: امیر قیابالی

ممنوعیت و تظاهرات: امیر قیابالی

ممنوعیت و تظاهرات: امیر قیابالی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

کودتای نوژه

تهیه و تنظیم : امیر قربانی

منبع : نشریه الکترونیکی تاریخ سیاسی معاصر ایران (گذرستان)

تمام مطالب این کتاب از نشریه گذرستان بدون کلمه ای کم و کسر برداشته و عینا نقل شده است

وبلاگ : www.shiphistory.blogfa.com

فهرست مطالب

- ۶----- ارتباط آقای شریعتمداری با کودتای نوژه چه بود
- ۱۱----- بازخوانی اعترافات تیمسار محققى ، فرمانده کوتای نوژه
- ۱۷----- بازنگری پرونده کودتای نوژه
- ۲۵----- پارک لاله محل تجمع خلبانان کوتاچی
- ۳۰----- تحلیلی بر رخداد کودتای نوژه
- ۳۵----- خشی سازی کودتای نوژه به روایت رهبر انقلاب
- ۳۸----- شبکه نظامی ، سیاسی و مذهبی کودتای نوژه چه کسانی بودند
- ۴۸----- طرح عملیاتی کودتای نوژه
- ۵۷----- فرمان امام درباره نحوه رفتار با بازماندگان کودتای نوژه
- ۵۹----- کودتای نوژه ، مظهري از خصومت امریکا با انقلاب اسلامی
- ۶۶----- کودتای نوژه طرح مشترک سیا و بنی صدر
- ۷۲----- معرفی کتاب کودتای نوژه
- ۷۵----- نگاهی به رمان نقاب شیشه ای
- ۷۷----- نوژه ؛ شکست کودتا از درون
- ۸۰----- امشب قرار است کودتا شود...
- ۸۹----- بازخوانی کودتای نوژه
- ۹۳----- بختیار و کودتای نوژه

- ۱۰۰----- تاملی در یک کودتای نافر جام
- ۱۰۵----- خاطرات یک سردار
- ۱۱۴----- رابطه ی بنی صدر با واقعه ی طبس و کودتای نوژه
- ۱۲۳----- صباغیان : کا گ ب از کودتای نوژه مطلع بود
- ۱۳۰----- عربستان برای کمک به کودتای نوژه چک ۱۰ میلیون دلاری داده بود
- ۱۳۶----- کودتای نافر جام نقاب
- ۱۳۸----- کودتای نوژه از ابتدا تا انتها
- ۱۴۸----- کودتای نوژه و عوامل داخلی امریکا
- ۱۵۵----- نافر جامی نوژه
- ۱۷۰----- نگاهی دوباره به پرونده کودتای نافر جام پایگاه هوایی نوژه
- ۱۷۶----- سخن پایانی

ارتباط آقای شریعتمداری با کودتای نوژه چه بود؟

کودتای نوژه

آیت الله شریعتمداری یکی از چهره هایی است که به علت روحانی بودن و مواضع خود در برابر انقلاب همواره در قبل و بعد از انقلاب مورد توجه ساواک، دربار پهلوی و سفارت امریکا قرار داشت. ایشان در طول سال های شکل گیری نهضت انقلابی مردم ایران به رهبری امام خمینی(ره)، همواره روابط خود را با دربار حفظ کرد و به ویژه در سالها و ماه های پایانی عمر آن رژیم، نقشی جدی در ایجاد موانع گوناگون برای مهار حرکت خروشان انقلابی علیه حکومت محمدرضا برعهده گرفت، در این زمینه اسناد و مدارک متعددی وجود دارد و قابل دسترسی برای همگان می باشد، تأمل در برخی اسناد به جا مانده از ساواک درباره آقای شریعتمداری، به وضوح بیانگر این واقعیت است که مسئله ایشان صرفاً اختلاف نظر با حضرت امام در مورد دیدگاههای انقلابی نبوده است بلکه احراز موقعیت برتر حتی به قیمت تضعیف جایگاه دیگر علما و مراجع نیز مدنظر وی قرار داشته و این نکته می تواند بازتاب دهنده پاره ای خصائص اخلاقی ایشان نیز باشد. در گزارش یک مأمور ساواک که ملاقاتی با آقای شریعتمداری داشته است، در این باره چنین آمده است: «طبق قرار قبلی در ساعت ۲ روز ۴۸/۹/۲۹ با آقای شریعتمداری ملاقات و نتیجه مذاکرات به شرح زیر به استحضار می رسد:

۱- ابتدا نامبرده شمه ای از ناراحتیهای خود از اعمال و رفتار آقای گلپایگانی بیان داشته به این معنی که مشارالیه خود را در عموم مسائل فاعل مطلق دانسته و توقع دارد هر اقدامی برخلاف تصمیمات دولت می نماید، دیگران هم از او تبعیت کنند و روی همین اصول پس از افتتاح سینما به تنهایی برای درس حاضر نگردیده و روز بعد هم نماز نگذارد و انتظار داشته

من هم به تاسی از او همین کار را بکنم و بعد که دید من اقدام نکردم اشخاص دیگری را نزد من فرستاد و چون نتیجه نگرفت شخصاً به منزل شیخ مرتضی حائری رفته و از او خواسته که با من تماس حاصل کند که حتی برای یک روز هم که شده در درس طلاب حاضر نشده و نماز نگذارم و با این حال موافقت نکردم.

۲- آقای شریعتمداری اظهار داشت بهترین راه برای تضعیف و شکست گلبایگانی مخالفت با نمایندگان فعال ایشان در شهرهای مختلف می‌باشد و تقاضا داشت به نحو مقتضی نسبت به تغییر محل آنان اقدام شود که مراتب طی شماره ۲۱/۳۹۹۲- ۴۸/۱۰/۲ به استحضار رسیده.» (سیدحمید روحانی، شریعتمداری در دادگاه تاریخ، ص ۹۳)

این سند علاوه بر گفتنی‌های بسیاری که در مورد روابط آقای شریعتمداری و ساواک دارد، بیانگر نحوه موضع‌گیری در برابر دیگر مراجع برای تضعیف موقعیت آنها و کمک خواستن از رژیم برای نیل به این مقصود است. اساساً ارتباط دربار و آقای شریعتمداری، صرفاً یک ارتباط یکسویه و ناخواسته نبوده که به نوعی بر ایشان تحمیل شود، بلکه ماهیتی کاملاً دو سویه و مورد توافق و درخواست هر دو طرف این ماجرا داشته است، نگاهی به پاره‌ای واقعیت‌های بیان شده در خاطرات برخی از وابستگان به رژیم پهلوی می‌اندازیم. احمدعلی مسعود انصاری در خاطراتش به ارتباطات خود با آقای شریعتمداری که در زمان اوج‌گیری حرکت انقلابی مردم در سالهای ۵۶ و ۵۷ به منظور کنترل این حرکتها اشاره می‌کند. این اشارات بخوبی ماهیت ارتباط آقای شریعتمداری و دربار را بازگو می‌نماید: «پس از هرج و مرجی که در زمان دولت شریف‌امامی پیش آمد گفت به شاه بگویید باید محکم گرفت ... به هر حال ایشان خواستار اصلاحات، اما نه از طریق انقلاب و برهم خوردن نظام، بلکه در آرامش و به دست خود نظام بودند... می‌شود گفت که بین شاه و شریعتمداری تفاهمی به وجود آمده بود... قبل از بالا گرفتن موج انقلاب به من گفتند که خیال دارند حزبی به نام «حزب اسلامی» تأسیس کنند ... من عذرخواهانه گفتم: کمی صبر کنید اوضاع آرام شود و دولت نظامی هم برداشته شود. ولی آیت‌الله جواب داد: اعلام حکومت نظامی را به شاه تبریک بگو البته باید خیلی مواظب باشند کسی کشته نشود.» (پس از سقوط، خاطرات احمدعلی مسعود انصاری، انتشارات مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سپاه، صص ۸-۱۲۷)

طبیعتاً چنین ارتباطی، به صورت اتفاقی و ناگهانی برقرار نمی‌شود، بلکه دارای ریشه‌های عمیقی است که برای پی بردن به آن کافی است به «بدین بودن» حضرت امام به تأسیس دارالتبلیغ و ماهیت اهداف و عملکردهای آن دقت کافی صورت گیرد: «در این که امام واقعاً نسبت به دارالتبلیغ بدین بوده، تردیدی وجود ندارد.» (ص ۲۸۶) این بدینی نمی‌توانسته صرفاً به نوع و ظاهر کار دارالتبلیغ و مؤسس آن برگردد، بلکه ریشه در شناخت امام از شخصیت، افکار و اهداف آقای شریعتمداری داشته است. بر همین اساس ملاحظه می‌شود که در آستانه انقلاب این‌گونه رفتارهای آقای شریعتمداری و ارتباطات وی با دربار به منظور هماهنگی برای جلوگیری از به ثمر رسیدن نهضت انقلابی مردم به رهبری امام خمینی گسترده می‌شود. در این زمینه فرح دیبا نیز در خاطرات خود می‌نویسد: «آیت‌الله عظمی کاظم شریعتمداری در نگرانیهای همسر شریک بود. او تعصب خمینی را نمی‌پذیرفت و پیامهایی برای پادشاه می‌فرستاد و با ذکر نام روحانیون افراطی تقاضای دستگیریشان را می‌کرد. او معتقد بود که تظاهرات با ساکت کردن این افراد به پایان خواهد رسید. من این فهرست را دیده بودم.» (کهن دیارا، فرح دیبا، پاریس، ۲۰۰۴، انتشارات فرزاد، ص ۲۷۱)

هوشنگ نهاوندی نیز در خاطرات خود ضمن اشاره به این که در آخرین ماههای عمر رژیم پهلوی، در ارتباط با آقای شریعتمداری بوده است و نصایح وی را که به منظور دلسوزی و راهنمایی ارائه می‌شده، نزد شاه می‌برده، خاطرنشان می‌سازد: «یک روز اوایل سپتامبر، تقریباً ساعت ۹ صبح تلفن دفتر من زنگ زد. آیت‌الله «شریعتمداری» بود که گفت: «به من گفته‌اند که قرار است تصمیمی برای جشن هنر شیراز گرفته شود. می‌دانید، من چیزی از این برنامه‌ها نمی‌دانم ولی قضیه‌ی پارسال تکان دهنده بود و غیرقابل تحمل. امیدوارم حرفم را خوب بفهمید. ولی به اعلیحضرت یا هر کسی که به او مربوط می‌شود بگویید که لغو برنامه جشن هنر شیراز، اشتباه بزرگی است. تحول اوضاع چنان است که هر عقب‌نشینی یا امتیاز دادن، نشانی از ضعف تلقی خواهد شد. بنابراین از این به بعد، حکومت باید استحکام خود را نشان دهد و قدرت‌نمایی کند. آیا نخست‌وزیر از این چیزها آگاه است؟» (آخرین روزها، خاطرات هوشنگ نهاوندی، لس‌آنجلس، ۱۳۸۳، شرکت کتاب، ص ۱۶۸) کافی است در اینجا به ماهیت جشن هنر شیراز که موجی از اعتراض را بین روحانیون و عامه مردم برانگیخته بود و سرانجام نیز در مسیر فرهنگ زدایی خود، سر از استهجان و رسوایی درآورد توجه داشته باشیم تا بهتر بتوانیم در مورد این درخواست آقای شریعتمداری قضاوت کنیم. هوشنگ نهاوندی در جای

دیگری از خاطرات خود می گوید: «آیت الله شریعتمداری که از همیشه عافیت اندیش تر شده بود، از راه همیشگی با من تماس گرفت: «از سوی من به اعلیحضرت التماس کنید که نظم را برقرار کند و مملکت را نجات دهد. حمام خون در انتظارمان است. اگر لازم شود بگوئید مرا دستگیر کند ولی زود اقدام کند.» پیام او را رساندم. شاه سکوت کرد و سپس گفت: «به او بگوئید هر کار بتوانیم خواهیم کرد.» (همان، ص ۲۸۰)

با چنین سابقه‌ای از تفکر و عملکرد است که آقای شریعتمداری در روزها و ماههای بعد از پیروزی انقلاب قدم در مسیر مخالفت پنهان با امام خمینی (ره) برمی دارد؛ وی که با حمایت و تحریک حزب خلق مسلمان در اوایل انقلاب به ایجاد آشوب و فتنه در برابر انقلاب اقدام کرد و حتی با همکاری صادق قطب زاده، قصد کودتا ضد نظام جمهوری اسلامی و فتنه در برابر انقلاب اقدام کرد. خود او نیز به این امر اعتراف می کند: «اولاً من از نیت خبیث اینها مطلع شدم ولی چون کارشان در یک مدت کوتاه غیرعملی به نظر می رسید و قهراً خیال می کردم که دولت آگاهی دارد تصور نمی کردم که اینها بتوانند کاری را انجام دهند و این که کاری نشدنی است، من خبر کنم و باعث گرفتاری یک عده‌ی غیردخیل شود. به علاوه احتمال دادم که ممکن است اگر بگویم خود ما را ترور کنند... این که به سید مهدی مهدوی پول فرستادم هرچند به عنوان قرض به ایشان داده شده است و این کار را نوعی تأیید عملی از فرد توطئه گر تلقی کرده اند، پشیمانم و استغفار می کنم.» (محمد محمدی ری شهری، خاطره‌ها، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ص ۲۶۸) (منبع: نقد کتاب جریان‌ها و سازمان‌های مذهبی - سیاسی ایران، مسعود رضایی، سایت مرکز اسناد انقلاب اسلامی)

همچنین در اسناد سفارت آمریکا ذکر شده: مقدم (استاندار دولت موقت در آذربایجان شرقی) گفته است: (خیلی‌ها از شریعتمداری به خاطر عدم رهبری انتقاد می کنند، در صورتی که این انتقاد نابجاست و خمینی قدرتمندتر از آن است که شریعتمداری فعلاً بتواند با او مقابله کند. ولی البته وقتش خواهد رسید، او افزود که آذربایجان مترصد اشاره او (شریعتمداری) است.) (اسناد لانه جاسوسی، جلد ۱-۶، ص ۱۵۷)

در سند دیگری به فعالیت های شریعتمداری و فاصله عمیق او از انقلاب بیان می شود:

(این سند به تاریخ ۱۶ خرداد ۱۳۵۸ حاوی اظهارات یکی از ژنرالهای ارتش وفادار به شاه مخلوع است. او می گوید ارتش خود را آماده می کند تا سازماندهی شده و از خود در

مقابل انقلاب دفاع کند. گروه الهی و بقیه امیدوارند که با شریعتمداری متحد شوند. بطوری که گفته شده رئیس سابق ستاد ارتش - ژنرال قره باغی - تحت حمایت شریعتمداری در خفا به سر می برد. این مسأله امید را به میانه روها داده است که وقتی شریعتمداری وضع را مناسب ببیند با آنها کنار خواهد آمد (همان، ج ۲۸، ص ۶۰ و ۵۹)

در پایان از آنجا که در مورد مرحوم آیت الله شریعتمداری مسائل و دیدگاه های مختلفی وجود دارد که بهترین راه جهت آشنایی با آنها مراجعه به منابعی است که در این زمینه نگاشته شده است. برخی از این منابع عبارتند از: ۱- شریعتمداری در دادگاه تاریخ، حمید روحانی، نشر دفتر اسناد انقلاب اسلامی قم، چاپ اول ۱۳۶۲ ۲- جریان ها و جنبش های مذهبی - سیاسی ایران، رسول جعفریان، نشر پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ دوم ۱۳۸۰ ۳- بررسی و تحلیل نهضت امام خمینی، سید حمید روحانی زیارتی، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ اول ۱۳۷۲

منبع:

سایت پرسمان

بازخوانی اعترافات تیمسار محققى، فرمانده کودتای نوژه



تیمسار آیت محققى، فرمانده سابق پایگاه یکم شکاری مهرآباد در رژیم شاه بود که فرماندهی عملیات هوایی کودتا را برعهده داشت. محققى یکی از ارکان اصلی سازمان نجات قیام ایران بزرگ (نقاب) بود. این سازمان، فعالترین گروه در کودتای ۱۸ تیر نوژه بود که تیمسار محققى در راس فرماندهی شاخه عمل قرار گرفت. چهارشنبه ۱۸ تیر ۱۳۵۹ همراه سروان زمان پور، سروان نعمتی و آبتین از خلبانان زنده نیروی هوایی ارتش به سمت پایگاه نوژه برای پرواز و اجرای عملیات بمباران حرکت می کند اما با فاش شدن کودتا، دستگیر و پس از محاکمه در دادگاه انقلاب ارتش، در ۲۸ تیر ۱۳۵۹ اعدام شد. متن حاضر، بخشی از گفته های محققى در دادگاه انقلاب است. در جلسه اول دادگاه از پاسخ به شیوه کنترل مردم پس از بمباران بیت امام طفره می رود. اما در جلسه دوم می گوید بر اساس هماهنگی که پیش از کودتا با آیت الله شریعتمداری و روحانیان دیگر مانند سید حسن قمی، روحانی و سیدرضا زنجانی انجام شد، قرار بود شریعتمداری پس از کودتا از تلویزیون با مردم صحبت کند و ضمن تایید کودتا مردم را به آرامش دعوت کند. اولین سوال درباره جلسه ای است که او در منزل ناصر رکنی با تیمسار مهدیون و قربان سیاسی مسوول شاخه سیاسی کودتا داشته است.

* ملاقات در منزل رکنی چقدر طول کشید؟

- فکر می‌کنم حدود یک ساعت. حداکثر یک ساعت.

* در یک ساعت چیزهای زیادی می‌شود گفت؟

- حداکثر یک ساعت بود. یعنی قرار بود ۴۵ دقیقه بیشتر نشود، منتها چون آقای ... یک مقدار دیر آمد. آن آقای سیاسی، اسمش را بلد نیستم (قربان سیاسی مسوول شاخه سیاسی کودتا) و یکی - دو باری هم آن خانم مسن آمد و چای آورد، مجبور شدند صحبت‌هایشان را قطع کنند.

* توضیح دهید.

- صحبت درباره این بود که در مسایل اقتصادی، چه کسی کمک می‌کند. چه طوری به گروه‌های سیاسی کمک می‌شود...

* درباره گروه‌های سیاسی چه؟

- آقا! مطلبی هست که اینجا نمی‌توانم عرض کنم و قبلاً خدمتتان عرض کرده‌ام.

* درباره خود گروه‌های سیاسی چه گفته شد؟

- درباره گروه‌های سیاسی در بخش‌های مختلف، قبلاً مطلبی خدمت خودتان عرض کردم که به هیچ وجه اینجا نمی‌توانم بیان کنم. جلو ملت را چگونه می‌شود گرفت که به خیابان‌ها نیایند، از چه طریقی؟ واقعا بگویند، به حرفی که می‌گویند؛ عمل کنند. یکی اش عفو عمومی بود که عفو عمومی شامل همه می‌شود و در رادیو و تلویزیون اعلام شود.

* دیگر چی؟

- یکی دیگر این بود که افراد ناراضی برگردند سر کارهایشان. مسلماً می‌دانید مهم‌ترین ناراضی‌ها، بی‌کاری است.

* یعنی افرادی که این رژیم به دلیل وابستگی‌ها و اتهام‌ها، از رژیم سابق بیرون‌شان کرده، برگردند سر کارشان؟

- تقریبا چنین چیزی. کسانی که بی کار شده‌اند و بازنشسته‌ها برگردند سرکارشان.

* می‌توانید درست مشخص کنید قرار بود چه جاهایی بمباران شود؟

- عرض کردم به حضورتان! اول منزل امام بود. بعد ۲ تا باند فرودگاه مهرآباد بود، یکی هم جاهایی که ما به آن قطع خط‌های مواصلاتی می‌گوییم. یعنی مثلا وقتی ۳۰ تانک از قزوین به سمت تهران حرکت می‌کنند، نقطه‌ای از جاده قطع شود که این تانک‌ها نتوانند راه را پیدا کنند.

* دیگر چی؟

- دیگر سوپرسونیک بود شما فرمودید بمباران.

* نخست‌وزیری در طرح بمباران نبود؟

- این طور نبود که نخست‌وزیری بمباران شود. آقای بنی‌صدر را زنده می‌خواستند.

* برای چه؟

- نمی‌دانم آقا! قرار بود گروهی بروند و آقای بنی‌صدر را بگیرند. نمی‌دانم چه کسانی و چه طوری؟ ولی قرار بود وقتی از روی شهر هم سوپرسونیک رد می‌شویم، احيانا وقتی آقای بنی‌صدر بیاید بیرون ببیند چه خبر است همان موقع که آمد بیرون، گرفته شود.

* پس قرار نبود او کشته شود؟

- نمی‌دانم آقا! مثل اینکه قرار بود محاکمه شود.

* این طوری که می‌فرمایید منزل امام قرار بوده که بمباران شود. ولی بمباران نخست‌وزیری در برنامه نبوده؟

- نخست‌وزیری و این‌ها را قرار بود که پس (PASS) بیاییم و رد شویم. همین طور عبور کنیم. توی این عبورها بالاخره می‌آمدند بیرون و ممکن بود آن‌ها را بگیرند یا ممکن بود آقای بنی‌صدر بیرون آمده باشد.

جلسه دوم محاکمه

در ادامه مطلبی که از آقای محقق سوال شد، به نظر می‌رسد مساله‌ای را باید روشن کند. او اظهار کرده در منزل آقا رکنی مساله‌ای مطرح شد که نمی‌خواهد بیان کند، آن مساله چیست؟ از او می‌خواهیم بیشتر درباره آن مساله برای ما توضیح دهد.

* آیا با افراد عمامه به سر و روحانی هماهنگی صورت گرفته بود یا نه؟ آیا آن‌ها هم دخالتی داشته‌اند؟

- آقا! به عرضتان برسانم مدت‌ها بود از این آقا می‌پرسیدم، یعنی از این آقای توی همان جلسه.

* کدام آقا؟

- از این آقای سیاسی، آقای قربان نام. مدت‌ها بود که از این آقای می‌پرسیدم هی توی آن جلسه که شما می‌گفتید کسی نمی‌میرد، کسی بیرون نمی‌آید، کسی کشته نمی‌شود. من از کجا بدانم کسی بیرون نمی‌آید؟ آمدیم و مردم ریختند بیرون و ۱۰ هزار نفر، شد ۲۰ هزار نفر، شد ۳۰ هزار نفر، آن وقت چه می‌شود؟ شما که آدم ندارید جلو این‌ها را بگیرید. اگر از من هم بخواهید، به این‌ها تیراندازی نخواهم کرد. این آقا به ما گفتند: وقتی امام دیگر وجود نداشته باشد، یکی جای امام می‌نشیند از رادیو و تلویزیون صحبت می‌کند و فتوا می‌دهد مطالبی که امام تا امروز گفته، غلط است. ما - من و مهدیون - خواستیم بیشتر توضیح دهد. گفت: از آقایون روحانیون، ۴ نفر هستند که بلافاصله از رادیو و تلویزیون برای ملت صحبت خواهند کرد.

* ۴ نفر یا ۵ نفر؟ یکی دیگر از آقایون گفته ۵ نفر.

- من ۴ نفر شنیدم. گفتند این ۴ نفر هستند که بلافاصله وقتی رادیو و تلویزیون گرفته شد، برای ملت صحبت می‌کنند و فتوا می‌دهند. آن وقت من خیالم راحت شد که این‌ها هر چه می‌گویند درست است و واقعا کسی کشته نخواهد شد، من فهمیدم اینکه می‌گویند ۱۰ میلیون کشته می‌شوند، ۱۰ نفر هم کشته نمی‌شوند.

* یعنی تا قبل از آن احتمال می‌دادید کشتار زیاد شود؟

- تا قبل از آن می ترسیدم و می گفتم اگر این طور باشد، شما چه کار می کنید؟ ملت بیاید، چه کار می کنید؟ آن ها دایم می گفتند: ملت نمی آیند توی خیابان، گفتم: چه طور خیالم راحت شود؟ گفت: بعد از این ۴ نفر هم، افرادی توی خط ایستاده اند. آخوندها، توی خط ایستاده اند. * توی خط ایستاده اند، برای چه؟

- برای اینکه از رادیو و تلویزیون صحبت کنند.

* نام آن ۴ نفر را بگویید.

- نام آن ۴ نفر را آیت الله شریعتمداری، آیت الله (ر)، آیت الله (ق) و آیت الله (ز) است.

* همان آقای (ر) که قم هستند؟

- نمی دانم آقا! من فقط اسمش را می دانم و حتی شنیده ام که آقای شریعتمداری را می خواستند بدزدند و بیاورند در تهران و در خانه امنی مخفی کنند، طوری که روزی که این عملیات آغاز می شود، بلافاصله آقای شریعتمداری از رادیو صحبت کند.

* بعضی از آقایان دیگر می گویند منزلی هم برای آقای شریعتمداری در نظر گرفته شده بود. شما اطلاعی از این جریان ندارید؟

- من شنیدم برای آقای شریعتمداری ۲ باغ اجاره کرده بودند.

* در کجای تهران؟ نمی دانید؟

- فکر می کنم نزدیک هتل شرایتون و دیگری هم در کرج بوده.

* در این باره از پسر آقای شریعتمداری، خبر دارید؟

- پسر آقای شریعتمداری را نه دیده ام و نه می شناسم و نه حتی عکشان را دیده ام. ولی همان شب، وقتی ما (مهدیون و من) کمی کنجاوی بیشتر نشان دادیم که چه طور آقای شریعتمداری می آید؟ شنیده ایم که آقای شریعتمداری تحت الحفظ است و شاید زندانی است، آزاد نیست. قربان سیاسی گفت: ایشان را به وسیله پسرش می دزدیم و حتی اگر شده یک آقای شریعتمداری درست می کنیم و می گذاریم جایش. آقا را با خودمان می آوریم.

* اطلاعی ندارید پسر آقای شریعتمداری در این جریان بود یا نه؟ با شما همکاری می کرد؟
- عرض کردم پسر آقای شریعتمداری را ندیده‌ام... نمی دانم آقا، که حمل بر مثبت کنم یا حمل بر منفی. اینکه آقای شریعتمداری هم در جریان بوده یا نه، نمی دانم.
* اگر یادتان باشد قبلاً به من گفتید که آقایانی که نام بردید، در جریان امر گذاشته شده‌اند و هماهنگی‌های لازم با آن‌ها انجام شده است.
- بله.

* در این باره توضیح دهید.

- باز از آن آقا - قربان سیاسی - پرسیدیم که اگر آقا نیاید یا آقای (ق) نیاید، یا این آقایان بگویند نه، آن وقت چه می‌شود؟ گفتند: نه، ما قرار داریم. البته این‌ها را که عرض کردم حضورتان، تمام مطالب، سخنان نقل قول شده از آن آقای به نام مستعار «قربان» است و گرنه خودم از جای دیگر یا مستقیماً نشنیدم.

منبع :

هفته‌نامه صبح دو کوهه

بازنگری پرونده کودتای نوژه



در آذر ۱۳۵۹، انجام کودتایی به دستور امریکا در برنامه شاهپور بختیار (از رهبران جبهه ملی و آخرین نخست‌وزیر رژیم شاهنشاهی) و عوامل داخلی و بیرونی‌اش قرار گرفت. آغاز کودتا از پایگاه هوایی شهید نوژه همدان برنامه‌ریزی شده بود و به همین دلیل پس از کشف و سرکوب به «کودتای نوژه» شهرت یافت. ۱.

آژانس جاسوسی آمریکا («سیا») به «کودتای نوژه» امید زیادی بسته بود و آن را ضربه نهایی و قطعی بر پیکر نظام نوپای جمهوری اسلامی می‌پنداشت و اهمیت آن را بیش از تجاوز نظامی صدام ارزیابی می‌کرد. به گفته سران «کودتای نوژه» مدتی بر سر تقدم «کودتای نوژه» یا آغاز جنگ تحمیلی بحث شد و سرانجام، بعد از سفر بنی‌عامری (از عناصر کودتا) به پاریس در اسفندماه، این طرح (آغاز جنگ تحمیلی) در «تقدم ۲» قرار گرفت و «تقدم ۱» به کودتا داده شد. این کودتا، از لحاظ تجهیزات نظامی که قرار بود از داخل و خارج در جریان آن به کار گرفته شود در تاریخ کودتاهای جهان بی‌سابقه بود و چنان دقیق طرح‌ریزی شده که سیا موفقیت آن را قطعی می‌دانست. امید به موفقیت کودتا تا بدان حد بود که حتی اعلامیه پیروزی آن نیز آماده شده و خانه‌ای نیز برای انتقال شریعتمداری به تهران اجاره شده بود. شریعتمداری باید در این خانه مستقر می‌شد و به عنوان «رهبر مذهبی»! کودتا، آن را تأیید می‌کرد.

یکی از سران کودتا در دادگاه انقلاب، نقش سازمان سیا و ارتجاع عرب و جریان‌های سیاسی راست مرتبط با کودتا را چنین توضیح می‌دهد:

«دو الی سه ماه بعد از پیروزی انقلاب اولین تماس بین مأمورین «سیا» و یکی از دوستان بنی‌عامری در اروپا برقرار شد و آنها بنی‌عامری را در خط بختیار قرار دادند. تمام هماهنگی‌های لازم بین کشورهای عضو بازار مشترک اروپا و ستاد بختیار در پاریس از طریق سیا انجام گرفت... هماهنگی بین اسرائیل و کشورهای مرتجع منطقه نظیر عربستان، مصر و عراق توسط نماینده سیا که در دفتر دکتر بختیار در پاریس است انجام می‌گرفته است. (طبق اظهارنظرهای بنی‌عامری نه تنها به من بلکه به خیلی از افراد...) تأمین هزینه‌های مادی چه به صورت مستقیم (احتمالاً) و چه به صورت غیرمستقیم (حتماً) نظیر چک ده میلیون دلاری عربستان سعودی، توسط آمریکا صورت گرفته است... شناسائی افراد مخالف در کشور یا در خارج از کشور و معرفی آنها به بختیار و تقویت امکانات آنها یا در اختیار گذاردن امکانات لازم به آنها نظیر معرفی پالیزبان که در یکی از دهات عراق مخفی بوده و توسط سازمان جاسوسی اسرائیل شناسائی و معرفی و هماهنگی لازم را بین او و بختیار انجام داده است... آقای مهندس قاضی در جواب ایشان (در جواب تیمسار محقق) گفتند که ما با روحانیت (!) پیشرفت خوبی داشته‌ایم و توانسته‌ایم به توافق برسیم، مثلاً با آقای شریعتمداری. با پسر ایشان وارد صحبت شدیم، پسرشان از جانب آقای شریعتمداری قول همه‌گونه همکاری را دادند. حتی منزلی در حوالی یوسف‌آباد برای ایشان اجاره کرده و قرار بود که ایشان بلافاصله به تهران منتقل بشوند... تا اینکه زمان به اصطلاح آماده شود، و مکان آماده شود، رادیو تلویزیون تصرف بشود که یا ایشان مستقیماً خودشان از رادیو تلویزیون صحبت بکنند یا اینکه نوار و اعلامیه‌شان پخش شود و از ایشان کمک گرفته شود.» ۲

کودتاچیان پس از جلب برخی از روحانی‌نمایان «متنفذ» مانند شریعتمداری با استفاده از ده میلیون دلاری که ارتجاع عرب، از طریق سعودی، در اختیار گذارده بود، مخفیانه به جذب نیرو پرداختند. سران کودتا از طریق بختیار با «کومه‌له» و «حزب دمکرات» نیز تماس گرفته و بختیار در جریان ملاقات‌های متعدد با قاسملو و عزالدین حسینی موافقت آنها را جلب کرده بود. کودتاچیان با جریان‌های سیاسی دیگر نیز مصالحه کرده بودند:

«... توضیحی که مهندس قاضی به تیمسار مهدیون و محقق می داد به این ترتیب بود که ما در حال مذاکره با هر دو گروه هستیم، هم مجاهدین و هم فدائیان خلق. می گفت که با فدائیان خلق ما زیاد تمایلی نداریم چون مارکسیست هستند... ولی با مجاهدین خلق نه، صحبت کردیم و به این نتیجه رسیدیم که در آن روز ازشان بخواهیم که به نفع ما وارد کار نشوند، ما احتیاجی نداریم که آنها به نفع ما وارد عمل بشوند... وی می گفت که ما این قول را از مجاهدین خلق گرفته ایم که آن روز بیطرف بمانند، در عوض اینکه آنروز بیطرف می ماند بهشان قول داده ایم که آزادی فعالیت سیاسی داشته باشند و هر نوع فعالیت سیاسی که بخواهند در نهایت آزادی انجام بدهند.» ۳

«طبق اسناد و مدارکی که به دست آمده، تماس هایی میان کودتاگران و موسی خیابانی صورت گرفته بود و ضمن پیشنهادی که رهبران کودتا به سازمان مجاهدین داده بودند، موافقت شده بود که سازمان مجاهدین در مقابل پستی که به مسعود رجوی واگذار می شود، به نفع کودتاگران از موضعگیری در مقابل عمل کودتا خود را کنار بکشد.» ۴

عملیات کودتا قرار بود به طور هم زمان در تهران و سایر شهرهای بزرگ به اجرا درآید و اماکنی مانند مدرسه فیضیه، اقامتگاه امام، کمیته مرکزی، نخست وزیری، میعادگاه های نماز جمعه و... توسط هواپیماها بمباران شود. بنا بود کودتاگران در این بمباران از بمب های خوشه ای و آتشزا استفاده کنند. آنان در حدود ۳۰ فروند هواپیما، ۶۰ نفر خلبان و حدود ۵۰۰ نفر افراد فنی و نظامی را برای شرکت در عملیات آماده کرده بودند. ۵ برخی از عناصر دستگیر شده، اهداف تعیین شده برای بمباران در تهران را به این ترتیب نام بردند: بیت امام در جماران، فرودگاه مهرآباد، مقر نخست وزیری، ستاد مرکزی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ستاد مرکزی کمیته انقلاب اسلامی، پادگان ولی عصر (عج)، پادگان امام حسین (ع)، پادگان خلیج، کمیته انقلاب اسلامی منطقه ۹، کمیته انقلاب اسلامی منطقه ۴، کاخ سعدآباد (چون آنجا را انبار مهمات می دانستند) و پادگان نوجوانان در لویزان.

به گفته ی همه ی افراد دستگیر شده از جمله تیمسار محقق، «بیت امام» نخستین و مهم ترین هدفی بود که باید بلافاصله بمباران می شد. حمله به بیت امام مرکز ثقل کودتا را تشکیل می داد و به معنای به دست آوردن کلید پیروزی کودتا بود. برای سران کودتا کاملاً مشخص بود تا زمانی که امام زنده است، مردم با یک کلمه ایشان به خیابان ها ریخته و عمل کودتا را

عقیم خواهند کرد... به همین جهت از بین بردن امام یکی از مهم‌ترین هدف‌های کودتا بود و برای اجرای آن بیش از سایر هدف‌ها، هواپیما و مهمات سنگین در نظر گرفته شده بود. در مورد نقش سازمان «سیا» و سایر کشورهای خارجی در این کودتا، ستوان ناصر رکنی در اعترافاتش می‌گوید:

«دو الی سه ماه بعد از پیروزی انقلاب، اولین تماس بین مأمورین سیا و یکی از دوستان بنی‌عامری در اروپا برقرار می‌شود و آنها بنی‌عامری را با بختیار مرتبط می‌سازند. تمامی هماهنگی‌های لازم بین کشورهای عضو بازار مشترک اروپا و ستاد دکتر بختیار در پاریس از طریق «سیا» انجام می‌گرفته است. هماهنگی بین اسرائیل و کشورهای مرتجع منطقه نظیر عربستان، مصر و عراق، توسط نماینده سازمان «سیا» که در دفتر دکتر بختیار در پاریس است انجام می‌گرفته است.»

«رضا مرزبان» که از عناصر ستاد سیاسی بختیار بوده و در اواسط بهمن ماه ۱۳۵۸ به پاریس عزیمت کرد تا بختیار را در جریان تحولات ایران قرار دهد اظهار می‌دارد:

«من از ایشان (بختیار) و جواد خادم خواستم به من نیم ساعت فرصت بدهند تا آنها را از وضع کشور و آنچه از نزدیک شاهد آن بوده‌ام آگاه کنم و سپس شروع کردم به تفسیر درباره‌ی جو سیاسی موجود مملکت، وضعیت نیروهای سیاسی دست‌اندرکار مثل حزب جمهوری اسلامی، سازمان مجاهدین خلق، فداییان خلق، حزب توده، سازمان پیکار و گروه‌های مختلف. سپس به وضعیت پوسیده جبهه ملی و احزاب وابسته به آن پرداختم و اینکه در تهران به کمک دوستان خیلی سعی کردیم یک جبهه ملی فعال و دربرگیرنده نسل جوان ایجاد کنیم اما به هر در که زدیم به سنگ خورد... سپس برای ایشان شرح دادم که مسأله گروگانگیری روی اقتصاد ایران اثر گذاشته و اثراتش در بهار آینده (۱۳۵۹) شدیدتر می‌شود. به خصوص که کشورهای دوست آمریکا ممکن است عکس‌العمل نشان دهند... در مورد پاکسازی در ارتش نیز صحبت کردم و این که ارتش به شدت لطمه خورده است. سپس به وضع عراق پرداختم و این که صدام حسین از قرارداد ۱۹۷۵ و شکست ۱۹۷۳ سخت شرمزده است و ممکن است از ضعف ارتش ایران بهره‌برداری کند و...» با چنین گزارشی که مرزبان ارائه داد، مسلماً بختیار باید خرسند می‌شد، زیرا طبق تصویر ارائه شده از وضع داخلی، نظام جمهوری اسلامی هم به اعتبار شرایط حاد داخلی و هم به دلیل مواضع خصمانه غرب و ارتجاع منطقه،

بایستی روند فلج شدن را طی کرده و مستعد ضربه پذیری می بود. در پی سفر مرزبان به پاریس و اطلاع بختیار از شرایط تازه کشور، بنی عامری نیز در روز پانزدهم اسفند ایران را به قصد فرانسه ترک کرد. او در پاریس به اعضای ستاد نظامی بختیار یعنی تیمسار امیر فضلی (رییس هواپیمایی ملی در دولت شریف امامی) و سرهنگ بای احمدی و پالیزبان و نیز با خود بختیار، جواد خادم و ... ملاقات و گفتگو کرد. گزارش بنی عامری از تدارکات فراهم شده در نیروهای مسلح، مکمل تحلیل مرزبان از وضعیت آسیب پذیر جمهوری اسلامی شد و ستاد بختیار را به این نتیجه رساند که در بهار آینده (۱۳۵۹) این «تزلزل» در اوج است و چون از یک سو جمهوری اسلامی در بعد داخلی رو به فرسایش است و در بعد خارجی با فشارهای سنگین سیاسی و اقتصادی ناتو و آمریکا، و خطر نظامی رژیم عراق مواجه است و از سوی دیگر زمینه‌هایی نیز بین برخی از نظامیان و «رجال» سیاسی و تعدادی از روحانیون فراهم آمده، لازم است طرح اول تا نتیجه انجام «کار بزرگ» به بوته تعویق سپرده شود. کم و کیف «کار بزرگ» به واسطه فرار قادسی (از مسؤولین کودتا) از ایران همچنان پوشیده ماند ولی پس از شکست ماجرای طبس و متعاقب ملاقات سفرای آمریکا و انگلیس در پاریس با بختیار برای کودتا، ضرب‌الاجل آن تعیین گردید. البته حق تقدم کودتا نسبت به طرح‌های دیگر از قبیل حمله عراق به ایران و تصرف خوزستان و اعلام «ایران آزاد»، پس از مسافرت بنی عامری به پاریس در ۱۵ اسفند ۱۳۵۸، مشخص شده بود. لازم به توضیح است که در تصویب اولویت کودتا نظرات نمایندگان «سیا»ی آمریکا و «موساد» اسرائیل و «استخبارات» عراق نقش مهمی داشت. وظیفه سه نماینده مذکور به ترتیب عبارت بود از: هماهنگی برنامه‌های ستاد بختیار با سیاست‌های آمریکا، قراردادن تجربیات جنگی برق‌آسای رژیم اشغالگر قدس و بهره‌جویی از نیروهای هوایی در ضربات نخست تهاجم توسط گروه نظامی ستاد، و ایجاد هماهنگی میان ستاد کودتا و نیروهای پالیزبان و طرح‌های تجاوزگرانه رژیم عراق. در مورد دیگر افرادی که در کودتا مشارکت داشتند، در یکی از اسناد محرمانه سپاه پاسداران چنین آمده است:

«آقای مهندس اسفندیار درویش، مشاور صنعتی ریاست جمهوری، به همراه افرادی که از دیدگاه ما کاملاً مشخص می‌باشند، در کودتای نافرجام نوژه نقش فعال داشته با منوچهر قربانی‌فر، سرشاخه مالی کودتاچیان همکاری نزدیک دارد و قبل و بعد از کودتا میلیون‌ها تومان پول رد و بدل کرده است. ۶

لازم به توضیح است که منوچهر قربانی فر از سال ۱۹۷۴ جزو منابع سری سازمان «سیا» بوده است.

دیگر اسناد و مدارک کشف شده حاکی از آن بود که احمد روناس و منوچهر مسعودی (مشاور حقوقی بنی‌صدر) محور ارتباط بنی‌صدر و دفتر وی با بختیار و گروه به اصلاح اپوزیسیون بودند. احمد روناس از اعضای کنفدراسیون (دانشجویان خارج از کشور) بود که بعد از انقلاب به ایران رفت و آمد داشت.

ستوان ناصر رکنی در بخشی از اعترافاتش در مورد رابطه حملات عراق به ایران در بهار سال ۱۳۵۹ با طرح کودتا می‌گوید:

«آشنایی کامل آمریکا با امکانات و مشخصات و نارسایی‌های ارتش ایران باعث می‌گردد پیشنهادات بنی‌عامری، مهدیون و محققى به سرعت مورد قبول قرار گرفته و روی آن اقدام لازم به عمل آید. برای روشن شدن مطلب ناچارم یک مسأله را دقیقاً شرح دهم ... محققى و مهدیون نگران این موضوع بودند که چنانچه روابط خصمانه ایران و عراق به حالت عادى تبدیل شود، مهمات سنگین هواپیماها از روی آنها پیاده شده و به انبارها منتقل گردد؛ در نتیجه در روز کودتا، هواپیمای مسلح در اختیار نباشد، و به همین دلیل به حکومت جمهوری اسلامی فرصت مجهز شدن و مقابله داده شود. از این رو به بنی‌عامری پیشنهاد کردند که از طریق پاریس این مشکل حل شود تا حالت خصمانه هم چنان داغ نگه داشته شود.» حملات گاه به گاه هوایی یا توپخانه ارتش عراق در بهار سال ۱۳۵۹ (قبل از کودتا)، ناشی از درخواست بنی‌عامری و هماهنگی نمایندگان «سیا» و «موساد» و عراق بود تا ارتش و نیروی هوایی (ایران) مجبور باشند هواپیماها را در زیر مهمات سنگین نگه‌دارند.

«کودتای نوژه»، که نمونه‌های بسیار کوچکتر آن رژیم‌های بسیاری را در سراسر جهان سرنگون کرده بود و به جرأت می‌توان ادعا کرد که کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ در مقایسه با آن بازی کودکانه‌ای بیش نبود، در تاریخ ۱۸ تیر ماه ۱۳۵۹ خنثی شد. اما «سیا» و «اینتلیجنس سرویس» از این شکست درس نگرفتند و به تلاش‌های خود برای اجرای طرح‌های براندازی دیگر ادامه دادند. در فاصله شکست «کودتای نوژه» تا «کودتای قطب‌زاده - شریعتمداری» (فروردین ۱۳۶۱)، یعنی در طول ۱/۵ سال، سه توطئه کودتائی دیگر نیز به سرنوشت «نوژه» دچار شد.

حجت‌الاسلام ری‌شهری، رئیس وقت دادگاه انقلاب ارتش، در گزارش مطبوعاتی خود گفت:

... اولین گروه براندازی «پارس» بود، که مخفف «پاسداران رژیم سلطنتی» است. دومین گروه براندازی «نمارا» بود و سومین گروه «نیما» نام داشت و چهارمین گروه که آقای قطب‌زاده نام آن را «نجات انقلاب ایران» گذارده بود. ارتباط تمامی این گروه‌ها با واسطه‌یابی واسطه به سازمان جاسوسی «سیا» و شیطان بزرگ برمی‌گردد. طبق مدارکی که در دست است، شخصی بنام آرمین با نام مستعار «آرش» ضمن تماس با خانواده منحوس پهلوی در مصر و ژنرال علا در آن کشور گروه «پارس» را تشکیل می‌دهد، که اعضای این گروه حدود یکسال و نیم قبل دستگیر شدند. از اعضای این باند، مهاجری با قطب‌زاده تماس داشته است. پس از دستگیری این باند، متوجه توطئه باند و شبکه دیگری بنام «نمارا» شدیم. عامل ارتباطی این شبکه پزشکپور بود، که در تماس مستقیم با اسرائیل بود و رهبر آن سرهنگ رضازاده بود. بعد از دستگیری اینها شبکه دیگری بنام «نیما» کشف شد، که حدود یک ماه قبل برادران سپاه موفق به کشف این شبکه و دستگیری اعضایش شدند، که در این رابطه حدود ۲۵ نفر شناسائی و دستگیر شدند. خط ارتباطی این شبکه با سازمان «سیا»، «جبهه ملی» و دکتر منوچهر شایگان بوده است. جالب این است که این افراد حتی کابینه خود را هم تشکیل داده بودند.» ۷ این طرح‌های ناموفق کودتائی برای «سیا» هزینه‌های بسیار سنگینی دربرداشت. در پی چنین شکست‌های متوالی بود که «بنیاد هریتج» اعلام داشت: «انقلاب ایران خود را مستحکم کرده و مخالفین خود را در هم کوبیده تا حدی که یک انقلاب یا کودتا در آینده نزدیک غیرممکن است.» ۸

پانوشتها

۱- شهید سرافراز محمد نوژه از خلبانان نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران بود که در پی فرمان امام (ره) برای کمک به دکتر مصطفی چمران در سرکوب تجزیه طلبان مسلح و در حالی که روزه بود در ۱۳۵۸/۵/۲۰ به پرواز درآمد که هواپیمایش در آسمان کردستان ایران - منطقه عمومی پاوه - توسط نیروهای ضد انقلاب سقوط کرد و به شهادت رسید. در پی

این واقعه و به پاس اولین شهید نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران، پایگاه سوم شکاری همدان به پایگاه «شهید نوژه» تغییر نام یافت.

۲- کیهان هوایی، ۱۳۶۵/۴/۲۵.

۳ و ۴ - کیهان ، همان.

۵- سید علی موسوی، کودتا و ضد کودتا، تهران دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۳، ص ۱۸۹

۶- غائله چهاردهم اسفند ۱۳۵۹، ظهور و سقوط ضد انقلاب، ص ۱۸۸.

۷- کیهان، ۱۳۶۱/۱/۳۱.

۸- کیهان هوایی، ۱۳۶۶/۱۲/۱۲.

پورتال نور

پارک لاله محل تجمع خلبانان کودتاچی



پایگاه هوایی شهید نوژه در ۵۰ کیلومتری شهر همدان قرار داشت و تیمسار محقی، تیمسار سعید مهدیون، سروان حمید نعمتی، سروان ایرج ایران نژاد و چند تن دیگر از سران کودتا در آنجا خدمت کرده بودند و اماکن و پرسنل پایگاه را می‌شناختند. برای تصرف پایگاه نوژه به عنوان کلید عملیات کودتا قرار بود ۱۲ تیم مرکب از یکصد تن از کلاه سبزه‌های تیپ نوهد، ۳۰۰ تا ۴۰۰ نفر از فریب خوردگان ایل بختیاری و ۱۲ نفر راهنما از داخل پایگاه به فرماندهی سرگرد کوروش آذرتاش جهت تصرف پایگاه نوژه وارد عمل شوند. با رسیدن هواپیماها به تهران قرار بود بیت حضرت امام(ره)، فرودگاه مهرآباد، دفتر نخست وزیری، ستاد مرکزی سپاه پاسداران، ستاد مرکزی کمیته‌های انقلاب، پادگان ولی عصر(عج)، پادگان امام حسین(ع) و چند نقطه مهم دیگر بمباران شود. از اولین روزهای پیروزی انقلاب اسلامی ایران، آمریکا تلاش گسترده‌ای را برای به‌سازش کشاندن انقلاب یا سقوط آن آغاز کرد. آمریکا به دلیل اطلاعات و تحلیل‌های غلط تصور می‌کرد قادر است در اندک زمانی رویدادهای ایران را همچون دوران پهلوی در اختیار بگیرد؛ بنابراین به انواع حيله‌ها علیه جمهوری اسلامی متوسل شد که یکی از این توطئه‌ها، کودتای پایگاه هوایی شهید نوژه بود. جمهوری اسلامی ایران در تاریخ پنجم فروردین سال ۱۳۵۸ با خروج از پیمان نظامی «سنتو» اعلام کرد که دیگر حافظ منافع آمریکا در منطقه نیست. آمریکا، به دلیل اطلاعات و

تحلیل‌های غلط تصور می‌کرد قادر است در اندک زمانی رویدادهای ایران را همچون دوران پهلوی در اختیار بگیرد؛ بنابراین به انواع حيله‌ها علیه جمهوری اسلامی متوسل شد که یکی از آن‌ها، کودتای پایگاه هوایی شهید نوژه بود.

برنامه ریزی برای کودتا

در دی ۱۳۵۸ یکی از هواداران شاپور بختیار، به نام مهندس قادسی، نمودار سازمانی را تهیه کرد و نام آن را نقاب گذاشت، نام نقاب جمع حروف اول «نجات قیام انقلاب بزرگ» بود و سازمان دارای شورایی شامل مسئول تهران، مسئول امور شهرستان‌ها، مسئول امور وزارتخانه‌ها، مسئول امور دانشگاه‌ها، انتشارات و تبلیغات، مسئول امور ایلات و مسئول امور چریکی بود. از نظر مسئولان نقاب، فتح تهران مساوی با پیروزی در سراسر کشور بود و با تصوری که از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ داشتند فکر می‌کردند با سقوط تهران همه کشور تسلیم آنها می‌شوند.

علل انتخاب پایگاه نوژه

سران کودتا برای شروع کار در صدد به اختیار گرفتن یک پایگاه نظامی بر آمدند که دارای هواپیما، به تهران نزدیک، در خارج از شهر، عناصر آن قابل جذب و رهبران عملیات هوایی، با پرسنل و اماکن آن آشنایی داشته باشند. به این ترتیب پایگاه هوایی شهید نوژه برای شروع کودتا انتخاب شد.

پایگاه هوایی شهید نوژه در ۵۰ کیلومتری شهر همدان و در کنار شهر کبودرآهنگ، دور دسترس مردم قرار داشت و تیمسار محقق، تیمسار سعید مهدیون، سروان حمید نعمتی، سروان ایرج ایران نژاد و چند تن دیگر از سران کودتا در آنجا خدمت کرده بودند و اماکن و پرسنل پایگاه را می‌شناختند. این پایگاه قبل از انقلاب به نام «پایگاه شاهرخی» خوانده می‌شد و بعد از انقلاب مدت کوتاهی به «پایگاه حر» نام گرفت، به دنبال شهادت سرهنگ دوم خلبان محمد نوژه از خلبانان فداکار این پایگاه، که در پاسخگویی به فرمان حضرت امام خمینی (ره) برای کمک رسانی به شهید چمران و جلوگیری از سقوط پل پلوه در تاریخ ۵۸/۵/۲۵ به شهادت رسید نام این پایگاه به پایگاه هوایی شهید نوژه تغییر کرد.

ترکیب کودتاگران

برای تصرف پایگاه نوژه به عنوان کلید عملیات کودتا قرار بود ۱۲ تیم مرکب از یکصد تن از کلاه سبزیهای تیپ نوهده، ۳۰۰ تا ۴۰۰ نفر از فریب خوردگان ایل بختیاری و ۱۲ نفر راهنما از داخل پایگاه به فرماندهی سرگرد کوروش آذرتاش (فرمانده تیپ ۲۳ نوهده پیش از انقلاب) جهت تصرف پایگاه نوژه وارد عمل شوند. طبق نقشه پس از تصرف پایگاه تیمسار محقق برای رهبری عملیات هوایی در اتاق فرماندهی مستقر می‌شد و همزمان سروان حمید نعمتی، سروان محمد ملک، سروان کیومرث آبتین و سروان فرخزاد جهانگیری که هر کدام فرمانده یک تیم بودند اولین اسکادران هوایی را به پرواز در می‌آوردند. این اسکادران شامل ۱۶ هواپیما از ۵۳ فروند هواپیمای مجهز به سلاح سنگین بود که برای عملیات در نظر گرفته شده بود. در طرح کودتا، عملیات هوایی نقش محوری داشت بنابراین هواپیماها باید مسلح به سلاح سنگین و آماده پرواز می‌شدند.

چگونگی شروع کودتا

سروان کودتا با ارتش بعثی عراق هماهنگ کردند - آن زمان جنگ تحمیلی هنوز آغاز نشده بود اما بین ایران و عراق خصومت وجود داشت - که در روز ۱۹ تیر ۱۳۵۹ و در ساعت مقرر وارد حریم هوایی منطقه شوند و در پی عملیات هوایی عراق، آژیر قرمز پایگاه که رمز شروع کودتا بود به صدا درآید و پرسنل هواپیماها را مسلح و آماده پرواز کنند، به طور همزمان خلبانان وابسته به کودتا در ظاهر برای حرکت به سمت مرزها و پاسخ به ارتش عراق و در واقع برای حرکت به سوی تهران و بمباران اهداف از پیش تعیین شده پرواز کنند.

اهداف بمباران

با رسیدن هواپیماها به تهران قرار بود بیت حضرت امام(ره)، فرودگاه مهرآباد، دفتر نخست وزیری، ستاد مرکزی سپاه پاسداران، ستاد مرکزی کمیته‌های انقلاب، پادگان ولی عصر(عج)، پادگان امام حسین(ع) و چند نقطه مهم دیگر بمباران شود. پس از بمباران‌های هوایی، هواپیماها باشکستن دیوار صوتی به نیروی زمینی علامت می‌دادند که مرحله دوم کودتا را آغاز کند. در این مرحله باید صدا وسیما، فرودگاه مهرآباد، ستاد ارتش جمهوری اسلامی، پادگان حر، پادگان قصر و پادگان جمشیدیه تسخیر شود و در سطح شهر تهران با اعمال

خشونت و ارباب حالت نظامی ایجاد شود، طبق برنامه اگر نیروی زمینی موفق نمی‌شد صدا و سیما را تسخیر کند، هواپیماها آنجا را بمباران می‌کردند.

افشای کودتا

۳ روز مانده به موعد کودتا یکی از خلبانان که برای همکاری انتخاب شده بود، در تهران با سروان حمید نعمتی ملاقات می‌کند، حمید نعمتی به او می‌گوید مأموریت تو بمباران بیت امام (ره) است و ما می‌توانیم تا ۵ میلیون نفر را بکشیم. گویا شگرد حمید نعمتی این بود که در نخستین دیدار توجیهی کودتا به خلبانان عضوگیری شده چنین جمله‌ای را می‌گفت تا از میزان آمادگی آنها برای شرکت در کودتا و کشتار میلیونی مردم اطلاع یابد. خلبان یاد شده در مقابل نوع مأموریت و وسعت کشتار مردم غافلگیر و مردد شد، اما به دلیل ترس از سران کودتا نمی‌دانست چه باید کند. وی پس از خروج از خانه حمید نعمتی، تشویش و نگرانی بر او مسلط شده و می‌خواست موضوع را با کسی در میان بگذارد. آن شب در خانه موضوع کودتا را به برادر و مادرش در میان می‌گذارد و مادر که به شدت ناراحت شده بود پاسخ داد: تو نه تنها نباید این کار را بکنی، بلکه باید به انقلابیون خبر دهی و جلوی این کار را بگیری که اگر غیر از این باشد شیرم حلال نیست. این سخن مادر موجب شد در نخستین دقایق بامداد چهارشنبه خلبان یاد شده تصمیم خود را بگیرد و با پذیرش احتمال کشته شدن توسط سران کودتا، ماجرای کودتا را افشا کند. او از خانه خارج می‌شود و پس از پرس و جوها و دوندگی‌های مختلف، حدود اذان صبح منزل حضرت آیت‌الله خامنه‌ای را یافته و خود را به آنجا می‌رساند.

افشاگری دومین نفر

چند ساعت پس از افشای کودتا به وسیله خلبان یاد شده، یکی از درجه داران تیپ ۲۳ نوهده نیز به کمیته مستقر در اداره دوم ستاد مشترک مراجعه می‌کند و پس از افشای کودتا و اعتراف به اینکه قرار است به همراه عده‌ای دیگر در براندازی جمهوری اسلامی شرکت کند، یک پاکت حاوی بخشی از طرح عملیات کودتا را در اختیار کمیته فوق قرار می‌دهد، به این ترتیب به فاصله چند ساعت از سوی ۲ عنصر جذب شده به کودتا، اقدام به ضد کودتا تبدیل می‌شود و انقلاب در برابر خطری که در چند قدمی‌اش کمین کرده بود آگاه می‌شود. این

ضد کودتا، گرچه به وسیله ۲ فرد که از اقدام یکدیگر بی اطلاع بودند صورت گرفت اما عمل این ۲ نفر در واقع ترجمان اراده یک ملت انقلابی برای دفاع از انقلابشان بود.

آغاز عملیات خنثی سازی

از همان زمان که احتمال وقوع کودتا احساس شده بود، ستادی مرکب از واحدهای اطلاعات سپاه همدان، گروه مهندسی سپاه همدان، انجمن اسلامی نیروی هوایی، تعدادی از پرسنل مؤمن نیروی زمینی و تیپ نوهد به نام «ستاد خنثی سازی کودتا» تشکیل شد، اما این ستاد اطلاعات مؤثر و دقیقی از کودتا در اختیار نداشت، ولی اطلاعات با افشای کودتا توسط خلبان یاد شده و تا حدود کمتری توسط درجه دار تیپ ۲۳ نوهد، در اختیار ستاد خنثی سازی کودتا قرار گرفت و عملاً از عملیات کودتا، توسط این ۲ نفر آگاه شدند. با جمع بندی اطلاعات و تکمیل آن و با اطلاعاتی که از قبل جمع آوری شده بود عملیات مقابله با کودتای قریب الوقوع، به سرعت در دو محور پارک لاله و پایگاه شهید نوژه طرح ریزی شد. پارک لاله محل تجمع ۴۰ تن از خلبانانی بود که قرار بود با اتوبوس به پایگاه هوایی نوژه بروند و به دیگر خلبانان کودتا پیوندند. عمده نیروهای به کار گرفته شده برای خنثی سازی کودتا، در پایگاه شهید نوژه متمرکز شد و عملیات مربوط به پایگاه نوژه در ۲ قسمت داخل و خارج پایگاه به اجرا گذاشته شد. به این ترتیب همزمان با شروع کودتا، نیروهای انقلاب متشکل از برادران سپاهی و پرسنل متعهد و فداکار نیروی هوایی، وارد عمل شدند و آنچنان درسی به خائن و اربابان مستکبرشان دادند که برای همیشه در تاریخ انقلاب خواهد درخشید.

منابع :

- ۱- خبرگزاری فارس برگرفته از اسناد تاریخ شفاهی انقلاب،
- ۲- بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس استان همدان
- ۳- کتاب کودتای نوژه نوشته محمدی ری شهری، موسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی.

<http://www.ravyan.com>

تحلیلی بر رخداد کودتای نوژه

انقلاب اسلامی ایران در ۲۲ بهمن ۵۷ به رهبری امام خمینی(ره) و حمایت همه جانبه آحاد ملت خداجوی ایران به پیروزی رسید. مردم ایران با ایمان راسخ خداوند متعال برای احیای اسلام عزیز و پایان دادن به سلطه استعمار و استکبار جهانی و برچیدن بساط استبداد ستم شاهی قیام کرده، با نصرت الهی همه چالشها و موانع را از سر راه برداشت و حاکمیت را به ولایت الهی و حکومت را به مردم بازگرداند.

این انقلاب که در نوع خود تنها حرکتی بود که خارج از قاعده نظام دوقطبی شرق و غرب اتفاق افتاده بود، سر انگشتان امریکا در کشورمان قطع نمود و تسخیر لانه جاسوسی امریکا در ۱۳ آبان ۵۸ توسط دانشجویان مسلمان پیرو خط امام از این جمله بود، این همه، آنچنان هیمنه ابرقدرتهای شرق و غرب را فرو ریخته بود که برای تحت الشعاع قرار دادن شکست های پی در پی خود و جبران حیثیت از دست رفته به هر اقدامی دست می زدند. تجهیز گروهکهای ضدانقلاب، ترور و انفجار، تحریم و تهدید، طراحی و اجرای کودتاهای گوناگون و تهاجم نظامی مستقیم از طریق رژیم بعثی عراق از این نمونه می باشد.

کودتای نافرجام طبس و کودتای نوژه از جمله طراحی های شومی بود که سازمان های جاسوسی غرب به ویژه سازمان سیا پیروزی آنها را قطعی می دانست. اینک این سئوالات به ذهن می آید که برآستی چرا کودتای نوژه طراحی شد؟ چگونه این کودتا طراحی شده بود؟ سرانجام کودتا و کودتاچیان به کجا کشیده شد؟ چه کسانی در این توطئه دست داشتند؟ و ده ها سئوال دیگر که تلاش می کنیم به اختصار به آنها پاسخ دهیم.

چگونگی سازماندهی کودتا

سازمان سیا به موازات کودتای طبس و با همکاری شاپور بختیار (آخرین نخست وزیر رژیم طاغوت) کودتای نوژه را طراحی کرد تا براندازی نظام جمهوری اسلامی را تحقق بخشند. ستاد کودتا در پاریس تشکیل شد و هزینه آن توسط کشورهای امریکا، انگلیس و عراق در اختیار آنان قرار گرفت. در این ستاد تعدادی از چهره های سیاسی و نظامی رژیم سابق حضور داشتند نظیر جواد خادم، لطفعلی صمیمی، حسن نزیه، سرلشکر امیر فضلی، سرهنگ بای احمدی، سرهنگ صحبت محیطی و نمایندگان از سرویسهای اطلاعاتی سه کشور یاد شده.

اینان حدود ۳۰ فرزند هواپیما، ۶۰ نفر خلبان و حدود ۵۰۰ نفر افراد فنی و نظامی را برای شرکت در عملیات در داخل آماده کرده بودند.

طرح کودتا بدین صورت بود. اگر چه هنوز تهاجم عراق علیه کشورمان آغاز نشده بود، لکن قرار بود تعدادی هواپیمای عراقی در ۱۹ تیر ۵۹ به آسمان ایران تجاوز نمایند و به بهانه مقابله با تهاجم، عوامل کودتا کلیه هواپیماها (مستقر در فرودگاه شهید نوژه همدان را مسلح به بمب نمایند و بدین واسطه در ۵۹/۴/۱۸ تهران و اماکن از پیش تعیین شده را بمباران کنند، نیروهای زمینی آماده شده نیز وارد عمل شوند و کشتی های امریکایی هم بطور همزمان خود را به مرزهای کشورمان نزدیک نمایند.

برنامه ریزی کودتا از دی ماه ۱۳۵۸ توسط شاپور بختیار و یکی از طرفدارانش به نام مهندس قادسی با عنوان نقاب (نجات قیام انقلاب بزرگ) انجام گرفت، اینان با تصویری که از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ داشتند فکر می کردند با سقوط تهران همه کشور تسلیم آنها شده و نظام ساقط می گردد. برای تصرف پایگاه هوایی نوژه ۱۲ تیم مرکب از یکصد تن از کلاه سبزیهای تیپ نوهد، ۳۰۰ تا ۴۰۰ نفر از فریب خوردگان ایل بختیاری و ۱۲ نفر راهنما از داخل پایگاه به فرماندهی سرگرد کوروش آذرتاش جهت تصرف پایگاه نوژه وارد عمل شوند. تا پس از تصرف آن، تیمسار محقق برای رهبری عملیات هوایی در اتاق فرماندهی مستقر گردد.

علل انتخاب پایگاه نوژه

سران کودتا برای شروع عملیات به پایگاهی احتیاج داشتند که دارای هواپیما، به تهران نزدیک، در خارج از شهر و دور از دسترس مردم باشد، عناصر آن قابل جذب و رهبران عملیات هوایی با پرسنل و اماکن آن آشنایی قبلی داشته باشند. پایگاه هوایی شهید نوژه در ۵۰ کیلومتری شهر همدان و دور از دسترس مردم بود و تیمسار محقق، تیمسار سعید مهدیون، سروان حمید نعمتی، سروان ایرج ایران نژاد و چند تن دیگر از سران کودتا در آنجا خدمت کرده بودند و اماکن و پرسنل آن را می شناختند. این در گذشته پایگاه شاهرخی نام داشت که پس از انقلاب مدتی پایگاه حر نامیده شد اما پس از شهادت سرهنگ دوم خلبان محمد نوژه از خلبانان فداکار این پایگاه که در پاسخ گویی به فرمان امام خمینی (ره) برای کمک رسانی به شهید چمران و جلوگیری از سقوط پاره به شهادت رسیده بود به این نام زینت گرفت.

اهداف کودتا

هدف اصلی کودتاگران سقوط انقلاب اسلامی و مردمی ایران از یکسو و بازگرداندن سلطه امریکا به ایران بود که از طریق بازگرداندن بختیار و سپس خاندان منحوس پهلوی تحقق می یافت. اهداف عملیاتی کودتا با پرواز هواپیماها از پایگاه نوژه آغاز می شد و بیت امام خمینی(ره) در جماران، فرودگاه مهرآباد تهران، دفتر نخست وزیری، ستاد مرکزی سپاه پاسداران، ستاد مرکزی کمیته های انقلاب، پادگان های ولیعصر(عج) و امام حسین(ع) را بمباران می کردند؛ سپس هواپیماها با شکستن دیوار صوتی به نیروی زمینی علامت می دادند تا مرحله دوم کودتا را آغاز نمایند. در این مرحله باید صدا و سیما، فرودگاه مهرآباد، ستاد ارتش، پادگان حر و قصر و جمشیدیه و زندان اوین تصرف می شد و با ایجاد رعب و وحشت در مردم و تزلزل در نظام بر اوضاع مسلط گردند. کلیه برنامه های کودتا تا ۴۸ ساعت قبل از کودتا طبق برنامه پیش رفت.

وضعیت طرفداران بنی صدر در کودتا

در اعترافات دستگیرشدگان آمده است که احمد روناس و منوچهر مسعودی (مشاور حقوقی بنی صدر محور ارتباط بنی صدر و دختر وی با بختیار و گروه به اصطلاح اپوزیسیون بودند. آقای مهندس اسفندیار درویش، مشاور صنعتی ریاست جمهوری با منوچهر قربانی فر سرشاخه مالی کودتاچیان همکاری نزدیک داشته و قبل و بعد از کودتا میلیونها تومان پول رد و بدل کرده بود. با این توصیف بنی صدر و نزدیکانش در جریان کودتا بودند از سوی دیگر با سازمان منافقین، حزب توده و سایر گروههای ضدانقلاب نیز هماهنگی های لازم بعمل آمده بود.

افشا و خنثی سازی کودتا

اسناد موجود نشان می دهد ۳ روز مانده به موعد کودتا یکی از خلبانان به سروان حمید نعمتی در تهران می گوید که تو را برای بمباران بیت امام (ره) در جماران انتخاب کرده اند و ما می توانیم تا ۵ میلیون نفر را بکشیم، نعمتی با شنیدن این خبر غافلگیر می شود، از یکسو ترس از ترور توسط کودتاچیان او را از واکنش و امی دارد و از سوی دیگر تشویش و نگرانی از عاقبت امر موجب می شود تا توطئه را با مادر و برادرش در میان بگذارد. مادر بلافاصله او

را از این کار منع کرده و تهدید می کند که شیرش را حرامش می کند و باید سریعاً به مسئولین انقلاب اطلاع بدهد. نعمتی پس از این مشاوره به حضرت ایت ا... خامنه ای مراجعه و ماجرای توطئه کودتا را توضیح می دهد. همزمان یکی از درجه داران تیپ ۲۳ نوهده نیز به ستاد مشترک ارتش مراجعه و اطلاعات لازم را افشا می کند. و بدین وسیله انقلاب اسلامی در برابر خطری که در چند قدمی اش کمین کرده بود آگاه می شود و تدابیر لازم را اتخاذ می نماید.

در نخستین لحظات پس از کسب خبر، «ستاد خنثی سازی کودتا» تشکیل و عملیات مقابله در دو محور پارک لاله و پایگاه شهید نوژه طرح ریزی شد. پارک لاله محل تجمع تعداد ۴۰ تن از خلبانانی بود که قرار بود با اتوبوس به پایگاه هوایی نوژه بروند. نیز در دو قسمت داخل و خارج از پایگاه در ۵۹/۴/۱۸ اجرا و در کمترین زمان ممکن تمامی عوامل توطئه دستگیر و کودتا خنثی شد.

همه عوامل و رهبران کودتا از جمله سرهنگ زاد نادری، سرهنگ هادی ایزدی، سرهنگ ایرج خلف بیگی، تیمسار محقق، ستوان ناصر رکنی، سرهنگ داریوش جلالی، استوار عبدالعلی سلامت، استوار غلامحسین قایق ور، سرهنگ رحمت الله خلیفه سلطانی، سرگرد کوروش آذرتاش و ... در دادگاه های انقلاب در سال ۵۹ محکوم به اعدام شده و تیرباران گردیدند.

امام خمینی(ره) و همدار به فتنه گران

امام خمینی پس از خنثی سازی کودتا در ۵۹/۴/۲۰ در حسینیه جماران به ایراد سخن پرداختند و در جمع روحانیون و ائمه جماعات تهران فرمودند: توطئه ای که معلوم است چنانچه موفق به کشفش هم نشده بودیم و قیام هم کرده بودند مردم آن را خفه می کردند، این احمق ها نفهمیدند ... این ها یک حماقتی است ... این ها نمی فهمند که اگر چنانچه فرضاً هم شما از پایگاه همدان پا شده بودید و آمده بودید، فرض کنید چند تا جا هم کوبیده بودید، شما بالاخره باید زمین هم بیاید، یا همان آسمان می مانید، ما از این امور نمی ترسیم.

بنیان گذار انقلاب اسلامی محکم و استوار از کنار توطئه کودتا (که ممکن است هر رهبری را پریشان سازد) می گذرد و آن را در کنار عظمت و قدرت لایزال الهی و نیز وحدت و انسجام

ملت ایران، هیچ می داند و شب کودتا علیرغم اطلاع از ماجرا محل سکونت خود را ترک نکردند.

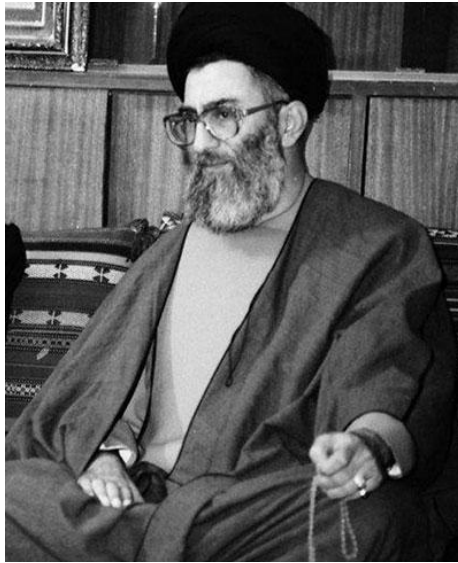
جمع بندی و نتیجه گیری

کودتای نوژه در کنار مداخلات و صدها توطئه سیاسی، نظامی، امنیتی، اقتصادی، فرهنگی و دیپلماتیک دیگر حاکی از خصومت همه جانبه امریکا نسبت به ملت ایران و انقلاب اسلامی است، مردم انقلابی و خداجوی کشورمان با تمسک به اسلام و ایمان به خداوند، در سایه پیروی از ولایت مطلقه فقیه این توطئه را نیز مانند سایر تهدیدات و فتنه های استکبار جهانی نقش بر آب کرد. کودتای نوژه تنها گوشه ای از حرکت های براندازانه مستکبران در مسیر انقلاب اسلامی بشمار می رود. و نشان می دهد که امریکا نه تنها تحلیل و شناخت درستی از اوضاع داخلی ایران ندارد بلکه طرح ها و برنامه هایش نیز به تعبیر امام خمینی (ره) احمقانه و بسیار ناشیانه می باشند، اگرچه چنین حرکت هایی ممکن است در برخی کشورها که نه از مشروعیت الهی و نه از مقبولیت مردمی و از سوی دیگر از رهبری هوشمند برخوردار نیستند، توفیقاتی را کسب نمایند، لکن شعار امریکا هیچ غلطی نمی تواند بکند را ملت ایران برای جهانیان اثبات نمودند و تابوی شکست ناپذیری ابرقدرتهای شرق و غرب و صهیونیسم بین الملل را در هم ریختند. این گونه حرکت ها بیانگر این واقعیت است که رابطه با چنین دشمن غداری و مذاکره با او نه تنها قابل اعتماد نیست بلکه فایده ای برای نظام اسلامی ندارد و در عین حال خسارت ها و ضررهای زیادی را نیز برای ملت ایران و نظام اسلامی در پی خواهد داشت.

منبع :

سایت حوزه

خنثی سازی کودتای نوژه به روایت رهبر انقلاب



بدون تردید کودتای نوژه یکی از رویدادهای مهم در ایام پراقتاب و حساس پس از انقلاب اسلامی است. در روزهایی که این نهال نو پا اولین گام‌های خود را بر می داشت ناگهان مشخص شد در کنار انواع و اقسام تحركاتی که برای به زمین زدن آن انجام شده بود و می‌شد، نقشه‌ای خطرناک کشیده شده است. ماجرای کودتای نوژه از منظرهای گوناگون قابل بازخوانی و بررسی است اما آن چه در این نوشتار مورد توجه است نقش آیت الله خامنه‌ای به عنوان یکی از شخصیت‌های کلیدی در انقلاب است.

طبق آنچه در خاطرات ایشان و اسناد مربوطه آمده است مهمترین عامل افشای این طرح خطرناک توصیه مادر یکی از خلبانان که قرار بود در کودتا شرکت کند به وی برای خودداری و مطلع کردن آیت الله خامنه‌ای بوده است.

حجت الاسلام ری شهری (حاکم شرع وقت دادگاه‌های انقلاب ارتش) در کتاب خاطرات خود، ضمن تشریح مفصل ابعاد این کودتا، نوشته است: «در ایام ریاست جمهوری معظم له اینجانب از ایشان خواستم که برای ثبت در تاریخ، ماجرای کشف کودتای نوژه را به وسیله خلبانی که به ایشان مراجعه کرده، ضمن مصاحبه‌ای تعریف کنند و ایشان نیز پذیرفتند. بعد از مدتی نوار مصاحبه معظم له در اختیار این جانب قرار گرفت.»

وی سپس بخشی از همان مصاحبه رهبر معظم انقلاب را هم نقل نموده است که با هم ادامه ماجرا را از زبان حضرت آیت الله خامنه‌ای می‌خوانیم:

" ماجرای اطلاع من از کودتایی که در پایگاه شهید نوژه قرار بود اتفاق بیفتد، به این شکل بود که شبی حدود اذان صبح، دیدم درب منزل ما را می زنند، بشدت هم می زدند، من از خواب بیدار شدم، رفتم دیدم آقای مقدم است، می گوید که یک ارتشی آمده و می گوید با شما یک کار واجب دارد. گفتم: کجا است؟ گفتند: در اتاق نشسته. داخل اتاق پاسدارها شدم، دیدم شخصی دم در تکیه داده به دیوار، کسل و آشفته و خسته و سرش را فرو برده بود. گفتم: شما با من کار دارید؟ بلند شد و گفت: بله. گفتم: چه کار دارید؟ گفت: کار واجبی دارم و فقط به خودتان می گویم. من حساس شدم. گفتم: من نمازم را بخوانم، می آیم. پس از نماز او را به داخل حیاط آوردم، گوشه حیاط نشستیم.

گفت: کودتایی قرار است انجام شود. گفتم: قضیه چیست و تو از کجا می دانی؟ او شروع کرد به شرح دادن. گفتم: شما چطور شد آمدی سراغ من؟ او ماجرای خود را تعریف کرد که جالب بود... آثار بیخوابی شب، خیابان گردی، خستگی، افسردگی شدید و سراسیمگی در او پیدا بود. حرفش را مرتب و منظم نمی زد و من مجبور بودم مکرر از او سؤال کنم. خلاصه آنچه گفت این بود که در پایگاه همدان اجتماعی تشکیل شده و تصمیم بر یک کودتایی گرفته شده، پول هایی به افراد زیادی داده اند، به خود من [خلبان] هم پول دادند. عده ای از تهران جمع می شوند می روند همدان و شب در همدان این کار [تصرف پایگاه هوایی شهید نوژه] انجام می گیرد. بعد می آیند تهران، جماران و چند جا را بمباران می کنند.

پرسیدم کی قرار است این کودتا صورت بگیرد؟ گفت: امشب و شاید گفت: فردا شب - دقیقاً یادم نیست. - من دیدم مسئله خیلی جدی است و بایستی آن را پیگیری کنیم. با اینکه احتمال می دادم او حال عادی نداشته باشد یا سیاستی باشد که بخواهند ما را سرگرم کنند، اما اصل قضیه این قدر مهم بود که با وجود این احتمالات، دنبال آن باشیم. گفتم: شما بنشین تا من ترتیب کار را بدهم."

اما نگاهی از آن سو به ماجرا و از زبان همان خلبان واقعیت دیگری را مشخص می کند:

" در آن زمان من در پایگاه هوایی نوژه خدمت می کردم. در تهران، به منزل نعمتی رفتم. به من گفت: مأموریت تو بمباران بیت امام و تلویزیون است و ما می توانیم تا پنج میلیون نفر را بکشیم. و اگر هم لازم شد در یکی از کشورهای حوزه خلیج فارس و یا روی ناو آمریکا در خلیج فارس فرود بیایم. من به او گفتم: شما با مردم مخالفید یا با حکومت که این

همه کشت و کشتار می‌خواهید بکنید؟ گفت: ما با حکومت مخالفیم، ولی هرکس هم که بخواهد مانع کار ما بشود چاره‌ای نداریم جز اینکه همه را بکشیم.

این موضوع برای من خیلی ثقیل بود و چون از مخالفت کردن با آنها هم خصوصاً در منزل نعمتی هراس داشتم، گفتم: من بیت امام را نمی‌توانم بزنم ولی تلویزیون را می‌زنم.

پس از کمی صحبت از او جدا شدم و به خانه مان رفتم و موضوع را با مادرم که زنی ساده و مسلمان بود در میان گذاشتم. مادرم به شدت ناراحت شد و گفت: تو نه تنها این کار را نباید بکنی، بلکه باید خبر بدهی و جلوی این کار را بگیری و اگر اطلاع ندهی شیرم را حلال نمی‌کنم و از تو رضایت ندارم.

بالاخره تا ساعت ۱۲ شب با مادرم و برادر کوچک‌ترم درباره این موضوع صحبت می‌کردیم و تصمیم گرفتیم موضوع را به جایی و یا به کسی اطلاع بدهیم، ولی چون نعمتی گفته بود در جاهای مختلف ... نفر داریم و خیلی‌ها از جمله شریعتمداری این کار را تأیید کرده‌اند، می‌ترسیدم به هر کسی این موضوع را بگویم. تصمیم گرفتیم موضوع را به آقای خامنه‌ای بگویم و برای محکم کاری، موضوع را روی کاغذ نوشتیم و در خانه گذاشتم و به برادرم گفتم: اگر بلایی سر من آمد و برنگشتم به هر ترتیبی شده این موضوع را در جایی خبر بدهد و جلوی این کار را بگیرد.

ساعت ۱۲:۳۰ از خانه بیرون آمدم و به کمیته تلفن زدم و گفتم یک خبر خیلی مهمی دارم که باید حتماً به آقای خامنه‌ای بگویم. مرا به کمیته بردند و چون زیاد سؤال می‌کردند، گفتم: من یک خلبان هستم و موضوع براندازی در کار است. ساعت ۴:۳۰ صبح بود. رفتیم منزل آیت‌الله خامنه‌ای و جریان را برای ایشان گفتم و ایشان دیگران را مطلع نمودند. "

منبع :

(خاطره‌ها، آیت‌الله ری شهری، جلد اول، چاپ مرکز اسناد انقلاب اسلامی، صفحات ۱۴۱ تا ۱۴۳)

شبکه نظامی، سیاسی و مذهبی کودتای نوژه چه کسانی بودند؟



در روز ۱۹ تیر ۱۳۵۹ به دنبال کشف توطئه گروهی از افسران نیروی هوایی برای کودتا به منظور سرنگونی نظام جمهوری اسلامی و بازگرداندن شاپور بختیار به قدرت، جمعی از کودتاگران بازداشت شدند.

این عملیات که قرار بود با پرواز چند فروند هواپیما از پایگاه هوایی شهید نوژه همدان آغاز شود بعدها به «کودتای نوژه» مشهور شد. این کودتا چنان دقیق طرح ریزی شده بود که طراحان موفقیت آن را قطعی می‌دانستند و حتی اعلامیه‌های پیروزی آن آماده و در منازل برخی از کودتاچیان انبار شده بود. حجت‌الاسلام محمد محمدی ری‌شهری وزیر اسبق اطلاعات و رییس وقت دادگاه ارتش، در کتاب «خاطره‌ها» چگونگی اطلاع یافتن از نقشه کودتا را این‌چنین شرح می‌دهد: نزدیک غروب آفتاب روز ۱۳۵۹/۴/۱۷، آقای سعید حجاریان که با کمیته اداره دوم ارتش همکاری داشت به دفترم آمد و هیجان‌زده گفت کار خصوصی دارم. ظاهراً چند نفر در دفتر بودند، به من نزدیک شد و گفت: «امشب قرار است کودتا شود» بدین سان با پیگیری کودتا کشف و خنثی شد. نقشه کودتا بدین قرار بود که بختیار آخرین نخست‌وزیر رژیم پهلوی به همراه غلامعلی اویسی از نظامیان نزدیک به محمدرضا پهلوی با هماهنگی برخی عناصر در داخل کشور درصد برآمدند نظر آمریکا را درباره طرح یک کودتا و ساقط کردن نظام نوپای جمهوری اسلامی جویا شوند.

تدارک کودتا، با اهداف و زمان مشخص، در دستور کار بنی‌عامری، رهبر شاخه نظامی این گروه قرار گرفت و سازمان نقاب (نجات قیام ایران بزرگ) برای مطالعه در خصوص بررسی

راه‌های موفقیت کودتا در ستاد بختیار تشکیل شد. مثلث ریاست این سازمان به این صورت شکل گرفت که شاخه نظامی به رهبری بنی‌عامری، سیاسی به رهبری قادسی و تدارکات به رهبری «منوچهر قربانی‌فر» بود. اکثر اعضای شاخه سیاسی، اعضای حزب ایران و هواداران بختیار بودند. مهم‌ترین وظیفه این شاخه هموار کردن زمینه عملیات نظامی و نیز به دست گرفتن قدرت سیاسی پس از کودتا بود. افراد این شاخه به نظام مشروطه سلطنتی وفادار بودند. آنان همزمان با انجام اقدامات سیاسی علیه نظام جمهوری اسلامی ایران، درصدد برآمدند برای کسب مشروعیت سیاسی، برخی رجال ملی و مذهبی را نیز با خود موافق سازند. شاخه تدارکات وظیفه تهیه پول، اسلحه، خانه، ماشین و دیگر لوازم مورد نیاز برای یک کودتای موفق را برعهده داشت. پول در وهله اول از جانب کشورهای امریکا، انگلیس و عراق در اختیار ستاد کودتا - مستقر در پاریس - قرار می‌گرفت و سپس از طریق این ستاد به داخل کشور فرستاده می‌شد؛ چنانکه در مدت کمتر از یک هفته این مبلغ به چیزی در حدود یکصد میلیون تومان بالغ گردید. شاخه نظامی ابتدا با سر دادن شعارهای ناسیونالیستی و تبلیغ این هشدار که ایران با قدرت‌یابی روحانیون به تدریج به کشوری عربی تبدیل می‌شود، سعی در جذب نیرو داشت. آنان پرسنل شاغل و یا پاکسازی شده ارتش را به همکاری فرا خواندند و به این افراد برای تشویق بیشتر، مبالغی پول پرداخت می‌کردند.

حجت‌الاسلام محمدی ری‌شهری در گفت‌وگو با مجله «صف» اعضای جذب شده شاخه نظامی را چنین برمی‌شمارد: «تعدادی از امرای اخراجی ارتش که حتی مدتی زندانی بودند، عده‌ای بازخرید شده و یا کسانی که بازنشسته شده بودند. البته [آنان] تعدادی از افراد شاغل را هم فریب داده بودند. بنی‌عامری رئیس شاخه نظامی با استفاده از ارتباطات خود با برخی از عناصر اطلاعاتی شاغل در اداره دوم ارتش و مأمورین ساواک منحل، اقدام به شناسایی و جذب افراد، اعم از مشاغل، برکنار شده و تحت تعقیب می‌کرد تا از طریق تأمین کادر اطلاعاتی کودتا، اولاً شناسایی‌های لازم در بین نیروهای سه‌گانه نظامی میسر شود، دوماً امکان تأمین پوشش حفاظتی برای شبکه در برابر نیروهای اطلاعاتی جمهوری اسلامی فراهم گردد.» بنا بر اعترافات ستوان سیاوش پورفهمیده - از عوامل کودتا - رهبران شاخه نظامی بیشتر درصدد جذب آن دسته از افراد بازنشسته ارتش بودند که بعضاً از مشکلات مالی رنج می‌بردند. به این افراد تأکید می‌شد که افشای هر گونه اطلاعات به مرگ آنان منجر خواهد شد و لذا

اکثر آن‌ها از چگونگی انجام کودتا هیچ اطلاعی نداشتند. در واقع مقرر شده بود آنان پس از تجمع در پارک لاله و حرکت به سوی پادگان نوژه همدان، در جریان عملیات قرار گیرند. شاخه نظامی پس از تلاش‌های فراوان، موفق شد شصت خلبان و پانصد تن از افراد فنی و نظامی، را برای شرکت در عملیات جذب کند. این شاخه به سران خود قول داده بود پرواز بیش از سی هواپیما را تضمین کند. مهم‌ترین پایگاه‌های هوایی که کودتاچیان در آن حضور داشتند علاوه بر پایگاه هوایی مهرآباد در تهران، پایگاه سوم هوایی نوژه در همدان و پایگاه‌های وحدتی دزفول، اصفهان و تبریز بودند. در نیروی زمینی، بیش از همه لشکر ۱ (گارد جاویدان سابق و حوزه نفوذ اویسی) مورد توجه قرار گرفت. علاوه بر این، لشکر ۲ و همچنین نیروی ویژه هواپرد (نوهده) پادگان جمشیدیه، ستاد نیروی زمینی، ژاندارمری و شهربانی نیز با کودتاگران همکاری داشتند. در خارج از تهران بیش از همه لشکر ۹۲ زرهی اهواز مورد توجه کودتاگران بود و سرهنگ عزیز مرادی علاوه بر بسیج و تسلیح شیوخ وابسته به عشایر عرب، وظیفه توجیه و جذب نیروهای داخل لشکر را بر عهده داشت. مرادی بیش از آنکه با سازمان کودتای نوژه در ارتباط قرار گیرد، سعی داشت با ایجاد شاخه نظامی برای جذب پان ایرانیست تحت رهبری پزشکپور به یک عملیات براندازی اقدام کند.

لشکر ۸۱ باختران و لشکر قزوین نیز تا حدودی با عوامل کودتا هماهنگ شده بودند. همچنین مقرر شده بود نیروهای شبه نظامی در روز کودتا در نقاط مختلف تهران اقدام به ایجاد آشوب و درگیری نمایند. گروه‌های شبه نظامی تا ۲۴ ساعت می‌بایست مطابق برنامه عمل می‌کردند و پس از آن می‌توانستند عملیات را به ابتکار خودشان پیش ببرند. غیر از پارک لاله (محل تجمع اصلی)، مقرر شده بود گروهی دیگر نیز اجرای عملیاتی را در پادگان لاهوتی (باغشاه) تهران بر عهده گیرند. بر اساس این طرح، مقرر بود، در کل سه گروه در سه نقطه تهران (پارک لاله، عباس‌آباد و نقطه‌ای در غرب تهران) دست به آشوب بزنند. یکی از فعالیت‌های مهم شاخه سیاسی کودتا - که تا اندازه زیادی هم موفقیت‌آمیز بود - تلاش جهت جلب حمایت تعدادی از روحانیون بود. آنان با شناخت کامل از جامعه ایران، نسبت به نقش مذهب و مشروعیت حاصل از آن در نظر مردم غافل نبودند. این چنین بود که از همان ابتدا به مثابه دیگر نیازهای کودتا، جایگزینی یک رهبر مذهبی را به جای امام خمینی مدنظر داشتند و برای این منظور بهترین گزینه را آیت‌الله شریعتمداری تشخیص دادند. دو عامل سبب این انتخاب شده بود. یکی ناآرامی‌هایی که «حزب جمهوری خلق مسلمان» در حمایت از ایشان به راه انداخته بود

و کودتاگران امیدوار بودند با جلب حمایت آیت‌الله شریعتمداری حمایت این حزب و اکثریت مردم استان‌های آذری زبان را به دست آوردند. دیگر اینکه بختیار زمانی که در تدارک تصدی سمت نخست‌وزیری بود، به حمایت شریعتمداری از اقدام خود در برابر حضرت امام به عنوان مرجع شیعیان جهان اطمینان حاصل کرده بود. بدین ترتیب شریعتمداری بهترین گزینه در میان روحانیون برای همکاری و تأیید کودتا به حساب می‌آمد.

محمدی ری‌شهری حدود یک ماه پس از کودتا، اعلام کرد که تعدادی از روحانیون که جزو افراد مسئول مملکتی نیستند، در ارتباط با کودتا بوده‌اند و علاوه بر آن‌ها بعضی آقاها نیز با کودتا هماهنگی داشته‌اند. این مسأله برای جذب افراد جدید و کسانی که در همکاری با کودتاگران دچار تردید شده بودند، بسیار مفید واقع شد. آنچنان که به نوشته روزنامه جمهوری اسلامی، سروان نعمتی - از عوامل اصلی کودتا - برای اقناع یکی از خلبانان که نسبت به مأموریت محوله دچار بیم و تردید شده بود. به او می‌گوید: «خیلی‌ها از جمله شریعتمداری این کودتا را تأیید کرده‌اند.» اکثر افراد، کودتا را مورد تأیید روحانیون و وسیله نجات ایران و اسلام می‌پنداشتند.

چنانکه ایرج درخشنده از ساواکی‌های جذب شده به کودتا - پس از دستگیری در این ارتباط، می‌گوید: بنی‌عامری می‌گفت با علما و روحانیونی که طرفدار آیت‌الله شریعتمداری هستند، دست به دست هم داده‌ایم تا یک اسلام نوین در سطح مملکت پیاده کنیم. بدین ترتیب راه هر گونه مخالفت اعضا با اهداف کودتا بسته می‌شد. بنا به اعترافات تیمسار محقق، مسئولان شاخه سیاسی در پاسخ به پرسش عوامل کودتا مبنی بر اینکه در برابر واکنش مردم چه اقدامی باید انجام دهند، چون در صورت تیراندازی عده زیادی از مردم کشته خواهند شد، به آنان می‌گفتند: وقتی امام خمینی را از میان بردارند، فرد دیگری به جای ایشان خواهد نشست و از طریق رادیو و تلویزیون بر غلط بودن تمام آنچه امام گفته است، فتوا خواهد داد. با توجه به نقش تعیین کننده و مهم نیروی هوایی در عملیات کودتا، تعیین پایگاهی مناسب برای آغاز عملیات ضروری بود. ویژگی‌های این پایگاه در نظر تئوریسین‌های نظامی کودتا بدین قرار بود:

۱- دارای هواپیما باشد

۲- به تهران نزدیک باشد

۳- خارج از شهر باشد

۴- عناصر مستعد و قابل جذب داشته باشند

۵- رهبران عملیات هوایی کودتا حداکثر آشنایی را با پرسنل و اماکن آن داشته باشند.

در نظر کودتاگران ضربه اصلی باید به تهران زده می‌شد تا با سقوط آن به عنوان مرکز سیاسی - اداری کشور، دیگر شهرها نیز تسلیم شوند. بنابراین در ابتدا نظر بعضی از افراد شاخه نظامی و سیاسی بر این بود که پایگاه هوایی مهرآباد مرکز ثقل کودتا باشد. اما نگرانی از حضور و واکنش مردم در برابر پایگاه مهرآباد آنان را واداشت تا پایگاه دیگری را که از شرایط مناسبی برخوردار باشد. سرانجام پس از بررسی‌های نظامی پایگاه هوایی نوژه در نزدیکی شهر همدان برای انجام عملیات انتخاب شد. که بعضی از سران کودتا مانند تیمسار سعید مهدیون، تیمسار محقق و نعمتی در آنجا دورانی را گذرانده و با محیط کاملاً آشنا بودند.

برای انجام عملیات زمینی علاوه بر شبه نظامیان حامی کودتا در تهران و نیز برخی یگان‌های نظامی لشکر ۱ و ۲ و تیپ نوهه، لشکر زرهی ۹۲ اهواز به عنوان مهم‌ترین پایگاه عملیاتی کودتا معین شدند. اعضای شاخه سیاسی و نظامی، پس از مطالعات و بررسی‌های زیاد، اهدافی را به عنوان نقاط حساس و کلیدی برای بمباران و تصرف انتخاب کردند. از مهم‌ترین این اهداف، بمباران بیت امام بود که توسط سه هواپیما با زبده‌ترین خلبانان انجام می‌شد. ستوان رکنی در اعترافات خود می‌گوید: «بر سران کودتا کاملاً مشخص بود تا زمانی که امام زنده است، مردم با یک کلمه ایشان به خیابان‌ها آمده و کودتا را عقیم خواهند کرد.» بمباران و انهدام فرودگاه مهرآباد، دفتر نخست‌وزیری، ستاد مرکزی سپاه پاسداران، کمیته انقلاب، مجلس شورای اسلامی، تعدادی از پادگان‌های مهم، مدرسه فیضیه و چند نقطه مهم دیگر از جمله اهداف دیگر آن‌ها بود.

مرحله دوم عملیات پس از پایان بمباران‌های هوایی، با عملیات نیروی زمینی آغاز می‌شد، در این مرحله می‌بایست چند نقطه حساس از جمله صدا و سیما بوسیله کودتاگران اشغال می‌شد که این کار بوسیله گروهی صد تا صد و پنجاه نفری انجام می‌شد. از نقاط دیگر برای تصرف؛ زندان اوین، ستاد ارتش، پادگان‌های حر، قصر و جمشیدیه بود. هدف کودتاچیان سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و روی کار آوردن یک دولت نظامی به مدت دو سال بود. و پس از

آن طی برگزاری یک انتخابات، نوع حکومت معلوم می‌شد. پس از لو رفتن طرح کودتا، ستاد هماهنگی خنثی‌سازی توطئه متشکل از سپاه پاسداران و نیروی هوایی شکل گرفت و قرار بود دستگیری و تعقیب توطئه‌گران توسط این ستاد انجام شود.

آیت‌الله اکبر هاشمی رفسنجانی در مصاحبه‌ای به تاریخ ۱۳۵۹/۴/۲۲ با رادیو درباره نحوه کسب اطلاع از کودتا چنین می‌گوید: «حدود یک ماه و نیم پیش به ما اطلاع دادند که عوامل شاهپور بختیار در ایران و شبکه نظامی و تبلیغاتی‌شان بر حجم اقدامات خود افزوده‌اند. در آن گزارش، برنامه‌های تبلیغاتی آن‌ها مشخص و همینطور برنامه‌های نظامی‌شان و زمان اینکه چه وقت می‌خواهند توطئه را شروع کنند گزارش شد. من این مسأله را در شورای انقلاب مطرح کردم، آقای بنی‌صدر هم از کانال دیگری آگاه شده بود. شورای انقلاب، سپاه را مسئول کرد که به همراه نیروهای ویژه‌ای از ارتش این جریان را تحقیق کنند و آن‌ها را تعقیب کردند و وضعیتی پیش آمد که یک بازداشت صورت گرفت و عده‌ای از عوامل بختیار بازداشت شدند و این باعث شد که برنامه کودتا به هم بخورد و برای مدت نامعلومی به تأخیر بیفتد. ولی شورای انقلاب در جریان بود.»

ابوالحسن بنی‌صدر، رئیس جمهور وقت اطلاعات خود را از منابعی دیگر می‌داند، بنی‌صدر در یک سخنرانی نحوه اطلاع خود از کودتا را اینگونه بیان می‌کند: «فرمانده سابق نیروی هوایی یک ماه و اندی پیش اطلاع داد که در نیروی هوایی مثلاً در میان چتربازها شاید هم به صراحت از نوژه حرف زد که یک تشکل‌هایی در حال انجام است. این خبر را ما به دستگاه اطلاعاتی برای تحقیق و پیگیری دادیم تا اینکه حدود سه هفته پیش از این معلوم شد این‌ها همان کودتاگرانند و آن وقت نیروی آن‌ها حدود هفتاد تا هشتاد نفر ارزیابی می‌شد و ده نفر از آن‌ها هم آن موقع برای ما شناخته شده بودند.»

ری‌شهری نیز نقطه عطف کشف این کودتا را صحبت میان دو نفر در تاکسی می‌داند که پس از آن تحقیق و کشف شبکه‌ای به نام «نقاب» در تیپ نوهد و در نتیجه دستگیری ۱۳ نفر در این رابطه رخ می‌دهد. اما نظر مشهور به این صورت است که خلبانی که مأمور بمباران بیت حضرت امام بود، دچار تشویش و عذاب وجدان شده، شب قبل از آغاز عملیات به منزل آیت‌الله خامنه‌ای می‌رود و موضوع را در آنجا بیان می‌کند. آیت‌الله خامنه‌ای جریان آن شب را چنین بیان می‌کند: یک شبی من حدود اذان صبح دیدم که درب منزل ما را می‌زنند،

بیدار شدم رفتم دیدم آقای مقدم است و می‌گوید که یک نظامی آمده با شما کار واجب دارد، به آن نظامی گفتم: تو از کجا می‌دانی؟ بنا کرد شرح دادن آن و... من دیدم مسأله خیلی جدی است و بایستی آن را پیگیری بکنیم» و البته روایتی دیگر این چنین است که همزمان با این خلبان یکی از درجه‌داران تیپ نوهده به کمیته مستقر در اداره دوم ستاد مشترک مراجعه می‌کند و پس از افشای کودتا و اعتراف به اینکه قرار است به همراه یازده نفر دیگر در براندازی نظام جمهوری اسلامی شرکت کند، پاکتی حاوی بخشی از طرح عملیاتی کودتا را در اختیار کمیته فوق قرار می‌دهد.

پس از لو رفتن طرح کودتا، سپاه پاسداران، ارتش و کمیته انقلاب وارد عمل شده و دستگیری توطئه‌گران را آغاز می‌کنند. به همین منظور در اداره دوم ارتش برای خنثی سازی کودتا و جلوگیری از فرار عناصر اصلی و هر گونه اقدام از جانب آن‌ها، گروه ویژه‌ای مرکب از آقایان تیمسار دادبین، سروان شهرام‌فر و سروان نوری تشکیل شد تا پس از اعزام به پایگاه هوایی نوژه، با همکاری نیروهایی که از قبل در آنجا مستقر بودند، به دستگیری و مقابله با کودتاگران اقدام نمایند. علاوه بر این در اداره دوم ارتش هم مرکز فعالیت‌های ضد کودتا تحت نظارت محمد رضوی شکل گرفت که مستقیماً با آیت‌الله خامنه‌ای و آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در تماس بود و هر گونه اقدامات مرکز در هماهنگی با آن‌ها صورت می‌گرفت.

اولین عملیات ضد کودتا از پارک لاله تهران واقع در بلوار کشاورز شروع شد که به عنوان محل تجمع کودتاگران برای انتقال به همدان در نظر گرفته شده بود. پاسداران انقلاب در اقدامی ضربتی موفق شدند تعدادی از آن‌ها را دستگیر کنند. اما عده دیگری با چند دستگاه ماشین به سمت پایگاه نوژه حرکت کردند که در فاصله یک کیلومتری پایگاه نوژه دستگیر شدند. قبل از دستگیری، درگیری میان دو طرف روی می‌دهد که ۶ نفر از کودتاچیان کشته می‌شوند.

روزنامه کیهان روز شنبه ۲۱ تیرماه آن سال در گزارشی با عنوان «۲۰ عامل کودتا دستگیر شدند» از شکست کودتای نوژه خبر داد و نوشت: «در جریان مقابله با توطئه کودتای ضدانقلاب در ایران، ۶ تن از افراد توطئه‌گر تیپ هواپرد تهران در نزدیکی پایگاه هوایی (حر) نوژه همدان کشته شدند و دو تن دیگر به تهران اعزام شدند. این عده قرار بود خود را به پایگاه هوایی «حر» برسانند و با کمک عوامل خود، پایگاه را در اختیار گیرند. همچنین در

ارتباط با این توطئه ۱۷ افسر از جمله فرمانده لشکر ۹۲ زرهی اهواز نیز دستگیر شدند و مدارکی از فرمانده پادگان لشکر اهواز بدست آمد که حاوی اسامی ماموران قتل امام بوده است.»

خبرنگار کیهان در همدان به نقل از قشمی سخنگوی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی همدان گزارش داد: «ساعت ۶ صبح چهارشنبه گذشته با اعلام قبلی، سپاه پاسداران همدان بصورت آماده‌باش در آمد و در ساعت ۹ صبح همان روز طرح و نقشه تصرف پایگاه حر در دست ما بود که بلافاصله افراد سپاه به محل اجرای نقشه حرکت کردند و تا ساعت ۱۱ چهارشنبه شب، آن منطقه را به محاصره خود در آوردند.» سخنگوی سپاه پاسداران همدان افزود: طرح یادشده به این ترتیب بود که افراد هواپرد تهران که تعداد آن‌ها ۸ نفر بود و با شش دستگاه اتومبیل استیشن و سواری عازم همدان بودند قصد داشتند ابتدا در محلی واقع در یک کیلومتری پایگاه «حر» اجتماع کنند و پس از آمادگی جنگی کامل و توجیه نقشه خائنانه خود و سازماندهی افراد به طرف پایگاه «حر» حرکت کنند که ما قبلاً سه راهی تهران، همدان و پایگاه را تحت نظر گرفتیم و در حدود ساعت ۳ بامداد روز پنج‌شنبه ۸ نفر توطئه‌گر به سه‌راهی پایگاه رسیدند و بلافاصله درگیری این افراد با سپاه پاسداران همدان آغاز شد که شش نفر کشته و دو نفر دیگر پس از چند ساعت خودشان را تسلیم کردند که با هواپیما به تهران اعزام شدند. در داخل اتومبیل‌ها مقداری لباس نظامی قرار داشت که قصد داشتند قبل از ورود به پایگاه از آن‌ها استفاده کنند.

سخنگوی سپاه پاسداران همدان ضمن قدردانی از فداکاری و از خود گذشتگی گروه ضربت پایگاه «حر» گفت: در بین راه با یکی از دستگیرشدگان صحبت کردم و علت ارتکاب به این عمل خائنانه را از او سوال کردم که وی در پاسخ گفت: هدف ما انجام کودتای نظامی بود و زمانی که انگیزه کودتا را سوال کردم جواب داد ما برای خودمان عقایدی داریم و شما هم عقایدی برای خودتان.

در نقاط دیگر کشور، از جمله در اصفهان، دو مینی‌بوس و یک دستگاه اتوبوس که حامل هفتاد نفر بودند در مسیر حرکت به سمت همدان با نیروهای سپاه درگیر که در نتیجه تعدادی کشته و زخمی و تعدادی بازداشت می‌شوند. در اهواز، در لشکر ۹۲ زرهی اهواز، یکی دیگر از مکان‌های تجمع کودتاگران که با اقدام به موقع، توطئه‌گران در اهواز نیز دستگیر شدند. با

این حال سران اصلی کودتا و رؤسای سه شاخه آن موفق شدند از کشور فرار کنند، بیشتر کسانی که دستگیر شدند، از شاخه نظامی کودتا بودند، در جریان دستگیری‌ها دو نفر از نیروهای سپاه به نام‌های استوار یکم قربانی اصل و گروهان اصغر خانی به شهادت رسیدند. در مجموع ۱۲۱ نفر به اتهام مشارکت در عملیات کودتای نوژه بازداشت شدند که از آن جمله تیمسار سعید مهدیون، تیمسار آیت محقق، سرهنگ احمد آزموده، سرهنگ هادی ایزدی، سرهنگ سعید امیری، سرهنگ داریوش جلالی، سرهنگ رحمت‌الله خلیفه‌بیگی، سرهنگ منوچهر صادقی سرهنگ علی فاریا، سرهنگ حسین مصطفوی قزوینی، سرهنگ محمدرضا نادری، سرهنگ ایرج خلف بیگی، سرهنگ غلامحسن بیگدلو، سروان محمد ملک، ستوان ناصر رکنی، سرهنگ داریوش جلالی، استوار عبدالعلی سلامت، استوار غلامحسین قایق‌ور، سرهنگ رحمت‌الله خلیفه‌سلطانی، سرگرد کوروش آذرتاش، ستوان امیدعلی بویری و تعدادی دیگر به حکم حجت‌الاسلام محمدی ری‌شهری رییس وقت دادگاه ارتش به اعدام محکوم شده و تیرباران شدند.

به نوشته روزنامه کیهان، دکتر سیدمحمد بهشتی عضو شورای انقلاب و رییس وقت دیوان عالی کشور روز جمعه ۲۰ تیر ۱۳۵۹ در سخنرانی قبل از خطبه‌های نماز جمعه تبریز با اشاره به توطئه کودتا، عاملان اصلی این توطئه در همدان را یک افسر فراری و سیاستمداران شکست‌خورده خواند و پرده از روی توطئه نافرجام اخیر آمریکا، اسرائیل و عراق علیه شورای انقلاب ایران برداشت. وی ضمن تشریح نحوه این کودتا، نقش نیروهای سه‌گانه ارتش جمهوری اسلامی به ویژه نیروی هوایی و دیگر نهادهای انقلابی را که در کشف کودتا فعالیت داشتند ستود و گفت: یک افسر فراری و یک سیاستمدار شکست‌خورده در این کودتا دست داشتند.

دکتر بهشتی به نقش دشمنان درون مرزی و برون مرزی اشاره کرد و به مردم هشدار داد که در شناسایی این دشمنان فعالیت کنند. بهشتی افزود: کودتای کشف شده از مدت‌ها قبل تحت نظر دولت جمهوری اسلامی بوده و هرگونه حرکت توطئه‌آمیز زیر نظر بود و عاملان آن نیز شناسایی و بازداشت شدند. آیت‌الله بهشتی در قسمت دیگری از سخنان خود گفت: دشمن اسلام از هر نیرنگی برای نابودی ما استفاده می‌کند و کانون‌های توطئه بوجود می‌آورد که بر اثر بیداری چشمان ما و تیزی گوش‌های ما این کانون‌ها با شکست روبرو می‌شوند و ما

نخواهیم گذاشت وقایع ۲۸ مرداد دیگر در ایران تکرار شود و ما به صفوف متشکل خود از ارتشی و شهربانی و ژاندارمری و نهادهای انقلابی افزوده و هر حرکتی را علیه جمهوری اسلامی متوقف خواهیم کرد.

منابع:

روزنامه کیهان، تیر و مرداد ۱۳۵۹

روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۶ مرداد ۱۳۵۹

کودتای نوژه، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی

خاطره‌ها، محمد محمدی ری شهری، مرکز اسناد انقلاب اسلامی

گفت‌وگو با محمدی ری شهری رییس دادگاه ارتش، مجله صف، شماره ۴۴، مرداد ۱۳۵۹

سایت تاریخ ایرانی

طرح عملیاتی کودتای نوژه



برای تصرف پایگاه نوژه، به عنوان کلید عملیاتی کودتا، ۱۲ هدف تعیین شده بود و برای نیل به اهداف تعیین شده، ۱۲ تیم مرکز از کلاه سبزه‌های تیپ نوهد (حدود ۱۰۰ نفر)، ۳۰۰ تا ۴۰۰ نفر از فریب خوردگان ایل بختیاری و ۱۲ نفر راهنما (از داخل پایگاه) در نظر گرفته شده بود.

پایگاه نوژه: مبداء و محور عملیات

از نظر رهبران کودتا، فتح تهران مساوی با پیروزی در سراسر کشور تلقی می‌شد. آنان با تجربه و تصویری که از چگونگی کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و پیروزی انقلاب اسلامی در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ داشتند، تصور می‌کردند که با سقوط تهران، مراکز نظامی - اداری سایر شهرها، با توجه به ضرباتی که همزمان با عملیات تهران توسط شاخه‌های کودتا در سراسر کشور بر آنها وارد می‌شد و به تعبیت از تغییر قدرت در مرکز، با رهبران کودتا اعلام همبستگی می‌کنند و مترصد اجرای فرمان‌های «شورای نظامی» می‌شوند.

با این تصور، طبیعی‌تر این بود که مبداء و مرکز عملیات کودتا در تهران شناسایی می‌شد و نه در نزدیکی همدان. البته در طرح اولیه کودتا، پایگاه یکم نیروی هوایی در مهرآباد به عنوان مرکز ثقل کودتا انتخاب شده بود. اما بزرگترین نقطه قوت این پایگاه، همان امتیازی بود که بزرگترین نقطه ضعف آن نیز محسوب می‌شد. پایگاه در تهران بود و این امتیاز بزرگی بود. اما این پایگاه در مناطق مسکونی محصور و در دسترس مردم بود و این ضعف بزرگی محسوب می‌گردید. کودتاگران از این بیم داشتند که در روز عملیات پس از پروازهای نخستین و بمباران اهداف تعیین شده، مردم از هر سو به پایگاه هجوم برند و پس از خارج کردن پایگاه از دست محافظین، در سطح باندها پراکنده شوند و امکان فرود و صعود را از هواپیماها بگیرند و کودتا با شکست مواجه شوند. لذا آنان در صدد شناسایی پایگاهی برآمدند که:

دارای هواپیما باشد، به تهران نزدیک باشد، خارج از شهر باشد، عناصر مستعد و قابل جذب داشته باشد و رهبران عملیات هوایی کودتا حداکثر آشنایی را با پرسنل و امکان آن داشته باشند.

«پایگاه نوژه» (۱) در آن زمان و در ارتباط با کودتاگران، به دلیل امتیازاتی که داشت برای اهداف کودتا مطلوب تشخیص داده شد:

اول از نظر داشتن هواپیماهای قابل تجهیز به سلاح سنگین، بر پایگاه مهرآباد برتری داشت.

دوم، نزدیک ترین پایگاه به تهران بود.

سوم در ۶۰ کیلومتری همدان (دور از دسترس مردم) قرار داشت.

چهارم، تیمسار محققى (او قبلاً فرمانده پایگاه یکم مهرآباد بود. اما این به تنهایی برای طرح عملیات هوایی کودتا کافی نبود)، تیمسار مهدیون، سروان نعمتی، سروان ایران نژاد، سروان پوررضایی و ... در آنجا خدمت کرده و اماکن و پرسنل پایگاه را می شناختند.

طرح اشغال پایگاه نوژه و آغاز عملیات

برای تصرف پایگاه نوژه، به عنوان کلید عملیاتی کودتا، ۱۲ هدف تعیین شده بود و برای نیل به اهداف تعیین شده، ۱۲ تیم مرکز از کلاه سبزیهای تیپ نوهده (حدود ۱۰۰ نفر)، ۳۰۰ تا ۴۰۰ نفر از فریب خوردگان ایل بختیاری و ۱۲ نفر راهنما (از داخل پایگاه) در نظر گرفته شده بود. قرار بود با شروع عملیات تسخیر پایگاه نوژه، توسط عوامل نفوذی کودتا در مخابرات، کلیه ارتباط داخل پایگاه، به جز برج کنترل که خود دارای بیسیم بود، قطع شود.

پس از تصرف کامل پایگاه نوژه، تیمسار محققى برای شروع و رهبری عملیات هوایی، در اتاق فرماندهی عملیات هوایی استقرار می یافت و همزمان با استقرار او در پست فرماندهی، سروان حمید نعمتی، سروان محمد ملک؛ سروان کیومرث آبتین و سروان فرخ زاد جهانگیری، که هر کدام سرپرست یک تیم بودند، آماده به پرواز در آوردن نخستین اسکادران هوایی شامل ۱۶ هواپیما از ۵۳ فروند هواپیمای مجهز به سلاح سنگین، که برای عملیات در نظر گرفته شده بود، می شدند.

در مجموعه عملیات نظامی کودتا، عملیات هوایی در تضمین پیروزی نقش محوری داشت و برگ برنده کودتا محسوب می شد. لذا، برای عدم برخورد عملیات هوایی با هر گونه مانع احتمالی، باید تا لحظه شروع کودتا، اقدامات از هر جهت طبق طرح کودتا پیش می رفت. یکی از نیازهای اساسی این بود که در روز کودتا هواپیماها باید مسلح به سلاح سنگین و آماده پرواز باشند.

وجود جو خصومت میان عراق و ایران می توانست زمینه ساز چنین تمهیدی باشد. ولی تیمسار محقق و مهدیون، که بیش از دیگران به عملیات هوایی حساس بودند، از این بیم داشتند که مبادا به هر دلیل، جو خصمانه میان عراق و ایران کاهش یابد و بر سر راه مسلح شدن هواپیماها اشکال اساسی پیش آید. از این رو، از بنی عامری درخواست کردند که موضوع را با ستاد پاریس در میان گذارد، تا چاره اندیشی های لازم به عمل آید:

«محقق و مهدیون نگران این موضوع بودند که چنانچه روابط خصمانه ایران و عراق به حالت عادی تبدیل شود مهمات سنگین هواپیماها از روی آنها پیاده شده و به انبارها منتقل گردد. در نتیجه در روز کودتا هواپیماهای مسلح در اختیار نباشد. در نتیجه به حکومت جمهوری اسلامی فرصت مجهز شدن و مقابله داده شود (مسلح کردن هر هواپیما اگر همه امکانات در اختیار باشد حداقل ۲ ساعت زمان می برد) به همین جهت به بنی عامری پیشنهاد کردند که از طریق پاریس این مشکل حل شود تا حالت خصمانه همچنان داغ نگه داشته شود. حملات گاه به گاه هوایی با توپخانه ارتش عراق در بهار سال ۵۹ (قبل از کودتا) ناشی از درخواست بنی عامری و هماهنگی نمایندگان سیا و موساد و عراق بود تا ارتش و نیروی هوایی مجبور باشد هواپیماها را در زیر مهمات سنگین نگه دارد». (۲)

پیرو هماهنگی های ایجاد شده بین دوستان تهران و پاریس، حملات زمینی و هوایی عراق علیه ایران، با نزدیک شدن زمان کودتا، گسترش یافت. در مقایسه با ۱۳۹ حمله ای که عراق در فاصله ۱۳/۱/۱۳۵۸ تا ۳۱/۲/۱۳۵۹ انجام داد، از ۱/۳/۱۳۵۹ تا ۱۹/۴/۱۳۵۹ (آغاز کودتا)، ۱۱۵ حمله هوایی و زمینی به ایران صورت گرفت. در روز ۱۸/۴/۱۳۵۹ (روز قبل از کودتا) منطقه باویسی، تپه رش، پاسگاه شورشیرین و پاسگاه انجیر مورد حمله زمینی، و سومار و نخجیر مورد حمله هوایی رژیم عراق قرار گرفت. همچنین در روز ۱۹/۴/۱۳۵۹ حوالی سندج آماج حمله هوایی و ارتفاعات غرب پاره هدف حمله زمینی قرار گرفت. قرار بر این بود که در پی

حملات هوایی عراق، آژیر قرمز پایگاه، که در عین حال به معنای رمز عملیات هوایی کودتا بود، به صدا در آید و پرسنل هوایی به آماده کردن هواپیماها مشغول شوند. پس از آماده شدن هواپیماها و پس از روشن شدن هوا، خلبانان وابسته به کودتا در ظاهر برای حرکت به سمت مرزها و تلافی حملات عراق و در واقع برای حرکت به سوی تهران و بمباران اهداف از پیش تعیین شده، از روی باند پرواز می کردند. به جز دو فروند - یکی برای تأمین پوشش هوایی پایگاه نوژه و دیگری جهت حرکت به دزفول برای تهدید پایگاه وحدتی به پیوستن به عملیات کودتا یا خنثی ماندن در برابر آن - بقیه به سمت تهران حرکت می کردند. نکته قابل تأمل در ارتباط با نیروی هوایی این است که، این نیرو در دوران انقلاب با میثاق خود با امام در ۱۹ دی ماه ۱۳۵۷ و درگیری با گارد در روزهای ۲۱ و ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ در پیروزی انقلاب نقش مهمی ایفا کرد. و حال برای شکست انقلاب، زوج «لیبرالیسم» (بختیار) و «فاشیسم» (اویسی) نیز تمامی امید خود را به نیروی هوایی بسته بودند. چنانکه عراق نیز در حمله به ایران در وهله اول انهدام مراکز هوایی را هدف قرار داد.

اهداف تعیین شده برای بمباران

با رسیدن هواپیماها به تهران، این نقاط مورد حمله قرار می گرفت: بیت امام در جماران، مهرآباد، نخست وزیری، ستاد مرکزی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ستاد مرکزی کمیته های انقلاب اسلامی (میدان بهارستان)، پادگان ولی عصر (عج)، پادگان امام حسین (ع)، پادگان خلیج (شهید بهشتی)، کمیته انقلاب اسلامی منطقه ۹، کمیته انقلاب اسلامی منطقه ۴، کاخ سعدآباد (چون آنجا را انبار مهمات می دانستند)، لویزان (پادگان نوجوانان)

بگفته همه افراد دستگیر شده، از جمله تیمسار محقق، بیت امام نخستین و مهم ترین هدفی بود که باید بلافاصله بمباران می شد:

«نقاطی که در طرح بود قبل از هر عملیات دیگر منزل امام و بعد زدن باندهای مهرآباد و عبور سوپر سونیک یعنی شکستن دیوار صوتی بر روی تهران و حفظ برتری هوایی از این جهت که پایگاه های دیگر نتوانند بر ضد ما وارد عمل شوند.» (۳)

بیت امام (۴) نه فقط اولین هدف عملیات هوایی را تشکیل می داد، بلکه بمباران آن نیز با سایر اهداف، کاملاً متفاوت بود. برای این منظور ۳ هواپیما به خلبانی سه تن از بهترین خلبانان

کودتا در نظر گرفته شده بود. هواپیمای اول به خلبانی سروان نعمتی مأموریت داشت ۴ بمب ۷۵۰ پوندی (شعاع تخریبی از مرکز اصابت ۷۵۰ فوت) بر روی هدف رها کند. هواپیمای دوم، دو عدد موشک (ماوریک) (از دقیق ترین موشک ها در زدن اهداف ثابت و متحرک) شلیک می کرد. جماران تنها هدفی بود که برای حمله به آن از موشک استفاده می شد. و مأموریت هواپیمای سوم پرتاب ۴ بمب نفر خوشه ای (هر بمب مرکز از ۶۵۰ نارنجک تأخیری از صفر تا ۳۰ دقیقه) بود. پس از پایان بمباران های مکرر و متنوع جماران، هواپیمای نعمتی به سمت رادیو و تلویزیون می رفت و دو هواپیمای دیگر محدوده بمباران شده جماران را زیر رگبار مسلسل می گرفتند و چنانچه میزان انهدام را کافی تشخیص نمی دادند از هواپیماهای دیگر کمک می گرفتند. پس از بمباران جماران و بمباران مهرآباد (به جهت سلب قدرت مقابله هوایی از جمهوری اسلامی) با شکستن دیوار صوتی، پیروزی نخستین مرحله کودتا (عملیات هوایی) به نیروی زمینی اعلام و علامت آغاز مرحله دوم کودتا، یعنی تسخیر مراکز زمینی بوسیله قوای مسلح، داده می شد.

حمله به بیت امام مرکز ثقل کودتا را تشکیل می داد و به معنای بدست آوردن کلید پیروزی کودتا بود:

«بر سران کودکان کاملاً مشخص بود که تا زمانی که امام زنده است مردم با یک کلمه ایشان به خیابان ها ریخته و عمل کودتا را عقیم خواهند کرد... به همین جهت از بین بردن امام یکی از مهم ترین هدف های کودتا بود و برای اجرای آن بیش از سایر هدف ها هواپیما و مهمات سنگین در نظر گرفته شده بود». (۵)

اهداف تعیین شده برای تسخیر

پس از بمباران های هوایی و شکسته شدن دیوار صوتی در تهران، این مراکز باید اشغال می شد: رادیو تلویزیون ، فرودگاه مهرآباد ، ستاد نیروی دریایی، ستاد ارتش جمهوری اسلامی، پادگان حر، پادگان قصر، پادگان جمشیدیه و زندان اوین.

پس از تسخیر صدا و سیما ، گروه سیاسی کودتا، که قبلاً ۲۴ ساعت تمرین کرده بود، در آنجا استقرار یافته و فعالیت خود را در جهت تثبیت کودتا آغاز می کرد. سرهنگ ابراهیم تحمیلی، که قبلاً ۵۰-۴۰ اطلاعیه تهیه کرده بود، از جمله افرادی بود که در رادیو و تلویزیون مستقر

می شد تا بر پخش اطلاعاتی ها و اعلامیه های کودتا نظارت کند. کودتاگران در صورتی که از تصرف رادیو و تلویزیون عاجز می ماندند قصد داشتند آن را بمباران کنند، تا این رسانه همگانی موثر در بسیج مردم علیه کودتا از دست جمهوری اسلامی خارج بشود.

زندان اوین پس از اشغال بوسیله یک گروه ۸۰ نفره از لشکر ۲، با تعدادی تانک و نفربر مورد محافظت قرار می گرفت. هواداران سلطنت بلافاصله مسلح و ضمیمه نیروهای کودتا می شدند، همین اقدام در مورد زندان جمشیدیه نیز باید عملی می شد. عوامل کودتا در قرارگاه نیروی دریایی، علاوه بر بازداشت مخالفین در قرارگاه، وظیفه داشتند تا ستاد ارتش جمهوری اسلامی ایران را اشغال کنند و «شورای نظامی کودتا» آنجا را مقرر فرمادهی خود قرار دهد. گروه های عملیاتی تا ۲۴ ساعت برنامه داشتند و بعد از آن آزاد بودند تا به ابتکار خود عملیات را پیش برند. «عواملی در مخبرات بودند که قرار بود هنگام اجرای نقشه (کودتا) تلفن قسمتی از تهران قطع شود». (۶) این عوامل برای نشان دادن توانایی و آمادگی خود در انجام مأموریت محوله در خرداد ماه بیش از ۵۰۰ دستگاه گوشی تلفن در سطح شهر را قطع کردند.

در سطح شهر تهران نیز باید بین ۱۰۰ تا ۲۰۰ نفر از دژبان مرکز، تعدادی از لشگرهای ۱ و ۲، تعدادی از مزدوران، سرسپردگان در برخی عشایر، ملبس به پوشش نظامی، گروه های اوباش مسلح به سلاح سرد و گرم، پخش می شدند و با اعمال خشونت و ارباب مردم، سعی در قرق کردن شهر می کردند. همچنین در نظر بود، تعدادی غیر نظامی مسلح به اضافه شماری از مأمورین ساواک منحل و عده ای تک تیرانداز ماهر و گروه ویژه بنی عامری به نام «گروه نجات گروگان» به دنبال بمباران های هوایی، منازل مسکونی و مسئولین جمهوری اسلامی ایران را مورد حمله قرار دهند و در صورت کمترین مقاومت در جا حکم اعدام را اجرا کنند.

در بین کلیه مراکز تعیین شده، اشغال رادیو و تلویزیون، هدف محوری و گام مکمل بمباران جماران برای تضمین پیروزی کودتا بود. پس از استقرار گروه سیاسی در ساختمان صدا و سیما، با پخش برنامه های از پیش تعیین شده در جهت سلب اراده مردم و تخریب روحیه آنان تلاش می شد. باید بطور مداوم خبر بمباران جماران و شهادت حضرت امام پخش می گردید و در حاشیه آن با مارش های نظامی و رعب انگیز اخبار بازداشت و ترور مسئولین جمهوری اسلامی، سقوط مراکز نظام یکی پس از دیگری، اعلام همبستگی شخصیت ها و گروه ها و مراکز نظامی و ... خوانده می شد. در کنار همه این ها باید مکررا پیام شریعتمداری مبنی بر

غلط بودن فتاوی امام و تأیید کودتا به عنوان «اقتضای مصالح دین و ملت» و دعوت مردم به آرامش و پرهیز از خشونت و .. پخش می شد.

کودتا در شهرستان ها

همزمان با پخش خبر بمباران جماران و دیگر مراکز نظامی و سیاسی و اعلام اسامی مراکز تخلیه شده، در شمال غربی و غرب و جنوب و شرق ایران نیروهای زیر وارد عمل می شدند:

در آذربایجان شرقی: بقایای «حزب جمهوری خلق مسلمان»، در آذربایجان غربی: صنار و چنگیز مامدی، در باختران: پالیزبان، در خوزستان: بخشی از لشکر ۹۲ زرهی اهواز به اضافه افراد خود فروخته عشایر به فرماندهی سرهنگ عزیز مرادی، در اصفهان و کهگیلویه: دسته هایی از عوامل کودتا در عشایر ایل بختیاری و بویراحمدی، در فارس: باند خسرو قشقایی، در خراسان: قسمتی از لشکر ۷۷ پیاده مشهد، در بلوچستان: سرداران مرتبط با کودتا.

پس از کودتا

۱- تثبیت قدرت

پس از تسخیر رادیو و تلویزیون، بلافاصله به مدت ۳ شبانه روز (۷۲ ساعت) حکومت نظامی اعلام می شد در این مدت با سه ترفند، ارباب مردم به طرق گوناگون از جمله تیرباران های خیابانی، فریب مردم یا تأیید کودتا بوسیله روحانیون همراه با کودتا، باج دهی به مدافعین انقلاب (اعلام عفو عمومی) و با تغذیه کودتا از طریق فراخواندن کلیه عناصر اخراجی و فراری به سر کار در اسرع وقت و ... قدرت توسط نظامیان مهار می شد. اعلامیه ای که متن آن از پیش آماده شده و تاریخ ۲۱/۴/۱۳۵۹ (با احتساب زمان لازم برای تثبیت کودتا و یا احتمال عقب افتادن موعد کودتا) را دارد، به عنوان نخستین بیانیه حکومت کودتا چنین بود:

«همقطاران عزیز! ساعت مورد فرا رسید، ارتش وطن پرست ایران حکومت پوسیده آخوندها را برچید. کلیه واحدهای ارتش، ژاندارمری و شهربانی اعلام همبستگی نمودند. هر گونه مقاومت به شدت سرکوب خواهد شد. آماده اخذ دستورات باشید»

شاخه سیاسی مُصر بود که بختیار ۴۸ ساعت پس از کودتا به ایران بیاید و در پست نخست وزیری مشغول به کار شود. اما بنی عامری، که وزن چندانی برای «سیاسیون» قائل نبود، تأکید داشت که بختیار نباید زودتر از یک هفته پس از کودتا به ایران بیاید!

کودتای ۱۹/۴/۱۳۵۹ چنانکه طراحی شده بود باید به منصفه ظهور می رسید:

- از نظر ایفای نقش اوباش به نسخه دوم کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ (در قیاس وسیع تر)

- از جهت آمادگی برای کشتار میلیونی تالی کودتای ۱۹۶۵ ژنرال سوهارتو علیه سوکارنو. (البته در مقیاس پنج تا ده برابر در کودتای اندونزی بین ۵۰۰ هزار تا یک میلیون نفر از مردم کشته شدند. در صورتیکه سروان حمید نعمتی به یکی از خلبانان گفته بود: « ما می توانیم تا پنج میلیون نفر را بکشیم»)

- از لحاظ نقش کلیدی عملیات هوایی در عملیات کودتا مهم تر از جنگ ۶ روزه اسراییل در سال ۱۹۶۷ (به دلیل نقش اطلاعاتی و مشورتی «موساد» در ستاد پاریس) بود. اما علاوه بر همه اینها، آنچه که به این کودتا ویژگی می بخشید، بعد «مذهبی» کودتا، یا «کودتای مذهبی» شریعتمداری و قمی و زنجانی و روحانی و امثالهم، علیه مذهب راستین و اصیل و یورش «اسلام آمریکایی» بر «اسلام ناب محمدی (ص)» .

۲- دستگیری بنی صدر:

بنی صدر در این زمان به عنوان رئیس جمهور قانونی کشور شناخته می شد و هنوز خیانتهای او آشکار نشده بود. بنی صدر ابتدا در لیست کسانی بوده که باید ترور می شد. اما بعداً تصمیم گرفته شد او را دستگیر کنند و از کشتن او صرف نظر شد. نکته قابل توجه اینجاست که کودتاگران چرا از کشتن بنی صدر به عنوان بالاترین مقام اجرایی کشور صرف نظر می شود در صورتیکه افرادی با مسئولیت های به مراتب پایین تر ترور می شوند.

۳- کودتا و قدرت های جهانی:

«جهت جلوگیری از هرگونه تهاجم احتمالی از طرف شمال کشور، نیروی دریایی وظیفه داشت که بلافاصله در صورت مشاهده چنین عملی تنگه هرمز را بسته تا به این وسیله دولت

های غربی مجبور به مداخله و معارضه با شوروی شوند. ولی مهندس قادسی با اطمینان خاطر اظهار می داشت که چنین اتفاقی نخواهد افتاد و طبق اظهار دکتر بختیار شوروی در این توافق (انجام کودتا) سهیم است».

در این رابطه ، در جای دیگر چنین می گوید:

«بنی عامری روزی خوشحال و خندان وارد می شود که مژده! از پاریس خبر داده اند که شما به محض اینکه عملیات را شروع کردید چنانچه تا دو ساعت احساس کردید که در حال شکست هستید یا آمریکا مستقیماً وارد عمل خواهد شد و یا قدرت شرق. بنی عامری در منزل نعمتی به وی اطمینان می دهد که شوروی نیز جزو کشورهای مورد توافق است، به شرط اینکه استان های شمالی کشور آرام شوند».

منبع: کتاب کودتای نوژه، موسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی، بهار ۱۳۸۴

ارجاعات:

۱- پایگاه سوم نیروی هوایی تا قبل از انقلاب «پایگاه شاهرخی» نامیده می شد. پس از پیروزی انقلاب ، به «پایگاه حر» تغییر نام یافت. به دنبال واقعه پاوه در دهه سوم مرداد ماه ۱۳۵۸ و صدور فرمان تاریخی امام در ۲۷/۵/۵۸ خطاب به نیروهای مسلح جهت پاکسازی کردستان از عناصر آشوبگر، یکی از خلبانان حزب اللهی پایگاه حر «نوژه» به یاری شهید چمران شتافت و در مأموریت های کردستان به شهادت رسید. به همین مناسبت نام پایگاه حر مجدداً تغییر کرد و پایگاه شهید «نوژه» نام گرفت.

۲- ستوان ناصر رکنی (بازجویی)

۳- تیمسار محقق (بازجویی)

۴- منطقه مسکونی محل اقامت امام در جماران ، بوسیله عباس دهقانی - از طریق دوربین - شناسایی شده بود.

۵- ستوان ناصر رکنی (دست نوشته)

۶- سرهنگ ابراهیم تحمیلی (بازجویی)

فرمان امام درباره نحوه رفتار با بازماندگان کودتای نوژه

سال ۵۹ سال بحران ها بود. تنها چند ماه پس از پیروزی انقلاب اسلامی، بحران های بزرگی یکی پس از دیگری دامان جمهوری اسلامی را گرفتند. بحران هایی همچون کودتای نوژه، جنگ تحمیلی، اغتشاشات قومی و شورش های مسلحانه، همه یکجا بر کشور تحمیل شدند. امام خمینی مدیریت مقابله با همه این بحران ها را بر عهده داشتند. ایشان در کنار صدور فرمان های قاطع برای رفع مشکلات، به رحمت و عطف اسلامی توجه ویژه ای نشان می دادند. نمونه ای از این توجهات ویژه را می توان در پاسخ امام به نامه شهید جواد فکوری وزیر دفاع وقت در تاریخ ۱۲ بهمن ۱۳۵۹ یافت. امام در این نامه کوتاه می نویسند: خانواده کودتاچیان نوژه در دامان و ملت اسلامی با رفاه زندگی کنند.

نامه وزیر دفاع، سرهنگ خلبان جواد فکوری:

بسمه تعالی - پیشگاه امام خمینی رهبر و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران.

پیرو اوامر آن رهبر در مورد بررسی وضع بازماندگان معدومین کودتای نافرجام، به سه نفر از پرسنل نیروی هوایی، تیپ نوهده و نیروی زمینی جمهوری اسلامی مأموریت داده شد که به پیگیری این امر بپردازند. اینک خلاصه اقدامات انجام شده و پیشنهادها را به عرض می‌رساند:

....

پیشنهادها: ۱- چون سکونت این عده در خانه‌های سازمانی مغایر با اصول حفاظتی بوده، برای سهولت بیشتر آنان قرار شد منازل سازمانی آنها تخلیه گردد.

۲- با توجه به هزینه زندگی و مسکن، به هر خانواده با یک فرزند مبلغ سی هزار ریال و در ازای هر فرزند اضافی مبلغ پنج هزار ریال به خانواده‌ها پرداخت شود.

۳- وامی جهت خرید خانه به خانواده‌ها پرداخت و در ازای بازپرداخت این وام مقدار کمی از مستمری آنها کم شود. ضمناً گزارش هیأت بررسی مشکلات خانواده‌های معدومین به پیوست جهت مقتضیات اوامر عالی تقدیم می‌گردد - وزیر دفاع جمهوری اسلامی ایران -

سرهنگ خلبان جواد فکوری

پاسخ امام خمینی:

بسم الله الرحمن الرحيم - مراتب فوق مورد موافقت است امید است خانواده این اشخاص در دامن اسلام و ملت اسلامی با رفاه زندگی کنند و سعادت خویش را در دنیا و آخرت تأمین نمایند. از خداوند تعالی سعادت و سلامت ملت مسلمان را خواهانم - ۱۲ بهمن ۵۹ - روح الله الموسوی الخمينی

منبع:

صحیفه امام، ج ۱۴، ص: ۴۴

پایگاه اطلاع رسانی و خبری جماران - تهران

کودتای نوژه ، مظهري از خصومت آمريکا با انقلاب اسلامي



با اشغال سفارت آمريکا در ايران توسط دانشجويان مسلمان پيرو خط امام در ۱۳ آبان ۱۳۵۸، به حيثيت جهاني آمريکا ضربه شديد و بي سابقه‌اي وارد آمد و به ورشکستگي و کناره‌گيري جناح ليبرالي انجاميد که توانسته بود اهم‌هاي دستگاههاي دولتي نظام نوپاي برخاسته از انقلاب را به دست گيرد. خشم آمريکا از تسخير سفارتخانه نبود، بلکه بيشتر به خاطر پيامدهاي بين‌المللي و سياسي آن - به تغيير امام خميني انقلاب دوم - بود...

طرح موضوع

بعد از پيروزي انقلاب اسلامي و سرنگوني سلطنت پهلوي، آمريکا بزرگ‌ترين و معتمدين پايگاه خود را در منطقه که رژيم شاه بود از دست داد از اين رو از همان روزهاي نخستين پيروزي انقلاب در پي نفوذ و تضعيف نظام نوپاي جمهوري اسلامي براي تأمين منافع نامشروع خویش برآمد. سرويس‌هاي جاسوسي بيگانه با ابزارهاي نظير تأسيس حزب و گروه يا حمايت از احزاب و سازمانهاي موجود و يا با نفوذ در دولت موقت و جاسوسي از طريق سفارتخانه‌ها، دامن زدن به تنش‌هاي مذهبي و قومي، تجزيه‌طلبي و براندازي مسلحانه، ترور رهبران، شورش و آشوب، تلاش گسترده‌اي نمودند تا طعم شيرين پيروزي را در کام ملت تلخ نمايند. از اين رو طرح‌ها و توطئه در شيوه‌هاي متفاوت براي سرنگوني حکومت در انداخته شد طرح‌هايي که اگر تدبير رهبري و پشتيباني بي‌دريغ مردم نبود هر يك به تنهائي براي از بين بردن کامل نظام کافي بود.

طرح کودتای نوژه از جمله تلاش‌هایی بود که سازمان سیا، رژيم بعثي عراق، کشورهای حاشيه جنوبي خليج فارس و تعدادی از نظاميان مخالف انقلاب اسلامي به طور مشترک آن را طراحی

کردند. انجام کودتا به دستور آمریکا در برنامه شاهپور بختیار آخرین نخست‌وزیر رژیم پهلوی قرار گرفت و تدارک کودتا به اهداف و زمان مشخص در دستور کار بنی‌عامری، رهبر شاخه نظامی قرار گرفت و سازمان نقاب برای مطالعه در خصوص بررسی راههای موفقیت کودتا در ستاد بختیار تشکیل شد. مثلث ریاست این سازمان به این صورت شکل گرفت که شاخه نظامی به رهبری بنی‌عامری، شاخه سیاسی به رهبری قادی و تدارکات به رهبری منوچهر قربانی فر بود. اکثر اعضای شاخه سیاسی، اعضای حزب ایران و هواداران بختیار بودند مهمترین وظیفه این شاخه هموار کردن زمینه عملیات نظامی و نیز به دست گرفتن قدرت سیاسی پس از کودتا بود. افراد این شاخه به نظام مشروطه سلطنتی وفادار بودند آنان همزمان با انجام اقدامات سیاسی علیه نظام در صدد برآمدند برای کسب مشروعیت سیاسی، برخی رجال ملی و مذهبی را نیز با خود موافق سازند. شاخه نظامی که عبارت بودند از تعدادی از امرای اخراجی ارتش و عده‌ای بازنشسته و معدودی شاغل، ابتدا با سر دادن شعارهای ناسیونالیستی و تبلیغ این هشدار که ایران با قدرت‌یابی روحانیون به تدریج به یک کشور عربی تبدیل می‌شود سعی در جذب نیرو داشت شاخه نظامی پس از تلاشهای فراوان موفق شد شصت خلبان و پانصد تن از افراد فنی و نظامی را برای شرکت در عملیات جذب کند. این شاخه به سران خود قول داده بود پرواز بیش از سی هواپیما را تضمین کند. مهمترین پایگاه هوایی که کودتاچیان در آن حضور داشتند پایگاه سوم هوایی شهید نوژه در همدان بود که به همین دلیل از این کودتا به کودتای نوژه یاد می‌شود. شاخه تدارکات نیز وظیفه تهیه پول، اسلحه، خانه، ماشین و دیگر لوازم مورد نیاز برای یک کودتای موفق را برعهده داشت. پول از جانب کشورهای آمریکا، انگلیس و عراق در اختیار ستاد کودتا مستقر در پاریس قرار می‌گرفت و سپس از طریق این ستاد به داخل کشور فرستاده می‌شد.

یکی از اقدامات مهم کودتاچیان تلاش جهت جلب حمایت تعدادی از روحانیون که در ارتش آن آیت‌الله شریعتمداری قرار داشته بود. گرفتن تأیید از آیت‌الله شریعتمداری در انجام کودتا به این خاطر بود که سران کودتا، روحیه افراد را برای انجام عملیات تقویت کنند.

کودتاگران که مقر آن پایگاه هوایی نوژه بود، اهدافی را به عنوان نقاط حساس و کلیدی برای بمباران و تصرف انتخاب کردند تا ضربه غافلگیرانه وارد کرده و توان مقابله گرفته شود.

بنابر این مهمترین این اهداف، بمباران منزل حضرت امام (ره) در جماران بود که باید بوسیله سه هواپیما با بهترین خلبانها انجام می‌شد. زیرا در نظر آنها از بین بردن امام به معنای پایان عمر جمهوری اسلامی بود.

مرحله دوم عملیات پس از پایان یافتن بمبارانهای هوایی با عملیات نیروی زمینی آغاز می‌شد که در آن تصرف برخی نقاط حساس نظیر رادیو و تلویزیون، زندان اوین، فرودگاه مهرآباد، ستاد ارتش و برخی پادگانها بود. هدف کودتاگران برانداختن رژیم جمهوری اسلامی و روی کار آوردن یک دولت صد در صد نظامی با نخست‌وزیری ظاهری شاهپور بختیار به مدت دو سال بود و پس از طی دو سال با برگزاری انتخاب نوع حکومت جمهوری دموکراتیک و یا رژیم سلطنتی - معلوم می‌گردید.

اما کودتا قبل از انجام هر گونه عملیات کشف و توسط نیروهای جمهوری اسلامی خنثی شد. رهبران سر شاخه مقرداری و بسیاری از اعضاء دستگیر و محاکمه شدند این پژوهش در صدد است درباره کم و کیف این کودتا، ماهیت مجریان و حامیان آنها و علل و عوامل کشف کودتا پردازد.

برنامه ریزی کودتای نوژه از سوی آمریکا

با پیروزی انقلاب اسلامی در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷، هر چند رژیم پهلوی سرنگون شد و نظام جمهوری اسلامی استقرار یافت اما سلسله جناب حقیقی شاه در ایران پایان نیافت و آمریکا در پی آن بر آمد تا آنجا که ممکن است منافع خود را در ایران باز یابد. [۱]

انقلاب اسلامی در نقطه‌ای که سیاست پردازان بین‌المللی، ایران را جزیره ثبات می‌پنداشتند به پیروزی رسید. تا آن زمان ژئوپلتیک جهان چنان بود که ایران به عنوان یکی از حساسترین نقاط استراتژیک جهان به طور سنتی در حوزه نفوذ غرب و به ویژه آمریکا قرار داشت و نقش ایران در تأمین نفت و تضمین امنیت خلیج فارس به عنوان انبار نفت جهان غرب غیر قابل انکار بود از نظر تئورسین‌های غربی با تغییر رژیم ایران، تناسب نیروها به سود شوروی تغییر یافت اما فرانسوا میتران رهبر کل حزب سوسیالیست فرانسه به عنوان یکی از رهبران ایدئولوژیک دنیای غرب توجه همه را به پدیده‌ای نو معطوف کرد. وی بلوک غرب و شرق را توأمآ متوجه خطر اساسی و تعیین کننده‌ای ساخت که تاکنون از ارزیابی آن غفلت شده

بود. [۲] او دو روز پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران هشدار داد انقلاب هایی از این نوع در کشورهای همسایه نیز روی خواهد داد و انقلاب ایران می تواند رژیم های مرتجع منطقه را زیر و رو کند. [۳] میتران انقلاب ایران را یک رستاخیز مذهبی و نه یک انقلاب سیاسی صرف می دید که امواج آن پژواک جهانی خواهد یافت.

حوادث بعدی نشان داد که انقلاب اسلامی ایران با سایر انقلاب های جهان مانند کوبا و ویتنام تفاوت ماهوی دارد. این انقلاب تنها یک انقلاب سیاسی اجتماعی نبود، بلکه بالاتر از آن یک انقلاب مکتبی بود که همین ویژگی آن را فراتر از انقلاب های سیاسی اجتماعی دیگر و به سومین منادی یک رستاخیز تمدن ساز بعد از انقلاب فرانسه و روسیه تبدیل کرد. [۴] به دلیل احساس خطر از همین مسأله، استکبار جهانی خود را با وظیفه تازه ای در خلیج فارس رو به رو دید. تئورسین های واشنگتن که در تحلیل های سنتی خود اولویت های استراتژیک را در مسأله انقلاب ایران بر محور ژئوپلتیک - نفت ارزیابی می کردند، اکنون اولویت جدیدی را نیز به تحلیل خود افزودند؛ جلوگیری از موج رادیکالیسم اسلامی.

از آنجا که با افشای شاه و اطرافیان وی پرده از چهره آمریکا تا حدودی کنار رفته بود و امکان آن نبود که آمریکا بتواند با همان روشهای سابق قدم پیش بگذارد و پیروزی سریع انقلاب نیز باعث شده بود که کشورهای ذی نفوذ نتوانند در ایران بعد از انقلاب به طرح نقشه ای که کاملاً با منافع شان سازگار باشد پردازند، لذا تصمیم گرفتند تا مدتی کوتاه سکوت نسبی اختیار کرده و در سایه این سکوت، در خفا با بررسی اوضاع دست به اقداماتی علیه جمهوری اسلامی بزنند. [۵]

برای آمریکا مهم نبود که نام رژیم حاکم بر ایران چه باشد و با شخص حاکم باشد. بلکه آنچه برای آمریکا اهمیت داشت محتوای رژیم بود. آن چه برای آمریکا اهمیت داشت این بود که رژیم ایران متکی و وابسته به او باشد تا بتواند منافع و مطامع خود را تأمین کند. بدین جهت وقتی تمام تلاش هایش برای ماندن شاه ره به جایی نبرد، تلاش خود را برای روی کار آوردن حکومتی وابسته بدون شاه و آرم شاهنشاهی آغاز کرد. [۶] بنابر این با مشاهده افرادی در رأس امور ایران که از قبل از پیروزی انقلاب آنها را می شناخت و از موضع محتاطانه آنها اطلاع داشت، تغییر رویه داد و ترجیح داد با ایجاد روابط سیاسی، سلطه دوباره اش را در ایران باز ستاند.

با اشغال سفارت آمریکا در ایران توسط دانشجویان مسلمان پیرو خط امام در ۱۳ آبان ۱۳۵۸، به حیثیت جهانی آمریکا ضربه شدید و بی‌سابقه‌ای وارد آمد و به ورشکستگی و کناره‌گیری جناح لیبرالی انجامید که توانسته بود اهرم‌های دستگاه‌های دولتی نظام نوپای برخاسته از انقلاب را به دست گیرد. خشم آمریکا از تسخیر سفارتخانه نبود، بلکه بیشتر به خاطر پیامدهای بین‌المللی و سیاسی آن - به تغییر امام خمینی انقلاب دوم - بود. آمریکا مدت‌ها بود که به اعضای دست اندرکار دولت موقت و گرایش‌های فکری غربگرایانه آنان امید جدی بسته بود. [۷] و دولت موقت را اهرم لیبرالی می‌دانست که امواج انقلاب را مهار خواهد کرد و به تدریج ایران را به حوضه نفوذ آمریکا باز خواهد گرداند. تسخیر لانه جاسوسی و گروگان‌گیری اعضای سفارت، آمریکا را به تکاپو انداخت تا به چاره‌جویی حادثه پردازد. ابتداً آخرین شانس مسالمت را امتحان کرد و به اصطلاح در باغ سبز نشان داد بنابر این رئیس‌جمهور موقت آمریکا نامه‌ای برای امام نوشت. [۸] اما همزمان با آن مشغول مذاکرات پنهانی با ابوالحسن بنی‌صدر و صادق قطب‌زاده شد. آمریکا قصد داشت که گشایش روابط محرمانه خود با امام خمینی را دستاویز طرح‌های آینده خود قرار دهد. اما امام با انتشار آن نامه رسوایی بزرگی را برایشان رقم زد و نقشه‌شان برملا شد. [۹] بدین ترتیب ایالات متحده، هر گونه امید به سازش با انقلاب اسلامی ایران را از دست داد و توجه به کودتا و گشایش جبهه تجاوز خارجی به نفع توطئه داخلی در دستور کار قرار گرفت. عملیات‌های نظامی بر ضد جمهوری اسلامی به دو بخش تقسیم می‌شد: بخش اول، عملیات نجات بود که به ماجرای طبس معروف شد بهانه این عملیات نجات گروگانها بود، ولی علت واقعی برگرداندن حیثیت جهانی آمریکا بود که با اشغال سفارت شد و ایران لکه‌دار شده بود. آمریکا برای تجاوز به ایران به همکاری کشورهای مرتجع منطقه و عوامل داخلی خود در ایران پشت گرم بود که در رأس آنها بنی‌صدر و قطب‌زاده قرار داشتند. اما این کودتا به امر الهی با وقوع طوفان شن در صحرای طبس به شکست انجامید. [۱۰]

بخش دوم: تجاوز نظامی به ایران بود اما تجربه شکست در ویتنام و پیامدهای بحران زای آن در بعد داخلی و منطقه‌ای به آمریکا آموخت که مداخله مستقیم نظامی گسترده، فاجعه‌آمیز خواهد بود. لذا صدام حسین رئیس‌جمهور وقت عراق را به نیابت خود برای انجام طرح تجاوز گسترده نظامی مأمور کرد. همزمان با تجاوز طبس، سازمان جاسوسی آمریکا (CIA) از طریق ستاد شاپور بختیار در پاریس در تدارک طرح کودتا بود. پیش از تصویب کودتا در

ستاد بختیار که محل تلاقی طرح ها و نظرات طیف سلطنت طلبان، آمریکا، دولتهای غربی مختلف انقلاب و کشورهای مرتجع عرب (مصر، عربستان، عراق) بود. دو طرح برای مقابله با نظام جمهوری اسلامی در دستور کار قرار گرفت. اول ائتلاف ارتجاع دموکراتیک (مصر) و سنتی (شیوخ خلیج فارس) و چپ نما (عراق) در جهان عرب و تبدیل رژیم صدام به بازوی نظامی آن برای حمله به غرب و جنوب ایران و اعلام ایران آزاد به رهبری شاهپور بختیار بود. دوم ائتلاف چهره‌های سیاسی (جبهه ملی) و مذهبی (برخی روحانیون سازش کار) و نظامی (از ملی گرا تا شاه پرست) جهت تدارک کودتا بود. [۱۱] تحلیل ستاد بختیار از وضع آسیب پذیر جمهوری اسلامی در آن برهه زمانی، همه آنها را به این نتیجه سوق داد که تمام تلاش خود را صرف انجام کودتا در ایران کنند.

پس از شکست کودتای طبس و متعاقب ملاقات سفرای انگلستان و ایالات متحده در پاریس با بختیار برای انجام کودتا، ضرب الاجل آن تعیین گردید. لازم به ذکر است در تصویب اولویت کودتا نظرات نمایندگان اطلاعاتی سیمای آمریکا موساد اسرائیل و استخبارات عراق نقش مهمی داشت. آمریکا به کودتا - که بعدها به کودتای نوژه معروف شد - امید زیادی بسته بود و آن را ضربه نهایی و قطعی بر پیکر نوپای جمهوری اسلامی می دانست. به همین جهت اهمیت آن بیش از تجاوز نظامی عراق به ایران ارزیابی شد و در اولویت قرار گرفت. [۱۲] با تمام برنامه ریزیها و بسیج امکانات، کودتای نوژه بیست و چهار ساعت قبل از انجام آن در ۱۸ تیر ماه ۱۳۵۹ توسط یکی از خلبانان شرکت کننده در کودتا لو رفت و قبلاز انجام هر گونه حرکتی از طرف کودتاچیان، خنثی شد. بنیاد هرینج که یکی از جناح‌های بسیار قدرتمند شورای روابط خارجی آمریکا است، پس از خنثی شدن چندین کودتای دیگر در ایران به این نتیجه رسید که انقلاب ایران خود را مستحکم کرده و مخالفین را در هم کوبیده، تا حدی که یک انقلاب با کودتا در ایران در آینده نزدیک غیر ممکن می باشد. در چنین شرایطی بود که استراتژی شولتز تحت عنوان استراتژی نوین توطئه پی ریزی شد که به معنی یورش همه جانبه، پیوسته و زنجیره‌ای به نظام اسلامی در همه ابعاد نظامی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی و با بسیج همه نیروهای بین‌المللی ذینفع در بلوک شرق و غرب و با بهره‌گیری از همه امکانات می باشد. این استراتژی حتی با فروپاشی بلوک شرق تا هم اکنون ادامه دارد.

پی‌نوشت‌ها:

- [۱] - اسناد لانه جاسوسی شماره ۱۶ (دخالت‌های آمریکا در ایران) صص ۱ و ۲.
- [۲] - کودتای نوژه، موسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی، چاپ چهارم، تهران ۱۳۸۴، صص ۱۹-۲۳.
- [۳] - روزنامه اطلاعات، ۲۴ بهمن ۱۳۵۷.
- [۴] - کودتای نوژه، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی، ص ۲۶.
- [۵] - دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، اسناد لانه جاسوسی، شماره ۱۶، صص ۲ و ۳.
- [۶] - خاطرات محمد محمدی ری شهری، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ج ۱؛ ۱۳۸۳، صص ۱۰۹ و ۱۱۰.
- [۷] - کودتای نوژه، موسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی، ص ۸۱.
- [۸] - غائله چهاردهم اسفند ۱۳۵۹، دادگستری جمهوری اسلامی ایران، ص ۳۷۱.
- [۹] - کودتای نوژه، موسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی، ص ۸۳.
- [۱۰] - بحران هامیلتون، جردن؛ ترجمه محمود مشرقی، انتشارات هفته تهران، ۱۳۶۲، ص ۲۵۷.
- [۱۱] - کودتای نوژه، موسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی، صص ۱۵۰-۱۵۷.
- [۱۲] - مجله الکترونیک تاریخ معاصر ایران؛ کودتای نوژه حادثه‌ای که در ۱۸ تیر خنثی شد.

کودتای نوژه طرح مشترک سیا و بنی صدر



کودتا یعنی ضربه به حاکمیت مشروع و اساسا وقتی یک گروه از نظامیان با اهداف ضد مردمی و یا تحریک خارجیان علیه حکومت مردمی اقدام نظامی می کنند در اصطلاح حقوقی - سیاسی گفته می شود نظامیان کودتا کرده اند یعنی اقدام به سرنگونی دولت مشروع کرده اند . پس حتی اگر برنامه کودتا طراحی و اعمال شود، امکان دارد:

- ۱- کودتایی صورت بگیرد و موفق شود: همانند کودتای رضاخان در ۱۲۹۹ با تحریک و کمک انگلیسی ها یا کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ علیه دولت ملی با تحریک و کمک سیا و انگلیس
- ۲- کودتایی صورت بگیرد ولی موفق نشود: مثل کودتای هایزر در ۱۳۵۷ و یا کودتای نوژه در طول تاریخ دولت های استعماری - استکباری بسیار سعی کرده اند تا قیامها و نهضت های مردمی را در ایران از طرق متفاوت منحرف یا نابود کنند. تا قبل انقلاب هم معمولا تمامی ابزارها از جمله نفوذ فراماسونری، ترویج غرب پرستی، تطمیع سران گروههای به ظاهر مردمی، شکنجه و سرکوب و مهمتر از همه کودتا جواب می داد. اما بعد از انقلاب آمریکایی ها و انگلیسی ها از هر دری وارد شدند شکست خوردند. شاید یکی از مهمترین دلایل این شکست ها بالا رفتن سطح درک مردم بعد از انقلاب اسلامی ایران و مهمتر از آن یاری پروردگار متعال می باشد که همه ی توطئه ها را خنثی می نماید.

کودتا ابتدایی ترین شکل توطئه است که طی سالهای متمادی در کوره تجربه های مکرر موفق و ناموفق توسط استعمار راست و چپ آزموده شده است. از تجربه های موفق کودتا می توان فهرست طولانی را بر شمرده. از معروفترین نمونه های امریکایی کودتا، کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ در ایران و کودتای پینوشه در شیلی و معروفترین کودتای روسی آن کودتای کمونیستی در افغانستان است. این تجربه ها نشان می دهد که پیروزی کودتای به ۳ عامل اصلی بستگی دارد:

۱- تمرکز و تراکم قدرت سیاسی-نظامی و یا حداقل بخش قابل توجهی از قدرت در یک نقطه به نحوی که بتوان با تصرف آن بر سراسر کشور مسلط شد.

۲- فقدان یک نیروی سیاسی-اجتماعی نیرومند داخلی که توان خنثی کردن کودتا را داشته باشد.

۳- وجود اهرم های لازم نظامی-سیاسی برای وارد کردن یک ضربه غافلگیر کننده ناگهانی وقاطع به منظور تصرف قاطع سیاسی که در صورت فراهم بودن عوامل ۱ و ۲ تدارک عامل سوم کار سختی نخواهد بود. در جامعه ایران هیچ یک از سه شرط اساسی موفقیت کودتا موجود نبود حضور میلیونی مردم در صحنه که نه تنها یک انبوهه بی تحرک و فاقد گرایش و پویای اجتماعی نیستند، بلکه یک نیروی قدرتمند و تعیین کننده اجتماعی به شمار می روند. عامل اصلی در خنثی کردن هر گونه طرح کودتائی در ایران می باشد وجود نهادهای مردمی مسلح در همه سطوح جامعه که با عامل وحدت مذهبی به هم پیوند خورده اند. ساخت نظامی قدرت را در ایران به یک ساختار گسترده و افقی بدل ساخته است.

در چنین شرایطی تمرکز و تراکم قدرت نظامی در راس هرم از سوئی و انفعال و عدم تحرک پایه های هرم از سوی دیگر وجود ندارد. تا بتوان با یک تصور ناگهانی و ضربتی چند اهرم تعیین کننده مجموع ساختار را قبضه کرد.

تحلیل گران سیاسی که با جامعه ایران آشنایی دارند این تحلیل را بدیهی می دانند لیکن امریکا پس از تجربه های مکرر و نافرجام به این تحلیل رسید و برای او دستیابی به اصل بدیهی به بهایی گزاف تمام شد. در کوران اوج گیری انقلاب، واشینگتن بارها و بارها طرح کودتا را مورد آزمون قرارداد و حتی در روز پیروزی قطعی انقلاب در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ مجدداً طرح

کودتا، سران کاخ سفید را وسوسه کرد و از هائیزر خواسته شد تا بار دیگر به ایران باز گردد. هائیزر بعلت اقامت در ایران در دوران انقلاب واقعیت را دریافته بود که کودتا عملی نیست ولی استراتژیست های واشینگتن حاضر به تمکین در برابر این واقعیت نبودند و اندیشه کودتا آن را مدام وسوسه می کرد. نوژه بهای گزافی بود که سیا بایت این وسوسه پرداخت. آژانس جاسوسی امریکا به کودتای نوژه امید زیادی بسته بود و آن را ضربه نهایی و قطعی بر پیکر نظام نوپای جمهوری اسلامی می پنداشت و اهمیت آن را بیش از تجاوز نظامی صدام ارزیابی کرد. به گفته سران کودتای نوژه مدتی بر سر کودتای نوژه یا آغاز جنگ تحمیلی بحث شد و سرانجام بعد از سفر محمد باقر بنی عامری (سرهنگ دوم باز نشسته ژاندارمری) و از همکاران فعال و نزدیک ارتشبد سابق غلامعی اویسی به پاریس در اسفند ماه ۵۸ این طرح یعنی جنگ تحمیلی در تقدم دوم قرار گرفت و تقدم اول به کودتا داده شد.

این کودتا از لحاظ تجهیزات نظامی که قرار بود از داخل و خارج در جریان آن به کار گرفته شود در تاریخ کودتاهاى جهان بی سابقه بود و جنان دقیق طرح ریزی شده که سیا موفقیت آن را قطعی می دانست. امید به موفقیت کودتا تا بدان حد بود که حتی اعلامیه پیروزی آن نیز آماده شده و خانه ای نیز برای انتقال آیت الله شریعتمداری به تهران اجاره شده بود. آقای شریعتمداری باید در این خانه مستقر می شد و بعنوان رهبر مذهبی کودتا آن را تایید می کرد. یکی از سران کودتا در دادگاه انقلاب نقش سازمان سیا و ارتجاع عرب و جریانهای سیاسی راست مرتبط با کودتا را چنین توضیح می دهد:

”دو الی سه ماه بعد از پیروزی انقلاب اولین تماس بین مامورین سیا و یکی از دوستان بنی عامری در اروپا برقرار شد و آنها بنی عامری را در خط بختیار (وزیر مخلوع شاه) قرار دادند تمام هماهنگی های لازم بین کشورهای عضو بازار مشترک اروپا و ستاد بختیار در پاریس از طریق سیا انجام گرفت هماهنگی بین اسرائیل و کشورهای مرتجع منطقه نظیر عربستان و عراق توسط نماینده سیا که در دفتر دکتر بختیار در پاریس است انجام می گرفته است. طبق اظهارات بنی عامری تامین هزینه های مادی چه به صورت مستقیم و چه به صورت غیر مستقیم نظیر چک ده میلیون دلاری عربستان سعودی توسط امریکا صورت گرفته است. شناسایی افراد مخالف در کشور یا در خارج از کشور و معرفی آنها به بختیار و تقویت امکانات آنها در اختیار گذاردن امکانات لازم به آنها. کودتا چپان پس از جلب برخی از روحانی نمایان منتقد مانند آقای

شریعتمداری با استفاده از ده میلیون دلاری که ارتجاع عرب از طریق سعودی در اختیار گذارده بود مخفیانه ب جذب نیرو پرداختند و با جریانها و گروههای سیاسی چپ (کوموله، حزب دمکرات، سازمان فدائیان خلق، سازمان مجاهدین خلق، و...) دیگر نیز مصالحه کرده بودند.

ماجرای کودتا بدین قرار بود که در بهار ۱۳۵۸ بنی عامری از سوی اوپسی در صد برآمد تا از مواضع غرب نسبت به ایران اطلاع یابد و براساس آن میزان موفقیت تدارک یک توطئه را بر علیه نظام ایران ارزیابی کند. وی در پی کسب اطلاع از همراهی امریکا با هر گونه طرح براندازی با شبکه در حال شکل بختیار به عنوان سازمانده و مجری این طرح همکاری را آغاز کرد. ولی هنوز کودتا ممکن ترین روش براندازی تعیین نگردیده بود زیرا در این مقطع تاریخ (قبل از تسخیر سفارت امریکا) بر اساس تحلیل منابع اطلاعاتی امریکا عناصر سلطنت طلب در ارتش دستخوش وحشت و پراکندگی بوده و دوران نقاهت حاصل از ضربه انقلاب را می گذراندند. علاوه بر این روند تحولات ۹ ماه نخست انقلاب (۲۲ بهمن ۵۷ تا ۱۳ آبان ۵۸) وجود دولت موقت، ابقاء شبکه جاسوسی سیا حضور طیف لیبرالهای مذهبی (نهضت آزادی) و لیبرالهای غیر مذهبی (جبهه ملی) و برخی روحانیون سازشکار خط شریعتمداری و مهره های نظام وابسته امریکا را امیدوار ساخته بود که بتواند از طریق فعالیتهای جاسوسی به حرکت های سیاسی نیمه جان توان بخشید و از خلال آن بر گهای برنده و آلتر ناتیوهای خود را به تریج بیرون کشد. که علیرغم این تصور انقلاب با شدت تمام در ۱۳ آبان ۱۳۵۸ به شکل تسخیر سفارت امریکا در تهران که از آن پس لانه جاسوسی نام گرفت نمود جدی یافت و بدیتسان به تعبیر امام "انقلاب دوم" آغاز شد. با این حرکت انقلاب از لحاظ سمت گیری ضد امپریالیستی به طور کمی و کیفی ارتقاء یافت و پاییز ۱۳۵۸ فصل خزان امیدهای امریکا در ایران شد. در پی این تحولات شخصی به نام مهندس قادسی (شهردار آبادان پس از کودتای ۲۸ مرداد ۳۲) از سوی ستاد پاریس برای تهیه مقدمات انجام کاری بزرگ در آبان همان سال وارد کشور شد. پس از اقدام نافرجام نظامی امریکا (واقع طبس برای نجات گروگانهای امریکایی) و متعاقب ملاقات سفرای امریکا و انگلیس در پاریس با بختیار برای کودتا اولویت ضرب الاجل نسبت به طرحهای دیگر از جمله (حمله نظامی عراق به ایران) تعیین شد.

ساختار سازمانی کودتا در ایران و پاریس پی ریزی شده و نیروهای مخالف داخلی و خارجی نیز جریانهای سیاسی مخالف در داخل و خارج کشور شناسایی و یک هسته اطلاعاتی وسیع به منظور جان دادن به اندام کودتا پی ریزی گردید. انتخاب پایگاه نوژه همدان بعنوان مبدا و محور عملیات علیرغم مرکزیت و حساسیت تهران از آن جهت بود که کودتاگران بیم داشتند در روز عملیات پس از نخستین پروازها مردم به پایگاه هوایی مهر آباد هجوم برند و امکان ادامه عملیات را از بین برده و کودتا را با شکست مواجه سازند. لذا پایگاه نوژه بدین منظور انتخاب شد که هم دارای هواپیما بود هم به تهران نزدیک بود هم خارج از شهر قرار داشت و علاوه بر اینها عناصر مستعد و قابل جذب برای کودتاچیان داشت.

با شروع عملیات قرار بود ابتدا جماران بصورت وسیع بمباران شود زیرا دشمن بخوبی از اهمیت رهبری انقلاب با خبر بود و می دانست تا دی در صحنه باشد مردم را نمی توان فریب داد. پس از جماران نوبت تسخیر مرکز صدا و سیما بود تا از این طریق هم امکان ارتباط رهبران انقلاب و امکان بسیج مردم علیه کودتا را کمتر سازند و هم جنگ روانی و تبلیغات گسترده در جهت کودتا صورت گیرد و سپس سایر مراکز کلیدی یکی پس از دیگری تصرف گردد.

پس از این پیروزی با اعلام حکومت نظامی به مدت ۳ روز با ترفند ارباب مردم فریب مردم از طریق تایید کودتا بوسیله روحانیون همراه با کودتا و باج دهی به مدافعین انقلاب قدرت توسط نظامیان قبضه مهار شود. کودتای نوژه که نمونه های بسیار کوچکتر از رژیم های بسیاری را در سراسر جهان سرنگون کرده بود به جرأت می توان ادعا کرد که کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ در مقایسه با آن بازی کودکانه ای بیش نبود. گرچه کلیه برنامه ها تا ۴۸ ساعت قبل از کودتا طبق برنامه پیش می رفت اما شب قبل از حادثه یکی از خلبانانی که برای کودتا پیش بینی شده بود به صورت معجزه آسایی دچار تردید می شود و پس از مشورت با مادرش شدت تردیدها و تشویق های او با مخالفت مادرش افزایش می یابد و سرانجام وی موفق به ملاقات با آیت الله خامنه ای شده و اطلاعات موثر و کارا از کودتا را تا مورد زیادی افشا می کند. و بنا بر این در تاریخ ۱۸ تیرماه ۱۳۵۹ خنثی شد و امام خمینی پس از عملیات خنثی سازی کودتا در حسینیه جماران سخنرانی مهمی ایراد فرمودند (۲۰/۴/۱۳۵۹) که عمق و ژرفای آن پس از سالها گذشتن از این حادثه روشن تر می گردد.

در بخشی از سخنان امام(ره) آمده است:

”توطئه ای که معلوم است چنانچه موفق به کشفش هم نشده بودیم و قیام هم کرده بودند مردم آن را خفه می کردند. ما از این امور ترس نداریم. ما از قشرهای خودمان می ترسیم شما صنف روحانیت اگر چنانچه کارهایی خدا نخواسته انجام دهید که از چشم ملت نیفتد ولو در دراز مدت، آن روز است که دیگر فانتوم لازم نیست خود ملت شما را کنار می زنند و ملت هم بی هادی کاری نمی تواند انجام بدهد.....من خوفم از این است که ما نتوانیم، روحانیت نتواند آن چیزی که بر عهده اوست صحیح انجام دهد.“

بعد از انقلاب اگر چه طرح های بسیاری از توطئه های آمریکایی شکست خورد ولی همگی بخاطر همراهی مردم و توکل بر خدا بود بنیان هایی که اگر فراموش شوند بدون تردید ایران را تبدیل به یک کشور کاملاً ضعیف و جهان سومی می کنند.

منبع :

سایت خبری تحلیلی فرهنگ انقلاب اسلامی

معرفی کتاب «کودتای نوژه»



از روزهای نخستین پیروزی انقلاب اسلامی و شکل‌گیری جمهوری اسلامی، ابرقدرتها و به ویژه امریکا در پی نفوذ و تضعیف این نظام نوپا برای تأمین منافع نامشروع خویش برآمدند. سرویس‌های جاسوسی بیگانه با ابزارهایی نظیر تأسیس حزب و گروه، یا حمایت از احزاب و سازمانهای موجود و یا با نفوذ در دولت موقت و جاسوسی از طریق سفارتخانه‌ها، دامن زدن به تنش‌های مذهبی و قومی، تجزیه طلبی و براندازی مسلحانه، ترور رهبران، شورش و آشوب، تلاش گسترده‌ای نمودند تا طعم شیرین پیروزی را در کام ملت تلخ نمایند. اما سیر وقایع نشان داد که تدبیر رهبری انقلاب و پشتوانه مردمی اجازه دست‌اندازی ابرقدرتها و گروههای وابسته را به منافع و ثروتهای کشور نمی‌دهد.

از اینرو طرح‌ها و توطئه‌ها در شیوه‌های متفاوت برای سرنگونی حکومت نوپا در انداخته شد، طرحهایی که اگر نبود امدادهای الهی، تدبیر امام خمینی (ره) و حمایت بی‌دریغ مردم، هر یک به تنهایی برای از بین بردن کامل نظام کافی بود. کودتا یکی از راههای نیازموده پیش روی برای براندازی بود. معمولاً سالهای آغازین شکل‌گیری کامل نهادهای جدید، بهترین هنگام برای اقدام به کودتا محسوب می‌شود.

در آذر ۱۳۵۹، انجام کودتایی به دستور امریکا در برنامه شاهپور بختیار (از رهبران جبهه ملی و آخرین نخست‌وزیر رژیم شاهنشاهی) و عوامل داخلی و بیرونی‌اش قرار گرفت. آغاز کودتا از پایگاه هوایی شهید نوژه همدان برنامه‌ریزی شده بود و به همین دلیل پس از کشف و سرکوب به «کودتای نوژه» شهرت یافت.

شهید سرافراز محمد نوژه از خلبانان نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران بود که در پی فرمان امام (ره) برای کمک به دکتر مصطفی چمران در سرکوب تجزیه طلبان مسلح و در حالی که روزه بود در ۱۳۵۸/۵/۲۰ به پرواز درآمد که هواپیمایش در آسمان کردستان ایران - منطقه عمومی پاوه - توسط نیروهای ضد انقلاب سقوط کرد و به شهادت رسید. در پی این واقعه و به پاس اولین شهید نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران، پایگاه سوم شکاری همدان به پایگاه «شهید نوژه» تغییر نام یافت.

کودتا با شرحی که در کتاب آمده کشف و خنثی شد و درباره ماهیت مجریان و علل و عوامل کشف کودتا مطالب ناگفته بسیاری وجود دارد که در آینده‌ای نزدیک و براساس اسناد و مدارک منتشر نشده در کتاب جداگانه‌ای به چاپ خواهد رسید.

کتاب حاضر در پاسخ به نیاز مخاطبان در فرصت محدود و با دسترسی اندک به منابع تهیه و تدوین گشت که تاکنون تنها منبع تحقیقی و تحلیلی موجود به زبان فارسی درباره این کودتا محسوب می‌شود.

چاپ اول آن در دهه فجر سال ۱۳۶۷ و چاپ دوم و سوم در بهار و دهه فجر سال ۱۳۶۸ عرضه شد و به سرعت نایاب گشت. مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی در اجابت تقاضای علاقمندان به تاریخ انقلاب اسلامی بر آن شد که آنرا تجدید نماید.

کتابی که پیش روی شماست، چاپ چهارم «انقلاب اسلامی و توطئه در دهه نخستین - کودتای نوژه - است. کودتای نوژه نام تاریخی و مشهوری است که به این واقعه داده شده و تاکنون به این نام شناخته می‌شود. ناگزیر با عرض پوزش به ساحت شهید نوژه همان نام پیشین برگزیده شد.

ادبیات به کار رفته در چاپ اول کتاب، متناسب با اوضاع سیاسی و اجتماعی دهه اول انقلاب اسلامی است. با توجه به ارزش تاریخی کتاب، از ویرایش ادبی مجدد و اصلاح القاب و

عبارات و حتی سمت‌های افراد آن پرهیز شد و متن عیناً حروفچینی شده و تنها به اصلاح اغلاط تایپی اکتفا گردیده است. امتیاز این چاپ انضمام بخشی از خاطرات حجت‌الاسلام محمد محمدی‌ری‌شهری است که از کتاب «خاطره‌ها» منتشره از سوی مرکز اسناد انقلاب اسلامی عیناً اخذ و در انتهای کتاب افزوده شده است.

در پایان از همه افراد، سازمانها و مراکزی که در این موضوع اطلاعات و یا اسنادی در اختیار دارند و یا کسانی که خاطراتی از چگونگی کشف کودتا دارند، دعوت می‌شود برای تکمیل کتاب در دست انتشار، این مؤسسه را یاری دهند.

نگاهی به رمان «نقاب شیشه‌ای»



رمان «نقاب شیشه‌ای» نوشته محمدعلی آقا میرزایی به ماجرای کودتای پایگاه شهید نوژه همدان می‌پردازد که در آن، ابعاد مختلف این رویداد بزرگ در تاریخ معاصر کشورمان برای مخاطب روایت می‌شود.

نوشتن داستان بر اساس وقایع تاریخی یکی از شکل‌های معمول داستان‌نویسی از گذشته‌های دور تا حالا بوده و هست. در این شکل از داستان‌نویسی، نویسنده بر اساس رویدادهای یک واقعه تاریخی یا زندگی یک یا چند شخصیت تاریخی داستانی می‌نویسد که محورهای اصلی داستان را همان واقعه یا شخصیت تاریخی تشکیل می‌دهند و در کنار آن، صحنه‌پردازی، توصیف و خرده روایت‌های گاه خیالی نویسنده به کلیت داستان شکل تازه‌ای می‌بخشد. در نتیجه روایت تازه‌ای از آن واقعه یا شخصیت تاریخی بیان می‌شود. یکی از تازه‌ترین آثار در این زمینه، داستان «نقاب شیشه‌ای» نوشته محمدعلی آقا میرزایی است که رویدادهای آن بر اساس ماجرای کودتای پایگاه شهید نوژه همدان شکل گرفته است. نحوه روایت داستان به گونه‌ای است که در ابتدا زندگی یک روزنامه‌نگار (آقای محمودی) روایت می‌شود که در سرویس پایداری یکی از روزنامه‌های کشور مشغول کار است. او در لایه‌های معمول و روزمره خود، برای انتشار یک ویژه‌نامه درباره ماجرای کودتای پایگاه شهید نوژه همدان عازم این شهر می‌شود تا اطلاعات لازم درباره این ماجرا را جمع‌آوری کند. در غیاب او، برخی از همکارانش در روزنامه علیه او جوسازی می‌کنند و سفر او به شهر همدان را در راستای کارهای شخصی وی قلمداد می‌کنند. زمان حال روایت در داستان به همین موضوع می‌پردازد، اما وقایع اصلی رمان که مربوط به ماجرای کودتای پایگاه شهید نوژه است و در

گذشته اتفاق افتاده در قالب روایت‌های کوتاه و گاه طولانی از زبان افراد مختلف بیان می‌شود. کلیت کار بر اساس روایت‌های پراکنده شکل گرفته که در واقع، مانند تکه‌های یک پازل شکل نهایی اثر را تشکیل می‌دهند. مراجعه به خاطرات مسئولان وقت کشوری در زمان وقوع حادثه و بهره‌گیری از مقالات، تحلیل‌ها و گزارش‌ها و مصاحبه‌های روزنامه‌های آن زمان از بخش‌های اصلی داستان است. نحوه استفاده از مطالب آرشیوی مرتبط با موضوع داستان هم به این شکل است که راوی در جریان تهیه مطالب ویژه نامه به همکاران خود سفارش تهیه مطلب داده و هنگامی که همکارانش مطالب را به دست او می‌رسانند، ابتدا شرح مختصری در توصیف زمان حال بیان می‌شود و بعد از آن، کل مقاله یا گزارش در ادامه داستان گنجانده می‌شود. «خانم مرادی (یکی از خبرنگاران) اصرار می‌کند تا مطلب او را بخوانم و نظر بدهم. می‌گویند که مدت‌ها تحقیق کرده تا آن را نوشته است... برای انتخاب تیتراژ باید مطلب را کاملاً بخوانم و در عین حال ویرایش کنم. مرادی تحقیق خود را چنین آغاز کرده است: «یکی از رویدادهای مهم تاریخ انقلاب اسلامی، کودتای معروف نوژه بود. این کودتا به دلیل آنکه قرار بود از پایگاه هوایی شهید نوژه همدان آغاز شود به کودتای نوژه معروف گردید. آژانس جاسوسی امریکا (سیا) به کودتای نوژه امید زیادی بسته بود و آن را ضربه نهایی و قطعی بر پیکر نظام نوپای جمهوری اسلامی می‌پنداشت و اهمیت آن را بیش تجاوز نظامی صدام ارزیابی می‌کرد...» به این شکل، در مقاله‌ها و گزارش‌های بعدی هم از زوایای مختلف به ابعاد گوناگون ماجرای کودتای پایگاه شهید نوژه همدان پرداخته می‌شود و در نهایت مخاطب کتاب در عین خواندن یک داستان امروزی درباره کار عده‌ای از روزنامه‌نگاران در یکی از روزنامه‌های کشور، با یکی از وقایع مهم تاریخ معاصر کشورمان هم آشنا می‌شود. رمان نقاب شیشه‌ای به قلم محمدعلی آقامیرزایی، محصولی از ستاد کنگره شهدای استان همدان است که مدیریت اجرای آن را علی رستمی انجام داده و با طراحی و صفحه‌آرایی مجید اکبرزاده در ۱۸۰ صفحه و با شمارگان ۳۰۰۰ نسخه توسط نشر فاتحان در تهران به چاپ رسیده است.

منبع :

خبرگزاری فارس

نوژه؛ شکست کودتا از درون

برژینسکی مشاور امنیت ملی کارتر که بیش از تمامی همکاران رییس جمهور آمریکا به استفاده از روش‌های تند و خشن علیه انقلاب ایران علاقه‌مند بود در بحبوحه انقلاب در حالی که سولیوان (آخرین سفیر آمریکا در ایران) در تلاش برای نجات پرسنل نظامی این کشور در تهران از محاصره بود با وی تماس گرفته و خواستار اظهارنظر سولیوان در این مورد شد. وی سرانجام به دنبال اصرار واشنگتن نظر خود را این چنین اعلام می‌کند: «در شرایط فعلی شانس موفقیت یک کودتای نظامی فقط پنج درصد است.» اما برژینسکی خیال کودتا را کنار نمی‌گذارد و اندکی پس از پیروزی انقلاب با ژنرال هایزر که تا چند روز قبل از پیروزی انقلاب برای ساماندهی ارتش شاه در تهران به سر می‌برد، تماس می‌گیرد و از او سوال می‌کند که آیا مایل است برای انجام دادن یک کودتای نظامی به تهران برگردد و هایزر چنین می‌نویسد: «وضعیت فعلی ایران را با توجه به اینکه افراد ارشد در زندان هستند بسیار وخیم می‌دانم و به این جهت اجرا کردن برنامه کودتا فعلاً میسر نیست.» این اظهارنظر موجب می‌شود تا برژینسکی و همفکرانش در آن مقطع فکر کودتا را از سر به در کنند اما به دنبال گروگانگیری و شکست عملیات طبس و تحقیر شدید آمریکا در جهان این فکر بار دیگر در ذهن سردمداران کاخ سفید شکل گرفت.

پس از شکست آمریکا در طبس دو راهکار برای جبران این مساله از سوی مقامات کاخ سفید شکل گرفت؛ یکی انجام کودتای نظامی با هدف سرنگونی جمهوری اسلامی با همکاری فرماندهان سابق ارتش، بازماندگان ساواک و از طریق دریافت کمک‌های مالی نظامی و فنی آمریکا و دوم تحریک کشورهای ثالث به طرح‌ریزی حمله نظامی و تجاوز گسترده به خاک ایران. برژینسکی ادعا می‌کند: «براون (وزیر دفاع آمریکا) و ترنر (رییس سازمان سیا) با عملیات تلافی‌جویانه در صورت شکست ماموریت نجات موافق نبودند. در پایان گفت‌وگوها به ما اجازه داده شد طرح‌هایی را برای عملیات تلافی‌جویانه در نظر بگیریم. ولی تصمیم اجرایی این نقشه‌ها به بعد موکول شد.» اعترافات برخی سران دستگیر شده کودتای نوژه نشان‌دهنده آن است که بحث تقدم و تاخر این دو توطئه در میان طراحان و استراتژیست‌های آمریکایی مطرح بوده است و سرانجام قرار شد طرح کودتا که کم هزینه‌تر، موثرتر و سریع‌تر بود، اجرا شود و در صورت شکست آن، راه‌حل طولانی‌تر و پر هزینه‌تر تحمیل جنگ مورد استفاده قرار

گیرد. در اعتراف یکی از سران کودتا آمده است: «پس از سفر بنی‌عامری (از سران کودتا) به پاریس طرح حمله عراق به ایران در تقدم دوم قرار گرفت و انجام کودتای نظامی به عنوان اولویت اول، در صدر برنامه‌های آمریکا قرار داده شد.» گفته می‌شود در دیدار سفرای آمریکا و انگلیس در فرانسه با بختیار، چگونگی اجرای کودتا، تاریخ وقوع و تقدم آن نسبت به طرح‌های دیگر مشخص می‌شود. پس از تصویب طرح کودتا، شناسایی و جذب گروه‌ها آغاز و سه کمیته مجزا (نظامی، سیاسی و مالی - پشتیبانی) تشکیل می‌شود. هر یک از کمیته‌ها وظایف خاصی برعهده می‌گیرند. کمیته نظامی به دنبال جذب افراد اطلاعاتی و نظامی از اداره دوم ارتش، ماموران سابق ساواک و وابستگان سابق رژیم در نیروی زمینی، هوایی و دریایی بود، کمیته سیاسی جذب یکی از مراجع و روحانی نماها و شاخه مالی تامین مخارج مالی کودتا را برعهده می‌گیرند. در دی ۵۸ مهندس قادسی یکی از هواداران بختیار نمودار سازمانی اولیه را تهیه کرد و نام آن را نقاب گذاشت. نام نقاب جمع حروف «نجات قیام انقلاب بزرگ» بود. دلیل انتخاب پایگاه شهید محمد نوژه همدان (۶۰ کیلومتری شهر همدان) نگرانی کودتاگران از حضور احتمالی مردم در مقابله با کودتا بود. این پایگاه به دلیل داشتن هواپیماها و نزدیک بودن به تهران و خارج از شهر بودن انتخاب شده بود. همچنین تعدادی از سران کودتا در این پایگاه مشغول به خدمت بودند. براساس اسناد منتشره برای تصرف پایگاه نوژه قرار بود ۱۲ تیم مرکب از صد نفر از کلاه سبزی‌های تیپ نوهده ۳۰۰ تا ۴۰۰ نفر از فریب خوردگان ایل بختیاری و ۱۲ نفر راهنما از داخل پایگاه اقدام به تصرف پایگاه کنند.

طبق طرح کودتاگران قرار بود ۱۸ تیر مناطقی از نوار مرزی ایران مورد تهاجم هوایی و زمینی عراق قرار گیرد و هواپیماهای نظامی به بهانه تلافی اقدام عراق، مناطق حساس در پایتخت را مورد تهاجم قرار دهند. سپس سه روز حکومت نظامی اعلام شود و حدود ۷۰ نفر از شخصیت‌های برجسته مذهبی و سیاسی انقلاب دستگیر شوند. گفته می‌شود یکی از هدف‌های کودتاگران اجاره مکان‌هایی برای انتقال و استقرار کاظم شریعتمداری بوده است تا وی کودتاچیان را تایید کند. طبق طراحی به عمل آمده دولت نظامی سرکار می‌آمد و شاپور بختیار به مدت دو سال مسوولیت را برعهده می‌گرفت. اما سه روز پیش از وقوع کودتا یکی از خلبانان که برای همکاری انتخاب شده بود در تهران با سروان نعمتی ملاقات می‌کند. نعمتی به وی می‌گوید؛ ماموریت شما بمباران بیت امام است و ما می‌توانیم تا پنج میلیون نفر را بکشیم. گویا خلبان در مقابل نوع ماموریت و کثرت کشتار مردم غافلگیر و مردد می‌شود، اما به

دلیل ترس از کودتاگران نمی‌دانست چه باید کند. وی آن شب موضوع کودتا را با مادرش در میان می‌گذارد. مادرش در پاسخ به وی می‌گوید «تو نه تنها نباید این کار را بکنی بلکه باید به انقلابیون خبر دهی و جلوی این کار را بگیری که اگر غیر از این باشد شیرم حلال نیست.» وی حدود اذان صبح خود را به منزل آیت‌الله خامنه‌ای می‌رساند و ماجرا را بازگو می‌کند. پس از چند ساعت یکی دیگر از درجه‌داران تیپ ۲۳ به کمیته مستقر در اداره دوم ستاد مشترک مراجعه می‌کند و پاکتی حامل بخشی از عملیات کودتا را در اختیار می‌گذارد و انقلاب در برابر خطری که در چند دهی‌اش کمین کرده بود، آگاه می‌شود.

منابع:

- فصلنامه مطالعات تاریخی شماره ۲۳، موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، زمستان ۱۳۸۷.
- کودتای نوژه، موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، تهران ۱۳۶۷.
- روزنامه شرق

امشب قرار است کودتا شود....



یکی از رویدادهای مهم تاریخ انقلاب اسلامی ، کودتای معروف نوژه بود این کودتا به دلیل آنکه قرار بود از پایگاه هوایی شهید نوژه همدان آغاز شود به کودتای نوژه معروف گردید . آژانس جاسوسی آمریکا (سیا) به کودتای نوژه امید زیادی بسته بود و آن را ضربه نهایی و قطعی بر پیکر نظام نوپای جمهوری اسلامی می پنداشت و اهمیت آن را بیش از تجاوز نظام صدام ارزیابی می کرد . به گفته سران کودتا مدتی بر سر تقدم کودتا یا آغاز جنگ تحمیلی بحث شد و سرانجام بعد از سفر بنی عامری به پاریس در اسفند ماه ، طرح کودتا بر شروع جنگ ارجحیت یافت . این کودتا چنان دقیق طرح ریزی شده که سیا موفقیت آن را قطعی می دانست و حتی اعلامیه های پیروزی آن آماده و در منازل برخی از کودتاچیان آماده بود

طرح این کودتا از جمله تلاشهایی بود که سازمان سیا ، رژیم بعث عراق ، کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس و تعدادی از مخالفین نظام جمهوری اسلامی بطور مشترک آن را طراحی کردند که پیش از دستیابی به هر گونه هدفی ، کشف و با شکست روبرو شد. آقای محمدی ری شهری در این خصوص می گوید: نزدیک غروب آفتاب روز ۱۷/۴/۱۳۵۹ ، آقای سعید حجاریان که با کمیته اداره دوم ارتش همکاری داشت به دفترم آمد و هیجان زده گفت کار خصوصی دارم . ظاهرا چند نفر در دفتر بودند ، به من نزدیک شد و گفت : " امشب قرار است کودتا شود " بدین سان با پیگیری کودتا کشف و خنثی شد.

شرح کودتا بدین قرار بود که بختیار آخرین نخست وزیر رژیم پهلوی به همراه غلامعلی اویسی از نظامیان نزدیک به محمدرضا پهلوی با هماهنگی برخی عناصر در داخل کشور

درصد برآمدند نظر آمریکار را درباره طرح یک کودتا و ساقط کردن نظام نوپای جمهوری اسلامی جويا شوند .

تدارک کودتا ، با اهداف و زمان مشخص ، در دستور کار بنی‌عامری ، رهبر شاخه نظامی ، قرار گرفت و سازمان نقاب (نجات قیام ایران بزرگ) برای مطالعه در خصوص بررسی راههای موفقیت کودتا در ستاد بختیار تشکیل شد . مثلث ریاست این سازمان به این صورت شکل گرفت که شاخه نظامی به رهبری بنی‌عامری ، سیاسی به رهبری قادسی و تدارکات به رهبری " منوچهر قربانی فر " بود .

اکثر اعضای شاخه سیاسی ، اعضای حزب ایران و هواداران بختیار بودند . مهمترین وظیفه این شاخه هموار کردن زمینه عملیات نظامی و نیز به دست گرفتن قدرت سیاسی پس از کودتا بود . افراد این شاخه به نظام مشروطه سلطنتی وفادار بودند . آنان همزمان با انجام اقدامات سیاسی علیه نظام جمهوری اسلامی ایران ، درصد برآمدند برای کسب مشروعیت سیاسی ، برخی رجال ملی و مذهبی را نیز با خود موافق سازند .

شاخه تدارکات وظیفه تهیه پول ، اسلحه ، خانه ، ماشین و دیگر لوازم مورد نیاز برای یک کودتای موفق را بر عهده داشت . پول در وهله اول از جانب کشورهای امریکا ، انگلیس و عراق در اختیار ستاد کودتا - مستقر در پاریس - قرار می‌گرفت و سپس از طریق این ستاد به داخل کشور فرستاده می‌شد ؛ و سپس از طریق این ستاد به داخل کشور فرستاده می‌شد ؛ چنانکه در مدت کمتر از یک هفته این مبلغ به چیزی در حدود یکصد میلیون تومان در سال بالغ گردید .

شاخه نظامی ابتدا با سر دادن شعارهای ناسیونالیستی و تبلیغ این هشدار که ایران با قدرت یابی روحانیون به تدریج به کشور عربی تبدیل می‌شود ، سعی در جذب نیرو داشت . آنان پرسنل شاغل و یا پاکسازی شده ارتش را به همکاری فرا خواندند و به این افراد برای تشویق بیشتر ، مبالغی پول پرداخت می‌کردند .

حجت‌الاسلام محمدی ری‌شهری - رئیس وقت دادگاه انقلاب ارتش - اعضای جذب شده شاخه نظامی را چنین برمی‌شمارد : « تعدادی از امرای اخراجی ارتش که حتی مدتی زندانی بودند عده‌ای بازخرید شده و یا کسانی که بازنشسته شده بودند . البته [آنان] تعدادی از افراد

شاغل را هم فریب داده بودند. بنی‌عامری رئیس شاخه نظامی با استفاده از ارتباطات خود با برخی از عناصر اطلاعاتی شاغل در اداره دوم ارتش و مأمورین ساواک منحل، اقدام به شناسایی و جذب افراد، اعم از مشاغل، برکنار شده و تحت تعقیب می‌کرد تا از طریق تأمین کادر اطلاعاتی کودتا، اولاً شناسایی‌های لازم در بین نیروهای سه‌گانه نظامی میسر شود، دوماً امکان تأمین پوشش حفاظتی برای شبکه در برابر نیروهای اطلاعاتی جمهوری اسلامی فراهم گردد.»

بنا بر اعترافات ستوان سیاوش پورفهمیده - از عوامل کودتا - رهبران شاخه نظامی بیشتر در صدد جذب آن دسته از افراد بازنشسته ارتش بودند که بعضاً از مشکلات مالی رنج می‌بردند. به این افراد تأکید می‌شد که افشای هر گونه اطلاعات به مرگ آنان منجر خواهد شد و لذا اکثر آنها از چگونگی انجام کودتا هیچ اطلاعی نداشتند. در واقع مقرر شده بود آنان پس از تجمع در پارک لاله و حرکت به سوی پادگان نوژه همدان، در جریان عملیات قرار گیرند. (۸) و شاخه نظامی پس از تلاش‌های فراوان، موفق شد شصت خلبان و پانصد تن از افراد فنی و نظامی، را برای شرکت در عملیات جذب کند. این شاخه به سران خود قول داده بود. پرواز بیش از سی هواپیما را تضمین کند. مهمترین پایگاه‌های هوایی که کودتاچیان در آن حضور داشتند علاوه بر پایگاه هوایی مهرآباد در تهران، پایگاه سوم هوایی نوژه در همان پایگاه‌های وحدتی دزفول، اصفهان و تبریز بودند. در نیروی زمینی، بیش از همة لشکر ۱ (گارد جاویدان سابق و حوزه نفوذ اویسی) مورد توجه قرار گرفت. علاوه بر این، لشکر ۲ و همچنین نیروی ویژه هوابرد (نوهده) پادگان جمشیدیه، ستاد نیروی زمینی، ژاندارمری و شهربانی نیز با کودتاگران همکاری داشتند. در خارج از تهران بیش از همه لشکر ۹۲ زرهی اهواز مورد توجه کودتاگران بود و سرهنگ عزیز مرادی علاوه بر بسیج و تسلیح شیوخ وابسته به عشایر عرب، وظیفه توجیه و جذب نیروهای داخل لشکر را بر عهده داشت. مرادی بیش از آنکه با سازمان کودتای نوژه در ارتباط قرار گیرد، سعی داشت با ایجاد شاخه نظامی برای جذب پان ایرانیست تحت رهبری پزشکیپور به یک عملیات براندازی اقدام کند.

لشکر ۸۱ باختران و لشکر قزوین نیز تا حدودی با عوامل کودتا هماهنگ شده بودند. همچنین مقرر شده بود نیروهای شبه نظامی در روز کودتا در نقاط مختلف تهران اقدام به ایجاد آشوب و درگیری نمایند. گروه‌های شبه نظامی تا بیست و چهار ساعت می‌بایست مطابق برنامه عمل

می کردند و پس از آن می توانستند عملیات را به ابتکار خودشان پیش ببرند. غیر از پارک لاله (محل تجمع اصلی)، مقرر شده بود گروهی دیگر نیز اجرای عملیاتی را در پادگان لاهوتی (باغشاه) تهران بر عهده گیرند. بر اساس این طرح، مقرر بود، در کل سه گروه در سه نقطه تهران (پارک لاله، عباس آباد و نقطه‌ای در غرب تهران) دست به آشوب بزنند. یکی از فعالیت‌های مهم شاخه سیاسی کودتا - که تا اندازه زیادی هم موفقیت‌آمیز بود - تلاش جهت جلب حمایت تعدادی از روحانیون بود. آنان با شناخت کامل از جامعه ایران، نسبت به نقش مذهب و مشروعیت حاصل از آن در نظر مردم غافل نبودند. لذا از همان ابتدا به مثابه دیگر نیازهای کودتا، جایگزینی یک رهبر مذهبی را به جای امام خمینی (ره) مدنظر داشتند و برای این منظور بهترین گزینه را آیت‌ا... شریعتمداری تشخیص دادند. دو عامل سبب این انتخاب شده بود. یکی ناآرامی‌هایی که "حزب جمهوری خلق مسلمان" در حمایت از ایشان به راه انداخته بود و کودتاگران امیدوار بودند با جلب حمایت آیت‌الله شریعتمداری حمایت این حزب و اکثریت مردم استانهای آذری زبان را به دست آوردند. دیگر این که بختیار زمانی که در تدارک تصدی سمت نخست‌وزیری بود، به حمایت شریعتمداری از اقدام خود در برابر حضرت امام به عنوان مرجع شیعیان جهان اطمینان حاصل کرده بود. بدین ترتیب شریعتمداری بهترین گزینه در میان روحانیون برای همکاری و تأیید کودتا به حساب می‌آمد.

علاوه بر وی، روحانیون دیگری مانند سید حسن قمی، روحانی و سید رضا زنجانی مستقیم یا غیرمستقیم در ارتباط با شبکه کودتا قرار داشتند. حجت‌الاسلام والمسلمین محمدی ری‌شهری حدود یک ماه پس از کودتا پرده از روی این مسأله برداشت و عنوان کرد که تعدادی از روحانیون که جزو افراد مسئول مملکتی نیستند، در ارتباط با کودتا بوده‌اند و علاوه بر آنها بعضی آقازاده‌ها نیز با کودتا هماهنگی داشته‌اند.

این مسأله برای جذب افراد جدید و کسانی که در همکاری با کودتاگران دچار تردید شده بودند، بسیار مفید واقع شد. سروان نعمتی - از عوامل اصلی کودتا - برای اقناع یکی از خلبانان که نسبت به مأموریت محوله دچار بیم و تردید شده بود. به او می‌گوید: «خیلی‌ها از جمله شریعتمداری این کودتا را تأیید کرده‌اند.» اکثر افراد کودتا را مورد تأیید روحانیون و وسیله نجات ایران و اسلام می‌پنداشتند. چنانکه ایرج درخشنده از ساواکی‌های

جذب شده به کودتا - پس از دستگیری در این ارتباط ، می گوید : بنی عامری می گفت با علما و روحانیونی که طرفدار آیت الله شریعتمداری می باشند، دست به دست هم داده ایم تا یک اسلام نوین در سطح مملکت پیاده کنیم.»

بدین ترتیب راه هر گونه مخالفت اعضا با اهداف کودتا که بعضا ضد انسانی و ضد اسلامی بود - بسته می شد بنا به اعترافات تیمسار محققی ، مسئولان شاخه سیاسی در پاسخ به پرسش عوامل کودتا مبنی بر این که در برابر واکنش مردم چه اقدامی باید انجام دهند . چون در صورت تیراندازی عده زیادی از مردم کشته خواهند شد ، به آنان می گفتند :

وقتی امام خمینی را از میان بردارند ، فرد دیگری به جای ایشان خواهد نشست و از طریق رادیو و تلویزیون تمام آنچه را که امام گفته است ، او بر غلط بودن آن فتوا خواهد داد

تأیید کودتا به وسیله یک روحانی برجسته که توسط سران کودتا به اعضاء تفهیم می شد - تا اندازه ای برای این افراد مهم بود که بسیاری از آنان شخصا به بیت ایشان مراجعه کرده و در صدد دریافت پاسخ بودند . استوار عبدالعلی سلامت - از عوامل کودتا در پایگاه همدان - در اعترافات خود اذعان می کند که به هنگام مراجعه به بیت شریعتمداری ، تعدادی نظامی و خلبان را در آنجا دیده است که آنها نیز برای کسب اجازه " در مورد یک برنامه " به آنجا آمده بودند . هر چند وی موفق به دیدار شریعتمداری نگردید ، اما از خلبانی که در آنجا بود نقل می کند که وی گفته است : " ظلم پایدار نمی ماند " در واقع این اقدامات سران کودتا در راستای نزدیکی جستن به روحانیون با این اهداف صورت می گرفت که روحیه افراد را برای انجام عملیات کودتا چنان قاطعانه و خشن تقویت کنند که آنان بدون عذاب وجدان و تردید به هر عملی علیه مردم و دولت جمهوری اسلامی اقدام کنند . با توجه به نقش تعیین کننده و مهم نیروی هوایی در عملیات کودتا ، تعیین پایگاهی مناسب برای آغاز عملیات ضروری بود . ویژگی های این پایگاه در نظر تئوریسین های نظامی کودتا بدین قرار بود

۱ - دارای هواپیما باشد

۲ - به تهران نزدیک باشد

۳ - خارج از شهر باشد

۴ - عناصر مستعد و قابل جذب داشته باشند

۵ - رهبران عملیات هوایی کودتا حداکثر آشنایی را با پرسنل و اماکن آن داشته باشند .

در نظر کودتاگران ضربه اصلی باید به تهران زده می‌شد تا با سقوط آن به عنوان مرکز سیاسی اداری کشور ، دیگر شهرها نیز تسلیم شوند .

بنابراین در ابتدا نظر بعضی از افراد شاخه نظامی و سیاسی بر این بود که پایگاه هوایی مهرآباد مرکز ثقل کودتا باشد . اما نگرانی از حضور و واکنش مردم در برابر پایگاه مهرآباد آنان را واداشت تا پایگاه دیگری را که از شرایط مناسبی برخوردار باشد . سرانجام پس از بررسی‌های نظامی پایگاه هوایی نوژه برای انجام عملیات انتخاب شد . که بعضی از سران کودتا مانند تیمسار سعید مهدیون ، تیمسار محقق و نعمتی در آنجا دورانی را گذرانده و با محیط کاملاً آشنا بودند

برای انجام عملیات زمینی علاوه بر شبه نظامیان حامی کودتا در تهران و نیز برخی یگانهای نظامی لشکر ۱ و ۲ و تیپ نوهه ، لشکر زرهی ۹۲ اهواز به عنوان مهمترین پایگاه عملیاتی کودتا معین گردید . اعضای شاخه سیاسی و نظامی ، پس از مطالعات و بررسی‌های زیاد ، اهدافی را به عنوان نقاط حساس و کلیدی برای بمباران و تصرف انتخاب کردند تا به قول خودشان ضربه فلج‌کننده و غافلگیرانه‌ای را به جمهوری اسلامی وارد آورده و توان مقابله در برابر کودتاگران را از آنها بگیرند . بنابراین از مهمترین این اهداف ، بمباران بیت امام بود که توسط سه هواپیما با زبده‌ترین خلبانان انجام می‌شد ، زیرا در نظر کودتاجیان از بین رفتن امام خمینی (ره) به معنای پایان عمر جمهوری اسلامی بود . ستوان رکنی در اعترافات خود می‌گوید : « بر سران کودتا کاملاً مشخص بود تا زمانی که امام زنده است ، مردم با یک کلمه ایشان به خیابانها آمده و کودتا راعقیم خواهند کرد . » بمباران و انهدام فرودگاه مهرآباد ، دفتر نخست‌وزیری ، ستاد مرکزی سپاه پاسداران ، کمیته انقلاب ، مجلس شورای اسلامی ، تعدادی از پادگانهای مهم ، مدرسه فیضیه و چند نقطه مهم دیگر از جمله اهداف دیگر آنها بود .

مرحله دوم عملیات پس از پایان بمبارانهای هوایی ، با عملیات نیروی زمینی آغاز می‌شد ، در این مرحله می‌بایست چند نقطه حساس از جمله صدا و سیما بوسیله کودتاگران اشغال می‌شد

که این کار بوسیله گروهی صد تا صد و پنجاه نفری انجام می‌شد از نقاط دیگر برای تصرف زندان اوین ، ستاد ارتش ، پادگانهای حر ، قصر و جمشیدیه بود. هدف کودتاچیان سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و روی کار آوردن یک دولت نظامی به مدت دو سال بود. و پس از آن طی برگزاری یک انتخابات (فرمایشی) ، نوع حکومت معلوم می‌گردید. پس از لو رفتن کودتا ، ستاد هماهنگی ختنی‌سازی توطئه متشکل از سپاه پاسداران و نیروی هوایی شکل گرفت و قرار بود دستگیری و تعقیب توطئه‌گران توسط این ستاد انجام پذیرد .

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در مصاحبه‌ای به تاریخ ۱۳۵۹/۴/۲۲ با رادیو درباره نحوه کسب اطلاع از کودتا چنین می‌گوید: « حدود یک ماه و نیم پیش به ما اطلاع دادند که عوامل شاهپور بختیار در ایران و شبکه نظامی و تبلیغاتی شان بر سرعت اقدامات خود افزوده‌اند. در آن گزارش ، برنامه‌های تبلیغاتی آنها مشخص و همینطور برنامه‌های نظامیشان و زمان اینکه چه وقت می‌خواهند توطئه را شروع کنند گزارش شد. من این مسأله را در شورای انقلاب مطرح کردم ، آقای بنی‌صدر دوم از کانال دیگری آگاه شده بود. شورای انقلاب ، سپاه را مسئول کرد که به همراه نیروهای ویژه‌ای از ارتش این جریان را تحقیق کنند و آنها را تعقیب کردند و وضعیتی پیش آمد که یک بازداشت صورت گرفت و عده‌ای از عوامل بختیار بازداشت شدند و این باعث شد که برنامه کودتا به هم بخورد و برای مدت نامعلومی به تأخیر بیفتد. ولی شورای انقلاب در جریان بود.»

ابوالحسن بنی‌صدر ، رئیس جمهور وقت که بعدها ارتباط وی با توطئه‌گران فاش شد. اطلاعات خود را از منابعی دیگر می‌داند ، بنی‌صدر در یک سخنرانی نحوه اطلاع خود از کودتا را اینگونه بیان می‌کند: « فرمانده سابق نیروی هوایی یک ماه و اندی پیش اطلاع داد که در نیروی هوایی مثلاً در میان چتربازها شاید هم به صراحت از نوژه حرف زد که یک تشکلهایی در حال انجام است. این خبر را ما به دستگاه اطلاعاتی برای تحقیق و پیگیری دادیم تا اینکه حدود سه هفته پیش از این معلوم شد اینها همان کودتاگرانند و آن وقت نیروی آنها حدود هفتاد تا هشتاد نفر ارزیابی می‌شد و ده نفر از آنها هم آن موقع برای ما شناخته شده بودند.»

آقای ری‌شهری نیز نقطه عطف کشف این کودتا را صحبت میان دو نفر در تاکسی می‌داند که پس از آن تحقیق و کشف شبکه‌ای به نام نقاب در تیپ نوهه و در نتیجه دستگیری ۱۳ نفر در

این رابطه رخ می‌دهد. و اما نظر مشهور به این صورت است که خلبانی که مأمور بمباران بیت حضرت امام بود، دچار تشویش و عذاب وجدان شده، شب قبل از آغاز عملیات به منزل حضرت آیت‌الله خامنه‌ای می‌رود و موضوع را در آنجا بیان می‌کند. آیت‌الله خامنه‌ای جریان آن شب را چنین بیان می‌کنند: « یک شبی من حدود اذان صبح دیدم که درب منزل ما را می‌زنند، بیدار شدم رفتم دیدم آقای مقدم است و می‌گوید که یک نظامی آمده با شما کار واجب دارد، به آن نظامی گفتم: تو از کجا می‌دانی؟ بنا کرد شرح دادن آن و... من دیدم مسأله خیلی جدی است و بایستی آن را پیگیری بکنیم» و البته روایتی دیگر این چنین است که همزمان با این خلبان یکی از درجه‌داران تیپ نوهه به کمیته مستقر در اداره دوم ستاد مشترک مراجعه می‌کند و پس از افشای کودتا و اعتراف به این که قرار است به همراه یازده نفر دیگر در براندازی نظام جمهوری اسلامی شرکت کند، پاکتی حاوی بخشی از طرح عملیاتی کودتا را در اختیار کمیته فوق قرار می‌دهد.

پس از لو رفتن طرح کودتا، سپاه پاسداران، ارتش و کمیته انقلاب وارد عمل شده و دستگیری توطئه‌گران را آغاز می‌کنند. به همین منظور در اداره دوم ارتش برای خنثی سازی کودتا و جلوگیری از فرار عناصر اصلی و هر گونه اقدام از جانب آنها، گروه ویژه‌ای مرکب از آقایان تیمسار دادبین، سروان شهرام فر و سروان نوری تشکیل شد تا پس از اعزام به پایگاه هوایی نوژه، با همکاری نیروهایی که از قبل در آنجا مستقر بودند، به دستگیری و مقابله با کودتاگران اقدام نمایند. علاوه بر این در اداره دوم ارتش نیز مرکز فعالیت‌های ضد کودتا تحت نظارت محمد رضوی شکل گرفت که مستقیماً با حضرت آیت‌الله خامنه‌ای و آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در تماس بود و هر گونه اقدامات مرکز در هماهنگی با آنها صورت می‌گرفت.

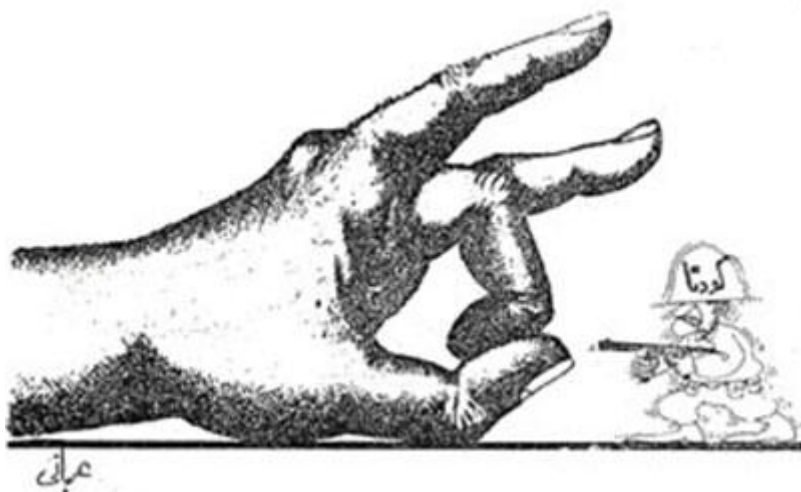
اولین عملیات ضد کودتا از پارک لاله تهران واقع در بلوار کشاورز شروع شد که به عنوان محل تجمع کودتاگران برای انتقال به همدان در نظر گرفته شده بود. پاسداران انقلاب در اقدامی ضربتی موفق شدند تعدادی از آنها را دستگیر کنند. اما عده دیگری با چند دستگاه ماشین به سمت پایگاه نوژه حرکت کردند که در فاصله یک کیلومتری پایگاه نوژه دستگیر شدند. که قبل از دستگیری، درگیری میان دو طرف روی می‌دهد که ۶ نفر از کودتاچیان کشته می‌شوند. در نقاط دیگر کشور، از جمله در اصفهان، دو مینی‌بوس و یک دستگاه

اتوبوس که حامل هفتاد نفر بودند در مسیر حرکت به سمت همدان با نیروهای سپاه درگیر که در نتیجه تعدادی کشته و زخمی و تعدادی بازداشت می شوند. در اهواز، در لشکر ۹۲ زرهی اهواز، یکی دیگر از مکانهای تجمع کودتاگران که با اقدام به موقع، توطئه‌گران در اهواز نیز دستگیر شدند. با این حال سران اصلی کودتا و رؤسای سه شاخه آن موفق شدند از کشور فرار کنند، بیشتر کسانی که دستگیر شدند، از شاخه نظامی کودتا بودند، در جریان دستگیری افراد دخیل در کودتا تعدادی نیز بی‌گناه بودند که پس از اثبات آزاد شدند در این عملیات دو نفر به نامهای استوار یکم قربانی اصل و گروهبان اصغرخانی به شهادت رسیدند.

منبع:

مرکز اسناد انقلاب اسلامی

بازخوانی کودتای نوژه



در ۱۸ تیر ۱۳۵۹ کودتایی بر علیه نظام جمهوری اسلامی در ایران کشف و خنثی گردید که از لحاظ شیوه و طراحی عملیات در هیچ جای جهان سابقه نداشت. در این کودتای نافرجام که به کودتای نوژه (۱) معروف شد، قرار بود محوریت با نیروی هوایی باشد و از هواپیماهای جنگنده و بمب افکن استفاده گردد. کودتای نوژه که حاصل طراحی چندین نهاد اطلاعاتی و امنیتی و سیاسی بود، ابعاد بسیار وسیعی داشت و به گونه ای طراحی شده بود که احتمال شکست در آن صفر بود. در مرحله اول این کودتا می بایست هواپیماهای بمب افکن به بمباران مراکز حساس سیاسی و انقلابی می پرداختند و سپس مردم بی دفاع را که برای دفاع از انقلاب به میدان آمده بودند به وسیله شکستن دیوار صوتی می ترساندند و در صورت نیاز، از بمب های چند تنی برای کشتن مردم استفاده می شد.

نحوه عملیات نیز چنین بود که کودتا با استفاده از فرماندهان پیشین نیروی هوایی، ژاندارمری و واحدهای دیگر ارتش رژیم شاه انجام می شد و کشتی های جنگی بیگانه نیز در آستانه کودتا به سواحل ایران نزدیک می شدند و با حملات موضعی کودتا را یاری می نمودند و پس از وقوع کودتا، دول بزرگ از جمله دولت آمریکا بلافاصله دولت جدید را به رسمیت می شناختند.

عملیات کودتا قرار بود به طور هم زمان در تهران و سایر شهرهای بزرگ به اجرا درآید و اماکنی مانند مدرسه فیضیه، اقامتگاه امام(ره)، کمیته مرکزی، نخست وزیری، میعادگاه های نماز جمعه و ... توسط هواپیماها بمباران شود. بنا بود کودتاگران در این بمباران از بمب های

خوشه ای و آتش را استفاده کنند. آنان حدود ۳۰ فروند هواپیما و ۶۰ نفر خلبان و حدود ۵۰۰ نفر افراد فنی و نظامی را برای شرکت در عملیات آماده کرده بودند.

به گفته تعدادی از افراد دستگیر شده در جریان کودتای مذکور از جمله تیمسار محقق، "بیت امام" نخستین و مهمترین هدفی بود که باید بلافاصله بمباران می شد. حمله به بیت امام(ره) مرکز ثقل کودتا را تشکیل می داد و به معنای به دست آوردن کلید پیروزی کودتا بود. برای سران کودتا کاملاً مشخص بود تا زمانی که امام (ره) زنده است، مردم با یک کلمه ایشان به خیابان ها ریخته و عمل کودتا را عقیم خواهند کرد... به همین جهت از بین بردن امام (ره) یکی از مهم ترین هدف های کودتا بود و برای اجرای آن بیش از سایر هدف ها، هواپیماها و مهمات سنگین در نظر گرفته شده بود.

در مرحله بعدی این کودتا و پس از اینکه تهران و شهرهای بزرگ به صورت مناطق جنگ زده و ویرانه درآمد، نیروهای کماندو وارد عمل می شدند و به پاکسازی مناطق می پرداختند. به جز هواپیماهای بمب افکن و شکاری که در این عملیات به کار گرفته می شد و به دلایل امنیتی تعداد دقیق آن اعلام نشده است ، از تعدادی از افسران و درجه داران لشکر یک (گارد جایدان سابق) ، لشکر دو، لشکر ۹۲ زرهی اهواز، لشکر ۸۱ باختران، نیروهای ویژه هوابرد (نوهده) و سایر گروه های ارتشی ، به علاوه ی حزب دموکرات، کومله و گروه های تجزیه طلب آذربایجان، کردستان، سیستان ، بلوچستان، خوزستان و ... استفاده می شد که سرخ اصلی این عملیات براندازی در دست شاپور بختیار و تیمسار اویسی در خارج از مرز های ایران قرار داشت و از این کانال همه ی این گروه ها در جریان کودتا قرار داشتند و آمادگی خود را برای درگیری مسلحانه حفظ نموده بودند. به علاوه قرار بود در صورتی که کودتا دچار مشکل شد، کشور عراق هم وارد عمل شود و به کودتاگران کمک کند. در صورت ادامه بحران، آمریکا خود به صورت مستقیم وارد عمل می شد و با استفاده از پایگاه ها و ناوهای خود در منطقه ، به حمایت از کودتاگران می پرداخت.

به هر حال ، کودتا سه روز قبل از وقوع ، به علت تشویش و نگرانی یکی از عناصر شرکت کننده در آن و اطلاع یافتن خانواده وی ، از موضوع ماجرا فاش می شود. خانواده این خلبان که وفادار به انقلاب و امام(ره) بودند و بخصوص مادر وی ، او را ملزم به افشای اطلاعات خود در مورد کودتا کرد و او نیز موفق شد آیت الله خامنه ای و حجت الاسلام

هاشمی رفسنجانی را مطلع کند. به این ترتیب، صبح روز چهارشنبه ۱۳۵۹/۴/۱۸ طرح کودتا توسط این فرد، لو می رود. مقام معظم رهبری این واقعه را چنین تعریف می کنند:

" حدود اذان صبح دیدم که در منزل ما را به شدت می زنند، من رفتم دیدم می گویند یک ارتشی آمده و با شما کار واجبی دارد، دیدم یک نفر تکیه داده به دیوار، با حال کسل و آشفته و خسته سرش را فرو برده، گفتم شما با من کار دارید، بلند شد و گفت: بله گفتم: چکار دارید؟ گفت: کار واجبی دارم و فقط به خودتان می گویم... من به حرفش حساس شدم... احتمال این بود که سوءنیتی داشته باشد اما دیدم نمی شود به حرفش گوش نداد... یک جایی گوشه حیاط نشستیم... آثار بیخوابی و خیابانگردی و خستگی و هیجان در او پیدا بود. خلاصه آنچه گفت این بود که در پایگاه همدان اجتماعی تشکیل شده و تصمیمی بر کودتایی گرفته و پولهایی به افراد زیادی داده اند، به خود من هم پول داده اند... قرار است جماران و چند جای دیگر را بمباران کنیم پرسیدم: کی قرار است این کودتا انجام شود؟ گفت: امشب. من دیدم مسئله خیلی جدی است و باید آن را پیگیری کنم، در این بین این احتمال را می دادم که یک سیاست باشد و بخواهند ما را سرگرم کنند، اما در عین حال اصل قضیه آنقدر مهم بود که با وجود این احتمالات، لازم بود آن را پیگیری کنیم."

لازم به ذکر است، که تنها چند ساعت پس از افشای کودتا بوسیله خلبان فوق یکی از درجه داران تیپ نوهد، به کمیته مستقر در اداره دوم ستاد مشترک مراجعه کرد و پس از افشای کودتا و اعتراف به اینکه قرار است به همراه ۱۱ نفر دیگر در بر اندازی جمهوری اسلامی شرکت کند یک پاکت حاوی بخشی از طرح عملیاتی کودتا را در اختیار کمیته فوق قرار داد. به این ترتیب بفاصله چند ساعت از سوی دو عنصر جذب شده به کودتا، اقدام به "ضد کودتا" شد، و چشمان انقلاب در برابر خطری که در چند گامی اش کمین کرده بود، گشوده شد. این "ضد کودتا" گرچه بوسیله دو فرد، که از اقدام یکدیگر بی اطلاع بودند، صورت گرفت ولی عمل این دو، در واقع ترجمان اراده یک ملت انقلابی علیه ضد انقلاب بود. گاه چنین است که توان و نیروی یک ملت در یک یا چند فرد گمنام، بی هیچ ویژگی مشخص که به آنان صفت قهرمانی دهد، تراکم می یابد و آن فرد یا افراد، حتی گاه بی آنکه از ابعاد تصمیم و عملکرد خود آگاه باشند وارد صحنه میشوند و تحولات تعیین کننده ای را می آفرینند.

امام خمینی (ره) پس از پایان عملیات خنثی سازی کودتا (۵۹/۴/۲۰) در حسینیه جماران سخنرانی کردند. ایشان در بخش هایی از سخنان خود چنین به مسئله کودتا اشاره کردند: «... این احمق ها نفهمیدند اینرا که با چهار تا مثلا سرباز، سربازها که با این ها موافق نیستند، با چهار نفر از این درجه داران و امثال اینها می شود یک مملکت سی و پنج میلیونی که همه مجهز هستند، اینها بتوانند فتح کنند. اینها غلط فکر کردند. اینها نفهمیدند که شوروی با همه سلاح های مدرنی که دارد و با همه ابزاری که دارد در افغانستان پوزه اش بخاک مالیده شده است»

پانویس ۱: علت معروفیت این عملیات نظامی به نام "کودتای نوژه" به آن دلیل است که این کودتا بایستی از پایگاه هوایی شهید نوژه همدان آغاز و سپس تهران و سایر شهرستانها را در بر می گرفت ولی در اصل این کودتا توسط ضد انقلاب با نام "نقاب" که نام اختصاری «نجات قیام انقلاب بزرگ» می باشد، نامگذاری شده بود.

منابع:

۱. کودتای نوژه، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی، تهران، چ چهارم، ۱۳۸۴
 - ۲- محمدی ری شهری، محمد، خاطره ها، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران، چ چهارم، ۱۳۸۸
 - ۳- نیمه پنهان، سیمای کارگزاران فرهنگ و سیاست، دفتر پژوهشهای موسسه کیهان، ج ۳، چ هفتم، ۱۳۷۸
 - ۴- صحیفه امام خمینی (ره)، ج ۱۳، سخنرانی روز ۲۰ تیر ۱۳۵۹
 - ۵- روزنامه کیهان، شنبه ۱۳۵۹/۴/۲۱
- پورتال جامع علوم انسانی

بختیار و کودتای نوژه



همزمان با تجاوز آمریکا به طبرستان، سازمان "سیا" از طریق شاپور بختیار در تدارک کودتای نوژه بود. تجاوز نظامی طبرستان و کودتای نوژه، دو حلقه یک زنجیر بود که باید براندازی نظام جمهوری اسلامی را به ثمر می‌رساند. بختیار تحت فشار آمریکا و انگلیس به سازماندهی اجزاء کودتا برای مقابله همه جانبه با نظام جمهوری اسلامی شتاب بخشید. این مرحله، مرحله شناسایی و جذب گروه‌ها و دستجات و چهره‌هایی است که در پی فرار بختیار از ایران به طور فردی یا جمعی، در ارتباط با هم یا پراکنده، هر یک به نامی و به نحوی و به سودایی، به فعالیت علیه نظام جمهوری اسلامی پرداخته بودند.^۱

ممکن است برای بعضی، این سؤال پیش آید که چرا دولت آمریکا با یک حمله گسترده نظامی به جنگ با ایران نمی‌آید و از طریق کودتا در پی سرنگونی نظام جمهوری اسلامی برمی‌آید؟ در پاسخ این سؤال باید گفت که اولاً امکانات پشتیبانی و تدارکاتی آمریکا در آن زمان در حدی نبود که اجازه‌ی درگیر شدن ارتش آن کشور را در منطقه‌ای که هزاران کیلومتر با خاک آمریکا فاصله دارد بدهد و از سوی دیگر تجربه شکست ویتنام و پیامدهای بحران زای داخلی و منطقه‌ای آن به آمریکا آموخته بود که مداخله مستقیم نظامی گسترده او به فاجعه خواهد انجامید. از سوی دیگر، تجربه شکست شوروی در باتلاق جنگ افغانستان نیز

در برابر چشم آمریکا بود. لذا آمریکا رژیم حاکم بر عراق را به نیابت خود برای انجام طرح تجاوز گسترده نظامی برگزید، (دلایل این ادعا در صفحات آتی ارایه خواهد شد)، واشنگتن مدتی در این اندیشه بود که آیا اول کودتا را انجام دهد و یا حمله نظامی را از طریق عراق عملی کند؟ سرانجام به گفته یکی از سران کودتای نوژه، پس از سفر "بنی عامری" (که از طراحان کودتا بود) به پاریس در اسفندماه ۱۳۵۸، طرح حمله عراق در "تقدم ۲" قرار گرفت و "تقدم یک" به کودتا داده شد. ۲

بدیهی است که سازماندهی کودتا، با وسعتی که مورد نظر طراحان آن بود، بدون در اختیار داشتن منابع هنگفت مالی در حدی که نیازهای متنوع کودتا را تأمین کند میسر نبود. یکی از عناصر اصلی کودتا به نام "ناصر رکنی" در اعترافاتش اظهار داشته بود که پول در وهله اول از جانب کشورهای آمریکا، انگلیس و عراق در اختیار ستاد کودتا مستقر در پاریس نهاده می شد و از آن طریق به داخل کشور سرازیر می گشت؛ به طوری که در مدت کمتر از یک هفته، قریب به یک صد میلیون تومان ارسال گشت. ۳

ستاد فرماندهی پاریس مرکب بود از عده ای چهره های سیاسی و نظامی رژیم گذشته؛ افرادی چون جواد خادم، لطفعلی صمیمی، حسن نزیه و ... در ستاد سیاسی؛ و کسانی چون سرلشکر امیرفضلی، سرهنگ بای احمدی، سرهنگ صحبت محیطی و ... در ستاد نظامی فعالیت می کردند. علاوه بر اینها، نمایندگان اطلاعاتی آمریکا و اسرائیل و عراق نیز در ارتباط با ستاد بودند. وظیفه این ستاد علاوه بر ارایه طرح کلی کودتا و انجام هماهنگی ها و پشتیبانی های مختلف جهانی با کودتا، نیازهای مالی و لجستیکی سازمان بود.

نحوه عملیات نیز چنین بود که کودتا با استفاده از فرماندهان پیشین نیروی هوایی، ژاندارمری و واحدهای دیگر ارتش رژیم شاه انجام می شد و کشتی های جنگی بیگانه نیز در آستانه کودتا به سواحل ایران نزدیک می شدند و با حملات موضعی کودتا را یاری می نمودند و پس از وقوع کودتا، دول بزرگ از جمله دولت آمریکا بلافاصله دولت جدید را به رسمیت می شناختند. ۴

عملیات کودتا قرار بود به طور هم زمان در تهران و سایر شهرهای بزرگ به اجرا درآید و اماکنی مانند مدرسه فیضیه، اقامتگاه امام، کمیته مرکزی، نخست وزیری، میعادگاه های نماز جمعه و ... توسط هواپیماها بمباران شود. بنا بود کودتاگران در این بمباران از بمب های

خوشه ای و آتش را استفاده کنند. آنان حدود ۳۰ فروند هواپیما و ۶۰ نفر خلبان و حدود ۵۰۰ نفر افراد فنی و نظامی را برای شرکت در عملیات آماده کرده بودند.

برخی از عناصر دستگیر شده، اهداف تعیین شده برای بمباران در تهران را به این ترتیب نام بردند: بیت امام در جماران، فرودگاه مهرآباد، مقر نخست وزیری، ستاد مرکزی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ستاد مرکزی کمیته انقلاب اسلامی، پادگان ولی عصر (عج)، پادگان امام حسین (ع)، پادگان خلیج، کمیته انقلاب اسلامی منطقه ۹، کمیته انقلاب اسلامی منطقه ۴، کاخ سعدآباد (چون آنجا را انبار مهمات می دانستند) و پادگان نوجوانان در لویزان.

به گفته افراد دستگیر شده از جمله تیمسار محقق، "بیت امام" نخستین و مهمترین هدفی بود که باید بلافاصله بمباران می شد. ۶. حمله به بیت امام مرکز ثقل کودتا را تشکیل می داد و به معنای به دست آوردن کلید پیروزی کودتا بود. برای سران کودتا کاملاً مشخص بود تا زمانی که امام زنده است، مردم با یک کلمه ایشان به خیابان ها ریخته و عمل کودتا را عقیم خواهند کرد... به همین جهت از بین بردن امام یکی از مهم ترین هدف های کودتا بود و برای اجرای آن بیش از سایر هدف ها، هواپیماها و مهمات سنگین در نظر گرفته شده بود. ۷. در مورد نقش سازمان "سیا" و سایر کشورهای خارجی در این کودتا، ستوان ناصر رکنی در اعترافاتش می گوید:

« دو الی سه ماه بعد از پیروزی انقلاب، اولین تماس بین مأمورین سیا و یکی از دوستان بنی عامری در اروپا برقرار می شود و آنها بنی عامری را با بختیار مرتبط می سازند. تمامی هماهنگی های لازم بین کشورهای عضو بازار مشترک اروپا و ستاد دکتر بختیار در پاریس از طریق "سیا" انجام می گرفته است. هماهنگی بین اسرائیل و کشورهای مرتجع منطقه نظیر عربستان، مصر، و عراق، توسط نماینده سازمان "سیا" که در دفتر دکتر بختیار در پاریس است انجام می گرفته است.» ۸.

"رضا مرزبان" که از عناصر ستاد سیاسی بختیار بوده و در اواسط بهمن ماه ۱۳۵۸ به پاریس عزیمت کرد تا بختیار را در جریان تحولات ایران قرار دهد اظهار می دارد:

«من از ایشان (بختیار) و جواد خادم خواستم به من نیم ساعت فرصت بدهند تا آنها را از وضع کشور و آنچه از نزدیک شاهد آن بوده ام توجیه کنم و سپس شروع کردم به تفسیر درباره ی

جو سیاسی موجود مملکت، وضعیت نیروهای سیاسی دست اندرکار مثل حزب جمهوری اسلامی، سازمان مجاهدین خلق، فداییان خلق، حزب توده، سازمان پیکار و گروه های مختلف. سپس به وضعیت پوسیده جبهه ملی و احزاب وابسته به آن پرداختم و اینکه در تهران به کمک دوستان خیلی سعی کردیم یک جبهه ملی فعال و در برگیرنده نسل جوان ایجاد کنیم اما به هر در که زدیم به سنگ خورد... سپس برای ایشان شرح دادم که مسأله گروگان گیری روی اقتصاد ایران اثر گذاشته است و اثراتش در بهار آینده (۱۳۵۹) شدیدتر می شود. به خصوص که کشورهای دوست آمریکا ممکن است عکس العمل نشان دهند... در مورد پاکسازی در ارتش نیز صحبت کردم و این که ارتش به شدت لطمه خورده است. سپس به وضع عراق پرداختم و این که صدام حسین از قرارداد ۱۹۷۵ و شکست ۱۹۷۳ سخت شرم زده است و ممکن است از ضعف ارتش ایران بهره برداری کند و...»^۹

با چنین گزارشی که مرزبان ارایه داد، مسلماً بختیار باید خرسند می شد، زیرا طبق تصویر ارایه شده از وضع داخلی، نظام جمهوری اسلامی هم به اعتبار شرایط حاد داخلی و هم به دلیل مواضع خصمانه غرب و ارتجاع منطقه، بایستی روند فلج شدن را طی کرده و مستعد ضربه پذیری می بود. در پی سفر مرزبان به پاریس و اطلاع بختیار از شرایط تازه کشور، بنی عامری نیز در روز پانزدهم اسفند ایران را به قصد فرانسه ترک کرد. او در پاریس با اعضای ستاد نظامی بختیار یعنی تیمسارامیرفضلی (رییس هواپیمایی ملی در دولت شریف امامی) و سرهنگ بای احمدی و پالیزبان و نیز با خود بختیار، حواد خادم و... ملاقات و گفتگو کرد. گزارش بنی عامری از تدارکات فراهم شده در نیروهای مسلح، مکمل تحلیل مرزبان از وضعیت آسیب پذیر جمهوری اسلامی شد و ستاد بختیار را به این نتیجه رساند که در بهار آینده (۱۳۵۹) این "تزلزل" در اوج است و چون از یک سو جمهوری اسلامی در بعد داخلی رو به فرسایش است و در بعد خارجی با فشارهای سنگین سیاسی و اقتصادی ناتو در آمریکا، و خطر نظامی رژیم عراق مواجه است و از سوی دیگر زمینه هایی نیز بین برخی از نظامیان و "رجال" سیاسی و تعدادی از روحانیون فراهم آمده، لازم است طرح اول تا نتیجه انجام "کار بزرگ" به بوته تعویق سپرده شود. کم و کیف "کار بزرگ" به واسطه فرار قادسی (از مسؤولین کودتا) از ایران همچنان پوشیده ماند ولی پس از شکست ماجرای طبس و متعاقب ملاقات سفرای آمریکا و انگلیس در پاریس با بختیار برای کودتا، ضرب الاجل آن تعیین گردید. البته حق تقدم کودتا نسبت به طرح های دیگر از قبیل حمله عراق و مصر به ایران و تصرف خوزستان و اعلام "ایران

آزاد"، پس از مسافرت بنی عامری به پاریس در ۱۵ اسفند ۱۳۵۸، مشخص شده بود. لازم به توضیح است که در تصویب اولویت کودتا نظرات نمایندگان سازمان "سیا"ی آمریکا و "موساد" اسرائیل و "استخبارات" عراق نقش مهمی داشت. وظیفه سه نماینده مذکور به ترتیب عبارت بود از: هماهنگی برنامه های ستاد بختیار با سیاست های آمریکا، قراردادن تجربیات جنگی برق آسای رژیم اشغال گر قدس و نحوه حداکثر بهره جویی از نیروی هوایی در ضربات نخست تهاجم در اختیار گروه نظامی ستاد، و ایجاد هماهنگی میان ستاد کودتا و نیروهای پالیزبان و طرح های تجاوزگرانه رژیم عراق. ۱۰ ستوان ناصر رکنی در مورد نقش سایر گروه های سیاسی کشور در کودتا می گوید: «صحبت بر سر این بود که آیا مجاهدین خلق در روز کودتا نقش شان چه خواهد بود و آنها آیا علیه ما اسلحه به دست می گیرند و یا به نفع ما اسلحه به دست می گیرند و بیرون می آیند؟ توضیحی که مهندس قادسی به تیمسار مهدیون و محقق می داد به این ترتیب بود که ما در حال مذاکره با هر دو گروه هستیم، هم مجاهدین و هم فداییان خلق. وی می گفت که ما زیاد تمایل نداریم که با فداییان خلق به نحوی وارد صحبت شویم و امتیاز به آنها بدهیم که بعداً برای خودمان تولید اشکال و دردسر بکند. ولی با مجاهدین خلق صحبت کرده ایم و به این نتیجه رسیده ایم که در آن روز به نفع ما نمی خواهیم وارد کار شوند. ما احتیاجی نداریم که آنها به نفع ما وارد عمل بشوند، همین قدر کفایت می کند که اگر احتمالاً فتوایی صادر شد و دستوری داده شد، اینها اسلحه به دست نگیرند و بر علیه ما وارد کار نشوند و کار ما را سنگین تر نکنند. همین برای ما کفایت می کند. وی می گفت که ما این قول را از مجاهدین خلق گرفته ایم که آن روز (روز کودتا) بی طرف بمانند. در عوض اینکه آن روز بی طرف می مانند، به آنها قول داده ایم که آزادی فعالیت سیاسی داشته باشند و هر نوع فعالیت سیاسی که بخواهند در نهایت آزادی انجام بدهند. ۱۱ در مورد دیگر افرادی که در کودتا مشارکت داشتند، در یکی از اسناد محرمانه سپاه پاسداران چنین آمده است:

«آقای مهندس اسفندیار درویش، مشاور صنعتی ریاست جمهوری، به همراه افرادی که از دیدگاه ما کاملاً مشخص می باشند، در کودتای نافرجام نوژه نقش فعال داشته با منوچهر قربانی فر، سرشاخه مالی کودتاجیان همکاری نزدیک دارد و قبل و بعد از کودتا میلیون ها تومان پول رد و بدل کرده است. ۱۲

لازم به توضیح است که منوچهر قربانی فر از سال ۱۹۷۴ جزو منابع سری سازمان "سیا" بوده است. ۱۳

دیگر اسناد و مدارک کشف شده حاکی از آن بود که احمد روناس و منوچهر مسعودی (مشاور حقوقی بنی صدر) محور ارتباط بنی صدر و دفتر وی با بختیار و گروه به اصطلاح اپوزوسیون بودند. احمد روناس از اعضای کنفدراسیون (دانشجویان خارج از کشور) که بعد از انقلاب به ایران رفت و آمد داشت. ۱۴

ستوان ناصر رکنی در بخشی از اعترافاتش در مورد رابطه حملات عراق به ایران در بهار سال ۱۳۵۹ با طرح کودتا می گوید:

«آشنایی کامل آمریکا با امکانات و مشخصات و نارسایی های ارتش ایران باعث می گردید پیشنهادات بنی عامری، مهدیون و محققى به سرعت مورد قبول قرار گرفته و روی آن اقدام لازم به عمل آید. برای روشن شدن مطلب ناچارم یک مسأله را دقیقاً شرح دهم... محققى و مهدیون نگران این موضوع بودند که چنانچه روابط خصمانه ایران و عراق به حالت عادى تبدیل شود، مهمات سنگین هواپیماها از روی آنها پیاده شد، و به انبارها منتقل گردد؛ در نتیجه در روز کودتا، هواپیماهای مسلح در اختیار نباشد، در نتیجه به حکومت جمهوری اسلامی فرصت مجهز شدن و مقابله داده شود. به همین جهت به بنی عامری پیشنهاد کردند که از طریق پاریس این مشکل حل شود تا حالت خصمانه هم چنان داغ ننگه داشته شود. حملات گاه به گاه هوایی یا توپخانه ارتش عراق در بهار سال ۱۳۵۹ (قبل از کودتا)، ناشی از درخواست بنی عامری و هماهنگی نمایندگان "سیا" و "موساد" و عراق بود تا ارتش و نیروی هوایی (ایران) مجبور باشند هواپیماها را در زیر مهمات سنگین ننگه دارند. ۱۵

خوشبختانه علی رغم همه این مقدمه چینی ها ضد انقلاب و سازمانهای جاسوسی بیگانه و دولت های مرتجع منطقه، توطئه کودتا با الطاف خدای متعال کشف و بسیاری از دست اندرکاران آن در روز هجدهم تیرماه ۱۳۵۹، چند ساعت پیش از اجرای کودتا شناسایی و دستگیر شدند. و به این ترتیب یکی از گسترده ترین و خطرناک ترین طرح های آمریکا برای براندازی نظام جمهوری اسلامی ایران نقش بر آب گردید.

پی نوشت ها:

۱- کودتای نوژه. پیشین، ۱۱۵

برای توضیحات بیشتر در مورد رابطه تشکیلات بختیار با سازمان های جاسوسی آمریکا به بخش "ضمیمه" همین قسمت مراجعه شود.

۲- همان، ص ۱۱۵

۳- همان، ص ۱۲۱

۴- همان، ص ۲۳۴

۵- سید علی موسوی. "کودتا و ضد کودتا"، (تهران: دفتر نشر فرهنگی اسلامی، ۱۳۶۳) ص ۱۸۹

۶- کودتای نوژه، پیشین، ص ۱۵۳

۷- همان، ص ۱۵۴

۸- همان، ص ۲۰۶

۹- همان، دست نوشته های رضا مرزبان، ص ۱۱۱ و ۱۱۲

۱۰- همان، ص ۱۱۳

۱۱- همان، ص ۱۲۶ و ۱۲۷

۱۲- غائله چهاردهم اسفندماه ۱۳۵۹؛ ظهور و سقوط ضد انقلاب، پیشین، ص ۱۸۸

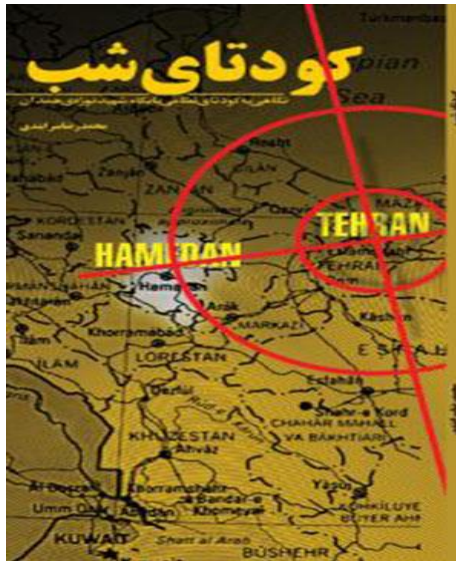
۱۳- Bob Woodward. OP .Cit, P130

۱۴- غائله چهاردهم اسفندماه ۱۳۵۹، پیشین، ص ۱۸۹

۱۵- کوتای نوژه، پیشین، ص ۲۰۶

سایت تسخیر

تاملی در یک کودتای نافرجام



روزهای نخستین پیروزی انقلاب اسلامی و با شکل‌گیری جمهوری اسلامی، ابرقدرتها و به ویژه امریکا در پی نفوذ و تضعیف این نظام نوپا برای تأمین منافع خویش برآمدند. سرویس‌های جاسوسی بیگانه با ابزارهایی نظیر تأسیس حزب و گروه، یا حمایت از احزاب و سازمانهای موجود و یا با نفوذ در دولت موقت و جاسوسی از طریق سفارتخانه‌ها، دامن زدن به تنش‌های مذهبی و قومی، تجزیه طلبی و براندازی مسلحانه، ترور رهبران، شورش و آشوب، تلاش گسترده‌ای نمودند. کودتا یکی از راههای پیش رو برای براندازی بود. معمولاً سال‌های آغازین شکل‌گیری کامل نهادهای جدید، بهترین هنگام برای اقدام به کودتا محسوب می‌شود.

کودتای نقاب که به معنای «نجات قیام انقلاب بزرگ» است با هدف روی کار آمدن دوباره بختیار طراحی شد و سران کودتا با ارتش بعثی عراق هماهنگ کردند که در ۱۹ تیر ۱۳۵۹ در ساعت مقرر، وارد حریم هوایی منطقه شوند و در پی عملیات هوایی عراق، آژیر قرمز پایگاه که رمز شروع کودتا بود به صدا درآید و پرسنل هواپیماها را مسلح و آماده پرواز کنند. به طور هم‌زمان خلبانان وابسته به کودتا در ظاهر برای حرکت به سمت مرزها و پاسخ به ارتش عراق و در واقع برای حرکت به سوی تهران و بمباران اهداف از پیش تعیین شده پرواز کنند. با رسیدن هواپیماها به تهران قرار بود بیت حضرت امام (رحمة الله علیه)، فرودگاه مهرآباد، دفتر نخست وزیری، ستاد مرکزی سپاه پاسداران، ستاد مرکزی کمیته‌های انقلاب، پادگان ولی

عصر(عج)، پادگان امام حسین(ع) و چند نقطه مهم دیگر بمباران شود. پس از بمباران‌های هوایی، هواپیماها باشکستن دیوار صوتی به نیروی زمینی علامت می‌دادند که مرحله دوم کودتا را آغاز کند.

در این مرحله باید صدا و سیما، فرودگاه مهرآباد، ستاد ارتش جمهوری اسلامی، پادگان حر، پادگان قصر و پادگان جمشیدیه تسخیر می‌شد و در سطح شهر تهران با اعمال خشونت و ارباب حالت نظامی ایجاد شود. طبق برنامه اگر نیروی زمینی موفق نمی‌شد صدا و سیما را تسخیر کند، هواپیماها آنجا را بمباران می‌کردند. سران کودتا برای شروع کار در صدد به اختیار گرفتن یک پایگاه نظامی بر آمدند که دارای هواپیما، به تهران نزدیک، در خارج از شهر، عناصر آن قابل جذب و رهبران عملیات هوایی با پرسنل و اماکن آن آشنایی داشته باشند و به این ترتیب پایگاه هوایی شهید نوژه همدان برای شروع کودتا انتخاب شد. پایگاه هوایی شهید نوژه(۱) در ۵۰ کیلومتری شهر همدان و در کنار شهر کبودرآهنگ، دور از دسترس مردم قرار داشت و تیمسار محقق، تیمسار سعید مهدیون، سروان حمید نعمتی، سروان ایرج ایران نژاد و چند تن دیگر از سران کودتا در آنجا خدمت کرده بودند و اماکن و پرسنل پایگاه را می‌شناختند. این پایگاه قبل از انقلاب به نام «پایگاه شاهرخی» خوانده می‌شد و بعد از انقلاب مدت کوتاهی به «پایگاه حر» نام گرفت، به دنبال شهادت سرهنگ دوم خلبان محمد نوژه از خلبانان فداکار این پایگاه، که در پاسخگویی به فرمان حضرت امام خمینی (ره) برای کمک رسانی به شهید چمران و جلوگیری از سقوط پلوه در تاریخ ۲۵ مرداد ۵۸ به شهادت رسید، نام این پایگاه به پایگاه هوایی «شهید نوژه» تغییر کرد. برای تصرف پایگاه نوژه به عنوان کلید عملیات کودتا قرار بود ۱۲ تیم مرکب از یکصد تن از کلاه سبزی‌های تیپ نوهده، ۳۰۰ تا ۴۰۰ نفر از فریب خوردگان ایل بختیاری و ۱۲ نفر راهنما از داخل پایگاه به فرماندهی سرگرد کوروش آذرتاش (فرمانده تیپ ۲۳ نوهده پیش از انقلاب) جهت تصرف پایگاه نوژه وارد عمل شوند. طبق نقشه پس از تصرف پایگاه، تیمسار محقق برای رهبری عملیات هوایی در اتاق فرماندهی مستقر می‌شد و همزمان سروان حمید نعمتی، سروان محمد ملک، سروان کیومرث آبتین و سروان فرخزاد جهانگیری که هر کدام فرمانده یک تیم بودند نخستین اسکادران هوایی را به پرواز در می‌آوردند. این اسکادران شامل ۱۶ هواپیما از ۵۳ فروند هواپیمای مجهز به سلاح سنگین بود که برای عملیات در نظر گرفته شده بود. همه چیز برای یک کودتا یا جنایت دیگری به اسم دموکراسی و حقوق بشر آماده بود که ناگهان همه چیز

در هم پیچید و آمریکا که از شکست و رسوایی صحرای طبس در تب و تاب بود و آن را تلخ‌ترین شکست تاریخی خود خواند، در بهت و حیرت دیگری فرو رفت و برگ دیگری در کارنامه زبونی‌اش در برابر انقلاب اسلامی به ثبت رسید.

اسنادی که بعد از تسخیر لانه جاسوسی به دست آمد پرده از همکاری بسیاری از شکل‌های داخلی با شرق و غرب و اسرائیل برداشت. آمریکا به کمک عراق و برخی کشورهای منطقه طرح یک کودتا را تهیه کرده بود و مدیریت آن را به بختیار می‌دهد. بختیار از سال ۱۳۳۰ با آمریکا مرتبط بود یعنی یک سال و نیم پیش از کودتای آمریکایی‌ها در ایران در سال ۱۳۳۲ با آنها در ارتباط بود.

عواملی در داخل و خارج با بختیار همکاری می‌کنند. از هاری، قره‌باغی، اویسی و آریانا که هر یک تشکیلاتی در ترکیه و اطراف آن داشته‌اند و در ایران هم با ارتشی‌ها مرتبط بودند، به گونه‌ای شرایط را مطرح می‌کنند که در ایران همه ارتش و نیروی هوایی با ما هستند و مسئولین از طرح ما مطلع هستند و همه با ما همکاری می‌کنند.

در کودتای نوژه، مصر، اردن و عراق و برخی شیوخ منطقه با آمریکا همکاری کردند؛ همچنین برخی روزنامه‌نگاران مانند احمد احرار و صدرالدین الهی در خارج از کشور و برخی روزنامه‌نگاران در داخل با عوامل کودتا همکاری می‌کردند.

عراق و آمریکا علاقه‌مند بودند با اجرای کودتا ارتش تضعیف شود تا جنگ را آغاز کنند و لذا با شکست کودتا کلید جنگ تحمیلی زده شد. این نشان می‌دهد که این کودتا چقدر اساسی بوده است که اگر با موفقیت روبرو می‌شد اصلاً جنگ تحمیلی آغاز نمی‌شد چون براندازی نظام انجام شده بود.

آژانس جاسوسی آمریکا (سیا) به کودتای نوژه امید زیادی بسته بود و آن را ضربه نهایی و قطعی بر پیکر نظام نوپای جمهوری اسلامی می‌پنداشت و اهمیت آن را بیش از تجاوز نظام صدام ارزیابی می‌کرد. به گفته سران کودتا مدتی بر سر تقدم کودتا یا آغاز جنگ تحمیلی بحث شد و سرانجام بعد از سفر بنی‌عامری به پاریس در اسفند ماه، طرح کودتا بر شروع جنگ ارجحیت یافت. این کودتا چنان دقیق طرح‌ریزی شده که سیا موفقیت آن را قطعی می‌دانست و حتی اعلامیه‌های پیروزی آن آماده و در منازل برخی از کودتاچیان

آماده بود. (۲) طرح این کودتا از جمله تلاش هایی بود که سازمان سیا، رژیم بعث عراق، کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس و تعدادی از مخالفین نظام جمهوری اسلامی بطور مشترک آن را طراحی کردند که پیش از دستیابی به هر گونه هدفی، کشف و با شکست روبرو شد. (۳)

امکانات پشتیبانی و تدارکاتی آمریکا در آن زمان در حدی نبود که اجازه ی درگیر شدن ارتش آن کشور را در منطقه ای که هزاران کیلومتر با خاک آمریکا فاصله دارد بدهد و از سوی دیگر تجربه شکست ویتنام و پیامدهای بحران زای داخلی و منطقه ای آن به آمریکا آموخته بود که مداخله مستقیم نظامی گسترده او به فاجعه خواهد انجامید. از سوی دیگر، تجربه شکست شوروی در باتلاق جنگ افغانستان نیز در برابر چشم آمریکا بود. واشنگتن مدتی در این اندیشه بود که آیا اول کودتا را انجام دهد و یا حمله نظامی را از طریق عراق عملی کند. سرانجام به گفته یکی از سران کودتای نوژه، پس از سفر بنی عامری (که از طراحان کودتا بود) به پاریس در اسفندماه ۱۳۵۸، طرح حمله عراق در تقدم دوم قرار گرفت و تقدم اول به کودتا داده شد. (۴) بدیهی است که سازماندهی کودتا، با وسعتی که مورد نظر طراحان آن بود، بدون در اختیار داشتن منابع هنگفت مالی در حدی که نیازهای متنوع کودتا را تأمین کند میسر نبود. یکی از عناصر اصلی کودتا به نام ناصر رکنی در اعترافش اظهار داشته بود که پول در وهله اول از جانب کشورهای آمریکا، انگلیس و عراق در اختیار ستاد کودتا مستقر در پاریس نهاده می شد و از آن طریق به داخل کشور سرازیر می گشت. (۵)

خوشبختانه علی رغم همه این مقدمه چینی ها ضد انقلاب و سازمانهای جاسوسی بیگانه و دولت های مرتجع منطقه، توطئه کودتا کشف و بسیاری از دست اندرکاران آن در روز هجدهم تیرماه ۱۳۵۹، چند ساعت پیش از اجرای کودتا شناسایی و دستگیر شدند. و به این ترتیب یکی از گسترده ترین و خطرناک ترین طرح های آمریکا برای براندازی نظام جمهوری اسلامی ایران نقش بر آب گردید.

پی نوشتها:

۱ - آغاز کودتا از پایگاه هوایی شهید نوژه همدان برنامه‌ریزی شده بود به همین دلیل پس از کشف و سرکوب به «کودتای نوژه» شهرت یافت.

۲. کودتای نوژه ، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی ، تهران ۱۳۶۷ ، صص ۳۶ و ۳۷

۳. همان ، ص ۳۷

۴. ماهنامه زمانه ، تیر ۱۳۸۴ ، شماره ۳۴ ، صص ۳۶-۳۵

۵- کودتای نوژه. پیشین، ص ۱۱۵.

مرکز اسناد انقلاب اسلامی

خاطرات یک سردار



گفتم هر کس به هواپیماها نزدیک شد بزاید ...

سردار حاج سعید (حمید) طایفه نوروز، اکنون از پیشکسوتان جنگ و دفاع مقدس است. او پس از پیروزی انقلاب وارد سپاه پاسداران و پس از مدتی، به فرماندهی سپاه همدان برگزیده شد. در دوران فرماندهی او، کودتای نوژه رخ می دهد و او با همکاری دلاورمردان سپاه همدان و با توکل به خدا، توانستند درس جاودانه‌ای به ایادی استکبار بدهند. در ماه‌های آغازین جنگ، طایفه نوروز به اسارت دشمن درآمد و فصل جدیدی از مقاومت و مردانگی را همراه با هم‌زمان خود آغاز کرد و پس از آزادی در سمت‌های گوناگونی که آخرین آن ریاست ستاد آزادگان کل کشور بود، به خدمت مشغول شد و هم اکنون به افتخار بازنشستگی نایل آمده است؛ طایفه نوروز، فرمانده میدانی عملیات خنثی سازی کودتای نوژه بود. در این مصاحبه، بخشی از رخدادهای آن روز را از زبان ایشان می‌خوانیم.

• به عنوان نخستین پرسش به اختصار ماهیت و کشف کودتای نوژه را توضیح دهید؟

- اگر کودتای نوژه را به دو بخش عمده تقسیم کنیم، این کودتای نظامی، که از نظر آنها نقاب نام گرفته بود و قرار بود عملیاتش در پایگاه شهید نوژه همدان صورت بگیرد، یک قسمت کشف و بخش دوم خنثی شدن عملیات بود. در کشف هیچ یک از واحدهای اطلاعاتی ایران، دخل و تصرفی نداشتند، مگر آن کسانی که برگزیده شده بودند که در این عملیات و در این کودتا شرکت کنند. به شکل خیلی خاصی می‌شود گفت که جمهوری اسلامی در برابر کودتای نوژه کاملاً غافل بود. شب پیش از کودتا، خلبانی می‌رود خدمت حضرت آیت‌الله

خامنه‌ای و به ایشان از این کودتا خبر می‌دهد. هنگامی که از این خبر آگاه می‌شوند، بسیار منقلب می‌شوند و در خاطراتی که خود آقا اشاره می‌کنند، می‌روند خدمت حضرت امام و البته نکته جالب اینجاست که با شور و هیجان و منقلب بودن می‌روند خدمت ایشان و اصرار می‌کنند که امام خانه را ترک کنند؛ این جمله‌هایی است که خود آقا در یک مصاحبه‌ای می‌فرمایند: «ما دیگه دل دل می‌زدیم. عصری آمدیم شورای انقلاب، آقای هاشمی هم در جریان بود. می‌دیدیم دل آنجا آرام نمی‌گیره، از امام دلم می‌خواست که کمک بگیرم. به آقا هاشمی گفتم، بریم خدمت امام و بگیریم که امشب چه قضیه‌ای قرار است انجام بگیره. من و آقای هاشمی با هم سوار ماشین شدیم، رفتیم جماران خدمت امام. گفتیم چنین قضیه‌ای در شرف انجام است و شما امشب در جماران ننماید. امام با دقت گوش دادند، ولی با کمال خونسردی گفتند: نه. ما بنا کردیم به اصرار کردن، بلکه التماس کردن، خواهش می‌کنیم از اینجا بیرون بروید؛ خطرناک است و چنین خواهد شد. ایشان مصر و قرص گفتند: نه. وقتی دیدند که ما خیلی اصرار می‌کنیم، گفتند: شما از من نگران نباشید. من امشب برایم چیزی پیش نخواهد آمد، این در حالی بود که سه تیم سه اسکادران هوایی یا سه تا هواپیما می‌خواستند بروند، فقط جماران را بکوبند. خوب این که حضرت امام از کجا این را می‌دانسته که این قدر محکم مخالفت می‌کند حال آن که این عزیزان این همه به او اصرار می‌کنند که در جماران نباشند، بنده اعتقاد دارم امداد امداد و الهام و توکل الهی بود.

• مسئولیت شما در آن زمان چه بود؟

- فرمانده سپاه همدان بودم و همچنین فرماندهی عملیات سپاه همدان را همزمان بر عهده داشتم، چون مسئول عملیات ما در کردستان شهید شده بود.

• شما به عنوان فرمانده سپاه همدان، چگونه از تصمیم بر وقوع کودتا آگاه شدید؟

- صبح روز پیش از کودتا ساعت ۱۰ صبح بود که گفتند: برادر نوروژی، دو نفر آمدند که با تو کار دارند. گفتم: بیایند داخل. وقتی آمدند، گفتند ما می‌خواهیم شما را خصوصی ملاقات کنیم. ما اتاق را خلوت کردیم و آنها فکر میکنم عزیزی بود به نام برادر رضوان که از اطلاعات سپاه و از تهران آمده بود و یک درجه‌دار دیگر که گمان کنم یا کلاه سبز بود یا از تیپ «نوهده». گفتند که قرار است امشب پایگاه شهید نوژه به دست کودتاچیان اشغال شود و فردا عملیاتی ضد نظام و پایگاه‌های خاصی انجام بگیرد و سیصد «سورتی» پرواز صورت بگیرد و

جماران را سه مرتبه بکوبند و جاهای دیگری که نام آورد که مراکز قدرت و مراکز تصمیم گیری در مملکت بودند، مجلس بود، کمیته بود، سپاه بود و اینها را می خواستند بکوبند. هنگامی که این خبر را دادند، حقیقتاً شوکه شدم. گفتم: چه زمانی؟ گفتند: همین امشب. یک بار دیگر پرسیدم، امشب یا فردا صبح؟ گفتند: بله. همین امشب عملیات صورت می گیرد و فردا پس از تسخیر پادگان شهید نوژه، عملیات اصلی را آغاز می کنند. من گفتم: یعنی الان ما می توانیم کاری بکنیم که این خبر را به من می دهید؟ گفتند: شرایط چنین است. ما هم همین دیروز با خبر شدیم و خودمان را رساندیم به شما.

• آن موقع فرمانده کل سپاه و مسئول اطلاعات سپاه چه کسانی بودند؟

- فرمانده سپاه احتمالاً برادر منصوری و مسئول اطلاعات هم برادر محسن بودند. خلاصه دیدیم که چاره‌ای نیست و باید کاری کنیم. همه بچه‌ها را آماده باش صد در صدی دادیم و گفتیم تمام بچه‌ها را دعوت کنند به سپاه و بلافاصله ذخیره‌هایی را که داشتیم هم فراخوان کردیم. تعدادی از بچه‌ها را با تلفن با ماشین مأمور کردیم که بروند تا آنجا که می توانند نیرو جمع کنند و ما هم تلاش کردیم تا عصر، قرار عملیاتی بگذاریم برای خنثی کردن این کودتا؛ به گمانم آن روز ما توانستیم پنجاه تا شصت نفر از بچه‌ها را ما جمع کنیم.

• از شهرستان‌ها یا از همدان؟

- تنها از همدان، چون فرصتی نبود و بعد هم بر پایه اطلاعاتی که عزیزی که از تهران آمدند و به ما دادند، طرح عملیاتی ریختیم. گفتند کسانی که قرار است کودتا را انجام دهند، در یک نقطه‌ای نزدیک پایگاه شهید نوژه که کارخانه شن و ماسه بود، آنجا تجمع می کنند و بر پایه طرح عملیاتی که خودشان داشتند، وارد پایگاه نوژه می شوند و پایگاه را تسخیر می کنند. اینها ورزیده‌ترین افراد ارتش آن زمان بودند؛ یعنی تیپ «نوهده»، کلاه سبزه‌ها و آنهایی که دوره بسیار بالای تخصصی دیده بودند. ما عمده نیروهایمان را فرستادیم و بر پایه طرح خودمان به محلی که در آنجا افراد با ماشین‌های مختلف برای آغاز عملیات جمع می شوند و به این ترتیب، ما آن محل را تقریباً با بیست تا سی نفر محاصره کردیم.

• یعنی آنها متوجه تحرکات شما نبودند؟

- نه، پیش از اینکه تاریکی شب برسد، رفتیم و مسیر عملیاتی آن نقطه را مشخص و افراد را چینش کردیم و به همه روستاهای محل هم خبر دادیم که اتفاقی دارد در پایگاه نوژه می‌افتد، هشیار باشید و هر خبری شد، به گشت‌های ما که اینجا هستند اطلاع بدهید. سر سه راه پادگان نوژه هم یک ایست بازرسی گذاشتیم. تعداد ۱۰ گشت از سه راه ساوه تا پایگاه نوژه همدان گشت می‌زدند. به واحدهای ژاندارمری که پلیس راه بودند هم اطلاع دادیم که یک محموله قاچاق دارد می‌آید؛ اما روشن نگفتیم چون اطمینانی نبود. به یاد دارم آخرین واحدهایی که از سپاه همدان خارج شدند، ما در سپاه را قفل کردیم و رفتیم. فقط یک نفر ماند که پای تلفن‌ها باشد و بی سیم‌های درب و داغانی که داشتیم را جواب بدهد. بعد دیگر ما شروع کردیم به گشت زنی. خود من هم یک واحد گشتی اختیار کردم و به این سه چهار محل‌ها سرکشی می‌کردم. در راه به هم علامت می‌دادیم و می‌ایستادیم و رهنمودها و اطلاعاتی که داشتیم، با هم مبادله می‌کردیم. یکی از واحدهای گشت ما متوجه یک ون شد. بر پایه اطلاعات برادرانی که از تهران آمده بودند و به ما دادند، کودتاچیان، کفش‌های ورزشی نو به پا داشتند و دارای تعدادی ون‌های نو صفر کیلومتر که به وسیله یک کامیون حمل می‌شدند. یکی از گشت‌های ما که سرگروه آن شهید مجیدی بود، متوجه می‌شود و اینها را نگه می‌دارد و دستگیر می‌کند. کسی که فرماندهی این عملیات را بر عهده داشت، داخل همان ماشین بود؛ استواری به نام محمدی یا احمدی، دقیق یادم نیست. ماجرا به این شکل بوده که وقتی از ماشین پیاده‌شان می‌کنند، این شخص موفق می‌شود تیم ما را خلع سلاح کند. یکی از بچه‌ها اسلحه‌اش را برمی‌دارد و به طرف این شخص تیراندازی می‌کند که با مهارت بسیار بالایی از معرکه درمی‌رود. در حین این درگیری که آنجا رخ می‌دهد، یک نفر از بچه‌ها به نام مجیدی که نفوذی در بین آنها بود آنجا شهید می‌شود و چند نفر از کودتاچیان کشته می‌شوند. این شهید درجه‌دار تیپ هوابرد بود که در حین شهادت به من گفت: «من در میان اینها نفوذی هستم، بروید دنبالشان».

• یعنی شما قبلاً او را نمی‌شناختید؟

- نه. نمی‌شناختم. فقط لحظه‌های آخر عمرش بالای سرش نشستم. درگیری که تمام شد، گشت من به آنجا رسید. دیدم یکی سر جاده ایستاده؛ بنابراین، ما با احتیاط نزدیک شدیم و تقریباً می‌شود گفت که در بغل من جان داد. آن قاتل فرار می‌کند و بچه‌های گشت ما هم

دنبال او می‌روند. جنازه‌های کودتاچیان آنجا افتاده بود و به علاوه شهید ما. نکته جالب اینجاست که این شخص و این فرمانده عملیات که چتر باز بوده و چترش را رها می‌کرد، می‌پرید و به شاه احترام می‌گذاشت و ورزیده‌ترین نفر اینها بود و وقتی فرار کرد تا صبح می‌دوید، در صورتی که با محل تجمع خودشان، فقط ۵۰۰ متر فاصله داشت. تا صبح می‌دود و اینها را پیدا نمی‌کند و خسته و درمانده می‌آید کنار زمین یونجه زاری و می‌خوابد که یک پیرمردی با دامادش داشتند زمینشان را آبیاری می‌کردند. توی تاریک و روشنای صبح می‌بینندش. به واسطه خبری که ما داده بودیم، پیرمرد به دامادش می‌گوید، او آنجا خوابیده و اسلحه اش هم کنارش است. هر دو بیل داشتند؛ یکی بیلش را می‌گذارد زمین. پیرمرد می‌گوید تو اسلحه اش را از دستش بگیر، من هم اگر بلند شد با بیل می‌زنمش. جالبه بزرگترین نظامی این مجموعه را که قرار بوده عملیات را رهبری کند با بیل پیرمرد اصلاً فلج می‌شود. بعد وقتی که آوردندش پیش ما، گریه می‌کرد مثل ابر بهار، می‌گفت: ببینید من را کی اسیر کرده. یکی از اینها که ما دستگیرشان کردیم، وقتی آوردندش در سپاه، این درجه‌دار عزیزی که از تهران اومده بود، می‌گفت خیلی مواظب این باشید، چرا که اگر دستش را باز کنیم، همین ساختمان را خراب می‌کند. من نگاه به چهره اش کردم، حقیقتاً انگار سالهاست که مرده بود. صدایش کردم، گفتم: چه می‌خواهی؟ گفت: دستهایم را باز کن. گفتم: دستهایم را باز کنید. گفتم: چه می‌خواهی؟ گفت: غذا و آب. بهش دادیم و بعد خیلی با آرامش و طمأنینه خاصی که همه ما تحت تأثیر قرار گرفتیم، گفت: من دیدم انقلاب را شما نگه نمی‌دارید که پاسدار انقلابید. ماها دیدیم انقلاب را کس دیگری نگه می‌دارد. کس دیگه حامی این انقلاب است. بعد گفت: همه ما را اعدام کنید، اول از همه من را اعدام کنید. ما همه از خائنین به ارزش‌های این مملکتیم. نه تنها به این رژیم خیانت می‌کنیم، ما بلکه به تک تک این مردم داریم خیانت می‌کنیم، چون این انقلاب و مردم را خداوند دارد حمایت می‌کند.

• شعاع دستگیری کودتاچیان در همین مسیر نوژه تا همدان بود یا درون شهر و پایگاه هم رفتید؟

- بله، ما تعدادی که توی جاده دستگیر کردیم و اطلاعاتی که از اینها گرفتیم در همان جا، همین طور اطلاعاتی به ما می‌دادند. ما نه دستگاه شکنجه داشتیم، نه بزنی، نه بکشی. گفتند اینها

بناست از پادگان نوژه پرواز کنند؛ خلبان فلان، خلبان فلان، خلبان فلانی. ما رفتیم داخل پایگاه و شروع کردیم دستگیری و تقریباً پنجاه تا شصت نفر را دستگیر کردیم. هم همدان و تو نوژه، به ویژه در پایگاه. دیگر دیدیم که دستگیری‌های ما دارد تعدادش می‌رود بالا و با اطلاعاتی که اینها می‌دادند، من به تهران زنگ زدم و به برادر محسن گفتم: برادر محسن، اوضاع این گونه است. اگر ما بخواهیم ادامه بدهیم، این همکاری با این کودتاچیان خیلی گسترده است و حتی همان جا متوجه شدیم لشکر ۹۲ اهواز قرار است، صبح همان روزی که عملیات هوایی شان را انجام می‌دهند، عمل کنند که فرمانده و جانشین این لشکر به نام‌های بهرامی و علی مرادی از عوامل این کودتا بودند. جالب است وقتی که ما اسیر شدیم، یک روز دیدیم که چند تا ماشین بنز آمد و افسران ارشد ایرانی پیاده شدند و رفتند به قرارگاه فرمانده اردوگاه رومادی.

• یعنی همان افسران فراری دوره طاغوت و کودتا؟

- بله، سوت داخل باش زدند. ما رفتیم داخل و سپس شروع کردند به خواندن نام افرادی از لشکر ۹۲ اهواز که جزو اسرا بودن و یکی یکی می‌بردند به درون مقر فرماندهی اردوگاه. از آسایشگاه ما هم یک نفر را صدا کردند که خودش را قبلاً راننده آمبولانس معرفی کرده بود. او رفته بود آنجا، همکارانش می‌دانستند این فرمانده تانک بوده، اما خودش را راننده آمبولانس معرفی کرده بود. بعد آمد داخل آسایشگاه و گفت رفتم آنجا؛ بهرامی بود و علی مرادی، فرمانده و جانشین لشکر ۹۲ که گفت مادر فلان فلان شده تو راننده آمبولانسی؟ تو که فرمانده تانکی. گفت: من اصلاً تو را نمی‌شناسم. من راننده آمبولانسم نه فرمانده تانک. یک درجه‌دار نمی‌دانم اهل کجا، آن افسران آمده بودند برای تشکیل ارتش رهایی بخش ایران (آرا) یارگیری می‌کردند که نظامیانی که از مملکت فرار کرده‌اند به علاوه آن تعدادی که در اردوگاه اسیر شده بودند، جذب می‌کردند که به کمک ارتش عراق به خاک ایران حمله کنند. این طرح، همان سال اول جنگ توسط ارتش رهایی بخش، به فرماندهی آریانا یا اویسی ریخته شد. یکی از این دو تا بود فرمانده اش بودند؛ الان در ذهنم نیست. وقتی که اینها آمدند، بر خودم واجب دانستم این خبر را به ایران بدهم. من نه کشف رمز داشتم نه دسترسی به جایی. نامه‌ای نوشتم برای همسرم و در نامه گفتم که به محمد نوری بگویند آن ماشینی که آن شب من زدم شیشه اش را شکستم، حالا آمدند تاوان می‌خواهند، حالا داستان

چه بود؟ شب کودتا در تعقیب و گریزهایی که من انجام می‌دادم، یک ماشین فرار کرد. من با سه نفر دیگر دنبالش کردیم. من نشستم سوار ماشین پشت فرمان و با سرعت دنبال این ماشین رفتیم. حالا ماشین آن نو صفر کیلومتر، ماشین ما هم از این ماشین‌های لکتی که از اداره‌ها گرفته بودیم. خلاصه ما با ترفندی سر یک پیچی با نور اضافه کردن و اینها، ماشین ترسید که ما رسیدیم از ماشین پیاده شد. ما هم پیاده شدیم من نشانه گرفتیم با کلت ۴۵ میلیمتری، راننده را که حالا الله بختکی درست نشونه زدیم شیشه عقبش شکست رفت خورد به کتف راننده. آنها فرصت داشتند و فرار کردند تا صبح در بیابان دویده بودند و خسته و کوفته صبح آمده بودند، سر جاده و ما خودمان سوارشان کردیم. این اشاره به این داستان بود که گفتم به محمد نوری بگویند که: «محمد نوری چه کسی بود؟» محمد نوری آن موقع مدیر داخلی یا مسئول اطلاعات سپاه همدان بود و الان از خدمتگزاران صادق و توانمند در سطوح بالای نیروی انتظامی است. گفتم: بگو این طوری شده و آنها آمدند اینجا غرامت می‌خواهند. بعد شروع کردم در نامه به نوشتن کلمات مبهم و نامفهومی. وقتی این نامه می‌آید می‌فهمند که این نامه چیزهایی توش هست، دقیق روشن نیست و کلمات غلطی در این نامه نوشته شده. این نامه را می‌برند می‌دهند به محمد نوری چون اون موقع مسئول اطلاعات سپاه همدان بود. ایشان می‌آورد کرمانشاه پیش همین سردار لطفیان که مسئول اطلاعات غرب بود و این نامه می‌رود به شورای امنیت کشور و من با خواندن ده بیست تا آیه‌الکرسی نوشتم که سرهنگ، علی مرادی، بهرامی، ارتش رهایی بخش و... و... همچنین خیالی دارند... با غلط نوشتن بعضی از کلمات تا برسایم که داستان اینجوریه و خیلی جالب اینها آنچنان رمزی نبود. با نگاه کردن سطحی فهمیدند که روی این حروف نظر هست؛ در برگشت از اسارت، حروف را که کنار هم گذاشتند، داستان را برایشان گفتم و فهمیدند. وقتی که ما در بازرسی ستاد کل بودیم، امیر لطفیان شد فرمانده ما در معاونت بازرسی. من را که دید، به آغوش گرفت. گفت: دلیم می‌خواست تو را ببینم. گفتم: چطور؟ گفت: این نامه تو که از اسارت آمد به شورای امنیت کشور ما بردیمش گفتیم به این می‌گن پاسدار که از توی اسارت هم دارد کار می‌کند و این خبری که تو به ما دادی، به راحتی ما توانستیم آن حرکت را خنثی کنیم و در نطفه خفه اش کنیم؛ این بود داستانی که آنجا اتفاق افتاده بود.

• در حین گشت زنی و انجام عملیات، ارتباط شما با مرکز چگونه بود؛ یعنی دستور و گزارش‌ها چگونه رد و بدل می‌شد؟

- ما چون امکانات کافی نداشتیم با سرعت‌های سرسام آوری که توی جاده می‌رفتیم، خودمان مثل پیک عمل می‌کردیم. به این گشت می‌گفتیم تو برو آنجا به آن گشت می‌گفتیم برو به محل تجمع، ما هیچ امیدی نداشتیم که بتوانیم موفق بشویم. من تعداد خاصی از بچه‌ها را خودم می‌شناختمشان که از لحاظ اخلاقی و توانمندی دو تا تیم فرستادم داخل پایگاه نوژه و گفتیم اگر ما موفق شدیم که فبها، اگر هم موفق نشدیم، یقیناً بدانید که تمام ما بیرون کشته شدیم و هر کسی خواست برود طرف این شیلترهای هواپیما مرد، زن، بزرگ، پیر، جوان، هر کس نزدیک هواپیما شد، شما بزنید و حتی هواپیماها را هم منهدم کنید. همچنین دستوری دادیم که این بچه‌ها کوله پشتیهایشان را پر کردند از فشنگ و رفتند داخل پایگاه و بحمدالله کار به آنجا نکشید و از هم پاشیدند و در این از هم پاشیدگی شان، ما حداکثر استفاده را کردیم؛ یعنی اینها حتی نتوانستند دو حرکت از آن طرح عملیات که با آن وسعت با آن دقت و محقق و مرزبان و آدم‌های خیلی گنده دنبال این قضیه بودند، نتوانستند حتی دو حرکتشان را با همدیگر انجام بدهند. این دستگیری‌ها را ما انجام دادیم.

• آقای طایف نوروز، این گزارش‌های لحظه به لحظه را شما به چه کسی می‌دادید؟ آیا از تهران هم گزارش می‌خواستند؟

- [با خنده] باز هم اگر از این تلفن‌های همراه بود خوب بود، دو تا بی‌سیم درب و داغون داشتیم که گذاشته بودن آن کنار که با هم تماس داشته باشند. نهایتاً نماز صبح را در جاده‌ها خواندیم. ما از آنجا شروع کردیم زنگ زدیم به برادر محسن که برادر محسن به حول قوت پروردگار و باز هم می‌گویم به حول قوت پروردگار و به حول قوت پروردگار نه هیچ کدام از ماها، عملیات کوتاچیان خنثی شد.

• در این فاصله‌ای که از صبح به شما خبر دادند تا فردا صبح که نماز خواندید به آقا محسن خبر دادید؟ هیچ تماسی از تهران با شما یا خود شما با تهران نداشتید؟

- چرا، بعد که برگشتیم سپاه، دیگر با این تلفن‌های کابل، تلفنهای معمولی با تهران تماس گرفتیم. برادر رضوان تماس گرفت که از اطلاعات سپاه مرکز بود. از بچه‌هایی بود که قبلاً زندانی سیاسی بود که با برادر محسن کار می‌کرد، اطلاعات را با هم رد و بدل می‌کردند. بعد ما گزارش تهیه کردیم و آمدیم. یادم است فردای آن روز داشتیم می‌رفتیم تهران که گزارش

بدهم به مجموعه فرماندهی سپاه، رادیوی ماشین را باز کردم. آقای هاشمی داشت اولتیماتوم می داد به ساواکی ها که بس کنید، دیگه بسه.

• از پاسداران آن دوره سپاه همدان در جریان جنگ تحمیلی کسی شهید شد؟ خوب است در سالروز این حادثه از افتخارآفرینان آن روز یادی شود.

- بله، می شود گفت همه بچه های آن روز سپاه همدان که در جنگ شهید، اسیر یا جانباز شدند همان عزیزان خنثی کننده کودتای نوژه بودند. یک خاطره جالب یادم آمد، یکی از پاسداران تیم گشت که مسئول سرکوب محل کودتاچیان بود، عقرب زده بود. صدایش کردم. دیدم دستش ورم کرده سیاه شده. گفتم: بیا برویم بیمارستان. گفت: من نمی روم. اگر بناست کشته بشوم، بگذار همین جا کشته بشوم. هر چه اصرار کردیم، زیر بار نرفت. خلاصه در آن تاریکی شب که کمین کرده بودند، یکی از بچه ها آمد بالای دستش را بست و با یک چاقو دستش را فشار داد. یک مقدار خون خارج شد و حالش بهتر شد. در هر صورت، پس از پایان عملیات، من به تهران رفتم و گزارش مفصلی به برادر محسن و فرمانده کل وقت سپاه دادم.

منبع :

سایت تابناک ، ۱۷ تیر ۱۳۸۹

رابطه بنی صدر با واقعه طبس و کودتای نوژه



از نکات ابهام آمیز دوران ریاست جمهوری بنی صدر، ارتباط وی با دو واقعه مهم طبس و کودتای نوژه است. واقعه طبس در پنجم اردیبهشت ۱۳۵۹ پس از چند ماه که از تسخیر انقلابی سفارت امریکا در ایران می گذشت، روی داد. دانشجویان پیرو خط امام در ۱۳ آبان ماه ۱۳۵۸، سفارت امریکا را تسخیر کردند و ایالات متحده امریکا که از این اقدام سخت متحیر و سردرگم شده بود، حمله به ایران را در دستور کار خود قرار داد که به ظاهر برای نجات دیپلمات های به گروگان گرفته شده بود اما عملاً تجاوز به تمامیت ارضی ایران محسوب می شد.

طبق برنامه امریکایی ها، گروه ویژه ای برای حمله به ایران و آزادی گروگانها تشکیل شد که «دلنا فورس» (۱) (نیروی دلنا) نام داشت و نام عملیات «ایگل کلا» یعنی پنجه عقاب نامگذاری شده بود. این گروه ویژه طبق اظهارات چارلی بکویت ، فرمانده عملیات، ۱۳۲ نفر بودند. عملیات نظامی امریکایی ها در نیمه شب ۵/۲/۵۹ در صحرای طبس با شکست مواجه شد. ابتدا یکی از هلی کوپترها به دلیل اشکال فنی پس از چهل مایل پرواز در خاک ایران مجبور شد به ناو هواپیما بر برنیمیتز که در دریای عمان مستقر بود، برگردد. هلی کوپتر دوم نیز به دلیل اشکال فنی دیگری، در محلی نزدیک کرمان فرود آمد. شش هلی کوپتر در محل مقرر در صحرای طبس فرود آمدند. یکی دیگر از هلی کوپترها پس از سوخت گیری در حالی که از

زمین بلند می-شد با بدنه یکی از هواپیماهای سی - ۱۳۰ برخورد کرد و انفجار عظیمی رخ داد که به کشته شدن تعدادی از کماندوها منجر شد. با بروز این حادثه عملیات نجات متوقف شد و اعضای گروه نجات در حالی که اجساد سوخته شده ۹ تن از یاران شان را پشت سر گذاشته بودند با سرعت محل را ترک کردند. (۲) پس از فرار امریکایی ها از ایران کاخ سفید اعلامیه ای به این شرح پخش کرد: «امریکا در عملیاتی در صحرای طبس جهت آزادی جان گروگانهای اسیر در ایران با شکست روبه رو شد و اسناد سری و مهمی در درون هلی کوپترها به جای مانده است». (۳)

پس از مدت کوتاهی از پخش این اعلامیه از جانب کاخ سفید، بنی صدر که در آن زمان فرماندهی کل قوا را برعهده داشت، دستور داد تا هلی کوپترهای به جای مانده از عملیات امریکایی ها بمباران شود و این کار در سه نوبت ساعت ۳۰: ۶ عصر جمعه ۵۹/۲/۵، ساعت ۳۰: ۱۰ شب، و ساعت ۷ صبح شنبه ۵۹/۲/۶ انجام گرفت. در این اقدام، اسناد سری و مهم باقی مانده در آتش سوختند و محمد منتظر قائم، فرمانده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی یزد، که در منطقه از هلی کوپترها محافظت می کرد به شهادت رسید و سه پاسدار دیگر به نام های عباس سامعی از ناحیه سر و شانه، محمد علی درستکار از ناحیه بالای ران و محمد رضا لاوری از ناحیه پا زخمی شدند. بنی صدر علت این اقدام را در گفتگو با روزنامه ها چنین بیان می کند: «به چند دلیل این کار می بایست صورت می گرفت. اولاً رادارهای ما را مستشاران امریکایی که در زمان رژیم شاه در ایران بودند، کار گذاشته اند. بنابراین تکنیک آن کاملاً برای آنها روشن است، در نتیجه می دانند چگونه از مرزها بگذرند که رادارها نتوانند آنها را شناسایی کنند. ثانیاً هواپیماهای ما نیز از نوع امریکایی هستند و امریکا به هر حال به تکنیک و اسرار آنها آشنایی دارد و از آنجا که احتمال زیادی برای اقدام به عملیاتی برای از بین بردن هلی کوپترها از جانب امریکا با پوشش هوایی خود می رفت، دستور این عملیات داده شد. این عمل برای این بود که هلی کوپترها از کار بیفتند و نتوانند از کشور خارج شوند». (۴) در حالی که اگر چنین احتمالی وجود داشت باز کردن وسایل و قطعات حساس پروازی کافی بود که آنها را از کار بیندازد. علاوه بر این اضافه شدن پنج فروند از مدرن ترین هلی کوپترهای جهان به نیروی هوایی ایران می توانست غنیمت جنگی بسیار خوبی باشد که با این اقدام خائنانه بنی صدر تحقق نیافت. (۵)

شهید آیت الله صدوقی در این باره اظهار داشت: «شهادت محمد منتظر قائم یک امر ساده ای نبود، به دست دشمن [امریکا] هم شهید نشده چون ایمان دارم شخصاً به این که در این توطئه طبس، بعضی از خائنین کشور هم شرکت داشتند. مخصوصاً «باقری» [فرمانده نیروی هوایی جمهوری اسلامی در زمان تجاوز امریکا] بود که از دوستان شنیدم که این باقری مردی در راه انقلاب نیست، مخالف انقلاب است. دشمن جمهوری اسلامی است... در هر حال خیانت باقری و عده دیگری از هموطنان ما، که با انقلاب دشمن بودند، دخیل بود، در این توطئه امریکا... محمد منتظر در آن موقع در یکی از این هواپیماها یا هلی کوپترها رفته بود و کاوش کرد و مقداری از این چیزی که باید به دست بیاورد به دست آورد. آن موقع با راکت هواپیماها را نابود کردند. برای اینکه اسراری که در آن هواپیماها بود کشف نشود و معلوم نگردد که خیانتکار چه کسی است و چه کسانی بودند؟ محمد منتظر که بعضی از اسرار را به دست آورده بود، به وسیله راکت قطعه قطعه شد تا روشن نشود که چه اشخاصی در این غائله و در این توطئه شرکت داشتند؟» (۶)

یوسف مازندی که سالیان متمادی نمایندگی خبرگزاری امریکایی «یونایتد پرس» را در ایران برعهده داشته است در کتاب خود می نویسد: «چند ماه پس از افتضاح دشت کویر، عده ای از ایرانیان نظامی و غیر نظامی که موفق شده بودند از کشور خود بگریزند و به هم میهنان سرگردان خویش (در خارج) بپیوندند، به تدریج آغاز به سخن کردند... آنها می گفتند در بیشتر عملیاتی که به واقعه صحرای طبس منتهی شده بود شرکت داشتند... به گفته آنان پیاده شدن امریکایی ها در طبس برای نجات گروگانها نبود، بلکه برای انجام یک شورش بود. چون حمله نظامی امریکا به ایران در آن زمان به صلاح نبود می بایست از درون کشور انفجاری رخ دهد. هواپیماهای سی - ۱۳۰ و هلی کوپترهای آر. اچ. ۵۳ برای تهیه چنین انفجاری در دشت کویر ایران بر زمین نشسته بودند. هدف تحویل تسلیحات فوق مدرن برای یک جنگ چریکی وسیع و سراسری به گروهی از افسران وفادار به شاه بود». (۷) وی در ادامه می نویسد: «هواپیماها انباشته از اسلحه و وسایل بسیار مدرن نظامی بود تا بتواند ضد انقلاب را که از دسترسی به آنها محروم مانده بود تجهیز کند. پیروزی احتمالی افسران وفادار به شاه که با برخی از عشایر نیز روابطی در جهت سرنگونی رژیم جدید ایجاد کرده بودند به ایالات متحده امریکا اجازه می داد بار دیگر کنترل ایستگاههای مراقبت و تجسس را که در خاک ایران و به خصوص در مجاورت مرزهای شوروی مستقر شده بود، در دست گیرد، موقعیت استراتژیک

خلیج فارس و تنگه هرمز را به سود امریکا تقویت کند، صدور نفت را به نحوی بی خطر ممکن سازد و به طور کلی منافع عمومی غرب را در برابر کمونیستها محفوظ دارد.» (۸)

این واقعه و رویدادهای چند روز پس از آن به رسوایی دوستان داخلی امریکا از جمله بنی صدر انجامید و برای اولین بار وی مورد انتقاد شدید نیروهای انقلابی قرار گرفت. خیانت و همکاری او با امریکایی ها در این زمینه و مواضع ضد انقلابی بعدی او راه را برای اخراج بنی صدر از مجموعه قدرت هر چه بیشتر هموار کرد. به عنوان نمونه می توان به تلاش های فرماندهان ارتش که تحت فرمان بنی صدر بودند برای ایجاد اختلال در پوشش راداری کشور و همچنین بی دفاع کردن فرودگاهها اشاره کرد. بر همین مبنا و طبق اسناد به دست آمده و بر اساس امریه شماره ۲۵۶-۱۶-۴۱۲ مورخ ۵۹/۲/۳ از حوزه معاونت عملیاتی و پدافند هوایی، توپهای ۲۳ میلیمتری ضد هوایی مستقر در تهران، شیراز، مشهد و بابلسر با کلیه تجهیزات برای رفع خطر کامل از عملیات امریکا به عنوان مأموریت از منطقه دور شده بودند و توپهای ضد هوایی فرودگاه مهرآباد و پادگان منظریه قم نیز به طور کامل برداشته شده بودند. (۹) همزمان با تجاوز طبس، سازمان سیا از طریق شاپور بختیار در تدارک طرح کودتای نوژه بود. تجاوز نظامی طبس و کودتای نوژه دو حلقه یک زنجیر واحد بود که باید براندازی نظام جمهوری اسلامی را به ثمر می رساند.

در عملیات کودتای نوژه قرار بود به طور هم زمان در تهران و سایر شهرهای بزرگ به اجرا درآید و اماکنی مانند مدرسه فیضیه، اقامتگاه امام، کمیته مرکزی، نخست وزیری، میعادگاه های نماز جمعه و ... توسط هواپیما بمباران شود بنا بود که کودتاگران در این بمباران ها از بمبهای خوشه ای و آتش زا استفاده کنند. آنان حدود ۳۰ فروند هواپیما، ۶۰ نفر خلبان و حدود ۵۰۰ نفر افراد فنی و نظامی را برای شرکت در عملیات آماده کرده بودند. (۱۰)

کودتای نوژه ۱۸ تیر ۵۹ با شکست مواجه شد گرچه نقش عناصر نفوذی حزب توده در میان کودتاچیان و افشای آن را نمی توان انکار کرد ولی آنچه درباره او رفتن عملیات کودتا مشهور است حکایت خلبانی که مأمور بمباران بیت امام بود و در تب و تاب چگونگی انجام این کار دچار عذاب وجدان و تشویش شده به راهنمایی و توصیه مادرش تصمیم به افشای برنامه کودتا می گیرد. (۱۱)

در مورد افرادی که در کودتا مشارکت داشتند در یکی از اسناد محرمانه سپاه پاسداران از مهندس اسفندیار درویش (مشاور صنعتی بنی صدر) و منوچهر مسعودی (مشاور حقوقی بنی صدر) نام برده شده است که محور ارتباطی بنی صدر با بختیار بوده اند. درویش از جمله کسانی بود که در کودتای نوژه نقش فعالی داشته و با منوچهر قربانی فر، سرشاخه ملی کودتاچیان همکاری نزدیک داشت و قبل و بعد از کودتا میلیونها تومان پول رد و بدل کرد. (۱۲)

بهزاد نبوی نیز که در مردادماه ۱۳۶۰ وزیر مشاور نخست وزیر بود درباره نقش بنی صدر در کودتای نوژه در مصاحبه ای اعلام کرد: «... فرمانده نیروی هوایی وقت به فرمان بنی صدر، [هواپیماهای باقی مانده امریکا را در صحرای طبس] را بمباران کرد تا اسناد وابستگی وی به امریکا افشا نگردد. بنی صدر که فهمیده [بود] امکان دارد بهمن باقری فرمانده نیروی هوایی وقت دستگیر شود و میج وی باز شود مسئولیت آن را خود قبول کرد و زمانی که باقری را از سرپرستی نیروی هوایی کنار گذاشتند بنی صدر بلافاصله او را به سرپرستی هواپیمایی کشوری منصوب کرد.» (۱۳)

بنی صدر از ابتدا در لیست کسانی بود که باید ترور می شد. اما بعداً تصمیم گرفته شد او را دستگیر کنند: «ابتدا قرار بود که رئیس جمهور توسط گارد محافظ خودش که جزو عوامل کودتا بود به قتل برسد. بعد به تدریج این موضوع تخفیف پیدا کرد تا جایی که مهم ترین گروه تروریست کودتا (گروه نجات گروگان) وظیفه پیدا کرد که حوالی منزل رئیس جمهوری بوده و وی را دستگیر سازد.» (۱۴)

همچنین تیمسار محقق اعتراف می کند که: «آقای بنی صدر را زنده می خواستند... قرار بود که یک تعدادی، گروهی بروند و آقای بنی صدر را بگیرند. نمی دانم کی ها، چطوری، ولی قرار بود که وقتی سوپرنیک رد می شویم، از روی شهر هم سوپرنیک رد شویم احیاناً ممکن است آقای بنی صدر بیاید بیرون که ببیند چه خبر است، همان موقع که می آید، بیرون تا ببیند چه خبر است گرفته شود.» (۱۵)

درباره نقش بنی صدر در کودتای نوژه چند احتمال وجود دارد:

الف) در آن زمان بنی صدر از سویی مقدمات تشکلهایی را برای حفظ قدرت خود فراهم آورده بود و از سوی دیگر هنوز از پایگاه مردمی (به دلیل تظاهر به وفاداری به امام) برخوردار بود. اگر از دید شاخه نظامی هم پوشیده بود، حداقل برای سران سیاسی کودتا، قابل درک بود که بنی صدر متحد استراتژیک امام و انقلاب نیست او سودای تمرکز قدرت در سر خود می پروراند و با ریا و نفاق می کوشید تا اهرم های اصلی نظامی - سیاسی را با حرکت خزنده به چنگ آورد. لذا بمباران جماران نه تنها ضربه ای متوجه بنی صدر نمی کرد بلکه به او مجال و فراغت برای تحقق اهداف خود می داد، مسلماً بعید نبود که پس از کودتا بنی صدر از موضع خونخواهی امام و در مقام رئیس جمهور و با حمایت بخش وسیعی از ملی گرایان مذهبی و غیر مذهبی و نیز منافقین وارد صحنه شود و در نقش رهبر انقلاب و نظام جمهوری اسلامی مردم را به مقاومت در برابر کودتا فراخواند و احیاناً بذری را که کودتاگران می پاشیدند ثمرش را او درو کند. بنابراین رأی دادن به قتل بنی صدر می توانست تمهیدی باشد برای حذف یک رقیب توانمند و خطرناک.

ولی موقع و مقام بنی صدر به عنوان رئیس جمهور نیز قابل تعمق بود بنی صدر به عنوان یک خطر برای کودتا در عین حال می توانست به تضمینی برای تثبیت آن بدل شود. اگر او را در برابر دو راهی مرگ یا زندگی به بهای همراهی با کودتا و در نتیجه سهیم شدن در قدرت قرار می دادند، بنی صدر چه می کرد؟ اگر او سازش می کرد اولاً از تفرقه و تشتت در طبقه ملی گرایان تا حدودی جلوگیری می شد و ثانیاً وجهه بنی صدر ضمیمه وجهه شریعتمداری می شد و دست کودتاگران برای فریب مردم بازتر می بود.

ب) محققی علاوه بر فعالیت در سازمان نقاب، در محفل دیگری که در اندیشه تحقق یک کودتای مستقل از دارو دسته بختیار بودند، رفت و آمد داشت. تیمسار باقری و تیمسار شادمهر از جمله اعضای این محفل از اشراف نظامی بودند. این گروه با تجمع پیرامون بنی صدر مترصد بودند تا با انجام یک کودتا، روحانیت اصیل را از متن به حاشیه برد و ملی گرایان را از حاشیه به متن آورد سران نقاب بیمناک بودند که مبادا، با ضد کودتای اطرافیان بنی صدر مواجه گردد و برنامه های کودتا درهم ریخته شود. در این صورت دستگیری بنی صدر، هم امکان وقوع یک ضد کودتا را کاهش می داد و هم دستاویز بعدی گروههایی مانند منافقین،

که علاوه بر امام ممکن بود قتل رئیس جمهور را نیز وسیله ای برای تحقق اهداف خود بدل کنند سلب می شد.

ج) امریکا بر این امر وقوف داشت که نظام جانشین جمهوری اسلامی ایران باید پیرامون یک شخصیت مشهور و نسبتاً خوشنام و مشروع تشکیل شود، تا پس از کودتا جامعه حتی الامکان از درگیر شدن در یک جنگ داخلی مصون بماند و در مدت کوتاهی ثبات لازم را کسب کند. در بین شخصیتها و در شرایط آن روز بنی صدر به دلایل مختلف مناسبترین کاندید امریکا برای این امر می توانست باشد. با وجود این اگر از همان آغاز نام بنی صدر پیش کشیده می شد عناصری که حول بختیار گرد آمده بودند پراکنده می شدند. لذا تا زمانی که کودتا استخوان بندی بیابد ضروری بود که بختیار در رأس سازمان کودتا مستقر باشد. پس از نزدیک شدن موعد کودتا مسأله صرفاً در این حد که بنی صدر باید زنده بماند مطرح شد. بنابراین اگر کودتا تحقق می یافت بعید نبود که ریاست بنی صدر بر رژیم کودتا تحمیل شود. بنابراین در چارچوب طرح های دهه ۱۹۸۰ « کمیسیون سه جانبه » (حاکمیت سه مرکز امریکا، اروپا و ژاپن بر جهانی یکپارچه و متحد غرب) مبنی بر تلاش امریکا در تعدیل حکومتهای استبدادی دوام ناپذیر به رژیم های ظاهراً دموکراتیک دولت امریکا، رژیم پهلوی پس از گسست پر آشوب یک و نیم ساله (دوران حاکمیت انقلابی جمهوری اسلامی) به یک رژیم امریکایی مشروطه سلطنتی (بختیار) و یا به یک جمهوری غربی (بنی صدر) پیوند می خورد.

البته پس از شکست کودتا بنی صدر در کارنامه خود در روز شنبه ۲۱ نیرماه ۱۳۵۹ ادعا کرد: «من تا این زمان در کشف این توطئه ها موفق بوده ام». (۱۶) ولی اظهارات دیگر او در روزهای قبل بی اطلاعی او را از این حادثه نشان می دهد:

«در مراجعت ، فرمانده نیروی هوایی آمد. کارهای نیروی هوایی را آورده بود. که انجام داد و گزارش درباره یک جریان ناسالم در نیروی هوایی داد که از پیش تحت پیگیری بود و این پیگیری پیشرفت کرده است». (۱۷)

اگرچه بنی صدر این «جریان ناسالم در نیروی هوایی» را روشن نمی سازد ولی می توان احتمال داد که جریان ناسالم تلاش های مربوط به براندازی بوده است زیرا که پس از آن فرمانده نیروی هوایی گفت که طرح را خود ارتش کشف کرده است. (۱۸)

بنابراین چگونه می توان ادعای بنی صدر را در کشف این توطئه پذیرفت در حالی که سه روز پیش از فرارسیدن زمان موعود کودتاگران را نسبت به تحت پیگیری بودن یک جریان ناسالم در نیروی هوایی هوشیار می سازد. (۱۹)

پی نوشت ها :

۱ - «delta force»

۲- چارلی بکویث، حادثه طبس، تهران: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۷، ص ۸، مجله سروش، شماره ۱۵۵، مرداد ۱۳۶۱، ص ۲۸

۳ - طبس، مصداقی بر سوره فیل (نگرشی بر مجاری طبس)، ترجمه و تنظیم دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، تهران: مرکز نشر اسناد لانه جاسوسی، ۱۳۷۰، ص ۲۵

۴ - کیهان، ۵۹/۲/۷.

۵- عباس آقایی، عقاب در آتش، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۵، ص ۷۵-۶۹.

۶ - روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۶۰/۲/۶.

۷ - یوسف مازندی، ایران، ابرقدرت قرن، تهران: البرز، ۱۳۷۳، ص ۱۷.

۸ - همان، ص ۱۸.

۹ - احمد رضاشاه علی، انقلاب دوم (تسخیر لانه جاسوسی امریکا، آثار و پیامدها)، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۵، ص ۲۷۷.

۱۰ - علی موسوی، کودتا و ضد کودتا، تهران: دفتر نشر فرهنگی اسلامی، ۱۳۶۳، ص ۱۸۹.

۱۱ - کودتای نوژه، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی، ۱۳۶۸، ص ۱۹۰.

۱۲ - غائله چهاردهم اسفند ۱۳۵۹: ظهور و سقوط ضد انقلاب، پیشین، ص ۱۸۸.

۱۳ - روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳/۵/۱۳۶۰.

۱۴ - ستوان ناصر رکنی (بازجویی)، کودتای نوژه، ص ۱۶۱.

۱۵ - تیمسار محقق (بازجویی)، همان، ص ۱۶۲.

۱۶ - روزها بر رئیس جمهور چگونه می گذرد، ج ۱، ص ۴۷.

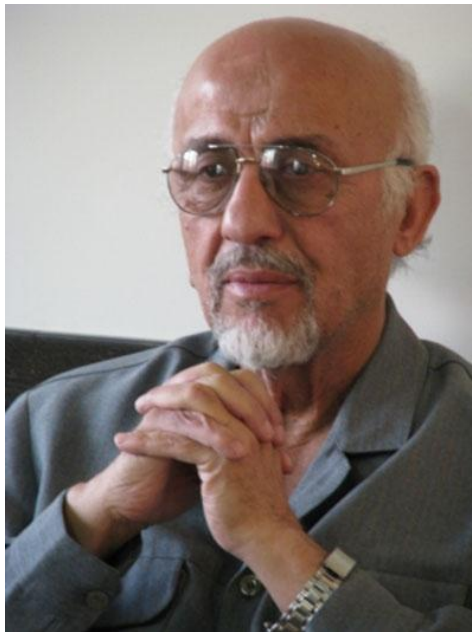
۱۷ - همان، ص ۳۷.

۱۸ - همان، ص ۴۷.

۱۹ - کودتای نوژه، پیشین، ص ۱۶۴ - ۱۶۱.

مرکز اسناد انقلاب اسلامی

صباغیان : کاکب از کودتای نوژه مطلع بود



ماه‌ها و سال‌های اول پس از پیروزی انقلاب سال ۵۷ مملو از اخبار و حوادثی است که از سوی بیگانگان یا گروه‌های مخالف در کشور علیه انقلاب مردم رقم می‌خورد. جدا از اغتشاشاتی که در استان‌های مرزی کشور وجود داشت و ترورهایی که توسط منافقین و گروهک فرقان صورت می‌گرفت، دخالت نظامی آمریکا که به واقعه طبس منجر شد، «کودتای نوژه» و تحمیل هشت سال جنگ به ایران تاثیرگذارترین اتفاقات سال‌های اول انقلاب بودند. وقایعی که اگر بخواهیم واقع‌بین باشیم هر کدامشان به تنهایی می‌توانست طومار انقلاب اسلامی را در هم بپیچد اما به گفته مهندس هاشم صباغیان، وزیر کشور دولت موقت، دستی بالاتر و قدرتمندتر از دست مردم حافظ انقلابی بود که سال‌ها برای به بار نشستنش تلاش کرده بودند.

«کودتای نوژه» از سوی برخی از درجه‌داران و افسران نیروی هوایی ارتش و بعضی از وابستگان رژیم شاهنشاهی طراحی شد. اگر طرح کودتا در نطفه خفه نمی‌شد، کودتاگران برنامه‌ریزی کرده بودند که از «پایگاه نوژه» در همدان، برخی از نقاط حساس، مانند منزل امام (ره) در جماران و حوزه‌های علمیه را بمباران کنند. آن‌ها آنقدر از پیروزی خود مطمئن بودند که پیشاپیش اعلامیه‌های پیروزی را هم منتشر کرده بودند. در مورد حواشی و شایعاتی که پیرامون «کودتای نوژه» منتشر شده با وزیر کشور دولت موقت گفت‌وگو کردیم. اگرچه

اعضای دولت موقت پیش از ۱۸ تیرماه سال ۵۹، یعنی زمان کشف و سرکوب کودتا استعفا داده بودند اما هنوز هم ناگفته‌های بسیاری در مورد طراحان و مجریان «کودتای نوژه» دارند.

* «کودتای نوژه» تقریباً با فاصله اندکی پس از عملیات ناموفق آمریکا در طبرستان داد. کودتا در ادامه تهاجم ناموفق نظامی آمریکا به ایران طرح‌ریزی شد یا از طریق گروهی دیگر؟ - در مورد واقعه طبرستان می‌توان به قوت گفت که آمریکا اقدام به تهاجم نظامی به ایران کرده بود زیرا با وجود بمباران هواپیماها و هلیکوپترهای باقیمانده در صحرای طبرستان، آمریکایی‌ها بدون آنان غیرقابل کتمان بود و از سوی دیگر پس از شکست آمریکا، رئیس‌جمهوری وقت آن کشور در یک سخنرانی رسمی عنوان کرد که قصد حمله به تهران را داشته و حتی تأکید کرد که متأسفانه میزان زیادی از اسناد مهم و تعیین‌کننده در هواپیما و هلیکوپترها باقی مانده است. اما در مورد «کودتای نوژه»، حداقل من هیچ دلیل واضحی برای طرح‌ریزی این کودتا از سوی آمریکا در دست ندارم. اگرچه که با توجه به دخالت نیروی هوایی، یعنی بخشی از ارتش که توسط مستشاران آمریکایی آموزش می‌دید و تجهیز می‌شد و با در نظر گرفتن سابقه آمریکا در مقابله با انقلابات مردمی در کشورهای آمریکای لاتین و کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ علیه دولت دکتر مصدق، حمایت آمریکا از طرح کودتا را دور از ذهن نمی‌دانم و بعید نیست اگر آمریکا پس از شکست در طبرستان به دنبال راه‌حل دیگری برای ساقط کردن انقلاب اسلامی بود، «کودتای نوژه» را اجرا کرده باشد. گفتیم «اجرا» کردند زیرا معتقدم که مدت‌ها پیش از پیروزی انقلاب آمریکا، انگلیس و شوروی خودشان را برای مبارزه با انقلاب، به انواع روش‌ها آماده کرده بودند.

* اگر پیش از پیروزی انقلاب، کشورهای آمریکا، انگلیس و شوروی به دنبال راه‌هایی برای پیشگیری از پیروزی انقلاب بودند، چرا از روش‌هایی مانند ممانعت از بازگشت امام (ره) به ایران استفاده نکردند؟

- زمانی که به سال‌ها و ماه‌های اول انقلاب فکر می‌کنم، بدون شک دست خدا را در پیروزی انقلاب اسلامی و محافظت از آن می‌بینم. نه تنها برای پیروزی و حفظ انقلاب که من فکر می‌کنم خدا برای حفظ انقلاب از آفات و انحرافات هم ما را یاری کرد. یکی از بارزترین مثال‌هایی که برای امدادهای غیبی می‌توانم نام ببرم، شکست آمریکا به دست طبیعت در

طبس و پس از آن شکست « کودتای نوژه » بود. مشکلاتی که از نظر من تنها به دست خدا ممکن بود حل شود و کسی نمی تواند ادعایی داشته باشد در مورد اینکه نقش خاصی را در جریان شکست آمریکا در طبس یا لو رفتن « کودتای نوژه » ایفا کرده باشد. به عنوان شاهدی برای ادعایم در مورد حمایت خداوند از انقلاب به خاطره‌ای از روزهای پیروزی انقلاب اسلامی اشاره می‌کنم. پیش از بازگشت امام خمینی به ایران کمیته‌ای از اعضای احزاب گوناگونی که در پیروزی انقلاب نقش داشتند تشکیل شده بود و من به عنوان رییس این کمیته مسوولیت برنامه‌ریزی تشریفات استقبال از امام و حفظ امنیت آن روز را برعهده داشتم. در ابتدا برنامه ما به این صورت بود که یک هواپیمای «ایران ایر» از تهران به پاریس برود و امام را به ایران بازگرداند. اما چند روز پیش از ورود امام به ایران، دولت فرانسه به ما اعلام کرد که خودشان امام را با یک جمبوجت «ایرفرانس» به ایران خواهند فرستاد. حفظ امنیت امام و کسانی که به استقبال از او آمده بودند در آن روز برای ما از اهمیت خاصی برخوردار بود. وقوع کوچکترین حادثه‌ای می‌توانست سرنوشت انقلاب را تغییر دهد. اداره و کنترل کردن ساختمان فرودگاه مهرآباد برای ما ممکن بود اما برای کنترل باند و برج فرودگاه احتیاج به نیروی متخصص داشتیم. از سوی شهربانی تیمسار وثیق، رییس برج کنترل و باند فرودگاه مهرآباد به کمیته استقبال از امام معرفی شد. طی جلسه‌ای که با او گذاشتیم قرار شد که او هواپیمای حامل امام خمینی و همراهانشان را از مرز هوایی ایران تحویل بگیرد و سالم روی باند فرودگاه به ما تحویل بدهند و پس از آن دیگر مسوولیت حفاظت از امام را کمیته استقبال از امام برعهده داشته باشد. حتما در تاریخ خوانده‌اید که برخی از افراد وابسته به رژیم شاهنشاهی قصد داشتند که هواپیمای حامل امام را ساقط کنند. بنابراین می‌بینید که تیمسار وثیق چه تعهد سنگینی را پذیرفته بود. به این خاطره اشاره کردم تا بگویم که بعد از لو رفتن « کودتای نوژه »، معلوم شد تیمسار وثیق از عوامل کودتا بوده و به همین دلیل هم اعدام شد. برداشت شخص من این است که تیمسار وثیق مانند دیگر افسران نیروی هوایی که در کودتا مشارکت داشتند از ابتدا با انقلاب اسلامی مخالف بودند اما با مشیت الهی روز ۱۲ بهمن سال ۵۷ هواپیمای حامل امام با وجود نگرانی‌های ما سالم بر زمین نشست و هیچ گزندی متوجه امام خمینی یا همراهان او نشد. در حالی که اگر تیمسار وثیق قصد رساندن آسیبی به جان رهبر انقلاب را داشت می‌توانست به راحتی این عمل را مرتکب شود و سرنوشت انقلاب را تغییر دهد.

* چه شواهدی برای تایید یا رد فرضیه عزم غرب برای ضربه زدن به انقلاب وجود دارد؟

- منطقاً غیرقابل تصور است که فکر کنیم بعد از پیروزی انقلاب اسلامی بدون هیچ پیشینه‌ای به طور ناگهانی و بدون حمایت مالی و معنوی دولت‌های بزرگ، عده‌ای از افسران ناراضی ارتش، سرخود تصمیم گرفتند که کودتا کنند. من گمان می‌کنم که مدت‌ها پیش از پیروزی انقلاب کشورهای آمریکا، انگلیس و شوروی برای مبارزه با انقلاب یا در صورت پیروزی، سرنگونی انقلاب، نقشه‌های متنوعی را طراحی کرده بودند. یکی از راه‌حل‌هایی که برای مبارزه با انقلاب مردم در نظر گرفته بودند برنامه‌ریزی برای طراحی یک کودتا مانند کودتای ۲۸ مرداد یا «کودتای نوژه» بود.

* شما در جریان جزییات سرکوب «کودتای نوژه» قرار داشتید؟

- در جریان جزییات نیستم زیرا آن زمان ما از دولت استعفا داده بودیم و اخبار را به صورت دست‌چندم می‌شنیدیم. از بین روایت‌های متفاوتی که در مورد نحوه سرکوب کودتا نقل می‌شد، قابل قبول‌ترین‌شان آگاهی «کاگب»، سازمان اطلاعات شوروی از برنامه‌ریزی برای انجام کودتا در ایران و مطلع شدن مقامات اطلاعاتی ایران از «کودتای نوژه» توسط آنان بود. طبق شنیده‌های من، عوامل «کاگب» نه تنها مسوولان سازمان اطلاعات و امنیت کشور را در جریان جزییات کودتا قرار می‌دادند، بلکه حتی آنان را به یکی از مخفیگاه‌های کودتاگران که در آن جلساتشان را تشکیل می‌دادند، هدایت کردند. اما روایت‌های متعددی وجود دارد که نشان می‌دهد برخی از عوامل کودتا با مراجعه به برخی مسوولان کشور، کودتا را افشا کرده‌اند. مثلاً فردی به حضرت آیت‌الله خامنه‌ای مراجعه می‌کند یا در روایتی آقای ری‌شهری از طریق آقای حجاریان مطلع می‌شوند. در سال ۵۹ دیگر در جریان مستقیم اخبار نبودیم و به خصوص خبرهایی که با امنیت کشور سر و کار داشت به صورت دست‌چندم به گوش ما می‌رسید، اما من خبری مبتنی بر نقش سازمان اطلاعات و امنیت کشور در کشف کودتا را نشنیده‌ام. هرچند نمی‌توان منکر سرکوب دقیق و کامل «کودتای نوژه» توسط عوامل سازمان اطلاعات و امنیت کشور شد.

* عده‌ای از منتقدان «کودتای نوژه» مدعی هستند با توجه به احتمال اندک پیروزی کودتایی با مشارکت معدودی از پرسنل نیروی هوایی و نظامیان پایگاه نوژه، احتمال وقوع کودتا را ضعیف می‌دانند...

- همواره در تاریخ ایران عده‌ای بوده‌اند که واقعیت‌های آشکار را کتمان می‌کردند. سوای تمام دلایل عقلی که بر وقوع کودتا دلالت می‌کند، باید از این دست مدعیان پرسید که آیا ممکن بود با وجود تمام منافی که نظام پادشاهی برای دولت‌های غربی داشت، آنان به سادگی تن به پیروزی انقلاب اسلامی در ایران بدهند؟ اگر واقعه طبرس و پس از آن هشت سال جنگ تحمیلی، غیرقابل انکار هستند، باید قبول کرد که برنامه‌ریزی برای کودتا هم نمی‌تواند خیلی دور از ذهن باشد. آقای ری‌شهری به عنوان دادستان ارتش، مسوول رسیدگی و کنترل ارتش بود و با قاطعیت به وضعیت ارتش رسیدگی می‌کرد. در آن زمان اگرچه من دیگر نقشی در اداره کشور نداشتم ولی به دلیل نگرانی‌هایی که در مورد انقلاب احساس می‌کردم، در حاشیه نماز جمعه به او گفتم که شایعاتی مبنی بر انتقام گرفتن برخی از ارتشیان از یکدیگر با زدن انگ کودتاچی به یکدیگر یا برخی سخت‌گیری‌های بی‌مورد به گوش می‌رسد. اما او به من اطمینان خاطر داد که هیچ کدام از افسران ارتش را بدون کسب اطمینان کامل مجازات نکرده‌اند و او اجازه نداده است که پاکسازی ارتش از عوامل وابسته به نظام گذشته یا کودتاگران، تبدیل به انتقام‌گیری کور یا تسویه حساب افسران ارتش با یکدیگر بشود. بدون شک اقدام عده‌ای از ارتشی‌ها و وابستگان به رژیم گذشته به «کودتای نوژه» واقعیتی غیرقابل کتمان است و نمی‌توان کسانی را که به سرکوب کودتا اقدام کردند را متهم به تصفیه ارتش یا اتهامات دیگر از این دست کنیم. در بین ارتشی‌هایی که به انقلاب پیوستند، حتی درجه‌دار در حد سرگرد و سروان هم کمتر دیده می‌شد. البته این امر نباید باعث تعجب باشد. زیرا انقلاب برخاسته از توده‌های مردم بود نه فقط خواصی که به دلیل ارتش‌سالار بودن سلسله پهلوی از انواع و اقسام حمایت‌های مالی و رانت‌های اطلاعاتی برخوردار بودند. «کودتای نوژه» هم بنا بود به وسیله برخی از افسران و خلبانان عالی‌رتبه نیروی هوایی صورت بگیرد که پیروزی انقلاب برخلاف مصالحشان بود. روز ۲۱ بهمن سال ۵۷ یعنی دو روز بعد از دیدار همافران ارتش با امام خمینی، شایعه بمباران تهران منتشر شد. ما تصمیم گرفتیم برای به خطر نینداختن جان مردم اعلام حکومت نظامی کنیم، اما امام خمینی فرمودند که ترسیدن و پنهان شدن راه چاره مناسبی نیست و از مردم دعوت کردند که به خیابان‌ها بیایند. در آن روز مردم به کلانتری‌ها و بعضی از مقرهای نیروی هوایی در خیابان پیروزی حمله کرده و آن‌ها را خلع سلاح کردند. یعنی حتی تا روز ۲۱ بهمن ۵۷ هم بین مردم و بعضی از امرای ارتش شکاف زیادی وجود داشت که می‌توانست به کودتا ختم شود.

* شکست «کودتای نوژه» چه تاثیری بر فضای اجتماعی - سیاسی آن زمان داشت؟

- طی سال‌های ۱۳۵۷ و ۱۳۵۸ بیشترین حد آزادی در ایران به نسبت تمام سال‌های قبل و بعد از آن وجود داشت. البته بخشی از آن فضا به دلیل جو انقلابی مردم و پا نگرفتن نهادهای کنترلگر در جامعه بود. اما واقعه طبس، پس از آن وقوع کودتای نوژه آن هم از سوی بخشی از ارتش در عمل ثابت کرد که کشور نیاز به نهادهای امنیتی دارد. تقریباً بلافاصله پس از خنثی شدن طرح «کودتای نوژه» کشور درگیر جنگ تحمیلی شد. شرایط جنگ بر مناسبات کشور میان نظام تأثیر زیادی گذاشت. از سوی دیگر ترورهای کوری که از سوی منافقین یا گروهک «فرقان» صورت می‌گرفت هم شرایط را پیچیده‌تر کرد. در چنین فضایی سازمان اطلاعات و امنیت کشور شروع به فعالیت کرد. یکی از دلایل تمایل آمریکا برای طرح‌ریزی واقعه‌ای که به «طبس» یا «کودتای نوژه» ختم شد ظاهراً تلاش آمریکا برای آزادسازی گروگان‌های سفارت سابقش در ایران بوده است. اما هیچ دلیلی نمی‌تواند توجیه‌گر دخالت نظامی آمریکا در ایران باشد. آمریکا با طرح‌ریزی کودتا تنها قصد نجات دادن گروگان‌هایش را نداشت و کاملاً آشکار است که طراحان به دنبال سرنگونی دولت انقلابی در ایران بودند. در غیر این صورت آمریکا می‌توانست با راه‌حل‌های دیپلماتیک گروگان‌هایش را آزاد کند، کما اینکه در نهایت این کار را کرد.

* فضای سیاسی کشور در آستانه وقوع کودتا چگونه بود؟

- آن طور که از شواهد و قرائن برمی‌آید و بعدها در اسناد مشخص شد فکر می‌کنم اگر با کودتا مقابله صورت نمی‌گرفت، احتمال پیروزی کودتاگران کم نبود. زیرا کشور بعد از انقلاب هنوز نتوانسته بود آن طور که باید و شاید سر و سامان بگیرد. در برخی نقاط مانند کردستان، سیستان و بلوچستان، آذربایجان و ترکمن صحرا اغتشاش‌هایی وجود داشت. برخی از نهادهای نظارتی یا انتظامی هنوز تشکیل نشده بودند یا در صورت تشکیل، نتوانسته بودند اشراف کافی بر حوزه عملکردشان کسب کنند. تمام این مسایل باعث می‌شود نسبت به امکان پیروزی کودتاگران در صورتی که از آن جلوگیری نمی‌شد مشکوک باشیم.

* «کودتای نوژه» کودتایی از جنس ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ بود؟ یعنی کودتاگران قصد دوباره احیاء سلطنت پهلوی در ایران را داشتند؟

- بین احیای سلطنت پهلوی، دوباره بر سر کار آمدن شاپور بختیار و برقراری یک حکومت نظامی، گمان می‌کنم که بیشتر احتمال داشت که یک حکومت نظامی بر سر کار بیاید. زیرا امکان اینکه مانند ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ مردم ایران به حکومت شاهنشاهی تن بدهد وجود نداشت. از سوی دیگر آن تفکر ملی که شاپور بختیار نمایندگی آن را برعهده داشت از طرفداران زیادی برخوردار نبود. او پس از قبول نخست‌وزیری شاه در آخرین ماه‌های سلطنت عملاً از جبهه ملی کنار گذاشته شده بود و به غلط یا درست، مردم او را بخشی از نظام سلطنت می‌دیدند نه یک نیروی صادق و خدوم ملی. البته من نمی‌توانم در مورد اینکه سرنوشت کودتای نظامی، در صورت پیروزی به کجا ختم می‌شد نظر قاطعی داشته باشم.

منبع :

روزنامه شرق

عربستان برای کمک به کودتای نوژه چک ۱۰ میلیون دلاری داده بود!

پیروزی انقلاب اسلامی و دکترین «نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی» قدرت‌های استکباری را به تکاپو واداشت تا با شکست جمهوری اسلامی مانع بر سر راه گسترش روزافزون تفکر اسلام شیعی ایجاد کنند. ایجاد غائله‌هایی در استان‌های مرزی و حمله نظامی طبس از جمله اقدامات قدرت‌های استعماری بود. حمله نظامی حزب بعث عراق به ایران گزینه دیگری بود که مورد توجه قرار گرفت. به همین علت قبل از حمله رسمی و سراسری عراق به خاک جمهوری اسلامی ایران، این کشور بارها به صورت جسته و گریخته به مرزهای ایران تجاوز می‌کرد.

در این میان طرح کودتا که نمودار سازمانی آن را یکی از هواداران شاپور بختیار به نام مهندس قادی در دی ماه ۱۳۵۸ تهیه کرده بود، مورد استقبال کشورهای مختلف و سازمان‌های جاسوسی از جمله سیا و موساد قرار گرفت. آمریکایی‌ها در گذشته نیز کودتا را راه حلی مناسب برای سرنگونی دولت‌ها همواره مد نظر داشته‌اند و از آن به عنوان یک گزینه تاثیرگذار و کم هزینه برای دستیابی به اهدافشان استفاده می‌کردند. کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ در ایران و کودتای پینوشه در شیلی از جمله کودتاهایی هستند که دخالت مستقیم سازمان جاسوسی سیا را در پس خود داشته‌اند.

طرح کودتای نوژه باعث شد حمله نظامی عراق به تاخیر بیفتد. یکی از سران کودتا پس از دستگیری در اعترافات خود می‌گوید: پس از سفر بنی‌عامری به پاریس، طرح حمله عراق به ایران در اولویت دوم قرار گرفت و انجام کودتای نظامی به عنوان اولویت اول در صدر برنامه‌های آمریکا قرار داده شد.

در اجرای کودتا، بعضی کشورهای عرب منطقه و اسرائیل نیز نقش داشتند. عربستان سعودی برای اجرای عملیات، یک چک ۱۰ میلیون دلاری اعطا کرده بود، سازمان جاسوسی اسرائیل موساد نیز نقش مهمی در شناسایی افراد مخالف انقلاب در داخل کشور و معرفی آنها به بختیار داشت و در پی هماهنگی‌های ایجاد شده میان نیروهای کودتا در تهران و پاریس، حملات زمینی و هوایی عراق علیه ایران با نزدیک شدن زمان کودتا گسترش یافت. در مقایسه با ۱۳۹ حمله‌ای که عراق در فاصله ۱۳ فروردین ۱۳۵۸ تا ۳۱ فروردین ۱۳۵۹ انجام داد، از یک خرداد ۱۳۵۹ تا ۱۹ تیر ۱۳۵۹، ۱۱۵ حمله هوایی و زمینی به ایران صورت گرفت و در روز ۱۸ تیر

۱۳۵۹ منطقه باویسی، تپه رش، پاسگاه شورشیرین و پاسگاه انجیره مورد حمله زمینی و سومار و نخجیر مورد حمله هوایی رژیم عراق قرار گرفت. همچنین روز ۱۹ تیر ۱۳۵۹ حوالی سندج آماج حمله هوایی و ارتفاعات غرب پاوه هدف حمله زمینی قرار گرفت. آمریکا با پیگیری طرح کودتای نوژه، دو هدف را دنبال می‌کرد. اول این که اگر کودتا پیروز می‌شد، یک نظام وابسته به آمریکا در ایران برسرکار می‌آمد و دیگر آن که اگر کودتا شکست می‌خورد، حداقل زمینه تضعیف نیروهای ارتش را در برابر تهاجم نظامی رژیم بعثی عراق فراهم می‌آورد. آغاز تجاوز حکومت عراق علیه جمهوری اسلامی در فاصله اندکی بعد از کودتا از دلایل آشکار این تئوری به شمار می‌آید. برخی عناصر کم‌اطلاع نیز در کشور پس از کشف کودتای نوژه خواستار انحلال ارتش و جایگزینی سپاه پاسداران شدند. این طرح با دوراندیشی کسانی چون دکتر چمران از دستور کار خارج شد. دکتر چمران طی سخنانی در مجلس، ارتشیان را افرادی فداکار و قابل اعتماد دانست و حساب تعدادی از عناصر کودتاگر را از دیگران جدا ارزیابی کرد و تضعیف ارتش را به هیچ‌وجه به صلاح مملکت ندانست.

جامعه ایرانی به علت صبغه دینی و مذهبی همواره رهروی بیدارگران راستین اقلیم قبله بوده و در راس تمام مبارزات ملی و مذهبی خود از وجود عالمان روشنگر دینی بهره‌مند شده است. آنجا که مهر تایید عالمان دینی بر تارک حرکت‌ها و جنبش‌های مردمی نقش می‌بست باعث آرامش و اطمینان قلبی می‌شد تا جایی که آماده هر گونه جانفشانی در راه هدف و مقصود خود می‌شدند. کودتاگران نوژه در پیاده کردن طرح کودتا با دو مشکل اساسی مواجه شدند. اول آن که چگونه نیروهای درگیر کودتا در اجرای مأموریت‌های محوله دچار تردید نشوند و دیگر آن که پس از وقوع کشتاری وسیع چگونه می‌توان به دولت کودتا مشروعیت بخشید. شاخه ایدئولوژیک کودتا بخوبی دریافته بود مردم آرام نخواهند گرفت و دولت کودتا را به رسمیت نخواهند شناخت، مگر آن که کودتا از سوی مراجع دینی مورد تایید واقع شود. از این رو، آنان نیاز به جایگزین کردن یک رهبر دینی به جای امام خمینی داشتند. پس برای نیل به مقصود در پی فردی بودند که جدای از جایگاه علمی و اجتماعی قابل تامل، با امام خمینی نیز همسو نباشد. در ادامه رایزنی در میان روحانیون، آیت‌الله سید کاظم شریعتمداری که آن موقع در میان آذری‌زبانان مقلدان زیادی داشت، بهترین گزینه برای کودتاگران بود. او که در امور سیاسی، محافظه‌کار بود به موجب اسناد ساواک با دخالت علما در امر سیاست نیز مخالف بود.

۲ عامل سبب انتخاب آیت‌الله شریعتمداری از سوی کودتاگران بود. یکی ناآرامی‌هایی بود که حزب خلق مسلمان در آذربایجان برای حمایت از وی به راه انداخته بود و کودتاگران امیدوار بودند با جلب نظر وی حمایت این حزب و مقلدان آذری او را به دست آورند. دوم این که بختیار از قبل با این روحانی بلندپایه حوزه آشنایی داشت و مطمئن بود که وی از این اقدام حمایت خواهد کرد. با جلب نظر آیت‌الله شریعتمداری، عوامل اصلی کودتا در مقابل کسانی که دچار شک و تردید بودند می‌گفتند: خیلی‌ها از جمله شریعتمداری این کودتا را تایید کرده‌اند. بنا بود کودتاگران پس از موفقیت در عملیات نقاب (کودتای نوژه) و تسخیر مراکز مهمی چون صدا و سیما به واسطه آیت‌الله شریعتمداری از مردم بخواهند با حفظ آرامش با کودتاگران نظامی همکاری داشته باشند. پایگاه شاه‌رخ‌ی پس از پیروزی انقلاب به پایگاه حر تغییر نام داد. به دنبال واقعه پاره دهه سوم مرداد ۱۳۵۸ و صدور فرمان تاریخی امام خمینی در ۲۷ مرداد ۱۳۵۸ خطاب به نیروهای مسلح، جهت پاکسازی کردستان از عناصر آشوبگر، یکی از خلبانان شجاع پایگاه حر به نام نوژه به یاری دکتر چمران شنافت و در ماموریت کردستان به شهادت رسید. به همین مناسبت نام پایگاه حر دوباره تغییر کرد و پایگاه شهید نوژه نام گرفت.

پایگاه شهید نوژه در ۵۰ کیلومتری همدان واقع شده و به علت دارا بودن هواپیما، نزدیک بودن به تهران، خارج از شهر قرار داشتن و وجود عناصر مستعد و قابل جذب برای کودتاچی‌ها مکان مناسبی ارزیابی شد. شیوه جذب افراد برای کودتا متفاوت بود اما بنا به اعترافات ستوان یار بازنشسته، سیاوش پورفهمیده، سران کودتا به دنبال افراد بازنشسته ارتش بودند و پیش از هر گونه همکاری، به آنان کمک مالی شد.

رهبران کودتا سعی وافری داشتند تا برخی را در نیروهای زمینی و هوایی با خود هماهنگ کنند. حتی گروهی که حاضر به حضور مستقیم در کودتا نبودند، بعضاً قبول می‌کردند در جریان کودتا به حالت خنثی عمل کنند و علیه کودتاگران در صحنه حاضر نشوند. لشکر یکم و سوم نیروی زمینی ارتش تا حدودی با کودتاگران هماهنگ بودند و لشکر ۹۲ زرهی اهواز نیز مدنظر کودتاگران بود. در این لشکر، سرهنگ عزیز مرادی توانست علاوه بر مسلح کردن برخی شیوخ و عشایر عرب، تعدادی از نظامیان داخل کشور را نیز با خود همراه کند. بنا به گفته محمدی ری‌شهری، حاکم شرع وقت دادگاه‌های انقلاب و ارتش بیشتر نیروهای کودتا

از وفاداران به شاه و سلطنت بودند و در حادثه مدرسه فیضیه و کشتار ۱۵ خرداد نیز شرکت داشتند. عوامل کودتا در صدد بودند با بمباران مراکزی چون فرودگاه مهرآباد، دفتر نخست‌وزیری، ستاد مرکزی سپاه پاسداران و کمیته‌های انقلاب اسلامی، مجلس شورای اسلامی و تعدادی از پادگان‌های مهم سپاه و کمیته، کاخ سعدآباد، کمیته مرکزی روبه‌روی حسینیه ارشاد (که انبار مهمات بود)، کمیته مستقر در خیابان وزرا و صدا و سیما، حکومت جمهوری اسلامی را زمینگیر کنند. انهدام مدرسه فیضیه در شهر قم نیز از دیگر اهداف کودتاگران بود ولی چون این مدرسه در کنار حرم حضرت معصومه (س) بود، بنابراین از بیم ایجاد هیجان و اقدام خشونت بار مردم در صورت بمباران آن نواحی از این کار صرف نظر شد. اما مهم‌ترین هدف بمباران‌ها، بیت امام خمینی در جماران بود که باید به وسیله ۳ فروند هواپیما و مجرب‌ترین خلبان‌ها بمباران می‌شد، زیرا در نظر آنها از میان رفتن حضرت امام به معنای پایان جمهوری اسلامی بود. ستوان ناصر رکنی در گوشه‌ای از اعترافات خود به این نکته اشاره می‌کند: «بر سران کودتا کاملاً مشخص بود تا زمانی که امام زنده است، مردم با یک کلمه ایشان به خیابان‌ها ریخته و عمل کودتا را عقیم خواهند کرد.» پس از گذشت ۳ دهه از کشف کودتای نوژه توسط نیروهای انقلاب اسلامی هنوز این سوال مطرح است که چه عامل یا عواملی منجر به لورفتن و در نهایت شکست کودتا شد. در این باره ۲ نظریه اصلی وجود دارد.

۱- افسران چپ و چپ‌های اسلامی از کودتا و کشتار وسیع مردم جلوگیری کردند و توانستند طرح کودتای نوژه را کشف کرده و آن را با جزئیات دقیق و کامل در اختیار دولت قرار دهند و به همین دلیل کودتا شکست خورد.

۲- کلیه برنامه‌ها تا ۳۸ ساعت قبل از کودتا طبق برنامه پیش می‌رفت اما شب قبل از حادثه یکی از خلبانانی که برای کودتا در نظر گرفته شده بود، دچار تردید شد و سرانجام وی موفق به ملاقات با آیت‌الله خامنه‌ای شد و اطلاعات موثر و کارا از کودتا را افشا کرد. همچنین یکی از درجه‌داران تیپ ۲۳ نوهده هم به ستاد مشترک مراجعه و جریانی مشابه را بازگو می‌کند.

محمدی ری‌شهری، در مورد کشف جریان کودتا می‌گوید: «حدود یکی دو ماه قبل (زمان کودتا) برخی از برادرانی که با ما همکاری می‌کردند و الان هم بسیار فعال هستند، سازمان‌هایی را کشف کرده بودند، کشف این توطئه از آنجا شروع شد که در تاکسی یک

مساله‌ای را کسی به دیگری می‌گوید و همان نقطه عطفی می‌شود برای تحقیق کردن و مساله را دنبال می‌کنند و می‌رسند به یک سازمان کوچکی در همین رابطه، بعد این مساله ادامه پیدا می‌کند، شبکه دومی کشف می‌شود و از آنجا به کشف شبکه نقاب یعنی شبکه نظامی در تیپ نوه‌د منجر می‌گردد و در همین رابطه ۱۳ نفر هم دستگیر شدند. البته این جریان مربوط به یک الی یک ماه و نیم قبل بود اما این که بناست کودتایی در سطح مملکت و در زمانی معین شکل بگیرد را کسی نمی‌دانست.»

همچنین سرهنگ شهید جواد فکوری، فرمانده نیروی هوایی وقت، درباره میزان و چگونگی اطلاع از توطئه کودتا گفت: «حدود یک ماه پیش (از زمان کودتا) ما به شواهدی برخورد کردیم که آمریکا در صدد توطئه‌ای علیه انقلاب اسلامی ایران برآمده بود. از یک ماه پیش توانستیم جریان را پیگیری کنیم، عوامل توطئه را دقیقاً شناسایی و نقشه خائنه آنها را نقش بر آب بکنیم.»

کودتاگران که برای انتقال به همدان در پارک لاله تهران تجمع کرده بودند، با اقدام ضربتی سپاه پاسداران مواجه و دستگیر شدند، عده‌ای نیز در سهراهی تهران - همدان - نوژه، توسط نیروهای سپاه دستگیر شدند. همچنین تعدادی از کودتاچیان که در تلاش برای خلع سلاح نیروهای پاسدار برآمدند در درگیری با نیروهای سپاه کشته شدند.

منابع:

- ۱- ایران و آمریکا، حسن واعظی، سروش، تهران ۱۳۷۹، ص ۱۰۶.
- ۲- روزنامه جمهوری اسلامی، ۷۷/۴/۲۲.
- ۳- کودتای نوژه، موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، چاپ دوم، تهران ۱۳۶۸، ص ۱۵۲.
- ۴- کودتای شب، محمدرضا سرابندی، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ اول، بهار ۱۳۸۳، ص ۲۴.

۵- روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۹/۵/۵.

۶- روزنامه انقلاب اسلامی، حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، تهران ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۳۸۵ و ۳۸۶.

۷- آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، پرونده سیاوش پورفهمیده، شماره بازایی ۵۵۷۸.

۸- مجله صف (ماهنامه عقیدتی سیاسی ارتش جمهوری اسلامی)، مرداد ۱۳۵۹.

۹- سروش، سال دوم، شماره ۵۹، ۱۳۵۹/۴/۲۸.

یاد ایام ۱۳۸۹ تیر شماره ۵۸

کودتای نافر جام نقاب

دفتر واژه‌گزینی نظامی ستاد کل نیروهای مسلح در یک مصوبه، نام «کودتای نوژه» را با هدف حفظ کرامت و عزت امیرسرلشکر خلبان شهید محمد نوژه، به «کودتای نافر جام نقاب» تغییر داده است. تاکنون، یک کتاب محوری درباره این کودتا منتشر شده که اعمال این تغییر در آن ضروری به نظر می‌رسد.

به گزارش خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا بر اساس این مصوبه، همه فرماندهان، مسوولان و نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران موظف شدند که در نوشته‌ها و گفته‌های خود، به جای عنوان «کودتای نوژه» از ترکیب «کودتای نافر جام نقاب» استفاده کنند و پیشنهاد شده که تا ۶ ماه از این عبارت به شکل «کودتای نافر جام نقاب (کودتای نوژه)» استفاده شود.

کودتای نظامی و نافر جام نقاب یکی از مهم‌ترین فعالیت‌های برنامه‌ریزی شده کشورهای خارجی و مهره‌های شکست خورده رژیم پهلوی در سال‌های اول انقلاب است. اما هوشیاری ارتش جمهوری اسلامی ایران در سرکوبی آن در هجدهم تیر ماه سال ۱۳۵۹، اهمیت تاریخی و سیاسی بارزتری دارد.

آژانس جاسوسی آمریکا (سیا) به کودتای مذکور امید زیادی می‌بندد و آن را ضربه نهایی و قطعی بر پیکر نظام جمهوری اسلامی ایران می‌داند و اهمیتش را بیش از تجاوز نظامی صدام ارزیابی می‌کند. به گفته سران کودتا، مدتی بر سر تقدم آن یا آغاز جنگ تحمیلی عراق علیه ایران بحث بوده و سرانجام، کودتا در قدم اول و آغاز جنگ، در قدم دوم قرار می‌گیرند.

شهرت این کودتا به نام شهید محمد نوژه، یکی از غلط‌های فاحشی است که در معرفی این شهید ارتشی دوران انقلاب، تاثیر گذاشته است. محمد نوژه، خلبان داوطلبی بود که به فرمان امام خمینی(ره) در بیستم مرداد ۱۳۵۸، برای شکستن حلقه محاصره شهید دکتر مصطفی چمران در جنگ‌های نامنظم، به منطقه پاره پرواز کرد و در حین عملیات، به شهادت رسید و به همین دلیل، اسم پایگاه سوم شکاری همدان به نوژه تغییر پیدا کرد.

تنها کتاب محوری درباره کودتای نوژه، در سال ۱۳۶۷ با همین عنوان و به همت گروهی از محققان موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی نوشته و تدوین شده و تاکنون، به چاپ پنجم رسیده است.

پژوهشگران موسسه در مورد انتخاب نام شهید محمد نوژه برای کودتا، به مقدمه کتاب «کودتای نوژه» اشاره و تاکید کرده‌اند که چون قرار بود کودتاجیان، حرکت خود را از پایگاه شاهرخی همدان که به یاد شهید نوژه نامگذاری شده بود آغاز کنند، ناخودآگاه این نام را به خود گرفت.

آن‌ها یادآوری کردند که متأسفانه برای چاپ نخست کتاب، هیچ زندگی‌نامه‌ای درباره شهید محمد نوژه به دست نیاوردیم. اما در چاپ دوم و با کمک امیرسرتیپ محمدحسین معین‌پور، فرمانده وقت نیروی هوایی ارتش زندگی‌نامه مختصری از این شهید منعکس شد.

این محققان تاریخ افزودند که اگر بتوان از اسناد ارتش، در بازنگری کتاب استفاده کرد، قطعاً موجب تکمیل، جذاب و دقیق‌تر شدن اثر خواهد شد.

منبع :

خبرگزاری کتاب ایران

کودتای نوژه از ابتدا تا انتها

یکی از رویدادهای مهم تاریخ انقلاب اسلامی، کودتای معروف نوژه بود این کودتا به دلیل آنکه قرار بود از پایگاه هوایی شهید نوژه همدان آغاز شود به کودتای نوژه معروف گردید. آژانس جاسوسی آمریکا (سیا) به کودتای نوژه امید زیادی بسته بود و آن را ضربه نهایی و قطعی بر پیکر نظام نوپای جمهوری اسلامی می‌پنداشت و اهمیت آن را بیش از تجاوز نظام صدام ارزیابی می‌کرد. به گفته سران کودتا مدتی بر سر تقدم کودتا یا آغاز جنگ تحمیلی بحث شد و سرانجام بعد از سفر بنی‌عامری به پاریس در اسفند ماه، طرح کودتا بر شروع جنگ ارجحیت یافت. تدارک کودتا، با اهداف و زمان مشخص، در دستور کار بنی‌عامری، رهبر شاخه نظامی، قرار گرفت و سازمان نقاب (نجات قیام ایران بزرگ) برای مطالعه در خصوص بررسی راههای موفقیت کودتا در ستاد بختیار تشکیل شد.

مقدمه:

یکی از رویدادهای مهم تاریخ انقلاب اسلامی، کودتای معروف نوژه بود این کودتا به دلیل آنکه قرار بود از پایگاه هوایی شهید نوژه همدان آغاز شود به کودتای نوژه معروف گردید. آژانس جاسوسی آمریکا (سیا) به کودتای نوژه امید زیادی بسته بود و آن را ضربه نهایی و قطعی بر پیکر نظام نوپای جمهوری اسلامی می‌پنداشت و اهمیت آن را بیش از تجاوز نظام صدام ارزیابی می‌کرد. به گفته سران کودتا مدتی بر سر تقدم کودتا یا آغاز جنگ تحمیلی بحث شد و سرانجام بعد از سفر بنی‌عامری به پاریس در اسفند ماه، طرح کودتا بر شروع جنگ ارجحیت یافت. این کودتا چنان دقیق طرح‌ریزی شده که سیا موفقیت آن را قطعی می‌دانست و حتی اعلامیه‌های پیروزی آن آماده و در منازل برخی از کودتاچیان آماده بود. (۱)

طرح این کودتا از جمله تلاش‌هایی بود که سازمان سیا، رژیم بعث عراق، کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس و تعدادی از مخالفین نظام جمهوری اسلامی بطور مشترک آن را طراحی کردند که پیش از دستیابی به هر گونه هدفی، کشف و با شکست روبرو شد. (۲) آقای محمدی ری شهری در این خصوص می‌گوید: نزدیک غروب آفتاب روز ۱۳۵۹/۴/۱۷، آقای سعید حجاریان که با کمیته اداره دوم ارتش همکاری داشت به دفترم آمد و هیجان‌زده گفت کار

خصوصی دارم. ظاهراً چند نفر در دفتر بودند، به من نزدیک شد و گفت: امشب قرار است کودتا شود بدین سان با پیگیری کودتا کشف و خنثی شد. (۳)

شرح کودتا بدین قرار بود که بختیار آخرین نخست‌وزیر رژیم پهلوی به همراه غلامعلی اویسی از نظامیان نزدیک به محمدرضا پهلوی با هماهنگی برخی عناصر در داخل کشور درصدد برآمدند نظر آمریکار را درباره طرح یک کودتا و ساقط کردن نظام نوپای جمهوری اسلامی جویا شوند. (۴)

تدارک کودتا، با اهداف و زمان مشخص، در دستور کار بنی‌عامری، رهبر شاخه نظامی، قرار گرفت و سازمان نقاب (نجات قیام ایران بزرگ) برای مطالعه در خصوص بررسی راههای موفقیت کودتا در ستاد بختیار تشکیل شد. مثلث ریاست این سازمان به این صورت شکل گرفت که شاخه نظامی به رهبری بنی‌عامری، سیاسی به رهبری قادی و تدارکات به رهبری منوچهر قربانی فر بود.

اکثر اعضای شاخه سیاسی، اعضای حزب ایران و هواداران بختیار بودند. مهمترین وظیفه این شاخه هموار کردن زمینه عملیات نظامی و نیز به دست گرفتن قدرت سیاسی پس از کودتا بود. افراد این شاخه به نظام مشروطه سلطنتی وفادار بودند. آنان همزمان با انجام اقدامات سیاسی علیه نظام جمهوری اسلامی ایران، درصدد برآمدند برای کسب مشروعیت سیاسی، برخی رجال ملی و مذهبی را نیز با خود موافق سازند. شاخه تدارکات وظیفه تهیه پول، اسلحه، خانه، ماشین و دیگر لوازم مورد نیاز برای یک کودتای موفق را بر عهده داشت. پول در وهله اول از جانب کشورهای امریکا، انگلیس و عراق در اختیار ستاد کودتا - مستقر در پاریس - قرار می‌گرفت و سپس از طریق این ستاد به داخل کشور فرستاده می‌شد؛ و سپس از طریق این ستاد به داخل کشور فرستاده می‌شد؛ چنانکه در مدت کمتر از یک هفته این مبلغ به چیزی در حدود یکصد میلیون تومان در سال بالغ گردید. (۵)

شاخه نظامی ابتدا با سر دادن شعارهای ناسیونالیستی و تبلیغ این هشدار که ایران با قدرتیابی روحانیون به تدریج به کشور عربی تبدیل می‌شود، سعی در جذب نیرو داشت. آنان پرسنل شاغل و یا پاکسازی شده ارتش را به همکاری فرا خواندند و به این افراد برای تشویق بیشتر، مبالغی پول پرداخت می‌کردند. (۶) حجت‌الاسلام محمدی ری‌شهری - رئیس وقت دادگاه انقلاب ارتش - اعضای جذب شده شاخه نظامی را چنین برمی‌شمارد: تعدادی از امرای

اخراجی ارتش که حتی مدتی زندانی بودند عده‌ای بازخرید شده و یا کسانی که بازنشسته شده بودند. البته [آنان] تعدادی از افراد شاغل را هم فریب داده بودند. بنی‌عامری رئیس شاخه نظامی با استفاده از ارتباطات خود با برخی از عناصر اطلاعاتی شاغل در اداره دوم ارتش و مأمورین ساواک منحل، اقدام به شناسایی و جذب افراد، اعم از مشاغل، برکنار شده و تحت تعقیب می‌کرد تا از طریق تأمین کادر اطلاعاتی کودتا، اولاً شناسایی‌های لازم در بین نیروهای سه‌گانه نظامی میسر شود، دوماً امکان تأمین پوشش حفاظتی برای شبکه در برابر نیروهای اطلاعاتی جمهوری اسلامی فراهم گردد. (۷)

بنا بر اعترافات ستوان سیاوش پورفهمیده - از عوامل کودتا - رهبران شاخه نظامی بیشتر در صدد جذب آن دسته از افراد بازنشسته ارتش بودند که بعضاً از مشکلات مالی رنج می‌بردند. به این افراد تأکید می‌شد که افشای هر گونه اطلاعات به مرگ آنان منجر خواهد شد و لذا اکثر آنها از چگونگی انجام کودتا هیچ اطلاعی نداشتند. در واقع مقرر شده بود آنان پس از تجمع در پارک لاله و حرکت به سوی پادگان نوژه همدان، در جریان عملیات قرار گیرند. (۸) و شاخه نظامی پس از تلاش‌های فراوان، موفق شد شصت خلبان و پانصد تن از افراد فنی و نظامی، را برای شرکت در عملیات جذب کند. این شاخه به سران خود قول داده بود. پرواز بیش از سی هواپیما را تضمین کند. مهمترین پایگاه‌های هوایی که کودتاچیان در آن حضور داشتند علاوه بر پایگاه هوایی مهرآباد در تهران، پایگاه سوم هوایی نوژه در همان و پایگاه‌های وحدتی دزفول، اصفهان و تبریز بودند. در نیروی زمینی، بیش از همة لشکر ۱ (گارد جاویدان سابق و حوزه نفوذ اوپسی) مورد توجه قرار گرفت. علاوه بر این، لشکر ۲ و همچنین نیروی ویژه هواپرد (نوهده) پادگان جمشیدیه، ستاد نیروی زمینی، ژاندارمری و شهربانی نیز با کودتاگران همکاری داشتند. در خارج از تهران بیش از همه لشکر ۹۲ زرهی اهواز مورد توجه کودتاگران بود و سرهنگ عزیز مرادی علاوه بر بسیج و تسلیح شیوخ وابسته به عشایر عرب، وظیفه توجیه و جذب نیروهای داخل لشکر را بر عهده داشت. مرادی بیش از آنکه با سازمان کودتای نوژه در ارتباط قرار گیرد، سعی داشت با ایجاد شاخه نظامی برای جذب پان ایرانیست تحت رهبری پزشکپور به یک عملیات براندازی اقدام کند.

لشکر ۸۱ باختران و لشکر قزوین نیز تا حدودی با عوامل کودتا هماهنگ شده بودند. همچنین مقرر شده بود نیروهای شبه نظامی در روز کودتا در نقاط مختلف تهران اقدام به ایجاد آشوب

و درگیری نمایند. گروههای شبه نظامی تا بیست و چهار ساعت می‌بایست مطابق برنامه عمل می‌کردند و پس از آن می‌توانستند عملیات را به ابتکار خودشان پیش ببرند. غیر از پارک لاله (محل تجمع اصلی)، مقرر شده بود گروهی دیگر نیز اجرای عملیاتی را در پادگان لاهوتی (باغشاه) تهران بر عهده گیرند. بر اساس این طرح، مقرر بود، در کل سه گروه در سه نقطه تهران (پارک لاله، عباس‌آباد و نقطه‌ای در غرب تهران) دست به آشوب بزنند. یکی از فعالیت‌های مهم شاخه سیاسی کودتا - که تا اندازه زیادی هم موفقیت‌آمیز بود - تلاش جهت جلب حمایت تعدادی از روحانیون بود. آنان با شناخت کامل از جامعه ایران، نسبت به نقش مذهب و مشروعیت حاصل از آن در نظر مردم غافل نبودند. لذا از همان ابتدا به مثابه دیگر نیازهای کودتا، جایگزینی یک رهبر مذهبی را به جای امام خمینی (ره) مدنظر داشتند و برای این منظور بهترین گزینه را آیت‌ا... شریعتمداری تشخیص دادند. دو عامل سبب این انتخاب شده بود. یکی ناآرامی‌هایی که حزب جمهوری خلق مسلمان در حمایت از ایشان به راه انداخته بود و کودتاگران امیدوار بودند با جلب حمایت آیت‌الله شریعتمداری حمایت این حزب و اکثریت مردم استانهای آذری زبان را به دست آوردند. دیگر این که بختیار زمانی که در تدارک تصدی سمت نخست‌وزیری بود، به حمایت شریعتمداری از اقدام خود در برابر حضرت امام به عنوان مرجع شیعیان جهان اطمینان حاصل کرده بود. بدین ترتیب شریعتمداری بهترین گزینه در میان روحانیون برای همکاری و تأیید کودتا به حساب می‌آمد. (۹) علاوه بر وی، روحانیون دیگری مانند سید حسن قمی، روحانی و سید رضا زنجانی مستقیم یا غیرمستقیم در ارتباط با شبکه کودتا قرار داشتند. (۱۰) حجت‌الاسلام والمسلمین محمدی‌ری‌شهری حدود یک ماه پس از کودتا پرده از روی این مسأله برداشت و عنوان کرد که تعدادی از روحانیون که جزو افراد مسئول مملکتی نیستند، در ارتباط با کودتا بوده‌اند و علاوه بر آنها بعضی آقازاده‌ها نیز با کودتا هماهنگی داشته‌اند.

این مسأله برای جذب افراد جدید و کسانی که در همکاری با کودتاگران دچار تردید شده بودند، بسیار مفید واقع شد. سروان نعمتی - از عوامل اصلی کودتا - برای اقناع یکی از خلبانان که نسبت به مأموریت محوله دچار بیم و تردید شده بود. به او می‌گوید: خیلی‌ها از جمله شریعتمداری این کودتا را تأیید کرده‌اند. (۱۱) اکثر افراد کودتا را مورد تأیید روحانیون و وسیله نجات ایران و اسلام می‌پنداشتند. چنانکه ایرج درخشنده از ساواکی‌های جذب شده به کودتا - پس از دستگیری در این ارتباط، می‌گوید: بنی‌عامری می‌گفت با علما

و روحانیونی که طرفدار آیت‌الله شریعتمداری می‌باشند، دست به دست هم داده‌ایم تا یک اسلام نوین در سطح مملکت پیاده کنیم .

بدین ترتیب راه هر گونه مخالفت اعضا با اهداف کودتا که بعضا ضد انسانی و ضد اسلامی بود - بسته می‌شد بنا به اعترافات تیمسار محقی ، مسئولان شاخه سیاسی در پاسخ به پرسش عوامل کودتا مبنی بر این که در برابر واکنش مردم چه اقدامی باید انجام دهند . چون در صورت تیراندازی عده زیادی از مردم کشته خواهند شد ، به آنان می‌گفتند : وقتی امام خمینی را از میان بردارند ، فرد دیگری به جای ایشان خواهد نشست و از طریق رادیو و تلویزیون تمام آنچه را که امام گفته است ، او بر غلط بودن آن فتوا خواهد داد . تأیید کودتا به وسیله یک روحانی برجسته که توسط سران کودتا به اعضاء تفهیم می‌شد - تا اندازه‌ای برای این افراد مهم بود که بسیاری از آنان شخصا به بیت ایشان مراجعه کرده و درصدد دریافت پاسخ بودند . استوار عبدالعلی سلامت - از عوامل کودتا در پایگاه همدان - در اعترافات خود اذعان می‌کند که به هنگام مراجعه به بیت شریعتمداری ، تعدادی نظامی و خلبان را در آنجا دیده است که آنها نیز برای کسب اجازه در مورد یک برنامه به آنجا آمده بودند . هر چند وی موفق به دیدار شریعتمداری نگردید ، اما از خلبانی که در آنجا بود نقل می‌کند که وی گفته است : ظلم پایدار نمی‌ماند در واقع این اقدامات سران کودتا در راستای نزدیکی جستن به روحانیون با این اهداف صورت می‌گرفت که روحیه افراد را برای انجام عملیات کودتا چنان قاطعانه و خشن تقویت کنند که آنان بدون عذاب وجدان و تردید به هر عملی علیه مردم و دولت جمهوری اسلامی اقدام کنند . با توجه به نقش تعیین کننده و مهم نیروی هوایی در عملیات کودتا ، تعیین پایگاهی مناسب برای آغاز عملیات ضروری بود .

ویژگی‌های این پایگاه در نظر تئوریسین‌های نظامی کودتا بدین قرار بود :

۱- دارای هواپیما باشد

۲- به تهران نزدیک باشد

۳- خارج از شهر باشد

۴- عناصر مستعد و قابل جذب داشته باشد

۵- رهبران عملیات هوایی کودتا حداکثر آشنایی را با پرسنل و اماکن آن داشته باشند. (۱۲)

در نظر کودتاگران ضربه اصلی باید به تهران زده می‌شد تا با سقوط آن به عنوان مرکز سیاسی - اداری کشور، دیگر شهرها نیز تسلیم شوند.

بنابراین در ابتدا نظر بعضی از افراد شاخه نظامی و سیاسی بر این بود که پایگاه هوایی مهرآباد مرکز ثقل کودتا باشد. اما نگرانی از حضور و واکنش مردم در برابر پایگاه مهرآباد آنان را واداشت تا پایگاه دیگری را که از شرایط مناسبی برخوردار باشد. سرانجام پس از بررسی‌های نظامی پایگاه هوایی نوژه برای انجام عملیات انتخاب شد. که بعضی از سران کودتا مانند تیمسار سعید مهدیون، تیمسار محقق و نعمتی در آنجا دورانی را گذرانده و با محیط کاملاً آشنا بودند. (۱۳)

برای انجام عملیات زمینی علاوه بر شبه نظامیان حامی کودتا در تهران و نیز برخی یگانهای نظامی لشکر ۱ و ۲ و تیپ نوهه، لشکر زرهی ۹۲ اهواز به عنوان مهمترین پایگاه عملیاتی کودتا معین گردید. اعضای شاخه سیاسی و نظامی، پس از مطالعات و بررسی‌های زیاد، اهدافی را به عنوان نقاط حساس و کلیدی برای بمباران و تصرف انتخاب کردند تا به قول خودشان ضربه فلج‌کننده و غافلگیرانه‌ای را به جمهوری اسلامی وارد آورده و توان مقابله در برابر کودتاگران را از آنها بگیرند. بنابراین از مهمترین این اهداف، بمباران بیت امام بود که توسط سه هواپیما با زبده‌ترین خلبانان انجام می‌شد، زیرا در نظر کودتاجیان از بین رفتن امام خمینی (ره) به معنای پایان عمر جمهوری اسلامی بود. ستوان رکنی در اعترافات خود می‌گوید: بر سران کودتا کاملاً مشخص بود تا زمانی که امام زنده است، مردم با یک کلمه ایشان به خیابانها آمده و کودتا راعقیم خواهند کرد. (۱۵) بمباران و انهدام فرودگاه مهرآباد، دفتر نخست‌وزیری، ستاد مرکزی سپاه پاسداران، کمیته انقلاب، مجلس شورای اسلامی، (۱۶) تعدادی از پادگان‌های مهم، مدرسه فیضیه و چند نقطه مهم دیگر از جمله اهداف دیگر آنها بود. (۱۷)

مرحله دوم عملیات پس از پایان بمبارانهای هوایی، با عملیات نیروی زمینی آغاز می‌شد، در این مرحله می‌بایست چند نقطه حساس از جمله صدا و سیما بوسیله کودتاگران اشغال می‌شد که این کار بوسیله گروهی صد تا صد و پنجاه نفری انجام می‌شد از نقاط دیگر برای تصرف زندان اوین، ستاد ارتش، پادگانهای حر، قصر و جمشیدیه بود. (۱۸) هدف کودتاجیان

سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و روی کار آوردن یک دولت نظامی به مدت دو سال بود. و پس از آن طی برگزاری یک انتخابات (فرمایشی)، نوع حکومت معلوم می‌گردید. پس از لو رفتن کودتا، ستاد هماهنگی خنثی‌سازی توطئه متشکل از سپاه پاسداران و نیروی هوایی شکل گرفت و قرار بود دستگیری و تعقیب توطئه‌گران توسط این ستاد انجام پذیرد. (۱۹)

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در مصاحبه‌ای به تاریخ ۱۳۵۹/۴/۲۲ با رادیو درباره نحوه کسب اطلاع از کودتا چنین می‌گوید: حدود یک ماه و نیم پیش به ما اطلاع دادند که عوامل شاهپور بختیار در ایران و شبکه نظامی و تبلیغاتی شان بر سرعت اقدامات خود افزوده‌اند. در آن گزارش، برنامه‌های تبلیغاتی آنها مشخص و همینطور برنامه‌های نظامیشان و زمان اینکه چه وقت می‌خواهند توطئه را شروع کنند گزارش شد. من این مسأله را در شورای انقلاب مطرح کردم، آقای بنی‌صدر دوم از کانال دیگری آگاه شده بود. شورای انقلاب، سپاه را مسئول کرد که به همراه نیروهای ویژه‌ای از ارتش این جریان را تحقیق کنند و آنها را تعقیب کردند و وضعیتی پیش آمد که یک بازداشت صورت گرفت و عده‌ای از عوامل بختیار بازداشت شدند و این باعث شد که برنامه کودتا به هم بخورد و برای مدت نامعلومی به تأخیر بیفتد. ولی شورای انقلاب در جریان بود. (۲۰)

ابوالحسن بنی‌صدر، رئیس جمهور وقت که بعدها ارتباط وی با توطئه‌گران فاش شد. اطلاعات خود را از منابعی دیگر می‌داند، بنی‌صدر در یک سخنرانی نحوه اطلاع خود از کودتا را اینگونه بیان می‌کند: فرمانده سابق نیروی هوایی یک ماه و اندی پیش اطلاع داد که در نیروی هوایی مثلاً در میان چتربازها شاید هم به صراحت از نوژه حرف زد که یک تشکلهایی در حال انجام است. این خبر را ما به دستگاه اطلاعاتی برای تحقیق و پیگیری دادیم تا اینکه حدود سه هفته پیش از این معلوم شد اینها همان کودتاگرانند و آن وقت نیروی آنها حدود هفتاد تا هشتاد نفر ارزیابی می‌شد و ده نفر از آنها هم آن موقع برای ما شناخته شده بودند.

آقای ری شهری نیز نقطه عطف کشف این کودتا را صحبت میان دو نفر در تاکسی می‌داند که پس از آن تحقیق و کشف شبکه‌ای به نام نقاب در تیپ نوهه و در نتیجه دستگیری ۱۳ نفر در این رابطه رخ می‌دهد. (۲۱) و اما نظر مشهور به این صورت است که خلبانی که مأمور بمباران بیت حضرت امام بود، دچار تشویش و عذاب وجدان شده، شب قبل از آغاز عملیات

به منزل حضرت آیت‌الله خامنه‌ای می‌رود و موضوع را در آنجا بیان می‌کند. آیت‌الله خامنه‌ای جریان آن شب را چنین بیان می‌کنند: یک شبی من حدود اذان صبح دیدم که درب منزل ما را می‌زنند، بیدار شدم رفتم دیدم آقای مقدم است و می‌گوید که یک نظامی آمده با شما کار واجب دارد، به آن نظامی گفتم: تو از کجا می‌دانی؟ بنا کرد شرح دادن آن و... من دیدم مسأله خیلی جدی است و بایستی آن را پیگیری بکنیم و البته روایتی دیگر این چنین است که همزمان با این خلبان یکی از درجه‌داران تیپ نوهه به کمیته مستقر در اداره دوم ستاد مشترک مراجعه می‌کند و پس از افشای کودتا و اعتراف به این که قرار است به همراه یازده نفر دیگر در براندازی نظام جمهوری اسلامی شرکت کند، پاکتی حاوی بخشی از طرح عملیاتی کودتا را در اختیار کمیته فوق قرار می‌دهد. (۲۲)

پس از لو رفتن طرح کودتا، سپاه پاسداران، ارتش و کمیته انقلاب وارد عمل شده و دستگیری توطئه‌گران را آغاز می‌کنند. به همین منظور در اداره دوم ارتش برای ختشی سازی کودتا و جلوگیری از فرار عناصر اصلی و هر گونه اقدام از جانب آنها، گروه ویژه‌ای مرکب از آقایان تیمسار دادبین، سروان شهرام فر و سروان نوری تشکیل شد تا پس از اعزام به پایگاه هوایی نوژه، با همکاری نیروهایی که از قبل در آنجا مستقر بودند، به دستگیری و مقابله با کودتاگران اقدام نمایند. (۲۳) علاوه بر این در اداره دوم ارتش نیز مرکز فعالیت‌های ضد کودتا تحت نظارت محمد رضوی شکل گرفت که مستقیماً با حضرت آیت‌الله خامنه‌ای و آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در تماس بود و هر گونه اقدامات مرکز در هماهنگی با آنها صورت می‌گرفت.

اولین عملیات ضد کودتا از پارک لاله تهران واقع در بلوار کشاورز شروع شد که به عنوان محل تجمع کودتاگران برای انتقال به همدان در نظر گرفته شده بود. پاسداران انقلاب در اقدامی ضربتی موفق شدند تعدادی از آنها را دستگیر کنند. اما عده دیگری با چند دستگاه ماشین به سمت پایگاه نوژه حرکت کردند که در فاصله یک کیلومتری پایگاه نوژه دستگیر شدند. که قبل از دستگیری، درگیری میان دو طرف روی می‌دهد که ۶ نفر از کودتاچیان کشته می‌شوند. (۲۴) در نقاط دیگر کشور، از جمله در اصفهان، دو مینی‌بوس و یک دستگاه اتوبوس که حامل هفتاد نفر بودند در مسیر حرکت به سمت همدان با نیروهای سپاه درگیر که در نتیجه تعدادی کشته و زخمی و تعدادی بازداشت می‌شوند. در اهواز، در لشکر ۹۲ زرهی

اهواز ، یکی دیگر از مکانهای تجمع کودتاگران که با اقدام به موقع ، توطئه‌گران در اهواز نیز دستگیر شدند . با این حال سران اصلی کودتا و رؤسای سه شاخه آن موفق شدند از کشور فرار کنند ، بیشتر کسانی که دستگیر شدند ، از شاخه نظامی کودتا بودند ، در جریان دستگیری افراد دخیل در کودتا تعدادی نیز بی‌گناه بودند که پس از اثبات آزاد شدند - در این عملیات دو نفر به نامهای استوار یکم قربانی اصل و گروهبان اصغرخانی به شهادت رسیدند . (۲۵)

پی نوشتها:

۱. کودتای نوژه ، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی ، تهران ۱۳۶۷ ، صص ۳۶ و ۳۷

۲. همان ، ص ۳۷

۳. محمدی ری شهری ، محمد ، خاطره‌ها ، مرکز اسناد انقلاب اسلامی ، تهران ۱۳۸۳ ، ص ۱۰۵

۴. کودتای نوژه ، همان ، ص ۱۰۳

۵. ماهنامه زمانه ، تیر ۱۳۸۴ ، شماره ۳۴ ، صص ۳۶-۳۵

۶. روزنامه جمهوری اسلامی ، ۱۶/۱۱/۶۱

۷. مجله صف ، مرداد ۵۹ ، شماره ۴۴

۸. آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی ، کدهای ۵۵۷۸ و ۱۸۳۲۲

۹. ماهنامه زمانه ، همان ، ص ۳۶

۱۰. همان

۱۱. روزنامه جمهوری اسلامی ، ۱۶/۵/۵۹ ، شماره ۳۴۲

۱۲. ماهنامه زمانه ، همان ، ص ۳۷

۱۳. آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی ، کدهای ۱۸۳۴۹ و ۱۸۳۵۲

۱۴. روزنامه حیات نو ، ۱۳۸۰/۸/۲۰ ، شماره ۴۲۸

۱۵. کودتای نوژه ، همان ، ص ۱۵۴

۱۶. روزنامه کیهان ، ۵۹/۴/۲۳ ، شماره ۱۱۰۴۴

۱۷. همان ، ۵۹/۴/۲۱ ، شماره ۱۱۰۴۲

۱۸. کودتای نوژه ، همان ، ص ۱۵۵

۱۹. روزنامه کیهان ، ۵۹/۴/۲۳ ، شماره ۱۱۰۴۴

۲۰. روزنامه اطلاعات ، ۱۳۵۹/۴/۲۳

۲۱. همان

۲۲. کودتای نوژه ، همان ، صص ۱۹۱-۱۹۲

۲۳. آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی ، مصاحبه محمد مهدی کتیبه ، شماره‌های ۲۶۷۰ تا ۲۶۶۵

۲۴. روزنامه کیهان ، ۵۹/۴/۲۳ ، شماره ۱۱۰۴۴

۲۵. مجله صف ، مرداد ۵۹ ، شماره ۴۴

خبرگزاری فارس

کودتای نوژه و عوامل داخلی آمریکا

AEROSPACETALK.IR



هم زمان با تجاوز طبس، سازمان "سیا" از طریق شاپور بختیار در تدارک کودتای نوژه بود. تجاوز نظامی طبس و کودتای نوژه، دو حلقه یک زنجیر واحد بود که باید براندازی نظام جمهوری اسلامی را به ثمر می رساند. بختیار تحت فشار آمریکا و انگلیس به سازماندهی اجزاء کودتا برای مقابله همه جانبه با نظام جمهوری اسلامی شتاب بخشید. این مرحله، مرحله شناسایی و جذب گروه ها و دستجات و چهره هایی است که در پی فرار بختیار از ایران به طور فردی یا جمعی، در ارتباط با هم یا پراکنده، هر یک به نامی و به نحوی و به سودایی، به فعالیت علیه نظام جمهوری اسلامی پرداخته بودند. ۱

ممکن است برای بعضی، این سؤال پیش آید که چرا دولت آمریکا با یک حمله گسترده نظامی به جنگ با ایران نمی آید و از طریق کودتا در پی سرنگونی نظام جمهوری اسلامی برمی آید؟ در پاسخ این سؤال باید گفت که اولاً امکانات پشتیبانی و تدارکاتی آمریکا در آن زمان در حدی نبود که اجازه ی درگیر شدن ارتش آن کشور را در منطقه ای که هزاران

کیلومتر با خاک آمریکا فاصله دارد بدهد و از سوی دیگر تجربه شکست ویتنام و پیامدهای بحران زای داخلی و منطقه ای آن به آمریکا آموخته بود که مداخله مستقیم نظامی گسترده او به فاجعه خواهد انجامید. از سوی دیگر، تجربه شکست شوروی در باتلاق جنگ افغانستان نیز در برابر چشم آمریکا بود. لذا آمریکا رژیم حاکم بر عراق را به نیابت خود برای انجام طرح تجاوز گسترده نظامی برگزید، (دلایل این ادعا در صفحات آتی ارایه خواهد شد)، واشنگتن مدتی در این اندیشه بود که آیا اول کودتا را انجام دهد و یا حمله نظامی را از طریق عراق عملی کند؟ سرانجام به گفته یکی از سران کودتای نوژه، پس از سفر بنی عامری (که از طراحان کودتا بود) به پاریس در اسفندماه ۱۳۵۸، طرح حمله عراق در "تقدم ۲" قرار گرفت و "تقدم یک" به کودتا داده شد. ۲

بدیهی است که سازماندهی کودتا، با وسعتی که مورد نظر طراحان آن بود، بدون در اختیار داشتن منابع هنگفت مالی در حدی که نیازهای متنوع کودتا را تأمین کند میسر نبود. یکی از عناصر اصلی کودتا به نام ناصر رکنی در اعترافش اظهار داشته بود که پول در وهله اول از جانب کشورهای آمریکا، انگلیس و عراق در اختیار ستاد کودتا مستقر در پاریس نهاده می شد و از آن طریق به داخل کشور سرازیر می گشت؛ به طوری که در مدت کمتر از یک هفته، قریب به یک صد میلیون تومان ارسال گشت. ۳

ستاد فرماندهی پاریس مرکب بود از عده ای چهره های سیاسی و نظامی رژیم گذشته؛ افرادی چون جواد خادم، لطفعلی صمیمی، حسن نزیه و ... در ستاد سیاسی؛ و کسانی چون سرلشکر امیرفضلی، سرهنگ بای احمدی، سرهنگ صحبت محیطی و ... در ستاد نظامی فعالیت می کردند. علاوه بر اینها، نمایندگان اطلاعاتی آمریکا و اسرائیل و عراق نیز در ارتباط با ستاد بودند. وظیفه این ستاد علاوه بر ارایه طرح کودتا و انجام پشتیبانی های مختلف جهانی با کودتا، نیازهای مالی و لجستیکی سازمان بود.

نحوه ی عملیات نیز چنین بود که کودتا با استفاده از فرماندهان پیشین نیروی هوایی، ژاندارمری و واحدهای دیگر ارتش رژیم شاه انجام می شد و کشتی های جنگی بیگانه نیز در آستانه کودتا به سواحل ایران نزدیک می شدند و با حملات موضعی کودتا را یاری می نمودند و پس از وقوع کودتا، دول بزرگ از جمله دولت آمریکا بلافاصله دولت جدید را به رسمیت می شناختند. ۴

عملیات کودتا قرار بود به طور هم زمان در تهران و سایر شهرهای بزرگ به اجرا درآید و اماکنی مانند مدرسه فیضیه، اقامتگاه امام، کمیته مرکزی، نخست وزیری، میعادگاه های نماز جمعه و ... توسط هواپیماها بمباران شود. بنا بود کودتاگران در این بمباران از بمب های خوشه ای و آتش زا استفاده کنند. آنان حدود ۳۰ فروند هواپیما و ۶۰ نفر خلبان و حدود ۵۰۰ نفر افراد فنی و نظامی را برای شرکت در عملیات آماده کرده بودند. ۵ برخی از عناصر دستگیر شده، اهداف تعیین شده برای بمباران در تهران را به این ترتیب نام بردند: بیت امام در جماران، فرودگاه مهرآباد، مقر نخست وزیری، ستاد مرکزی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ستاد مرکزی کمیته انقلاب اسلامی، پادگان ولی عصر(عج)، پادگان امام حسین(ع)، پادگان خلیج، کمیته انقلاب اسلامی منطقه ۹، کمیته انقلاب اسلامی منطقه ۴، کاخ سعدآباد (چون آنجا را انبار مهمات می دانستند) و پادگان نوجوانان در لویزان. به گفته همه افراد دستگیر شده از جمله تیمسار محقق، بیت امام نخستین و مهمترین هدفی بود که باید بلافاصله بمباران می شد. ۶. حمله به بیت امام مرکز ثقل کودتا را تشکیل می داد و به معنای به دست آوردن کلید پیروزی کودتا بود. برای سران کودتا کاملاً مشخص بود تا زمانی که امام زنده است، مردم با یک کلمه ایشان به خیابان ها ریخته و عمل کودتا را عقیم خواهند کرد... به همین جهت از بین بردن امام یکی از مهم ترین هدف های کودتا بود و برای اجرای آن بیش از سایر هدف ها، هواپیماها و مهمات سنگین در نظر گرفته شده بود. ۷. در مورد نقش سازمان "سیا" و سایر کشورهای خارجی در این کودتا، ستوان ناصر رکنی در اعترافاتش می گوید:

« دو الی سه ماه بعد از پیروزی انقلاب، اولین تماس بین مأمورین سیا و یکی از دوستان بنی عامری در اروپا برقرار می شود و آنها بنی عامری را با بختیار مرتبط می سازند. تمامی هماهنگی های لازم بین کشورهای عضو بازار مشترک اروپا و ستاد دکتر بختیار در پاریس از طریق "سیا" انجام می گرفته است. هماهنگی بین اسرائیل و کشورهای مرتجع منطقه نظیر عربستان، مصر، و عراق، توسط نماینده سازمان "سیا" که در دفتر دکتر بختیار در پاریس است انجام می گرفته است.» ۸.

رضا مرزبان که از عناصر ستاد سیاسی بختیار بوده و در اواسط بهمن ماه ۱۳۵۸ به پاریس عزیمت کرد تا بختیار را در جریان تحولات ایران قرار دهد اظهار می دارد:

«من از ایشان (بختیار) و جواد خادم خواستم به من نیم ساعت فرصت بدهند تا آنها را از وضع کشور و آنچه از نزدیک شاهد آن بوده ام توجیه کنم و سپس شروع کردم به تفسیر درباره ی جو سیاسی موجود مملکت، وضعیت نیروهای سیاسی دست اندرکار مثل حزب جمهوری اسلامی، سازمان مجاهدین خلق، فداییان خلق، حزب توده، سازمان پیکار و گروه های مختلف. سپس به وضعیت پوسیده جبهه ملی و احزاب وابسته به آن پرداختم و اینکه در تهران به کمک دوستان خیلی سعی کردیم یک جبهه ملی فعال و در برگیرنده نسل جوان ایجاد کنیم اما به هر در که زدیم به سنگ خورد... سپس برای ایشان شرح دادم که مسأله گروگان گیری روی اقتصاد ایران اثر گذاشته است و اثراتش در بهار آینده (۱۳۵۹) شدیدتر می شود. به خصوص که کشورهای دوست آمریکا ممکن است عکس العمل نشان دهند... در مورد پاکسازی در ارتش نیز صحبت کردم و این که ارتش به شدت لطمه خورده است. سپس به وضع عراق پرداختم و این که صدام حسین از قرارداد ۱۹۷۵ و شکست ۱۹۷۳ سخت شرم زده است و ممکن است از ضعف ارتش ایران بهره برداری کند و...»^۹

با چنین گزارشی که مرزبان ارایه داد، مسلماً بختیار باید خرسند می شد، زیرا طبق تصویر ارایه شده از وضع داخلی، نظام جمهوری اسلامی هم به اعتبار شرایط حاد داخلی و هم به دلیل مواضع خصمانه غرب و ارتجاع منطقه، بایستی روند فلج شدن را طی کرده و مستعد ضربه پذیری می بود. در پی سفر مرزبان به پاریس و اطلاع بختیار از شرایط تازه کشور، بنی عامری نیز در روز پانزدهم اسفند ایران را به قصد فرانسه ترک کرد. او در پاریس با اعضای ستاد نظامی بختیار یعنی تیمسارامیرفضلی (رییس هواپیمایی ملی در دولت شریف امامی) و سرهنگ بای احمدی و پالیزبان و نیز با خود بختیار، جواد خادم و... ملاقات و گفتگو کرد. گزارش بنی عامری از تدارکات فراهم شده در نیروهای مسلح، مکمل تحلیل مرزبان از وضعیت آسیب پذیر جمهوری اسلامی شد و ستاد بختیار را به این نتیجه رساند که در بهار آینده (۱۳۵۹) این «تزلزل» در اوج است و چون از یک سو جمهوری اسلامی در بعد داخلی رو به فرسایش است و در بعد خارجی با فشارهای سنگین سیاسی و اقتصادی ناتو در آمریکا، و خطر نظامی رژیم عراق مواجه است و از سوی دیگر زمینه هایی نیز بین برخی از نظامیان و رجال سیاسی و تعدادی از روحانیون فراهم آمده، لازم است طرح اول تا نتیجه انجام «کار بزرگ» به بوته تعویق سپرده شود. کم و کیف «کار بزرگ» به واسطه فرار قادسی (از مسؤولین کودتا) از ایران همچنان پوشیده ماند ولی پس از شکست ماجرای طبس و متعاقب ملاقات سفرای آمریکا و

انگلیس در پاریس با بختیار برای کودتا، ضرب الاجل آن تعیین گردید. البته حق تقدم کودتا نسبت به طرح های دیگر از قبیل حمله عراق و مصر به ایران و تصرف خوزستان و اعلام "ایران آزاد"، پس از مسافرت بنی عامری به پاریس در ۱۵ اسفند ۱۳۵۸، مشخص شده بود. لازم به توضیح است که در تصویب اولویت کودتا نظرات نمایندگان سازمان "سیا" آمریکا و موساد اسرائیل و استخبارات عراق نقش مهمی داشت. وظیفه سه نماینده مذکور به ترتیب عبارت بود از: هماهنگی برنامه های ستاد بختیار با سیاست های آمریکا، قراردادن تجربیات جنگی برق آسای رژیم اشغال گر قدس و نحوه حداکثر بهره جویی از نیروی هوایی در ضربات نخست تهاجم در اختیار گروه نظامی ستاد، و ایجاد هماهنگی میان ستاد کودتا و نیروهای پالیزبان و طرح های تجاوزگرانه رژیم عراق ۱۰ ستوان ناصر رکنی در مورد نقش سایر گروه های سیاسی کشور در کودتا می گوید:

«صحبت بر سر این بود که آیا مجاهدین خلق در روز کودتا نقش شان چه خواهد بود و آنها آیا علیه ما اسلحه به دست می گیرند و یا به نفع ما اسلحه به دست می گیرند و بیرون می آیند؟ توضیحی که مهندس قادسی به تیمسار مهدیون و محقق می داد به این ترتیب بود که ما در حال مذاکره با هر دو گروه هستیم، هم مجاهدین و هم فداییان خلق. وی می گفت که ما زیاد تمایل نداریم که با فداییان خلق به نحوی وارد صحبت شویم و امتیاز به آنها بدهیم که بعداً برای خودمان تولید اشکال و دردسر بکند. ولی با مجاهدین خلق صحبت کرده ایم و به این نتیجه رسیده ایم که در آن روز به نفع ما نمی خواهیم وارد کار شوند. ما احتیاجی نداریم که آنها به نفع ما وارد عمل بشوند، همین قدر کفایت می کند که اگر احتمالاً فتوایی صادر شد و دستوری داده شد، اینها اسلحه به دست نگیرند و بر علیه ما وارد کار نشوند و کار ما را سنگین تر نکنند. همین برای ما کفایت می کند. وی می گفت که ما این قول را از مجاهدین خلق گرفته ایم که آن روز (روز کودتا) بی طرف بمانند. در عوض اینکه آن روز بی طرف می ماند، به آنها قول داده ایم که آزادی فعالیت سیاسی داشته باشند و هر نوع فعالیت سیاسی که بخواهند در نهایت آزادی انجام بدهند. ۱۱ در مورد دیگر افرادی که در کودتا مشارکت داشتند، در یکی از اسناد محرمانه سپاه پاسداران چنین آمده است:

«آقای مهندس اسفندیار درویش، مشاور صنعتی ریاست جمهوری، به همراه افرادی که از دیدگاه ما کاملاً مشخص می باشند، در کودتای نافرجام نوژه نقش فعال داشته با منوچهر

قربانی فر، سرشاخه مالی کودتاچیان همکاری نزدیک دارد و قبل و بعد از کودتا میلیون ها تومان پول رد و بدل کرده است. ۱۲

لازم به توضیح است که منوچهر قربانی فر از سال ۱۹۷۴ جزو منابع سری سازمان "سیا" بوده است. ۱۳

دیگر اسناد و مدارک کشف شده حاکی از آن بود که احمد روناس و منوچهر مسعودی (مشاور حقوقی بنی صدر) محور ارتباط بنی صدر و دفتر وی با بختیار و گروه به اصطلاح اپوزوسیون بودند. احمد روناس از اعضای کنفدراسیون (دانشجویان خارج از کشور) که بعد از انقلاب به ایران رفت و آمد داشت. ۱۴. ستوان رکنی در اعترافاتش در مورد رابطه حملات عراق به ایران در بهار سال ۱۳۵۹ با طرح کودتا می گوید:

«آشنایی کامل آمریکا با امکانات و مشخصات و نارسایی های ارتش ایران باعث می گردید پیشنهادات بنی عامری، مهدیون و محققى به سرعت مورد قبول قرار گرفته و روی آن اقدام لازم به عمل آید. برای روشن شدن مطلب ناچارم یک مسأله را دقیقاً شرح دهم... محققى و مهدیون نگران این موضوع بودند که چنانچه روابط خصمانه ایران و عراق به حالت عادى تبدیل شود، مهمات سنگین هواپیماها از روی آنها پیاده شد، و به انبارها منتقل گردد؛ در نتیجه در روز کودتا، هواپیماهای مسلح در اختیار نباشد، در نتیجه به حکومت جمهوری اسلامی فرصت مجهز شدن و مقابله داده شود. به همین جهت به بنی عامری پیشنهاد کردند که از طریق پاریس این مشکل حل شود تا حالت خصمانه هم چنان داغ نکه داشته شود. حملات گاه به گاه هوایی یا توپخانه ارتش عراق در بهار سال ۱۳۵۹ (قبل از کودتا)، ناشی از درخواست بنی عامری و هماهنگی نمایندگان سیا و موساد و عراق بود تا ارتش و نیروی هوایی (ایران) مجبور باشند هواپیماها را در زیر مهمات سنگین نکه دارند. ۱۵

خوشبختانه علی رغم همه این مقدمه چینی ها ضد انقلاب و سازمانهای جاسوسی بیگانه و دولت های مرتجع منطقه، توطئه کودتا با الطاف خدای متعال کشف و بسیاری از دست اندرکاران آن در روز هجدهم تیرماه ۱۳۵۹، چند ساعت پیش از اجرای کودتا شناسایی و دستگیر شدند و به این ترتیب یکی از خطرناک ترین طرح های آمریکا برای براندازی نظام جمهوری اسلامی ایران نقش بر آب گردید.

پی نوشت ها:

۱- کودتای نوژه. پیشین، ۱۱۵

برای توضیحات بیشتر در مورد رابطه تشکیلات بختیار با سازمان های جاسوسی آمریکا به بخش "ضمیمه" همین قسمت مراجعه شود.

۲- همان، ص ۱۱۵

۳- همان، ص ۱۲۱

۴- همان، ص ۲۳۴

۵- سید علی موسوی. "کودتا و ضد کودتا"، (تهران: دفتر نشر فرهنگی اسلامی، ۱۳۶۳) ص ۱۸۹

۶- کودتای نوژه، پیشین، ص ۱۵۳

۷- همان، ص ۱۵۴

۸- همان، ص ۲۰۶

۹- همان، دست نوشته های رضا مرزبان، ص ۱۱۱ و ۱۱۲

۱۰- همان، ص ۱۱۳

۱۱- همان، ص ۱۲۶ و ۱۲۷

۱۲- غائله چهاردهم اسفندماه ۱۳۵۹؛ ظهور و سقوط ضد انقلاب، پیشین، ص ۱۸۸

۱۳- Bob Woodward. OP .Cit, P130

۱۴- غائله چهاردهم اسفندماه ۱۳۵۹، پیشین، ص ۱۸۹

۱۵- کوتای نوژه، پیشین، ص ۲۰۶

سایت تسخیر

نافر جامی نوژه



تهدیدات داخلی و توطئه‌های درون‌مرزی نه تنها کم‌اهمیت‌تر از هجمه‌های خارجی نیستند بلکه به خاطر وجود عناصری همچون تشبه، تفرقه، خزندگی و بومی‌بودن اغلب خطرناک‌تر و مهلک‌تر هستند. حرکت‌های خارجی هر اندازه عظیم و سهمناک باشند، فاقد مشروعیت و بیگانه تلقی می‌شوند و لذا از قابلیت تاثیرگذاری چندانی بر روحیه ملی برخوردار نیستند و حتی به تقویت آن می‌انجامند. بنابراین بی‌دلیل و معنی نخواهد بود اگر تفرقه‌اندازی در نهضت مشروطه را از جنگ‌های ایران و روس زیانبارتر و کودتای ۲۸ مرداد را از اشغال نظامی شهرریور ۱۳۲۰ توسط بیگانگان مخرب‌تر قلمداد کنیم. از این رو، گرچه در طول تاریخ انقلاب اسلامی هجمه‌ها و تهدیدات گوناگون در قالب جنگ، ترور و... علیه نظام جمهوری اسلامی صورت گرفت، اما از این میان کودتای نافر جام نوژه سازمان‌یافته‌ترین و پیچیده‌ترین حرکت خرابکارانه‌ای بود که صورت گرفت و قصد آن نه تجزیه یا تاثیر در حاکمیت، بلکه واژگونی آن از داخل بود. این توطئه بزرگ سرانجام به یاری خداوند بر ملا شد و به دست نیروهای توانمند انقلاب خنثی گردید. مقاله حاضر کم‌و‌کیف این ماجرا را بازگو می‌کند.

پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، تحولات گسترده و عمیقی را در منطقه خاورمیانه و حتی در سطح جهان دوقطبی به همراه داشت. از جمله پیامدها و ویژگی‌های انقلاب اسلامی آن بود که منافع قدرتهای استکباری و به‌ویژه امریکا را مورد تهدید قرار داد. از همین رو، حرکتها و توطئه‌های گوناگونی، با هدف ازمیان‌بردن یا به‌انحراف کشیدن انقلاب طراحی شد، که این تحرکات با عنایت الهی و به برکت رهبری امام‌خمينی(ره) و هوشیاری مردم با شکست روبرو

شدند. طرح کودتای نوژه، از جمله تلاشهایی بود که سازمان سیا، رژیم بعثی عراق، کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس و تعدادی از نظامیان مخالف انقلاب اسلامی، به طور مشترک آن را طراحی کردند اما این طرح، پیش از دستیابی به هرگونه هدفی، کشف و با شکست روبرو شد. شاپور بختیار، به همراه اویسی و با هماهنگی برخی عناصر داخل کشور در صدد برآمدند نظر امریکا را درباره یک کودتا جويا شوند. در بهار سال ۱۳۵۸ سرهنگ محمدباقر بنی‌عامری سازماندهی نیروها را در داخل کشور برعهده گرفت و به واسطه سرهنگ بای احمدی - یکی از افسران ارشد - تمایل خود را برای انجام این مهم به اطلاع سرویسهای جاسوسی بیگانه رساند. [i] سازمانهای اطلاعاتی امریکا نیز بنی‌عامری را به تشکیلات بختیار معرفی کردند و این چنین همکاری بنی‌عامری با بختیار و هواداران او در حزب مردم ایران برای پیگیری طرحهای براندازی آغاز شد. هنوز هیچ طرح مشخصی برای کودتا وجود نداشت. علت این مساله را می‌توان در گزارش دونالد پگوبین - رئیس سابق پایگاه سیا در تهران - سراغ گرفت که می‌گوید: «در صورتی که ارتش از کسی طرفداری کند، اوضاع می‌تواند صورت دیگری پیدا کند، اما آنها (ارتشی‌ها) هنوز کاملاً وحشت‌زده‌اند. انضباطشان ضعیف است و اشتیاق حرفه‌ای هم عملاً وجود ندارد. رهبران احتمالی که به نظر برسد بتوانند اعتماد به نفس را به ارتش بازگردانند هنوز پدیدار نشده‌اند.» [ii]

با تصرف سفارت امریکا و شعله‌ور شدن هرچه بیشتر آتش دشمنی دولت ایالات متحده با انقلاب ایران، طرح کودتا با جدیت بیشتری دنبال شد. اما این طرح در نظر امریکاییان، با توجه به تسخیر سفارتشان (لانه جاسوسی)، در درجه دوم اهمیت قرار داشت؛ زیرا تجاوز نظامی به ایران برای نجات گروگانها برای آنان در اولویت اول قرار گرفت. در واقع پس از ناکامی نیروهای امریکایی در طبرس بود که تمام توجه آنها به گزینه‌هایی چون کودتا یا تجاوز نظامی یک کشور همسایه جلب شد و از این پس بود که ایده آخرین نخست‌وزیر رژیم پهلوی (شاپور بختیار) - که در پاریس اقامت گزیده بود - برای کودتا مورد توجه امریکا قرار گرفت. اعضای منفعل حزب ایران که وابسته به بختیار بودند در گزارشات خود به نامبرده، اوضاع ایران را بسیار آشفته و مهیا برای انجام کودتا ارزیابی می‌کردند. بنی‌عامری نیز راهی پاریس شد و در آنجا با اعضای ستاد نظامی بختیار - تیمسار امیرفضلی، سرهنگ بای احمدی، پالیزبان - و اعضای شاخه سیاسی حزب ایران دیدار و گفت‌وگو کرد. بختیار در دیدارش با سفرای امریکا و انگلیس (در پاریس)، آنان را متقاعد نمود که برنامه حمله عراق به ایران را به تعویق

بیندازند [iii] تا ابتدا طرح کودتا که از نظر آنان شانس بیشتری برای پیروزی داشت، به امتحان گذاشته شود.

تدارک کودتا، با اهداف و زمان مشخص، در دستور کار بنی‌عامری – رهبر شاخه نظامی – قرار گرفت و سازمان نقاب (نجات قیام ایران بزرگ) برای مطالعه در خصوص بررسی راههای موفقیت کودتا در ستاد بختیار تشکیل شد. مثلث ریاست این سازمان به این صورت شکل گرفت که شاخه نظامی به رهبری بنی‌عامری، سیاسی به رهبری قادی و تدارکات به رهبری منوچهر قربانی فر بود. [iv]

اکثر اعضای شاخه سیاسی، اعضای حزب ایران و هواداران بختیار بودند. مهمترین وظیفه این شاخه هموار کردن زمینه عملیات نظامی و نیز به دست گرفتن قدرت سیاسی پس از کودتا بود. افراد این شاخه به نظام مشروطه سلطنتی وفادار بودند. آنان همزمان با انجام اقدامات سیاسی علیه نظام جمهوری اسلامی ایران، در صدد برآمدند برای کسب مشروعیت سیاسی، برخی رجال ملی و مذهبی را نیز با خود موافق سازند. [v]

شاخه تدارکات وظیفه تهیه پول، اسلحه، خانه، ماشین و دیگر لوازم مورد نیاز برای یک کودتای موفق را بر عهده داشت. پول در وهله اول از جانب کشورهای امریکا، انگلیس و عراق در اختیار ستاد کودتا – مستقر در پاریس – قرار می‌گرفت و سپس از طریق این ستاد به داخل کشور فرستاده می‌شد؛ چنانکه در مدت کمتر از یک هفته این مبلغ به چیزی در حدود یکصد میلیون تومان در سال بالغ گردید. [vi]

شاخه نظامی ابتدا با سردادن شعارهای ناسیونالیستی و تبلیغ این هشدار که ایران با قدرتیابی روحانیون به تدریج به یک کشور عربی تبدیل می‌شود، سعی در جذب نیرو داشت. آنان پرسنل شاغل و یا پاکسازی شده ارتش را به همکاری فراخواندند و به این افراد برای تشویق بیشتر، مبالغی پول پرداخت می‌کردند. [vii]

حجت‌الاسلام محمدی ری‌شهری – رئیس وقت دادگاه انقلاب ارتش – اعضای جذب شده شاخه نظامی را چنین برمی‌شمارد: «تعدادی از امرای اخراجی ارتش که حتی مدتی زندانی بودند، عده‌ای بازخرید شده و یا کسانی که بازنشسته شده بودند. البته [آنان] تعدادی از افراد شاغل را هم فریب داده بودند. [viii] بنی‌عامری رئیس شاخه نظامی با استفاده از ارتباطات

خود با برخی از عناصر اطلاعاتی شاغل در اداره دوم ارتش و مامورین ساواک منحل، اقدام به شناسایی و جذب افراد، اعم از شاغل، برکنار شده و تحت تعقیب می‌کرد تا از طریق تامین کادر اطلاعاتی کودتا، اولاً شناسایی‌های لازم در بین نیروهای سه‌گانه نظامی میسر شود، دوماً امکان تامین پوشش حفاظتی برای شبکه در برابر نیروهای اطلاعاتی جمهوری اسلامی فراهم گردد.» [ix]

بنابر اعترافات ستوان سیاوش پورفهمیده - از عوامل کودتا - رهبران شاخه نظامی بیشتر در صدد جذب آن دسته از افراد بازنشسته ارتش بودند که بعضاً از مشکلات مالی رنج می‌بردند. [x] به این افراد تاکید می‌شد که افشای هرگونه اطلاعات به مرگ آنان منجر خواهد شد و لذا اکثر آنها از چگونگی انجام کودتا هیچ اطلاعی نداشتند. در واقع مقرر شده بود آنان پس از تجمع در پارک لاله و حرکت به سوی پادگان نوژه همدان، در جریان عملیات قرار گیرند. [xi]

شاخه نظامی پس از تلاشهای فراوان، موفق شد شصت خلبان و پانصدتن از افراد فنی و نظامی را برای شرکت در عملیات جذب کند. این شاخه به سران خود قول داده بود پرواز بیش از سی هواپیما را تضمین کند. [xii]

مهمترین پایگاههای هوایی که کودتاچیان در آن حضور داشتند علاوه بر پایگاه هوایی مهرآباد در تهران، پایگاه سوم هوایی نوژه در همدان و پایگاههای وحدتی دزفول، اصفهان و تبریز بودند.

در نیروی زمینی، بیش از همه لشکر ۱ (گارد جاویدان سابق و حوزه نفوذ اویسی) مورد توجه قرار گرفت. علاوه بر این، لشکر ۲ و همچنین نیروی ویژه هواپرد (نوهده)، پادگان جمشیدی، ستاد نیروی زمینی، ژاندارمری و شهربانی نیز با کودتاگران همکاری داشتند. در خارج از تهران بیش از همه لشکر ۹۲ زرهی اهواز مورد توجه کودتاگران بود و سرهنگ عزیزمرادی علاوه بر بسیج و تسلیح شیوخ وابسته عشایر عرب، وظیفه توجیه و جذب نیروهای داخل لشکر را برعهده داشت. مرادی پیش از آنکه با سازمان کودتای نوژه در ارتباط قرار گیرد، سعی داشت با ایجاد شاخه نظامی برای حزب پان ایرانیست تحت رهبری پزشکپور، به یک عملیات براندازی اقدام کند. [xiii]

لشکر ۸۱ باختران و لشکر قزوین نیز تا حدودی با عوامل کودتا هماهنگ شده بودند. همچنین مقرر شده بود نیروهای شبه‌نظامی در روز کودتا در نقاط مختلف تهران اقدام به ایجاد آشوب و درگیری نمایند. گروههای شبه‌نظامی تا بیست و چهار ساعت می‌بایست مطابق برنامه عمل می‌کردند و پس از آن می‌توانستند عملیات را به ابتکار خودشان پیش ببرند. غیر از پارک لاله (محل تجمع اصلی)، مقرر شده بود گروهی دیگر نیز اجرای عملیاتی را در پادگان لاهوتی (باغشاه) تهران بر عهده گیرند. براساس این طرح، مقرر بود در کل سه گروه در سه نقطه تهران (پارک لاله، عباس‌آباد و نقطه‌ای در غرب تهران) دست به آشوب بزنند. [xiv]

یکی از فعالیتهای مهم شاخه سیاسی کودتا — که تا اندازه زیادی هم موفقیت‌آمیز بود — تلاش جهت جلب حمایت تعدادی از روحانیون بود. آنان با شناخت کامل از جامعه ایران، نسبت به نقش مذهب و مشروعیت حاصل از آن در نظر مردم غافل نبودند. لذا از همان ابتدا به مثابه دیگر نیازهای کودتا، جایگزینی یک رهبر مذهبی را به‌جای امام خمینی (ره) مدنظر داشتند و برای این منظور بهترین گزینه را آیت‌الله شریعتمداری تشخیص دادند. دو عامل سبب این انتخاب شده بود: یکی ناآرامی‌هایی که «حزب جمهوری خلق مسلمان» در حمایت از ایشان به راه انداخته بود و کودتاگران امیدوار بودند با جلب حمایت آیت‌الله شریعتمداری حمایت این حزب و اکثریت مردم استانهای آذری‌زبان را به‌دست آورند. دیگر این که بختیار زمانی که در تدارک تصدی سمت نخست‌وزیری بود، به حمایت شریعتمداری از اقدام خود در برابر حضرت امام به‌عنوان مرجع شیعیان جهان اطمینان حاصل کرده بود. [xv] بدین ترتیب شریعتمداری بهترین گزینه در میان روحانیون برای همکاری و تأیید کودتا به حساب می‌آمد.

علاوه بر وی، روحانیون دیگری مانند سیدحسن قمی، روحانی و سیدرضا زنجانی مستقیم یا غیرمستقیم در ارتباط با شبکه کودتا قرار داشتند. [xvi] حجت‌الاسلام‌والمسلمین محمدی‌ری‌شهری حدود یک‌ماه پس از کودتا پرده از روی این مساله برداشت و عنوان کرد که تعدادی از روحانیون که جزو افراد مسئول مملکتی نیستند، در ارتباط با کودتا بوده‌اند و علاوه بر آنها بعضی آقازاده‌ها نیز با کودتا هماهنگی داشته‌اند.

این مساله برای جذب افراد جدید و کسانی که در همکاری با کودتاگران دچار تردید شده بودند، بسیار مفید واقع شد. سروان نعمتی — از عوامل اصلی کودتا — برای اقناع یکی از خلبانان که نسبت به مأموریت محوله دچار بیم و تردید شده بود، به او می‌گوید: «خیلی‌ها از

جمله شریعتمداری این کودتا را تایید کرده‌اند.» [xvii] اکثر افراد، کودتا را مورد تایید روحانیون و وسیله نجات ایران و اسلام می‌پنداشتند. چنانکه ایرج رخشنده - از ساواکی‌های جذب‌شده به کودتا - پس از دستگیری در این ارتباط، می‌گوید: «بنی‌عامری می‌گفت با علما و روحانیونی که طرفدار آیت‌الله شریعتمداری می‌باشند، دست‌به‌دست هم داده‌ایم تا یک اسلام نوین در سطح مملکت پیاده کنیم.» [xviii]

بدین ترتیب راه هرگونه مخالفت اعضا با اهداف کودتا - که بعضا ضدانسانی و ضداسلامی بود - بسته می‌شد. بنا به اعترافات تیمسار محقق، مسئولان شاخه سیاسی در پاسخ به پرسش عوامل کودتا، مبنی بر این که در برابر واکنش مردم چه اقدامی باید انجام دهند، چون در صورت تیراندازی عده زیادی از مردم کشته خواهند شد، به آنان می‌گفتند: وقتی امام خمینی را از میان بردارند، فرد دیگری به جای ایشان خواهد نشست و از طریق رادیو و تلویزیون تمام آنچه را که امام گفته است، او بر غلط بودن آن فتوا خواهد داد. [xix]

تایید کودتا به وسیله یک روحانی برجسته - که توسط سران کودتا به اعضا تفهیم می‌شد - تا اندازه‌ای برای این افراد مهم بود که بسیاری از آنان شخصا به بیت ایشان مراجعه کرده و درصدد دریافت پاسخ بودند. استوار عبدالعلی سلامت - از عوامل کودتا در پایگاه همدان - در اعترافات خود اذعان می‌کند که به هنگام مراجعه به بیت شریعتمداری، تعدادی نظامی و خلبان را در آنجا دیده است که آنها نیز برای کسب اجازه «در مورد یک برنامه» به آنجا آمده بودند. هرچند وی موفق به دیدار شریعتمداری نگردید، اما از خلبانی که در آنجا بود نقل می‌کند که وی گفته است: «ظلم پایدار نمی‌ماند.» [xx] در واقع این اقدامات سران کودتا در راستای نزدیکی جستن به روحانیون با این هدف صورت می‌گرفت که روحیه افراد را برای انجام عملیات کودتا چنان قاطعانه و خشن تقویت کنند که آنان بدون عذاب وجدان و تردید به هر عملی علیه مردم و دولت جمهوری اسلامی اقدام کنند.

باتوجه به نقش تعیین‌کننده و مهم نیروی هوایی در عملیات کودتا، تعیین پایگاهی مناسب برای آغاز عملیات ضروری بود. ویژگیهای این پایگاه در نظر تئورسین‌های نظامی کودتا بدین قرار بود: ۱- دارای هواپیما باشد ۲- به تهران نزدیک باشد ۳- خارج از شهر باشد ۴- عناصر مستعد و قابل جذب داشته باشند ۵- رهبران عملیات هوایی کودتا حداکثر آشنایی را با پرسنل و اماکن آن داشته باشند. [xxi] در نظر کودتاگران ضربه اصلی باید به تهران زده

می‌شد تا با سقوط آن به‌عنوان مرکز سیاسی - اداری کشور، دیگر شهرها نیز تسلیم شوند. بنابراین در ابتدا نظر بعضی از افراد شاخه نظامی و سیاسی بر این بود که پایگاه هوایی مهرآباد مرکز ثقل کودتا باشد، اما نگرانی از حضور و واکنش مردم در برابر پایگاه مهرآباد آنان را واداشت تا پایگاه دیگری را که از شرایط مناسبی برخوردار باشد، انتخاب کنند. سرانجام پس از بررسی‌های نظامی و استراتژیکی، پایگاه هوایی شهید نوژه همدان - در شصت کیلومتری این شهر - برای آغاز انجام عملیات مناسب تشخیص داده شد. این پایگاه علاوه بر دوری از شهر و دوربودن از دسترس مردم، به دلیل نزدیکی به مرزهای غربی - که به علت تهاجمات پراکنده زمینی و هوایی عراق هواپیماهای پایگاه دائماً مسلح بودند - به نفع کودتاگران بود. موضوع دیگری که انتخاب پایگاه هوایی نوژه را برای آغاز عملیات اولویت بخشید، این بود که تعدادی از سران کودتا، از جمله تیمسار محقق، مهدویون و سروان نعمتی در آنجا خدمت کرده بودند. [xxii]

برای عملیات زمینی، علاوه بر شبه‌نظامیان طرفدار کودتا در تهران و نیز برخی یگانهای نظامی لشکر ۱ و ۲ و تیپ نوهد، لشکر زرهی ۹۲ اهواز به‌عنوان مهمترین پایگاه عملیاتی کودتا معین گردید. علت انتخاب این محل، علاوه بر حضور چند تن از افسران و درجه‌داران فعال کودتا در این لشکر و امکان دسترسی به امکانات نظامی و لجستیکی، نزدیکی آنجا به مراکز نفتی و سهولت اشغال این مراکز در نخستین ساعات کودتا بود. [xxiii] نزدیک بودن اهواز به مرزهای عراق و کمک این کشور به کودتاچیان در صورت لزوم و همچنین وجود برخی عشایر مخالف حکومت ایران، از دیگر دلایل انتخاب این پایگاه به‌شمار می‌رفت.

اعضای شاخه سیاسی و نظامی، پس از مطالعات و بررسی‌های زیاد، اهدافی را به‌عنوان نقاط حساس و کلیدی برای بمباران و تصرف انتخاب کردند تا به قول خودشان ضربه فلج‌کننده و غافلگیرانه‌ای را به جمهوری اسلامی ایران وارد آورده و توان مقابله و تجهیزشدن در برابر کودتاگران را از آنها بگیرند. بنابراین مهمترین این اهداف، بمباران منزل حضرت امام خمینی(ره) در جماران بود که باید به وسیله سه هواپیما با بهترین خلبانها انجام می‌شد، زیرا در نظر آنها ازین رفتن امام به معنای پایان عمر جمهوری اسلامی بود. ستوان ناصر رکنی در اعترافات خود می‌گوید: «بر سران کودتا کاملاً مشخص بود تا زمانی که امام زنده است، مردم با یک کلمه ایشان به خیابانها ریخته و عمل کودتا را عقیم خواهند کرد.» [xxiv] از جمله

اهداف دیگری که انهدام آنها در نظر گرفته شده بود، فرودگاه مهرآباد، دفتر نخست‌وزیری، ستاد مرکزی سپاه پاسداران، ستاد مرکزی کمیته‌های انقلاب، مجلس شورای اسلامی، [xxv] تعدادی از پادگانهای مهم سپاه و کمیته، [xxvi] کاخ سعدآباد (چون آنجا را محل استقرار تعدادی از چریکهای فلسطینی می‌دانستند)، انبار مهمات کمیته مرکزی روبروی حسینیه ارشاد، کمیته مستقر در خیابان وزراء، انبار مهمات پادگان لویزان [xxvii] و انهدام مدرسه فیضیه قم بودند. [xxviii]

مرحله دوم عملیات پس از پایان یافتن بمبارانهای هوایی، با عملیات نیروی زمینی آغاز می‌شد. در این مرحله تصرف بعضی نقاط حساس پیش‌بینی شده بود. رادیو و تلویزیون به‌عنوان مهمترین و اصلی‌ترین هدف، باید به وسیله یک گروه صد تا صدوپنجاه نفری از اعضای تیپ نوهده و تعدادی از ساواکی‌های اخراج‌شده تصرف می‌شد. تصرف رادیو و تلویزیون برای کودتاگران به‌اندازه‌ای حائز اهمیت بود که چنانچه عملیات تصرف موفقیت‌آمیز انجام نمی‌شد، می‌بایست هواپیماها آن را بمباران کرده و از بین می‌بردند. دومین هدف مهم، تصرف زندان اوین بود تا به یاری زندانیان آزادشده طرفدار کودتا، اقدامات خود را وسعت دهند و همچنین محلی برای نگهداری افراد دستگیرشده داشته باشند. [xxix] فرودگاه مهرآباد، ستاد ارتش، ستاد نیروی دریایی، پادگانهای حر، قصر و جمشیدیه از مهمترین مناطق دیگر برای تصرف بودند. پادگان قصر وظیفه پشتیبانی از کلیه مراکز تسخیرشده را برعهده داشت. [xxx]

قرار بر این بود که پس از تسخیر رادیو و تلویزیون، بلافاصله به مدت سه شبانه روز حکومت نظامی اعلام شود و در طی این مدت با اعدامهای دسته‌جمعی خیابانی و همچنین با باج‌دهی به مدافعان انقلاب و تایید کودتا به‌وسیله روحانیون همسو با آن، قدرت خود را تثبیت نمایند. شورای نظامی کشور برای تاریخ ۱۳۵۹/۴/۲۱ اعلامیه‌ای بدین‌شرح ترتیب داده بود: «همقطاران عزیز! ساعت موعود فرا رسید، ارتش وطن‌پرست ایران حکومت پوسیده آخوندها را برچید. کلیه واحدهای ارتش، ژاندارمری و شهربانی اعلام همبستگی نمودند. هرگونه مقاومت به‌شدت سرکوب خواهد شد. آماده اخذ دستورات باشید.» [xxxi]

هدف کودتاگران برانداختن رژیم جمهوری اسلامی و روی کار آوردن یک دولت صددرصد نظامی به مدت دو سال بود. شخص بختیار در این مدت فقط نخست‌وزیر ظاهری بوده و

قدرت سیاسی را اداره می‌کرد. در این دوره به هیچ حزب و گروه سیاسی اجازه فعالیت داده نمی‌شد و پس از دو سال طی برگزاری انتخابات، نوع حکومت – جمهوری دموکراتیک و یا رژیم سلطنتی – معلوم می‌گردید. [xxxii]

مسئولان و مقامات جمهوری اسلامی اعلام کردند که حداقل یک‌ماه پیش از موعد مقرر برای انجام کودتا، با آگاهی از کم‌وکیف آن به توسط برخی عناصر در آن نفوذ کرده بودند. پس از لو رفتن عملیات کودتا، ستاد هماهنگی خنثی‌سازی توطئه، شامل ستاد مشترکی از سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و نیروی هوایی شکل گرفت و قرار بود دستگیری و تعقیب توطئه‌گران توسط این ستاد انجام پذیرد. [xxxiii] حجت‌الاسلام والمسلمین ری‌شهری، نقطه عطف کشف این توطئه را صحبت میان دو نفر در تاکسی می‌داند که پس از آن تحقیق و کشف شبکه‌ای به نام نقاب در تیپ نوهد و در نتیجه دستگیری سیزده نفر در این رابطه رخ می‌دهد. اما این افراد هیچ کدامشان از وسعت کودتا اطلاعی نداشتند. [xxxiv] البته ری‌شهری در جای دیگری اطلاع از کودتا را به گروهی از دانشجویان نظامی متعهد و مسلمان نسبت می‌دهد که در شبکه کودتاگران نفوذ کرده بودند و از چهار الی پنج ماه قبل از وقوع آن، به کسب اطلاعات می‌پرداختند. وی یادآور می‌شود این دانشجویان با نظر مقامات با کودتاگران همکاری می‌کردند. با این حال، حتی آنان نیز از زمان دقیق وقوع کودتا بی‌اطلاع بودند. [xxxv]

هاشمی‌رفسنجانی در تاریخ ۱۳۵۹/۴/۲۲ در مصاحبه‌ای با صدای جمهوری اسلامی درباره نحوه کسب اطلاع از کودتا چنین می‌گوید: «حدود یک‌ماه‌ونیم پیش به ما اطلاع رسید که عوامل بختیار در ایران و شبکه نظامی و تبلیغاتی‌شان بر سرعت فعالیت‌های خود افزوده‌اند. در آن گزارش اولی که به ما دادند، برنامه تبلیغاتی آنها مشخص و برنامه نظامی‌شان هم مشخص بود و زمان این که چه وقت می‌خواهند شروع کنند، گزارش شد. من این مساله را در شورای انقلاب مطرح کردم، معلوم شد آقای بنی‌صدر هم از کانال دیگری مطلع شده بودند که چنین عوامل نظامی مشغولند. شورا، سپاه را مسئول کرد که به همراه نیروهای مخصوصی از ارتش این جریان را تحقیق بکنند و آنها را تعقیب کردند و وضعی پیش آمد که یک بازداشت صورت گرفت و عده‌ای از عوامل بختیار بازداشت شدند و این باعث شد که برنامه‌های کودتاچیان به هم بخورد و برای مدت نامعلومی به تاخیر بیفتد. ولی شورای انقلاب در جریان بود.» [xxxvi]

بنی صدر – رئیس جمهور وقت – که بعدها رابطه وی با کودتاچیان فاش شد، اطلاعات خود را از منابعی دیگر می‌داند. او در یک سخنرانی منابع خبری خود و نحوه اطلاع از انجام کودتا را به شرح ذیل بیان می‌کند: «فرمانده سابق نیروی هوایی یک‌ماه و اندی پیش اطلاع داد که در نیروی هوایی مثلاً در میان چتربازها شاید هم به صراحت از نوژه حرف زد که یک تشکلهایی در حال انجام است. این خبر را ما به دستگاه اطلاعاتی برای تحقیق و پیگیری دادیم تا اینکه حدود سه هفته پیش از این معلوم شد اینها همان کودتاگرانند و آن وقت نیروی آنها حدود هفتاد تا هشتاد نفر ارزیابی می‌شد و ده نفر آنها هم آن موقع برای ما شناخته شده بودند.» [xxxvii] ریاست اداره دوم ارتش در آن زمان خاطرات خود را در این ارتباط چنین بیان می‌کند: «ما به واسطه یکی از عناصر حزب توده که در بین کودتاچیان نفوذ کرده بود، تقریباً یک هفته قبل از کودتا از کم‌وکیف آن آگاه بودیم و حتی روز و ساعت انجام آن را می‌دانستیم. کما اینکه همین خبر را به‌نحوی دیگر به رئیس‌جمهور بنی صدر هم داده بودند.» [xxxviii]

و اما نظریه مشهور به این صورت است: خلبانی که مامور بمباران بیت حضرت امام (ره) بود، دچار عذاب وجدان و تشویش شده، شب قبل از کودتا به منزل حضرت آیت‌الله خامنه‌ای می‌رود و موضوع را در آنجا بیان می‌کند. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای جریان آن شب را چنین بیان می‌نماید: «یک‌شب من حدود اذان صبح دیدم که در منزل ما را می‌زنند [...] بیدار شدم رفتم دیدم آقای مقدم است و می‌گوید که یک ارتشی آمده با شما کار واجب دارد [...] به آن ارتشی گفتم چه کار دارید؟ گفت: کار واجبی دارم و فقط به خود شما می‌گویم و شاید یادم نیست گفت مربوط به کودتاست [...] گفت: کودتایی بناست بشود. گفتم: تو از کجا می‌دانی؟ بنا کرد شرح دادن آن و [...] من دیدم مساله خیلی جدی است و بایستی آن را پیگیری بکنیم.» [xxxix] البته همزمان با این خلبان یکی از درجه‌داران تیپ نوهده به کمیته مستقر در اداره دوم ستاد مشترک مراجعه می‌کند و پس از افشای کودتا و اعتراف به این که قرار است به همراه یازده نفر دیگر در براندازی جمهوری اسلامی شرکت کند، یک پاکت حاوی بخشی از طرح عملیاتی کودتا را در اختیار کمیته فوق قرار می‌دهد. [xl]

با اینکه روایت اخیر قریب به یقین است اما در میان رهبران و عوامل اصلی کودتا در خارج از کشور هنوز پس از سپری شدن بیش از دو دهه از آن، در مورد چگونگی اطلاع مسئولین

جمهوری اسلامی از عملیات کودتا اختلاف نظر وجود دارد. برخی از دست‌اندرکاران کودتای نوژه معتقدند که یکی دو تماس تلفنی بدون اجازه در آخرین ساعات پیش از کودتا توسط یکی از عوامل از تهران با بختیار در پاریس موجب لورفتن عملیات شد. [xli]

پس از لورفتن عملیات کودتا، آنگاه نوبت به نیروهای انتظامی جمهوری اسلامی ایران اعم از سپاه پاسداران، کمیته و ارتش رسید تا با پیگیری این جریان تمامی افراد مرتبط با کودتا را دستگیر نمایند. به‌همین منظور در اداره دوم ارتش برای خنثی‌سازی کودتا و جلوگیری از فرار عناصر اصلی و هرگونه اقدام از جانب آنها، گروه ویژه‌ای مرکب از آقایان تیمسار احمد دادبین، سروان شهید شهرام‌فر و سروان نوری تشکیل شد تا پس از اعزام به پایگاه نوژه، با همکاری نیروهایی که از قبل در آنجا مستقر بودند، به دستگیری و مقابله با کودتاچیان اقدام نمایند. [xlii] علاوه بر این در اداره دوم ارتش نیز مرکز فعالیتهای ضد کودتا تحت نظارت محمد رضوی شکل گرفت که مستقیماً با حضرت آیت‌الله خامنه‌ای و آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در تماس بود و هرگونه اقدامات مرکز در هماهنگی با آنها صورت می‌گرفت.

اولین عملیات ضد کودتا از پارک لاله تهران شروع شد که به‌عنوان محل تجمع کودتاگران برای انتقال به همدان در نظر گرفته شده بود. نیروهای سپاه پاسداران در اقدامی ضربتی موفق شدند تعدادی از آنها را دستگیر کنند. اما عده دیگری با چند دستگاه ماشین به سمت پایگاه هوایی نوژه حرکت کردند که در سهراهی تهران – همدان در محلی واقع در یک کیلومتری پایگاه نوژه توسط افرادی از سپاه و ژاندارمری دستگیر شدند. البته در درگیری فیمابین شش نفر از کودتاچیان کشته شدند، [xliii] و چون درگیری به داخل پایگاه کشیده نشد، تعداد تلفات کم بود. در نقاط دیگر، از جمله در اصفهان، دو مینی‌بوس و یک اتوبوس حامل گروهی در حدود هفتاد نفر از پرسنل پایگاه اصفهان، در مسیر حرکت به سوی پایگاه نوژه با پاسداران انقلاب اسلامی درگیر شدند که در نتیجه تعدادی از آنها کشته، دستگیر و یا متواری شدند. [xliv] لشکر ۹۲ زرهی اهواز – یکی دیگر از محلهای تجمع کودتاگران – نیز با اقدام سریع نیروهای ضد کودتا از انجام هرگونه فعالیتی باز ماند و تعدادی از کودتاچیان دستگیر شدند. [xlv] با این حال سران اصلی کودتا و روسای سه شاخه آن موفق شدند از کشور فرار کنند. بیشتر کسانی که دستگیر شدند، از افراد شاخه نظامی بودند.

وسعت توطئه و شدت عمل نیروهای انقلابی، دستگیری افراد زیادی را در پی داشت که البته عده زیادی پس از آن که بی‌گناهی آنان ثابت شد، آزاد گردیدند. از جمله این افراد، یک عده شصت نفری در کرمان بودند که هیچ ارتباطی با کودتا نداشتند. [xlvi] در جریان کشف و خنثی‌سازی این کودتا، دو نفر از نیروی هوایی ارتش به نامهای استوار یکم قربانی اصل و گروهبان یکم اصغرخانی به شهادت رسیدند.

این کودتا، با این شکل و در آن شرایط سالهای اول پیروزی انقلاب، مسلماً برای ارتش تبعات منفی به دنبال داشت. پس از شکست کودتای نوژه، حمله‌های تبلیغاتی زیادی در داخل کشور علیه ارتش انجام شد و حتی عده‌ای پیشنهاد انحلال ارتش و جایگزینی سپاه را مطرح نمودند. در این بین شهید سرافراز دکتر چمران به‌عنوان وزیر دفاع طی بیاناتی در مجلس شورای اسلامی ضمن انتقاد از بی‌مهری‌هایی که در حق ارتش صورت گرفته، اقدام تعدادی از پرسنل ارتش برای انجام کودتا را با اعتقادات کلیت ارتش قابل مقایسه ندانسته و اعلام کرد این‌گونه رفتارها در حق ارتش تنها به تضعیف آن منجر شده و شادی دشمنان و خواست قلبی آنها را به دنبال خواهد داشت. سرلشکر مرحوم ظهیرنژاد نیز در آن زمان بارها و بارها نسبت به هرگونه جفا و بی‌مهری در حق ارتش هشدار داد. حجت‌الاسلام والمسلمین محمدی‌ری شهری که خود به‌عنوان حاکم شرع دادگاههای انقلاب ارتش در جریان کامل کودتا قرار داشت، در مورد تضعیف ارتش به ملت هشدار داد و گفت: «نباید ارتش را تضعیف کرد. ارتش کنونی ما از تهمت‌هایی که به آن نسبت می‌دهند مبرا است و به ارتش فعلی تهمت کم‌کاری نمی‌چسبد. این همان ارتشی است که با ضدانقلاب در گنبد و کردستان و با عوامل بعث عراق، پالیزبان، بختیار، امریکا و اسرائیل می‌جنگد.» [xlvii]

با این حال علیرغم این که ارتش، وفاداری خود را به انقلاب بارها در جریانات مختلف به اثبات رسانده بود، اما زمزمه‌ها، در تضعیف و مقابله ارتش بعد از کشف این کودتا همچنان وجود داشت، تا اینکه بنیانگذار انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی(ره) در دیدار روز چهارم مردادماه خود با سران ارتش سخنرانی مهمی در پشتیبانی از ارتش بیان داشتند. با این سخنرانی به همه اتهاماتی که از سوی برخی افراد و گروهها علیه ارتش صورت می‌گرفت، پایان داده شد.

پی‌نوشت‌ها

- [۱]— کودتای نوژه، موسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی، تهران، ۱۳۶۸، ص ۱۰۳
- [۲]— اسناد لانه جاسوسی، جلد ۵۵، مرکز نشر لانه جاسوسی، تهران، ۱۳۶۵، صص ۳۱ و ۳۰
- [۳]— کودتای نوژه، همان، ص ۱۱۳
- [۴]— آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، مصاحبه با مهدی کتیبه، شماره بازیابی‌های ۲۶۷۰ تا ۲۶۶۵
- [۵]— کودتای نوژه، همان، ص ۱۱۹
- [۶]— کودتای نوژه، همان، صص ۱۲۳ و ۱۲۲
- [۷]— روزنامه جمهوری اسلامی ۶۱/۱۱/۱۶ شماره ۱۰۶۹
- [۸]— مجله صفا، مرداد ۱۳۵۹، شماره ۴۴
- [۹]— کودتای نوژه، همان، ص ۱۱۵
- [۱۰]— آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، کدهای ۵۵۷۸ و ۱۸۳۲۲ اسناد سیاوش پورفهمیده.
- [۱۱]— همان، کد ۵۵۸۷
- [۱۲]— روزنامه جمهوری اسلامی، ۶۱/۱۱/۱۶، شماره ۱۰۶۹
- [۱۳]— کودتای نوژه، همان، ص ۱۱۷
- [۱۴]— روزنامه کیهان، ۵۹/۴/۲۳، شماره ۱۱۰۴۴
- [۱۵]— ایران و امریکا، بررسی سیاستهای امریکا در ایران، حسن واعظی، تهران، ۱۳۷۹، ص ۱۱۱
- [۱۶]— کودتای نوژه، پیشین، صص ۱۲۱ و ۱۲۰
- [۱۷]— روزنامه جمهوری اسلامی، ۵۹/۵/۱۶، شماره ۳۴۲
- [۱۸]— کودتای نوژه، همان، صص ۱۲۱ و ۱۲۰

- [۱۹]— همان، صص ۱۲۰ و ۱۱۹
- [۲۰]— همان، ص ۱۷۹
- [۲۱]— همان، ص ۱۴۷
- [۲۲]— آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، کدهای ۱۸۳۵۲ تا ۱۸۳۴۹، اسناد سعید مهدیون.
- [۲۳]— روزنامه حیات نو، ۱۳۸۰/۸/۲۰ شماره ۴۲۸
- [۲۴]— کودتای نوژه، همان، ص ۱۵۴
- [۲۵]— آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، کد ۵۵۸۷، اسناد ایرج سلطان جی
- [۲۶]— کودتای نوژه، همان، ص ۱۵۳
- [۲۷]— روزنامه کیهان، ۵۹/۴/۲۳، شماره ۱۱۰۴۴
- [۲۸]— همان، ۵۹/۴/۲۴، شماره ۱۱۰۴۵
- [۲۹]— کودتای نوژه، همان، ص ۱۵۵
- [۳۰]— همان، ص ۱۵۶
- [۳۱]— همان، ص ۱۵۹
- [۳۲]— روزنامه کیهان، ۵۹/۴/۲۳، شماره ۱۱۰۴۴
- [۳۳]— روزنامه کیهان، ۵۹/۴/۲۱، شماره ۱۱۰۴۲
- [۳۴]— مجله صف مرداد ۵۹، شماره ۴۴
- [۳۵]— روزنامه اطلاعات، ۵۹/۴/۲۳
- [۳۶]— همان، ۵۹/۴/۲۳
- [۳۷]— همان، ۵۹/۴/۲۴

[۳۸] — آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، مصاحبه با مهدی کتیبه، شماره بازبایی های ۲۶۲۰ تا ۲۶۶۵

[۳۹] — کودتای نوژه، پیشین، صص ۱۹۲، ۱۹۱

[۴۰] — همان، ص ۱۹۲

[۴۱] — روزنامه حیات نو ۸۰/۸/۲۰

[۴۲] — آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، همان.

[۴۳] — روزنامه کیهان، ۵۹/۴/۲۳، شماره ۱۱۰۴۴

[۴۴] — همان، ۵۹/۴/۲۲، شماره ۱۱۰۴۳

[۴۵] — همان، ۵۹/۴/۲۱، شماره ۱۱۰۴۳

[۴۶] — مجله صف، مرداد ۵۹، شماره ۴۴

[۴۷] — روزنامه اطلاعات، ۵۹/۵/۵، شماره ۱۶۲۰۰

نشریه زمانه

نگاهی دوباره به پرونده کودتای نافرجام پایگاه هوایی نوژه



پایگاه هوایی شهید نوژه در ۵۰ کیلومتری شهر همدان قرار داشت و تیمسار محقق، تیمسار سعید مهدیون، سروان حمید نعمتی، سروان ایرج ایران نژاد و چند تن دیگر از سران کودتا در آنجا خدمت کرده بودند و اماکن و پرسنل پایگاه را می‌شناختند. برای تصرف پایگاه نوژه به عنوان کلید عملیات کودتا قرار بود ۱۲ تیم مرکب از یکصد تن از کلاه سبزیهای تیپ نوهده، ۳۰۰ تا ۴۰۰ نفر از فریب خوردگان ایل بختیاری و ۱۲ نفر راهنما از داخل پایگاه به فرماندهی سرگرد کوروش آذرتاش جهت تصرف پایگاه نوژه وارد عمل شوند. با رسیدن هواپیماها به تهران قرار بود بیت حضرت امام(ره)، فرودگاه مهرآباد، دفتر نخست وزیری، ستاد مرکزی سپاه پاسداران، ستاد مرکزی کمیته‌های انقلاب، پادگان ولی عصر(عج)، پادگان امام حسین(ع) و چند نقطه مهم دیگر بمباران شود.

از اولین روزهای پیروزی انقلاب اسلامی ایران، آمریکا تلاش گسترده‌ای را برای به سازش کشاندن انقلاب یا سقوط آن آغاز کرد. آمریکا به دلیل اطلاعات و تحلیل‌های غلط تصور می‌کرد قادر است در اندک زمانی رویدادهای ایران را همچون دوران پهلوی در اختیار بگیرد؛ بنابراین به انواع حيله‌ها علیه جمهوری اسلامی متوسل شد که یکی از این توطئه‌ها، کودتای پایگاه هوایی شهید نوژه بود.

جمهوری اسلامی ایران در تاریخ پنجم فروردین سال ۱۳۵۸ با خروج از پیمان نظامی «ستو» اعلام کرد که دیگر حافظ منافع آمریکا در منطقه نیست. آمریکا، به دلیل اطلاعات و تحلیل‌های غلط تصور می‌کرد قادر است در اندک زمانی رویدادهای ایران را همچون

دوران پهلوی در اختیار بگیرد؛ بنابراین به انواع حيله‌ها عليه جمهوری اسلامی متوسل شد که یکی آنها، کودتای پایگاه هوایی شهید نوژه بود.

*برنامه ریزی برای کودتا

در دی ۱۳۵۸ یکی از هواداران شاپور بختیار، به نام مهندس قادسی، نمودار سازمانی را تهیه کرد و نام آن را نقاب گذاشت، نام نقاب جمع حروف اول «نجات قیام انقلاب بزرگ» بود و سازمان دارای شورایی شامل مسئول تهران، مسئول امور شهرستان‌ها، مسئول امور وزارتخانه‌ها، مسئول امور دانشگاه‌ها، انتشارات و تبلیغات، مسئول امور ایلات و مسئول امور چریکی بود.

از نظر مسئولان نقاب، فتح تهران مساوی با پیروزی در سراسر کشور بود و با تصویری که از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ داشتند فکر می‌کردند با سقوط تهران همه کشور تسلیم آنها می‌شوند.

*علل انتخاب پایگاه نوژه

سران کودتا برای شروع کار در صدد به اختیار گرفتن یک پایگاه نظامی بر آمدند که دارای هواپیما، به تهران نزدیک، در خارج از شهر، عناصر آن قابل جذب و رهبران عملیات هوایی، با پرسنل و اماکن آن آشنایی داشته باشند. به این ترتیب پایگاه هوایی شهید نوژه برای شروع کودتا انتخاب شد.

پایگاه هوایی شهید نوژه در ۵۰ کیلومتری شهر همدان و در کنار شهر کبودرآهنگ، دور دسترس مردم قرار داشت و تیمسار محقق، تیمسار سعید مهدیون، سروان حمید نعمتی، سروان ایرج ایران نژاد و چند تن دیگر از سران کودتا در آنجا خدمت کرده بودند و اماکن و پرسنل پایگاه را می‌شناختند.

این پایگاه قبل از انقلاب به نام «پایگاه شاهرخی» خوانده می‌شد و بعد از انقلاب مدت کوتاهی به «پایگاه حر» نام گرفت، به دنبال شهادت سرهنگ دوم خلبان محمد نوژه از خلبانان فداکار این پایگاه، که در پاسخگویی به فرمان حضرت امام خمینی (ره) برای کمک رسانی به شهید چمران و جلوگیری از سقوط پناه در تاریخ ۲۵/۵/۵۸ به شهادت رسید نام این پایگاه به پایگاه هوایی شهید نوژه تغییر کرد.

* ترکیب کودتاگران

برای تصرف پایگاه نوژه به عنوان کلید عملیات کودتا قرار بود ۱۲ تیم مرکب از یکصد تن از کلاه سبزیهای تیپ نوهده، ۳۰۰ تا ۴۰۰ نفر از فریب خوردگان ایل بختیاری و ۱۲ نفر راهنما از داخل پایگاه به فرماندهی سرگرد کوروش آذرتاش (فرمانده تیپ ۲۳ نوهده پیش از انقلاب) جهت تصرف پایگاه نوژه وارد عمل شوند. طبق نقشه پس از تصرف پایگاه تیمسار محقق برای رهبری عملیات هوایی در اتاق فرماندهی مستقر می‌شد و همزمان سروان حمید نعمتی، سروان محمد ملک، سروان کیومرث آبتین و سروان فرخزاد جهانگیری که هر کدام فرمانده یک تیم بودند اولین اسکادران هوایی را به پرواز در می‌آوردند. این اسکادران شامل ۱۶ هواپیما از ۵۳ فروند هواپیمای مجهز به سلاح سنگین بود که برای عملیات در نظر گرفته شده بود. در طرح کودتا، عملیات هوایی نقش محوری داشت بنابراین هواپیماها باید مسلح به سلاح سنگین و آماده پرواز می‌شدند.

* چگونگی شروع کودتا

سروان کودتا با ارتش بعثی عراق هماهنگ کردند - آن زمان جنگ تحمیلی هنوز آغاز نشده بود اما بین ایران و عراق خصومت وجود داشت - که در روز ۱۹ تیر ۱۳۵۹ و در ساعت مقرر وارد حریم هوایی منطقه شوند و در پی عملیات هوایی عراق، آژیر قرمز پایگاه که رمز شروع کودتا بود به صدا درآید و پرسنل هواپیماها را مسلح و آماده پرواز کنند، به طور همزمان خلبانان وابسته به کودتا در ظاهر برای حرکت به سمت مرزها و پاسخ به ارتش عراق و در واقع برای حرکت به سوی تهران و بمباران اهداف از پیش تعیین شده پرواز کنند.

* اهداف بمباران

با رسیدن هواپیماها به تهران قرار بود بیت حضرت امام (ره)، فرودگاه مهرآباد، دفتر نخست وزیری، ستاد مرکزی سپاه پاسداران، ستاد مرکزی کمیته‌های انقلاب، پادگان ولی عصر (عج)، پادگان امام حسین (ع) و چند نقطه مهم دیگر بمباران شود. پس از بمباران‌های هوایی، هواپیماها باشکستن دیوار صوتی به نیروی زمینی علامت می‌دادند که مرحله دوم کودتا را آغاز کند.

در این مرحله باید صدا و سیما، فرودگاه مهرآباد، ستاد ارتش جمهوری اسلامی، پادگان حر، پادگان قصر و پادگان جمشیدیه تسخیر شود و در سطح شهر تهران با اعمال خشونت و ارباب حالت نظامی ایجاد شود، طبق برنامه اگر نیروی زمینی موفق نمی‌شد صدا و سیما را تسخیر کند، هواپیماها آنجا را بمباران می‌کردند.

*افشای کودتا

۳ روز مانده به موعد کودتا یکی از خلبانان که برای همکاری انتخاب شده بود، در تهران با سروان حمید نعمتی ملاقات می‌کند، حمید نعمتی به او می‌گوید مأموریت تو بمباران بیت امام (ره) است و ما می‌توانیم تا ۵ میلیون نفر را بکشیم.

گویا شگرد حمید نعمتی این بود که در نخستین دیدار توجیهی کودتا به خلبانان عضوگیری شده چنین جمله‌ای را می‌گفت تا از میزان آمادگی آنها برای شرکت در کودتا و کشتار میلیونی مردم اطلاع یابد.

خلبان یاد شده در مقابل نوع مأموریت و وسعت کشتار مردم غافلگیر و مردد شد، اما به دلیل ترس از سران کودتا نمی‌دانست چه باید کند.

وی پس از خروج از خانه حمید نعمتی، تشویش و نگرانی بر او مسلط شده و می‌خواست موضوع را با کسی در میان بگذارد. آن شب در خانه موضوع کودتا را به برادر و مادرش در میان می‌گذارد و مادر که به شدت ناراحت شده بود پاسخ داد: تو نه تنها نباید این کار را بکنی، بلکه باید به انقلابیون خبر دهی و جلوی این کار را بگیری که اگر غیر از این باشد شیرم حلال نیست. این سخن مادر موجب شد در نخستین دقایق بامداد چهارشنبه خلبان یاد شده تصمیم خود را بگیرد و با پذیرش احتمال کشته شدن توسط سران کودتا، ماجرای کودتا را افشا کند. او از خانه خارج می‌شود و پس از پرس و جوها و دوندگی‌های مختلف، حدود اذان صبح منزل حضرت آیت‌الله خامنه‌ای را یافته و خود را به آنجا می‌رساند.

مقام معظم رهبری این واقعه را چنین تعریف می‌کنند: شبی حدود اذان صبح دیدم که در منزل ما را به شدت می‌زنند، من رفتم دیدم می‌گویند یک ارتشی آمده و با شما کار واجب دارد، دیدم یک نفر تکیه داده به دیوار، با حال کسل و آشفته و خسته سرش را فرو برده، گفتم شما با من کار دارید، بلند شد و گفت: بله گفتم: چکار دارید، گفت: کار واجبی دارم و فقط به

خودتان می گویم... من به حرفش حساس شدم... احتمال این بود که سوءنیتی داشته باشد اما دیدم نمی شود به حرفش گوش نداد... یک جایی گوشه حیاط نشستیم... آثار بیخوابی و خیابانگردی و خستگی و هیجان در او پیدا بود. خلاصه آنچه گفت این بود که در پایگاه همدان اجتماعی تشکیل شده و تصمیمی بر کودتایی گرفته و پولهایی به افراد زیادی داده اند، به خود من هم پول داده اند... قرار است جماران و چند جای دیگر را بمباران کنیم پرسیدم: کی قرار است این کودتا انجام شود، گفت: امشب. من دیدم مسئله خیلی جدی است و باید آن را پیگیری کنیم، در این بین این احتمال را می دادم که یک سیاست باشد و بخواهند ما را سرگرم کنند، اما در عین حال اصل قضیه آنقدر مهم بود که با وجود این احتمالات، لازم بود آن را پیگیری کنیم.

*افشاگری دومین نفر

چند ساعت پس از افشای کودتا به وسیله خلبان یاد شده، یکی از درجه داران تیپ ۲۳ نوهده نیز به کمیته مستقر در اداره دوم ستاد مشترک مراجعه می کند و پس از افشای کودتا و اعتراف به اینکه قرار است به همراه عده ای دیگر در براندازی جمهوری اسلامی شرکت کند، یک پاکت حاوی بخشی از طرح عملیات کودتا را در اختیار کمیته فوق قرار می دهد، به این ترتیب به فاصله چند ساعت از سوی ۲ عنصر جذب شده به کودتا، اقدام به ضد کودتا تبدیل می شود و انقلاب در برابر خطری که در چند قدمی اش کمین کرده بود آگاه می شود. این ضد کودتا، گرچه به وسیله ۲ فرد که از اقدام یکدیگر بی اطلاع بودند صورت گرفت اما عمل این ۲ نفر در واقع ترجمان اراده یک ملت انقلابی برای دفاع از انقلابشان بود.

*آغاز عملیات خنثی سازی

از همان زمان که احتمال وقوع کودتا احساس شده بود، ستادی مرکب از واحدهای اطلاعات سپاه همدان، گروه مهندسی سپاه همدان، انجمن اسلامی نیروی هوایی، تعدادی از پرسنل مؤمن نیروی زمینی و تیپ نوهده به نام «ستاد خنثی سازی کودتا» تشکیل شد، اما این ستاد اطلاعات مؤثر و دقیقی از کودتا در اختیار نداشت، ولی اطلاعات با افشای کودتا توسط خلبان یاد شده و تا حدود کمتری توسط درجه دار تیپ ۲۳ نوهده، در اختیار ستاد خنثی سازی کودتا قرار گرفت و عملاً از عملیات کودتا، توسط این ۲ نفر آگاه شدند.

با جمع بندی اطلاعات و تکمیل آن و با اطلاعاتی که از قبل جمع آوری شده بود عملیات مقابله با کودتای قریب الوقوع، به سرعت در دو محور پارک لاله و پایگاه شهید نوژه طرح ریزی شد.

پارک لاله محل تجمع ۴۰ تن از خلبانانی بود که قرار بود با اتوبوس به پایگاه هوایی نوژه می‌رفتند و به دیگر خلبانان کودتا می‌پیوستند.

عمده نیروهای به کار گرفته شده برای خنثی سازی کودتا، در پایگاه شهید نوژه متمرکز شد و عملیات مربوط به پایگاه نوژه در ۲ قسمت داخل و خارج پایگاه به اجرا گذاشته شد.

به این ترتیب همزمان با شروع کودتا، نیروهای انقلاب متشکل از برادران سپاهی و پرسنل متعهد و فداکار نیروی هوایی، وارد عمل شدند و آنچنان درسی به خائنان و اربابان مستکبرشان دادند که برای همیشه در تاریخ انقلاب خواهد درخشید.

منبع: خبرگزاری فارس؛ برگرفته از اسناد تاریخ شفاهی انقلاب، بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس استان همدان کتاب کودتای نوژه نوشته محمدی ری شهری، موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.

سخن پایانی

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

امیدوارم کتاب پیشروی شما اطلاعات خوبی را در اختیارتان گذاشته باشد. البته برای درک بهتر این واقعه تاریخی باید این کتاب را به دقت بخوانید و در مورد مطالب ذکر شده تحقیق کنید تا بهتر متوجه زاوایای این حادثه تاریخی شوید.

امیر قربانی

بیست و ششم آذرماه یکهزار و سیصد و نود و دو

